

جهاد با نفس

تالیف: شیخ حر عاملی قدس سره

مترجم: علی افراسیابی

مقدمه

(ابواب جهاد النفس و ما یناسبه)

(بابهای جهاد با نفس و آنچه مناسب با این موضوع است).

۱ - باب وجوبه

۱ - باب وجوب با نفس

۲ - باب الفروض علی الجوارح وجوب القیام بها

۲ - باب آنچه که بر هر عضوی از اعضای آدمی واجب گشته و وجوب قیام نمودن برای ادای آن واجبات

۳ - باب جمله مما ینبغی القیام به من الحقوق الواجبه و المندوبه

۳ - باب حقوق واجب و مستحبی که قیام به آنها سزاوار است

۴ - باب استحباب ملازمه الصفات الحمیده و استغمالها و ذکر نبذه منها

۴ - باب استحباب کسب صفات پسندیده و به کاربردن آنها و ذکر تعدادی از آنها

۵ - باب استحباب التفکر فیما یوجب الاعتبار والعمل

۵ - باب استحباب تفکر نمودن در چیزهایی که موجب عبرت و عمل است

۶ - باب استحباب التخلق بکمکارم الاخلاق و ذکر جمله منها

۶ - باب استحباب یافتن اخلاق نیکو و ذکر تعدادی از اخلاق نیکو

۷ - باب وجوب الیقین بالله فی الرزق و العمر و النفع و الضر

۷ - باب وجوب یقین داشتن به خداوند در رساندن روزی و عمر و نفع ضرر

۸ - باب وجوب طاعه العقل و مخالفه الجهل

۸ - باب وجوب فرمانبرداری از عقل و مخالفت نمودن باجهل و نادانی

۹ - باب وجوب غلبه العقل علی الشهوه و تخریم العکس

۹ - باب وجوب غلبه عقل بر شهوت و حرمت غلبه شهوت بر عقل

۱۰ - باب وجوب الاعتصام بالله

۱۰ - باب وجوب چنگ زدن به ریسمان الهی

۱۱ - باب وجوب التوکل علی الله و التفویض الیه

۱۱ - باب وجوب توکل بر خدا و سپردن امور به سوی او

۱۲ - باب عدم جواز تعلق الرجاء و الامل بغير الله

۱۲ - باب عدم جواز امید و آرزو داشتن به غیر خدا

۱۳ - باب وجوب الجمع بین الخوف و الرجاء والعمل لما یزجو و یخاف

۱۳ - باب وجوب جمع بین خوف و رجا و عمل کردن برای آنچه که به آن امید یا بیم از آن دارد

۱۴ - باب وجوب الخوف من الله

۱۴ - باب وجوب ترس از خدا

۱۵ - باب استحباب کثره البکا من خشیه الله

۱۵ - باب استحباب زیاد گریستن از خوف خدا

۱۶ - باب وجوب حسن الظن بالله و تحریم سوء الظن به

۱۶ - باب وجوب حسن ظن به خداوند و تحریم بدگمانی نسبت به خدا

۱۷ - باب استحباب دم النفس و تادیبها و مقتها

۱۷ - باب استحباب نکوهش نمودن نفس و ادب کردن و دشمن داشتن نفس

۱۸ - باب وجوب طاعه الله

۱۸ - باب وجوب فرمانبرداری از خداوند

۱۹ - باب وجوب الصبر علی طاعه الله و الصبر عن معصیه

۱۹ - باب وجوب صبر نمودن بر طاعت خدا و صبر نمودن در برابر معصیت خداوند

۲۰ - باب وجوب تقوی الله

۲۰ - باب وجوب رعایت تقوای الهی

- ۲۱ - باب وجوب الورع
- ۲۱ - باب وجوب پارسایی
- ۲۲ - باب وجوب العفه
- ۲۲ - باب وجوب پاکدامنی
- ۲۳ - باب وجوب اجتناب المحارم
- ۲۳ - باب وجوب خودداری از حرامها
- ۲۴ - باب وجوب اداء الفرائض
- ۲۴ - باب وجوب ادای واجبات
- ۲۵ - باب استحباب الصبر فی جميع الامور
- ۲۵ - باب استحباب صبر در تمامی کارها
- ۲۶ - باب استحباب الحلم
- ۲۶ - باب استحباب بردباری
- ۲۷ - باب استحباب الرفق فی الامور
- ۲۷ - باب استحباب مدارا نمودن در کارها
- ۲۸ - باب استحباب التواضع
- ۲۸ - باب استحباب فروتنی نمودن
- ۲۹ - باب استحباب التواضع عند تجدد النعمه
- ۲۹ - باب استحباب تواضع در هنگامی که نعمتی جدید برای آدمی حاصل می شود
- ۳۰ - باب تاكد استحباب التواضع للعالم و المتعلم
- ۳۰ - باب تاکید بر استحباب تواضع برای دانشمند و دانش آموز
- ۳۱ - باب استحباب التواضع فی الماکل و المشرب و نخوهما
- ۳۱ - باب استحباب تواضع در خوردن و نوشیدن و مانند اینها
- ۳۲ - باب وجوب ایثار رضا الله علی هوی النفس و تحریم العکس

۳۲ - باب وجوب برگزیدن رضای الهی بر خواهش نفسانی و تحریم پیروی از هوای نفس

۳۳ - باب وجوب تدبر العاقبه قبل العمل

۳۳ - باب وجوب عاقبت اندیشی پیش از عمل

۳۴ - باب وجوب انصاف الناس ولو من النفس

۳۴ - باب وجوب به انصاف رفتار کردن با مردمان اگر چه بر ضرر خود باشد

۳۵ - باب انه يجب على المومن ان يحب للمومنين ما يحب لنفسه و ويكره لهم ما يكره لها

۳۵ - باب بر مومن واجب است آنچه را برای خود دوست می دارد برای مومنین دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی

پسندد برای آنان نخواهد

۳۶ - باب استحباب اشتغال الانسان بعبه نفسه عن عيب الناس

۳۶ - باب استحباب اینکه آدمی به جای اینکه به عیبجویی از دیگران پردازد به عیب خود مشغول باشد

۳۷ - باب وجوب العدل

۳۷ - باب وجوب عدالت

۳۸ - باب انه لا يجوز لمن وصف عدلا ان يخالفه الى غيره

۳۸ - باب بر کسی که درستی را می ستاید جایز نیست که در مورد دیگری خلاف آن را عمل کند

۳۹ - باب وجوب اصلاح النفس عند ميلها الى الشر

۳۹ - باب وجوب اصلاح نمودن نفس در زمانی که به شر میل پیدا می کند

۴۰ - باب وجوب اجتناب الخطايا و الذنوب

۴۰ - باب وجوب دوری نمودن از لغزشها و گناهان

۴۱ - باب وجوب اجتناب المعاصي

۴۱ - باب وجوب خودداری نمودن از گناهان

۴۲ - باب وجوب اجتناب الشهوات و اللذات المحرمه

۴۲ - باب وجوب خودداری کردن از شهوات و لذتهای حرام

۴۳ - باب وجوب اجتناب المحقرات من الذنوب

۴۳ - باب وجوب خودداری کردن از گناهانی که کوچک شمرده می شوند

۴۴ - باب تحریم کفران نعمه الله

۴۴ - باب تحریم ناسپاسی در برابر نعمت خداوند

۴۵ - باب وجوب اجتناب الكبائر

۴۵ - باب وجوب خودداری کردن از گناهان کبیره

۴۶ - باب تعیین الكبائر التي يجب اجتنابها

۴۶ - باب معین نمودن گناهان کبیره ای که دوری از آنها واجب است

۴۷ - باب صحه التوبه من الكبائر

۴۷ - باب صحیح بودن توبه از گناهان کبیره

۴۸ - باب تحریم الاصرار على الذنب و وجوب المبادره بالتوبه و الاستغفار

۴۸ - باب تحریم پافشاری نمودن بر گناه و وجوب مبادرت نمودن به توبه و استغفار

۴۹ - باب جمله مما ینبغی تز که من الخصال المحرمه و المکروهه

۴۹ - باب تعدادی از خصلتهای حرام و مکروه که سزاوار است ترک شوند

۵۰ - باب تحریم طلب الرئاسة مع عدم الوثوق بالعدل

۵۰ - باب تحریم ریاست طلبی زمانی که به عدالت خود اطمینان نداشته باشی

۵۱ - باب استحباب لزوم المنزل غالبا مع التیان بحقوق الاخوان لمن یشق علیه اجتناب مفسد العشره

۵۱ - باب استحباب اینکه کسی که دوری از مفسد معاشرت با دیگران برای او دشوار است غالبا در خانه خود به حقوق

برادران دینی رسیدگی کند

۵۲ - باب تحریم اختتال الدنيا بالدین

۵۲ - باب حرام بودن فریفتن (مردمان) دنیا به وسیله دین

۵۳ - باب وجوب تسکین الغضب عن فعل الحرام و ما یسکن به

۵۳ - باب وجوب آرام نمودن قوه غضب از اینکه موجب ارتکاب حرام شود و بیان آنچه که غضب را بر طرف می کند

۵۴ - باب وجوب ذکر الله عند الغضب

- ۵۴ - باب وجوب یاد کردن خداوند در هنگام خشم
- ۵۵ - باب تحریم الحسد و وجوب الجتنابه دون الغبطه
- ۵۵ - باب حرام بودن حسد و وجوب دوری از حسد و عدم حرمت غبطه
- ۵۶ - باب جمله مما عفی عنه
- ۵۶ - باب برخی از خصلتهایی که مورد عفو و بخشش قرار گرفته اند
- ۵۷ - باب تحریم التعصب علی غیر الحق
- ۵۷ - باب حرمت تعصب ورزیدن درباره امور ناحق
- ۵۸ - باب تحریم التكبر
- ۵۸ - باب تحریم خود بزرگ بینی
- ۵۹ - باب تحریم التجبر و التیه و الاختیال
- ۵۹ - باب حرام بودن تکبر و لاف زدن و بزرگ منشی
- ۶۰ - باب حد التكبر و التجبر المحرمین
- ۶۰ - باب حد تکبر و بزرگ منشی حرام
- ۶۱ - باب تحریم حب الدنیا المحرمه و وجوب بعضها
- ۶۱ - باب تحریم دوستی دنیا و وجوب دشمن داشتن دنیا
- ۶۲ - باب استحباب الزهد فی الدنیا و حد الزهد
- ۶۲ - باب استحباب زاهدانه زندگی کردن در دنیا و حد زهد
- ۶۳ - باب استحباب ترک ما زاد عن قدر الضروره من الدنیا
- ۶۳ - باب استحباب ترک نمودن آنچه از دنیا که بیش از اندازه ضرورت است
- ۶۵ - باب کراهه حب المال و الشرف
- ۶۵ - باب کراهت دوستی دارایی و ارجمندی
- ۶۶ - باب کراهه الضجر و الکسل
- ۶۶ - باب کراهت بی قراری نمودن و سستی کردن

- ۶۷ - باب کراهه الطمع
- ۶۷ - باب کراهت طمع ورزیدن
- ۶۸ - باب کراهه الخرق
- ۶۸ - باب کراهت درشتی کردن (ناسازگاری)
- ۶۹ - باب تحريم اساءه الخلق
- ۶۹ - باب تحريم بد اخلاقی
- ۷۰ - باب تحريم السفه و کون الانسان ممن يتقى شره
- ۷۰ - باب تحريم نادانی کردن و اینکه آدمی از کسانی باشد که از بدی او پرهیز می شود
- ۷۱ - باب تحريم الفحش و وجوب حفظ الانسان
- ۷۱ - باب تحريم بد زبانی و وجوب حفظ نمودن زبان
- ۷۲ - باب تحريم البداء و عدم المبالاه بالقول
- ۷۲ - باب تحريم هرزه گویی و بدون مبالات سخن گفتن
- ۷۳ - باب تحريم القذف حتى للمشرك مع عدم الاطلاع
- ۷۳ - باب تحريم بدون اطلاع نسبت زنا دادن حتی به مشرک
- ۷۴ - باب تحريم البغی
- ۷۴ - باب تحريم تعدی و تجاوز
- ۷۵ - باب کراهه الافتخار
- ۷۵ - باب کراهت به خود بالیدن و مباحات کردن
- ۷۶ - باب تحريم قسوه القلب
- ۷۶ - باب تحريم قساوت قلب
- ۷۷ - باب تحريم الظلم
- ۷۷ - باب تحريم ظلم
- ۷۸ - باب وجوب رد المظالم الی اهلها و اشتراط ذلك فی التوبه منها فان عجز الاستغفر الله للمظلوم

- ۷۸ - باب وجوب اصلاح نمودن و بازگرداندن دادخواهی ها به سوی صاحبان آنها و اینکه در توبه ، بازگرداندن حق شرط است و در صورتی که ستم کننده از این کار عاجز بود باید برای ستمدیده طلب مغفرت کند
- ۷۹ - باب اشتراط توبه من اضل الناس برده لهم الى الحق
- ۷۹ - باب مشروط بوده توبه کسی که مردمان را گمراه نموده به اینکه آنان را به سوی حق بازگرداند
- ۸۰ - باب تحريم الرضا بالظلم و المعونه للظالم و اقامه عذره
- ۸۰ - باب تحريم راضی بودن به ظلم و یاری کردن ستمگر و عذرآوردن و توجیه کردن ظلم او
- ۸۱ - باب تحريم اتباع الهوى الذى يخالف الشرع
- ۸۱ - باب تحريم پیروی کردن از آن خواهش نفسانی که مخالف شرع است
- ۸۲ - باب وجوب اعتراف المذنب لله بالذنوب و استحقاق العقاب
- باب وجوب اقرار نمودن و اعتراف کردن شخص گناهکار در پیشگاه خداوند به گناهان خویش و به اینکه مستحق کیفر است
- ۸۳ - باب وجوب الندم على الذنوب
- ۸۳ - باب وجوب پشیمانی بر گناهان
- ۸۴ - باب وجوب ستر الذنوب و تحريم التظاهر بها
- ۸۴ - باب وجوب پنهان کردن گناهان و تحريم آشکارا گناه کردن
- ۸۶ - باب وجوب التوبه من جميع الذنوب و العزم على ترك العود ابدا
- ۸۶ - باب وجوب توبه نمودن از همه گناهان و تصمیم بر اینکه هرگز به گناه باز نگردد
- ۸۷ - باب وجوب اخلاص التوبه و شروطها
- ۸۷ - باب وجوب خالص بودن توبه و شرایط آن
- ۸۸ - باب استحباب صوم الاربعاء و الخميس و الجمع للذنبه و استحباب الغسل و الصلاه لها
- ۸۸ - باب استحباب روزه گرفتن روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه و همچنین استحباب غسل و نماز برای توبه
- ۸۹ - باب جواز تجديد التوبه و صحتها مع الاتيان بشرائطها و ان تكرر نقضها
- ۸۹ - باب جواز دوباره توبه کردن و صحت این توبه در صورتی که شرایط آن را به جای آورد اگر چه شکستن آن توبه تکرار

۹۰ - باب استحباب تذکر الذنب و الاستغفار منه كلما ذکره

۹۰ - باب استحباب یادآوری گناه و استغفار نمودن از آن هر گاه آن را به یاد آورد

۹۱ - باب استحباب انتهاز فرص الخیر و المبادره به عند الامکان

۹۱ - باب استحباب غنیمت شمردن فرصتهای خیر و اینکه در صورت امکان از فرصتهای خیر استفاده شود

۹۲ - باب استحباب تکرار التوبه و الاستغفار کل یوم و ليله من غیر ذنب و وجوبه مع الذنب

۹۲ - باب استحباب تکرار توبه و استغفار در هر روز و شب بدون اینکه گناهی صورت گرفته باشد و وجوب توبه و استغفار در

صورتی که گناهی انجام شده باشد

۹۳ - باب صحه التوبه فی آخر العمر و لو عند بلوغ النفس الخلقوم قبل المعاینه و کذا الاسلام

۹۳ - باب صحیح بودن توبه در پایان عمر اگر چه هنگامی باشد که جان به گلو رسیده باشد پیش از اینکه مرگ را به چشم

ببیند و همچنین است اسلام آوردن

۹۴ - باب استحباب الاستغفار فی السحر

۹۴ - باب استحباب استغفار نمودن در وقت سحر

۹۵ - باب انه يجب علی الانسان ان يتلافی فی یومه ما فرط فی امسه و لایوخر ذلک الی غده

۹۵ - باب اینکه بر انسان واجب است که در روز آنچه را که در روز گذشته درباره آن کوتاهی کرده است تلافی کند و این

کار را به فردا موکول نکند

۹۶ - باب وجوب محاسبه النفس کل یوم و ملاحظتها و حمد الله علی الحسنات و تدارک السيئات

۹۶ - باب وجوب محاسبه و ملاحظه نفس در هر روز و حمد نمودن خداوند بر نیکی ها و جبران نمودن بدیها

۹۷ - باب وجوب زیاده التحفظ عند زیاده العمر خصوصا ابنا، الاربعین فصاعدا

۹۷ - باب وجوب هوشیاری و پرهیز بسیار هنگام زیاد شدن سن خصوصا کسانی که به چهل سال یا بیشتر رسیده اند

۹۸ - باب وجوب عمل الحسنه بعد السینه

۹۸ - باب وجوب انجام کار نیک پس از ارتکاب گناه

ترجمه :

۹۹ - باب صحه التوبه من المرتد

۹۹ - باب صحیح بودن توبه شخص مرتد

۱۰۰ - باب وجوب الاستغال بصلاح الاعمال عنالاهل و المال

۱۰۰ - باب وجوب مشغول بودن به کارهای شایسته به جای اینکه همواره به زن و فرزند و مال پردازد

۱۰۱ - باب وجوب الحذر من عرض العمل علی الله و رسوله و الائمه علیه السلام

۱۰۱ - باب وجوب پرهیز نمودن و ترسیدن از عرضه شدن عمل بر خدا و رسول و ائمه علیه السلام

مقدمه

به نام خدا

کتاب (جهاد النفس) مجموعه گرانسنگ حدیثی (وسائل الشیعه) در نزد عالمان اخلاق از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است و آن پاک نهادان همواره تشنه کامان اخلاق اسلامی و سالکان طریق را به خواندن و عمل کردن به این کتاب شریف سفارش می نموده اند، این امر ما را بر آن داشت تا به ترجمه این کتاب که به حق (زنده کننده دلها) و (شناساننده راه نیکبختی) است همت گماریم.

ویژگیهای این اثر

۱- از آنجا که این ترجمه برای استفاده عموم است از ذکر سلسله سند احادیث که مورد اعتنا و توجه خواص است، خودداری گردیده است.

۲- احادیث با دقت فراوان اعراب گذاری و به صورت مسلسل شماره گذاری شده است.

۳- احادیث در یک طرف و در طرف مقابل دقیقاً ترجمه هر یک آورده شده به گونه ای که به ندرت ترجمه کلمه ای از حدیثی در صفحه بعد جای گرفته است.

۴- هیچ یک از احادیث کتاب حذف یا تقطیع نگردیده است و تنها در یک مورد از ذکر حدیثی که در همان باب از یک معصوم دوبار تکرار گردیده است خودداری شده است.

۵- آیاتی که در ضمن احادیث آورده شده با قلمی متمایز مشخص گردیده و نشانی هر آیه در زیر صفحه ذکر شده است.

به امید آنکه این ترجمه مایه روشنی چشم دوستداران اهل بیت علیه السلام و شناخت بیشتر راه و تصحیح اعمال گردد، پدر و مادر مترجم را از دعای خیر فراموش نفرمایید.

غرض نقشی است که کز ما جای ماند

که هستی را نمی بینم بقایی

مگر صاحب‌دلی روزی ز رحمت

کند در حق درویشان دعایی

قم ، بهار ۱۳۸۰

علی افراسیابی

(ابواب جهاد النفس و ما یناسبه)

(بابهای جهاد با نفس و آنچه مناسب با این موضوع است).

۱ - باب وجوبه

۱ - باب وجوب با نفس

حدیث :

۱ - عن ابی عبد الله علیه السلام : ان النبی صلی الله علیه و آله : بعث سربیه فلما رجعوا قال مرحبا بقوم قضاوا الجهاد الا صغر

و بقی علیهم الجهاد الا کبر. فقیل یا رسول الله : ما الجهاد الا کبر؟ قال : جهاد النفس .

ترجمه :

۱ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عده ای را به جنگ فرستاد، چون از

جنگ بازگشتند فرمود: آفرین به گروهی که پیکار کوچکتر را سپری کردند و پیکار بزرگتر بر عهده آنان به جای مانده است ،

گفته شد: ای فرستاده خدا پیکار بزرگتر چیست ؟ فرمود پیکار با نفس .

حدیث :

۲ - قال ابو عبدالله عليه السلام : احمل نفسک لنفسک فان لم تفعل لم یحملك غیرک .

ترجمه :

۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: نفست را به خاطر خودت به زحمت و مشقت بیانداز زیرا اگر چنین نکنی دیگری خودش را برای تو به زحمت نمی افکند.

حدیث :

۳ - قال ابو عبدالله عليه السلام لرجل : انک قد جعلت طیب نفسک و بین لک الداء و عرفت آیه الصحه و دلت علی الداء فانظر کیف قیامک علی نفسک .

ترجمه :

۳ - امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: تو طیب خود هستی و بیماری برای تو روشن و آشکار گردیده است و نشانه تندرستی و سلامت را دانسته ای و بر داروی دردت نیز راهنمایی شده ای ، پس بنگر که چگونه به کار نفس خویش می پردازی .

حدیث :

۴ - قال ابو عبدالله عليه السلام لرجل : اجعل قلبک قرینا برا و ولدا و اصلا و اجعل علمک و الدا تتبعه و اجعل نفسک عدوا تجاهده و اجعل مالک عاریه تردها.

ترجمه :

۴ - امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: قلبت را (برای خودت) به مثابه همدمی مهربان و به منزله فرزندی که با تو دوستی خالصانه دارد قرار ده و دانشت را همچون پدری که از او پیروی می کنی و نفست را همانند دشمنی که با او به پیکار برخاسته ای و مال و دارایی ات را امانت و عاریتی بدان که آن را (باید به صاحبش) برگردانی .

حدیث :

۵ - قال و من الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله : الشدید من غلب نفسه .

ترجمه :

۵ - از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: توانمند کسی است که بر نفس خویش چیره شده باشد.

حدیث :

۶ - قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : من لم یکن له واعظ من قلبه و زاجر من نفسه و لم یکن له قرین مرشد استمکن عدوه من عنقه .

ترجمه :

۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که اندرز دهنده ای از درون قلب خود و باز دارنده ای از درون جان خود نداشته باشد و همدمی ارشادگر با او نباشد دشمنش (که همان هوای نفس و شیطان است) برگردن او چیره می گردد.

حدیث :

۷ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی قال : یا علی افضل الجهاد من اصبح لایهم بظلم احد.

ترجمه :

۷ - از امام صادق علیه السلام و از پدرانش - که بر همگی درود باد - روایت است که فرمود: در سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی آمده است که فرمود: ای علی! برترین جهاد آن است که کسی صبح کند در حالی که تصمیم ستم نمودن به احدی را نداشته باشد.

حدیث :

۸ - عن الصادق علیه السلام قال : من ملک نفسه اذا رغب و اذا رهب و اذا اشتهی و اذا غضب و اذا رضی حرم الله جسده علی النار.

ترجمه :

۸ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: کسی که در هنگام فریفته شدن به چیزی و هنگام ترس و زمانی که میل به چیزی پیدا می کند و یا خشمگین و یا خوشنود می گردد مالک نفس خویش باشد (خو را نگاه دارد) خداوند بدن او را بر آتش حرام می گرداند.

حدیث :

۹ - عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : ان رسول الله صلى الله عليه و آله بعث سريه فلما رجعوا قال مرحبا بقوم قضوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاكبر قيل يا رسول الله و ما الجهاد الاكبر؟ فقال جهاد النفس . و قال صلى الله عليه و آله : ان افضل الجهاد من جاهد نفسه التى بين جنبيه .

ترجمه :

۹ - در روایت دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نقل روایتی شبیه به روایت اول این باب آمده است که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برترین جهاد، جهاد کسی است که با نفس درون خویش مجاهده می کند.

حدیث :

۱۰ - و عنه عليه السلام انه قال : المجاهد من جاهد نفسه .

ترجمه :

۱۰ - و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که فرمود: مجاهد کسی است که با نفس خویش مجاهده و مبارزه کند.

۲ - باب الفروض على الجوارح وجوب القيام بها

۲ - باب آنچه که بر هر عضوی از اعضای آدمی واجب گشته و وجوب قیام نمودن برای ادای آن واجبات

حدیث :

۱۱ - عن ابى عبدالله عليه السلام (فى حديث طويل) قال : ان الله فرض الايمان على جوارح ابن آدم و قسمه عليها و فرقه

فيها فليس من جوارحه جارحه الا و قد وكلت من الايمان بغير ما وكلت به اختها - الى ان قال - فاما ما فرض على القلب

من الايمان فالأقرار و المعرفة و العقد و الرضا و التسليم بان لا اله الا الله وحده لا شريك له الهما و احدا لم يتخذ صاحبه و لا

ولدا و ان محمدا عبده و رسوله صلى الله عليه و آله الاقرار بما جاء من عند الله من نبى او كتاب فذلك ما فرض الله على

القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو قول الله عزوجل (الا من اكره و قلبه مطمئن بالايمان) و قال الا بذكر الله

تطمئن القلوب و قال الذين قالوا امنا بافواههم و لم تومن قلوبهم و قال و ان بتدوا ما فى انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله

فيغفر لمن يشاء و يعذب من يشاء فذلك ما فرض الله على القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو راس الايمان و فرض

الله على القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو راس الايمان و فرض الله على اللسان القول و التعبير عن القلب بما عقد

عليه و اقربه قال الله تبارك و تعالى اسمه . و قولوا للناس حسنا و قال قولوا آمنا بالذى انزل الينا و انزل اليكم و الهنا و الهكم

واحد و نحن له مسلمون فهذا ما فرض الله على اللسان و هو عمله و فرض على السمع ان يتنزه عن الاستماع الى ما حرم

الله و ان يعرض عما لا يحل له مما نهى الله عزوجل عنه و الاصغاء الى ما اسخط الله عزوجل فى ذلك و قد نزل عليكم فى الكتاب ان اذا سمعتم آيات الله يكفربها و يستهزا بها فلا تقعدوا معهم حتى يخوضوا فى حديث غيره ثم استثنى موضع النسيان فقال و اما ينسينك الشيطان فلا تقعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين و قال فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هذا هم الله و اولئك هم اولوا الالباب و قال تعالى قد افلح المومنون الذين هم فى صلاتهم خاشعون و الذين هم عن اللغو معرضون و الذين هم للزكاه فاعلون و قال و اذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه و قال و اذا مروا باللغو مروا كراما فهذا ما فرض الله على السمع من الايمان ان لا يصغى الى ما لا يحل له و هو عمله و هو من الايمان و فرض على البصر ان لا ينظر الى ما حرم الله عليه و ان يعرض عما نهى الله عنه مما لا يحل له و هو عمله و هو من الايمان فقال تبارك و تعالى : (قل للمومنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم) ان ينظروا الى عوارتهم و ان ينظر المرء الى فرج اخيه و يحفظ فرجه ان ينشر اليه و قال : (قل للمومنات يغضن من ابصارهن و يحفظن فروجهن) من ان تنظر احدا هن الى فرج اختها و تحفظ فرجها من ان ينظر اليها و قال : كل شىء فى القرآن من حفظ الفرج فهو من الزنا الا هذه الآيه فانها من النظر ثم نظم ما فرض على القلب و البصر و اللسان فى آيه اخرى فقال : (و ما كنتم تستترون ان يشهد عليكم سمعكم و لا ابصاركم و لاجلودكم) يعنى بالجلود الفروج و الافخاذ و قال : (و لا تقف ما ليس لك به علم ان السمع و البصر و الفواد كل اولئك كان عنه مسولا) فهذا ما فرض الله على العينين من غض البصر و هو عملهما و هو من الايمان و فرض على اليدين ان لا يبطش بهما الى ما حرم الله و ان يبطش بهما الى ما امر الله عزوجل و فرض عليهما من الصدقه و صله الرحم و الجهاد فى السبيل الله و الطهور للصلوات فقال تعالى : (يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلاه فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المرافق و امسحوا بروسكم و ارجلكم الى الكعبين) و قال : (فاذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب حتى اذا اثخنتموهم فشدوا الوثاق فاما منا بعد و اما فداء حتى تضع الحرب اوزارها) فهذا ما فرض الله على اليدين لان الضرب من علاجهما و فرض على الرجلين ان لا يمشى بهما اليه شىء من معاصى الله و فرض عليهما المشى الى ما يرضى الله عزوجل فقال : (و لا تمش فى الارض مرحا انك لن تخرق الارض و لن تبلغ الجبال طولا) و قال : (و اقصد فى مشيك و اعضض من صوتك ان انكر الاصوات لصوت الحمير) و قال فيما شهدت به الايدي و الارجل على انفسها و على اربابها من تضييعها لما امر الله به و فرضه عليها: (اليوم نختم على افواههم و تكلمنا ايديهم و تشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون) فهذا ايضا مما فرض الله على اليدين و على الرجلين و هو عملها و هو من الايمان و فرض على الوجه الجسود له بالليل و النهار فى مواقيت الصلاه فقال : (يا ايها الذين آمنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدوا ربكم و افعلوا الخير لعلكم تفلحون) فهذه فريضه جامعه على الوجه و اليدين و الرجلين و قال

فی موضع آخر: (و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا) الی ان قال : فمن لقی الله حافظا لجوارحه موفیا کل جارحه من جوارحه ما فرض الله علیها لقی الله عزوجل مستکملا لایمانه و هو من اهل الجنة و من خان فی شیء منها او تعدی مما امر الله عزوجل فیها لقی الله ناقص الایمان - الی ان قال : - و بتمام الایمان دخل المومنون الجنة و بالنقصان دخل المفراطون النار.

ترجمه :

۱۱ - از امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی روایت است که فرمود: خداوند ایمان را بر تمامی اعضای فرزند آدم واجب ساخت و آن را بر اعضای او تقسیم و در تمامی آنها پخش نمود. پس هیچ عضوی از اعضای وی نیست جز اینکه ایمانی بر عهده او نهاده شده که آن ایمان غیر از ایمانی است که بر عهده عضو دیگر قرار داده شده است . - سخن امام علیه السلام ادامه دارد تا آنجا که می فرماید: اما آن ایمانی که بر قلب واجب گشته ، اقرا نمودن و معرفت یافتن و پیمان بستن و خوشنودی و تسلیم در برابر اینکه هیچ معبودی جز الله نیست او یگانه است و شریکی ندارد معبودی یکتا که مصاحب و فرزندی ندارد و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست ، و اقرار نمودن به هر پیامبری با کتابی از جانب خداوند آمده است و این همان اقرار و معرفتی است که خداوند بر قلب واجب ساخته است و عمل قلب همین است و گفتار خداوند عزوجل که کافران را کاذب می شمرد (مگر کسی که به زور و اجبار اظهار کفر نموده در حالی که دلش به ایمان آرمیده است) (۱) ناظر به همین معنا است .

و فرمود: (هان آگاه باشید که دلها با یاد خدا آرام می گیرد) (۲) و فرمود: (ای پیامبر! اندوهناک مباش از آنانی که دهانهایشان اظهار ایمان می کند ولی دلهاشان ایمان نیاورده است) (۳) و فرمود: (اگر آنچه را که در دروتتان است آشکار یا پنهان کنید می بخشاید و هر که را بخواهد عذاب می کند) (۴) پس این همان اعتراف و معرفتی به منزله سر ایمان است . و خداوند بر زبان ، گفتن و اقرار نمودن به ایمانی را که قلب نیکی را بر آن پیمان بسته است را واجب نمود، خداوند تبارک و تعالی گوید: (و به مردمان نیکی را بگوئید) (۵) و فرمود: (بگوئید ایمان آوردیم به آنکه بر ما و شما فرستاده شد و معبود ما و شما یکی است و ما مطیع فرمانبر او هستیم) (۶) پس این گفتن و اقرار نمودن همان چیزی است که خداوند بر زبان واجب ساخته است و عمل زبان همین است . و خداوند بر گوش واجب ساخت که از گوش فرا دادن به چیزی که خداوند آن را حرام نموده است دوری کند و از شنیدن آنچه که شنیدنش بر او حلال نیست و مورد نهی خداوند عزوجل است خودداری نماید و به آنچه که شنیدنش خدای را خشمگین می کند گوش مسپارد خدای عزوجل در این باره فرموده است : (و به تحقیق در کتاب بر

شما چنین فرستاد که هرگاه شنیدید که به آیات خدا کفر ورزیده می شود و آیات الهی به استهزا گرفته می شود پس با آن کافران منشینید تا اینکه به سخن دیگری پردازند.) (۷) سپس موردی را که مومن از روی فراموشی در چنین مجلسی نشسته است را استثنا نموده و فرمود: (و اگر شیطان فراموش ساخت ، پس از یاد آمدن با چنین گروه ستمکاری منشین) (۸) و فرمود: (پس بشارت ده بندگان مرا آنانی که به سخن گوش فرا می دهند و از سخن نیکوتر پیروی می کنند، اینان کسانی هستند که خداوند آنان را هدایت فرموده و اینان همان خردمندانند) (۹) و فرمود: (به حقیقت که مومنان رستگاران همانها که در نمازشان فروتن و همواره از گفتار و کردار بیهوده گریزانند و زکات مال خویش را می پردازند) (۱۰) و فرمود: (آنان هرگاه بیهوده ای را بشنوند از آن دوری می گیرند) (۱۱) و فرمود: (و هرگاه بر بیهوده ای گذر کنند از کنار آن کریمانه می گذرند) (۱۲) پس این همان ایمانی است که خداوند بر گوش واجب ساخته است که به آنچه که بر او حلال نیست گوش ندهد و عمل گوش همین است و این از ایمان است .

و بر چشم واجب ساخت که به آنچه که خداوند بر او حرام نموده نظر نکند و از دیدن آنچه که دیدنش مورد نهی الهی است خودداری کند و عمل چشم این است و این از ایمان است .

خداوند تبارک و تعالی فرمود: (ای پیامبر! به مومنین بگو که دیدگانشان را از دیدن حرام فرو بندند و عورت‌هایشان را حفظ کنند) (۱۳) یعنی دیدگان خود را از دیدن عورت‌های دیگران حفظ کند و به عورت برادر خود نظر نکند و عورت خود را نیز از دید دیگران محفوظ دارد. و فرمود: (به زنان مومن بگو دیدگان خود را از دیدن حرام بر بندند و عورت‌هایشان را حفظ کنند) (۱۴) یعنی دیدگان خود را نگه دارند از اینکه یکی به عورت دیگری نظر کند و عورت خود را از تیررس دید دیگران دور نگه دارد.

راوی گوید: حضرت فرمود: هر جایی که در قرآن کریم سخن از حفظ نمودن عورت آمده است مراد حفظ نمودن عورت از زنا است مگر این آیه که مراد حفظ نمودن از نظر است ، سپس آنچه را که خداوند بر قلب و دیده و زبان واجب نموده در آیه دیگری به رشته کشیده است و فرموده : (نمی توانید نهان دارید شهادتی را که گوشه‌ایتان و دیدگانتان و پوسته‌ایتان بر علیه شما می دهند) (۱۵) مراد از جلود (پوستها) در این آیه ، عورتها و رانهاست . و فرمود: (از آنچه که به آن علم و آگاهی نداری پیروی مکن زیرا از هر یک از گوش و دیده و دل پرسیده می شود) (۱۶) این آن چیزی است که خداوند بر چشمان واجب ساخته که این فرو بستن چشم از حرام ، عمل چشم است و این از ایمان است . و خداوند بر دو دست واجب ساخت که آدمی با دو دست خود به سوی حرام روی نیاورد و به وسیله آن دو در به جای آوردن دستور الهی بکوشد که خداوند بر آن دو

اموری را واجب ساخته است از قبیل پرداخت صدقه و ارتباط با خویشاوندان و جهاد در راه خدا و تهیه و استعمال طهور برای نمازها، پس فرمود: (ای ایمان آورندگان هرگاه برای نماز بپا خاستید رویها و دستهایتان را تا مرفقها بشوید و مسح بر سر بکشید و پایهایتان را تا بر آمدگی روی پا مسح کنید) (۱۷) و فرمود: (پس هرگاه در میدان کار زار با کافران روبرو شدید گردنهایتان را بزنید تا آنگاه که زمین گیرشان سازید آنگاه بندهای اسیرانشان را محکم ببندید پس در برابر آزادی آنان یا منتی بر آنان می نهدید و یا فدیة از ایشان می ستانید تا زمانی که جنگ بارهای خود را بر زمین نهد) (۱۸) این آن چیزی است که خداوند بر دو دست واجب نموده زیرا زدن کار دستهاست . و خداوند بر دو پا واجب ساخت که به وسیله آن دو به سوی هیچ یک از معاصی نشتابی و واجب کرد که به سوی آنچه که مورد رضایت الهی است گام برداری پس فرمود: (بر روی زمین خرامان و با تکبر گام بردار زیرا تو هرگز نمی توانی زمین را بشکافی و در بلندی به کوهها نخواستی رسید) (۱۹) و فرمود: (و در راه رفتنت میانه رو باش و آوازت را فروکش که ناخوش ترین آوازه آواز خران است) (۲۰) و درباره شهادت دادن دستها و پاها بر علیه خود و صاحب خود که چگونه دستور الهی و واجبات او را ضایع کرده اند فرمود: (امروز بر دهانهایشان مهر می نهیم و دستان آنها با ما سخن گویند و پایهایشان به آنچه که کسب کرده اند گواهی دهند) (۲۱) پس آنچه که گفته شد چیزهایی است که خداوند بر دستها و پاها واجب ساخته و عمل دست و پا همین است و آن از ایمان است . و خداوند بر چهره واجب ساخت که در شب و روز در هنگامه نماز برای او به خاک افتد پس فرمود: (ای ایمان آورندگان رکوع کنید و سجده کنید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار خیر انجام دهید باشد که به رستگاری برسید) (۲۲) اینها که گفته شد واجبات چهره و دستان و پاهاست و خداوند در جای دیگری فرموده است که : (سجده گاهها از آن خداست پس با او کسی دیگری را نخوانید) (۲۳)

راوی می گوید: حضرت در ادامه فرمود: پس کسی که خداوند را در حالتی ملاقات کند که اعضای خود را حفظ نموده و به واجبات الهی در مورد هر عضوی از اعضایش وفا کرده خداوند عزوجل را با ایمان کامل ملاقات کرده است و او اهل بهشت است اما کسی که در مورد واجبی از واجبات خیانت کرده یا از دستور الهی سرباز زده خداوند را با ایمان ناقص دیدار خواهد کرد. و بدانید که مومنان ، با ایمان کامل به بهشت داخل می شوند و کسانی که در انجام واجبات کوتاهی نموده اند با ایمان ناقص به دوزخ وارد می گردند.

حدیث :

۱۲ - عن الحسن بن هارون قال قال لی ابو عبدالله عليه السلام : ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسولا قال یسال السمع عما سمع و البصر عما نظر الیه و الفواد عما عقد علیه .

ترجمه :

۱۲ - حسن به هارون گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: اینکه خداوند فرموده است : (همانا از گوش و چشم و دل سوال می شود) (۲۴) یعنی از گوش درباره آنچه که شنیده است و از چشم درباره آنچه که دیده است و از دل در مورد ایمانی که بر آن پیمان بسته است پرسیده می شود.

حدیث :

۱۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : الایمان لایکون الا بعمل و العمل منه و لایثبت الایمان الا بعمل .

ترجمه :

۱۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: ایمان نمی باشد مگر همراه با عمل و عمل نیز برخاسته از ایمان است و ایمان فقط با عمل ثابت می شود.

حدیث :

۱۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : من اقر بدین الله فهو مسلم و من عمل بما امر الله به فهو مومن .

ترجمه :

۱۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که به دین خداوند اقرار و اعتراف کند مسلمان است و کسی که به آنچه که خداوند به آن امر نموده است عمل کند مومن است .

حدیث :

۱۵ - ابی بصیر، عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث انه قال له : ان حیثمه اخبرنا انه سالک عن الایمان فقلت : الایمان

بالله و التصدیق بکتاب الله و ان لا یعصى الله فقال : صدق حیثمه .

ترجمه :

۱۵ - ابی بصیر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم : حیثمه به ما خبر داد که از شما درباره ایمان پرسیده است و شما

پاسخ داده اید که : ایمان عبارت است از: اعتقاد به خدا و تصدیق نمودن به کتاب خدا و نافرمانی نکردن خدا، حضرت فرمود:

آری حیثمه درست گفته است .

حدیث :

۱۶ - عن جمیل بن دراج قال : سالت ابا عبدالله علیه السلام عن الايمان فقال : شهاده ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله صلى الله عليه و آله . قال : قلت : اليس هذا عمل قال : بلى قلت : فالعمل من الايمان قال : لا يثبت له الايمان الا بالعمل و العمل منه .

ترجمه :

۱۶ - جمیل بن دراج گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ایمان پرسیدم حضرت فرمود: ایمان عبارت است از گواهی داده به اینکه هیچ معبودی جز خدا نیست و اینکه محمد صلی الله علیه و آله فرستاده اوست . جمیل گوید: عرض کردم : آیا این گواهی دادن ، عمل شمرده می شود؟ حضرت فرمود: آری ، دوباره عرض کردم : پس عمل از ایمان است ؟ حضرت فرمود: ایمان جز به وسیله عمل برای شخص ثابت نمی گردد و عمل نیز برخاسته از ایمان است .

حدیث :

۱۷ - محمد بن علی بن الحسین باسناده الی وصیه امیرالمؤمنین علیه السلام لولده محمد به الحنفیه انه قال : یا بنی لا تقل ما لا تعلم بل لا تقل کل ما تعلم فان الله قد فرض علی جوارحک کلها فرائض یحتج بها علیک یوم القیامه و یسالک عنها و ذکرها و وعظها و حذرها و ادبها و لم تبرکها سدی فقال الله عزوجل : (و لا تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسولا) و قال عزوجل : (اذ تلقونه بالسنتکم و تقولون بافواهمک ما لیس لکم به علم و تحسبونه هینا و هو عندالله عظیم) ثم استعبدھا بطاعته فقال عزوجل : (یا ایها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا و اعبدوا ربکم و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون) فهذه فريضة جامعه واجبه على الجوارح و قال : (و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا) یعنی بالمساجد الوجه و الیدین و الرکتین و الابهامین و قال عزوجل : (و ما کنتم تستترون ان یشهد علیکم سمعکم و لا ابصارکم و لاجلودکم) یعنی بالجلود الفروج ثم حض کل جارحه من جوارحک بفرض و نص علیها ففرض علی السمع ان لا یصغی الی المعاصی فقال عزوجل : (و قد نزل علیکم فی الکتاب ان اذا سمعتم آیات الله یکفر بها و یستهزا بها فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره انکم اذا مثلهم) و قال عزوجل : (و اذا رایت الذین یخوضون فی آیاتنا فاعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره) ثم استثنی عزوجل موضع النسیان فقال : (و اما ینسینک الشیطان فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظالمین) و قال عزوجل : (فبشر عباد الذین یتعمون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوا الالباب) و قال عزوجل : (و اذا مروا باللغو مروا کراما) و قال عزوجل علی السمع و هو عمله و فرض علی البصر ان لا ینظر به الی ما حرم الله

عليه فقال عزوجل : (قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم) فحرم أن ينظر احد الى فرج غيره و فرض على اللسان الاقرار و التعبير عن القلب ما عقد عليه فقال عزوجل : (و قولوا أمانا باذى انزل الينا) الآية و قال عزوجل : (و قولوا للناس حسنا) و فرض على القلب و هو امير الجوارح الذى به يعقل و يفهم و يصدر عن امره و رايه فقال عزوجل : (الا من اكره و قلبه مطمئن بالايمان) الآية و قال عزوجل حين اخبر عن قوم اعطوا الايمان بافواههم و لم تومن قلوبهم فقال : (الذين قالوا أمانا بافواههم و لم تومن قلوبهم) و قال عزوجل : (الا بذكر الله تطمئن القلوب) و قال عزوجل : (و ان تبدوا ما فى انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء) و يعذب من يشاء و فرض على اليدين ان لاتمدهما الى ما حرم الله عزوجل عليك و ان تستعملهنا بطاعته فقال عزوجل : (يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلاه فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المرافق و امسحوا بروسكم و ارجلكم الى الكعبين) و قال عزوجل : (فاذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب) و فرض على ارجلين ان تفقلهما فى طاعته و ان لا تمشى بهما مشيه عاص فقال عزوجل : (و لا تمش فى الارض مرحا انك لن تخرق الارض و لن تبلغ الجبال طولا كل ذلك كان سيئه عند ربك مكروها) و قال عزوجل : (اليوم نختم على افواههم و تكلمنا ايديهم و تشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون) فاخبر الله عنها انها تشهد على صاحبها يوم القيامة فهذا ما فرض الله على جوارحك فاتق الله يا بنى و استعملها بطاعته و رضوانه و اياك ان يراك الله تعالى ذكره عند معصيته او بفقدك عنه طاعته فتكون من الخاسرين و عليك بقراءه القرآن و العمل بما فيه و لزوم فرائضه و شرائعه خلاله و حرامه و امره و نهيه و التهجده به و تلاوته فى ليلك و نهارك فانه عهد من الله تبارك و تعالى الى خلقه فهو واجب على كل مسلم ان ينظر كل يوم فى عهده و لو خمسين آيه و العم ان درجات الجنه على عدد آيات القرآن فاذا كان يوم القيامة يقال لقارى القرآن اقرا و ارق فلايكون فى الجنه بعد النبيين و الصديقين ارفع درجه منه . (و اوصيه طويله احدنا منها موضع الحاجه)

ترجمه :

۱۷ - در وصيت اميرالمؤمنين عليه السلام به فرزندش محمد بن حنفيه آمده است حضرت فرمود: اى پسر دلبندم ! چيزى را كه نمى داني مگو بلكه هر چيزى را هم كه مى داني بر زبان مياور زيرا خداوند بر تمامى اعضاى تو امورى را واجب ساخته كه بوسيله آنها در روز قيامت بر عليه تو حجت و دليلى مى آورد و از تو درباره آنها مى پرسد و آنها را پند و نصيحت نموده و بيم داده و ادب آموخته و رها و نگذارده پس فرموده است : (از آنچه كه به علم و آگاهى ندارى پيروي مكن زيرا از گوش و چشم و دل سوال مى شود)(۲۵) و فرمود: (هنگامى كه آن را با زبانهاى خود فرا مى گرفتيد و آنچه را كه به آن علم و آگاهى نداشتيد يا دهانهاى آن مى گفتيد و اين را سهل مى شمرديد در حالى كه در نزد خدا بسي بزرگ است) (۲۶) سپس اعضاى و

جوارح را به عبادت و فرمانبرداری خود فرا خوانده و فرموده: (ای ایمان آورندگان رکوع و سجده کنید و پروردگارتان را پرستید و عمل خیر انجام دهید امید است که به رستگاری برسید) (۲۷) این پرستش خداوند و انجام خیر فریضه ای است که بر تمامی اعضا واجب گشته است. و فرمود: (سجده گاهها از آن خداست پس همراه با خدا، هیچ کس دیگری را نخوانید) (۲۸) مراد از سجده گاهها، صورت و دو دست و زانوها و دو انگشت بزرگ پا است و فرمود: (و نمی توانید شهادتی را که گوشهاتان و دیدگانتان و پوستهایتان بر علیه شما می دهند را پنهان سازید) (۲۹) مراد از (پوستها) در این آیه عورتها است. سپس خداوند بر هر عضوی از اعضای تو واجبی را اختصاص داده و بر آن تصریح نموده است پس بر گوش واجب ساخت که به معاصی گوش فرا ندهد پس فرمود: (و محققا خداوند در کتاب بر شما چنین فرستاد که هر گاه بشنوید که به آیات الهی کفر ورزیده می شود و آیات خدا به مسخره گرفته می شود در اینگونه مجلسی با کافران منشینید تا در سخن دیگری وارد شوند اگر چنین نکنید همانند آنان می باشید) (۳۰) و فرمود: (هرگاه دیدی کسانی در مورد آیات ما (به انکار و استهزا) غرق در گفتگو شده اند از آنان دوری کن تا درباره سخنی دیگر به گفتگو بنشینند) (۳۱) سپس خداوند عزوجل جایی را که مومن از روی فراموشی در چنین مجلسی نشسته است را استثنا نموده و فرموده است: (و اگر شیطان فراموش ساخت پس بعد از یادآوری با چنین گروه ستمکاری منشین) (۳۲) و فرمود: (پس بشارت دهد بندگان مرا، همان بندگان که سخن را می شنوند و از نیکوترین سخن پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرد و آنان خردمنداند) (۳۳) و فرمود: (مومنان هر گاه به امری بیهوده برخورد کنند کریمانه از کنار آن می گذرند) (۳۴) و فرمود: (و هرگاه سخنی بیهوده بشنوند از آن دوری می گزینند). (۳۵)

پس این همان چیزی است که خداوند بر گوش واجب ساخته و عمل گوش همین است و خداوند بر چشم نیز واجب نموده که به چیزی که بر او حرام ساخته نظر نیفکند پس فرمود: (به مومنان بگو دیدگانشان را از دیدن حرام فرو بندند و عورتهایشان را حفظ کنند) (۳۶) پس حرام نمود که کسی به عورت دیگری نگاه کند. و بر زبان واجب نمود که به آنچه که قلب بر آن پیمان بسته اقرار و تعبیر کند پس فرمود: (و بگوئید ایمان آوردیم به آنچه که بر ما فرو فرستاده شد) (۳۷) و فرمود: (و به مردم نیکویی را بگوئید) (۳۸) و بر قلب که امیر اعضا است و عضوی است که به وسیله آن تعقل و فهم صورت می گیرد و از امر و رای او نتیجه گیری حاصل می گردد نیز واجب ساخت و فرمود: (کافران دروغگویند مگر کسی که به اجبار اظهار کفر نموده در حالی که دلش به ایمان آرمیده است) (۳۹) و در آنجا که خبر از گروهی می دهد که ایمان زبانی دارند نه قلبی فرمود: (آنانکه گفتند ایمان

آوردیم در حالی که دل‌هایشان ایمان نیاورده بود) (۴۰) و فرمود: (آگاه باشید که دل‌ها با یاد خدا آرام می‌گیرد) (۴۱) و فرمود: (اگر آنچه را که در درون دارید آشکار یا پنهان کنید خداوند به سبب آن از شما حساب می‌کشد پس هر که را بخواهد می‌بخشاید و هر که را بخواهد عذاب می‌کند) (۴۲) و خداوند بر دو دست واجب ساخت که آن دو را به سوی آنچه که خداوند بر تو حرام نموده دراز نکنی و دو دست را در راه اطاعت خدا به کارگیری پس فرمود: (ای ایمان آورندگان هر گاه برای نماز بر می‌خیزید روی‌هایتان و دست‌هایتان را تا آرنج‌ها بشوید و به سرهاتان مسح بکشید و پای‌هایتان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید) (۴۳) و فرمود: (هرگاه در میدان کارزار با کافران روبرو شدید گردن‌هایشان را بزنید) (۴۴) و خداوند بر پاها واجب ساخت که آن دو را در راه طاعتش به حرکت درآوری و به وسیله آن دو همچون گام زدن شخص عصیانکار گام بر نداری پس فرمود: (با تکبر و خرامان بر روی زمین گام بر ندار زیرا هرگز زمین را نمی‌توانی بشکافی و در بلندی به کوه‌ها نخواهی رسید همه اینها زشتش در نزد پروردگارت ناپسند است) (۴۵) و فرمود: (امروز بر دهان‌هایشان مهر می‌نهیم و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند و پای‌هایشان به آنچه که کسب کرده اند گواهی خواهند داد) (۴۶) پس خداوند خبر داده است که پایها در روز قیامت بر علیه صاحب خود گواهی خواهند داد. پس اینها که گفته شد چیزهایی است که خداوند بر اعضای تو واجب ساخته است پس از خدا بترس ای فرزندم و اعضای خود را در راه اطاعت و خوشنودی او به کارگیر و بر حذر باش از اینکه خدای تعالی تو را در حال انجام معصیتش ببیند یا تو را در طاعت خویش نیابد پس در نتیجه از زیانکاران باشی و بر تو باد که به خواندن قرآن بپردازی و به آنچه در قرآن است عمل کنی و واجبات و قوانین و حلال و حرام و امر و نهی آن را لازم شمری و با قرآن به شب زنده داری بپردازی و در شب و روزت آن را تلاوت کنی زیرا قرآن عهد و پیمانی است از جانب خدای تبارک و تعالی با بندگانش پس بر هر مسلمانی واجب است که در هر روز نظر به این پیمان الهی بیفکند اگر چه به پنجاه آیه آن و بدان که درجات بهشت به عدد آیات قرآن است پس زمانی که روز قیامت شود به قاری قرآن گفته خواهد شد که بخوان و بالا رو پس در بهشت بعد از پیامبران و صدیقان کسی درجه اش بالاتر از درجه قاری قرآن نیست. (مرحوم شیخ حر عاملی گوید: این وصیتنامه طولانی است که ما موضع حاجت از آن را انتخاب نمودیم).

حدیث :

۱۸ - عن علی بن الحسین علیه السلام : قال لیس لك ان تتکلم بما شئت لان الله یقول : (و لا تقف ما لیس لك به علم)

و لیس لك ان تسمع ما شئت لان الله عزوجل یقول : (ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسولا)

ترجمه :

۱۸ - از امام سجاد علیه السلام روایت است که فرمود: بر تو روا نیست که هر آنچه خواهی بگویی زیرا خداوند می فرماید: (از آنچه که به آن علم نداری پیروی مکن) (۴۷) و بر تو روا نیست که هر آنچه خواهی بشنوی زیرا خدای عزوجل می فرماید: (همانا گوش و چشم و دل همه مورد پرسش واقع خواهند شد) (۴۸)

۳ - باب جمله مما ینبغی القیام به من الحقوق الواجبه و المندوبه

۳ - باب حقوق واجب و مستحبی که قیام به آنها سزاوار است

حدیث :

۱۹ - عن سید العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام قال : حق الله الاکبر علیک ان تعبده و لاتشرك به شیئا فاذا فعلت ذلك باخلاص جعل لك علی نفسه ان یکفیک امر الدنيا و الاخره و حق نفسک علیک ان تستعملها بطاعه الله عزوجل و حق اللسان اکرامه عن الخنا و تعویده الخیر و ترک الفضول التي لافائده لها و الر بالناس و حسن القول فیهم و حق السمع تنزیهه عن سماع الغبه و سماع ما لا یحل سماعه و حق البصر ان تغضه عما لا یحل لك و تعتبر بالنظر به و حق یدیک ان لا تبسطهما الی ما لا یحل لك و حق رجلیک ان لاتمشی بهما الی ما لا یحل لك فیهما تقف علی الصراط فانظر ان لا تزل بک فتردی فی النار و حق بطنک ان لا تجعله و عاء للحرام و با تزید علی الشبع و حق فرجک علیک ان تحصنه من الزنا و تحفظه من ان ینظر الیه و حق الصلاه ان تعلم انها و فاده الی الله عزوجل و انت فیها قائم بین یدی الله فاذا علمت ذلك قمت مقام العبد الذلیل الحقیقیر الراغب الراهب الراجی الخائف المستکین المتضرع المعظم لمن کان بین یدیہ بالسکون و الوقار و تقبل علیها بقلبک و تقیمها بحدوده ها و حقوقها و حق الحج ان تعلم انه وفاده الی ربک و فرار الیه من ذنوبک و فیہ قبول توبتک و قضاء الفرض الذی اوجبه الله علیک و حق الصوم ان تعلم انه حجاب ضربه الله عزوجل علی لسانک و سمعک و بصرک و بطنک و فرجک یستریک به من النار فان ترک الصوم خرقت ستر الله علیک و حق الصدقه ان تعلم انها ذکرک عند ربک و دیعتک التي لاتحتاج الی الاشهاد علیها و کنت بما تستودعه سرا اوثق منك بما تستودعه علانیه و تعلم انها تدفع عنک البلیا و الاسقام فی الدنيا و تدفع عنک النار فی الاخره و حق الهدی ان ترید به الله عزوجل و لا ترید خلقه و لا ترید به الا التعرض لرحمته و نجاه روحک یوم تلقاه و حق السلطان ان تعلم انک جعلت له فتنه و انه مبتلی فیک بما جعل الله له علیک من السلطان و ان علیک ان لاتتعرض لسخطه فتلقى بیدک الی التهلکة و تكون شریکا له فیما یاتی الیک من سوء و

حق سائسك بالعلم التعظيم له و التوقير لمجلسه و حسن الاستماع اليه و الاقبال عليه و ان لا ترفع عليه صوتك و لا تجيب احدا يساله عن شىء حتى يكون هو الذى يجيب و لاتحدث فى مجلسه احدا و لا تغتاب عنده احدا و ان تدفع عنه اذا ذكر عندك بسوء و ان تستر عيوبه و تظهر مناقبه و لا تجالس له عدوا و لاتعادى له وليا فاذا فعلت ذلك شهد لك ملائكه الله بانك قصدته و تعلمت علمه الله جل اسمه لا للناس و اما حق سائسك بالملك فان تطيعه و لا تعصيه الا فيما يسخط الله عزوجل فانه لا طاعه لمخلوق فى معصيه الخالق و اما حق رعيتك بالسلطان فان تعلم انهم صاروا رعيتك لضعفهم و قوتك فيجب ان تعدل فيهم و تكون لهم كالوالد الرحيم و تغفر لهم جهلهم و لاتعاجلهم بالعقوبه و تشكر الله عزوجل على ما آتاك من القوه عليهم و اما حق رعيتك بالعلم فان تعلم ان الله عزوجل انما جعلك قيما عليهم فيما آتاك من العلم و فتح لك من خزائنه فان احسنت فى تعليم الناس و لم تخرق بهم لم تضجر عليهم زادك الله من فضله و ان انت منعت الناس علمك او خرقت بهم عند طلبهم العلم منك كان حقا على الله عزوجل ان يسلبك العلم و بهاءه و يسقط من القلوب محلك و اما حق الزوجه فان تعلم ان الله عزوجل جعلنا لك سكنا و انسا فتعلم ان ذلك نعمه من الله عزوجل عليك فتكرمها و ترفق بها و ان كان حقك عليها اوجب فان لها عليك ان ترحمها لانها اسيرك و تطعمها و تكسوها و اذا جهلت عفوت عنها و اما حق مملوك فان تعلم انه خلق ربك و ابن ابيك و امك و لحمك و دمك لم تملكه لانك صنعته دون الله و لاخلقت شيئا من جوارحه و لا اخرجت له رزقا و لكن الله عزوجل كفاك ذلك ثم سخره لك و ائتمنك عليه و استودعك اياه ليخفظ لك ما تاتيه من خير اليه فاحسن اليه كما احسن الله اليك و ان كرهته استبدلت به ولم تعذب خلق الله عزوجل و لاقوه الا بالله و اما حق امك ان تعلم انها حملتك حيث لا يحمل احد احدا و اعطتك من ثمره قلبها ما لا يعطى احد احدا و وقتك بجميع جوارحها و لم تبال ان تجوع و تطعمك و تعطش و تسقيك و تعرى و تكسوك و تضحى و تظلك و تهجر النوم لاجلك و وقتك الحر و البرد لتكون لها و انك لاتطبق شكرها الا بعون الله و توفيقه و اما حق ابيك فان تعلم انه اصلك فانه لولاه لم تكن فمهما رايت من نفسك ما يعجبك فاعلم ان اباك اصل النعمه عليك فيه فاحمدالله و اشكره على قدر ذلك و لاقوه الا بالله و اما حق ولدك فان تعلم انه منك و مضاف اليك فى عاجل الدنيا بخيره و شره و انك مسئول عما وليته من حسن الاذب و الدلاله على ربه عزوجل و المعونه على طاعته فاعمل فى امره عمل من يعلم انه مثاب على الاحسان اليه معاقب على الاساءه اليه و اما حق اخيك فان تعلم انه يدك و عزك و قوتك فلا تتخذة سلاحا على معصيه الله و ال عده للظلم لخلق الله و لا تدع نصرته على عدوه و النصيحه له فان اطاع الله و الا فليكن الله اكرم عليك منه و لاقوه الا بالله و اما حق مولاك المنعم عليك فان تعلم انه انفق فيك ماله و اخرجك من ذل الرق و وحشته الى عزالحرية و انسها فاطلقك من اسر

الملكه و فك عنك قيد العبوديه و اخرجك من السجن و ملكك نفسك و فرغك لعباده ربك و تعلم انه اولى الخلق يك فى حياتك و موتك و ان نصرته عليك واجبه بنفسك و ما احتاج اليه منك و لا قوه الا بالله و اما حق مولاك الذى انعمت عليه فان تعلم ان الله عزوجل جعل عتقك له وسيله اليه و حجابا لك من النار و ان ثوابك فى العاجل ميراثه اذا لم يكن له رحم مكافاه لما انفتحت من مالك و فى الاجل الجنه و اما حق ذى المعروف عليك فان تشكره و تذكر معروفه و تكسبه مقاله الحسنه و تخلص له الدعاء فيما بينك و بين الله عزوجل فاذا فعلت ذلك كنت قد شكرته سرا و علانيه ثم ان قدرت على مكافاته يوما كافاته و اما حق المودن ان تعلم انه مذكر لك ربك عزوجل و داع لك الى خطك و عونك على قضاء فرض الله عزوجل عليك فاشكره على ذلك شكر المحسن اليك و اما حق امامك فى صلاتك فان تعلم انه تقلد السفاره فيما بينك و بين ربك عزوجل و تكلم عنك و لم تتكلم عنه و دعا لك و لم تدع له و كفاك هول المقام بين يدي الله عزوجل فان كان نقص كان به دونك و ان كان تماما كنت شريكه و لم يكن له عليك فضل فوقى نفسك بنفسه و صلاتك بصلاته فتشكر له على قدر ذلك و اما حق جليسك فان تلين له جانبك و تنصفه فى مجاراه اللفظ و لاتقوم من مجلسك الا باذنه و من يجلس اليك يجوز له القيام عنك بغير اذنك و تنسى زلاته و تحفظ خيراته و لا تسمعه الا خيرا و اما حق جارك فحفظه غائبا و اكرامه شاهدا و نصرته اذا كان مظلوما و لاتتبع له عوره فان علمت عليه سوءاً سترته عليه و ان علمت انه يقبل نصيحتك نصحته فيما بينك و بينه و لا تسلمه عند شديده و تقيل عثرته و تغفر ذنبه و تعاشره معاشره كريمه و لا قوه الا بالله و اما حق الصاحب فان تصحبه بالتفضيل و الانصاف و تكرمه كما يكرمك و لا تدعه يسبق الى مكرمه فان سبق كافاته و توده كما يودك و تزجره عما يهيم به من معصيه الله و كن عليه رحمه و لاتكن عليه عذابا و لا قوه الا بالله و اما حق الشريك فان غاب كافيته و ان حضر رعيتيه و لاتحكم دون حكمه و لاتعمل برايك دون مناظرته و تحفظ عليه ماله و لاتخنه فيما عز اوهان من امره فان يدالله تبارك و تعالى على الشريكين ما لم يتخاونا و لا قوه الا بالله و اما حق مالك فان لا تاخذة الا من حله و لاتنفقه الا فى وجهه و لاتوثر على نفسك من لا يحمدك فاعمل به بطاعه ربك و لا تبخل به فتبوء بالحسره و الندامه مع التبعه و لا قوه الا بالله و اما حق غريمك الذى يطالبك فان كنت موسرا اعطيته و ان كنت معسرا ارضيته بحسن القول و رددته عن نفسك ردا لطيفا و حق الخليط ان لاتغره و لاتغشه و لا تخدعه و تتقى الله فى امره و اما حق الخصم المدعى عليك فان كان ما يدعيه عليك حقا كنت شاهده على نفسك و لم تظلمه و اوفيته حقه و ان كان ما يدعى باطلا رفقت به ولم تات فى امره غير الرفق و لم تسخط ربك فى امره و لا قوه الا بالله و حق خصمك الذى تدعى عليه ان كنت محقا فى دعواك اجملت مقاولته و لم تجحد حقه و ان كنت مبطلا فى دعواك اتقيت الله عزوجل و تبت اليه و تركت ادعوى

و حق المستشير ان من يعلم و حق المشير عليك ان لاتتهمه فيما لا يوافقك من رايه و ان وافقك حمدت الله عزوجل و حق المستنصح ان تودى اليه النصيحه و ليكن مذهبك الرحمه له و الرفق و حق الناصح ان تلين له جناحك و تصغى اليه بسمعك فان اتى بالصواب حمدك الله عزوجل و ان لم يوافق رحمته و لم تتهمه و علمت انه اخطا و لم تواخذه بذلك الا ان يكون مستحقا للتهمه فلا تعبأ بشىء من امره على حال و لاقوه الا بالله و حق الكبير توقيره لسنه و اجلاله اتقدمه فى الاسلام قبلك و ترك مقابلته عند الخصام و لاتسبقه الى طريق و لاتتقدمه و لاتستجهله و ان جهل عليك احتملته و اكرمه لحق الاسلام و حرمته و حق الصغير رحمته (من نوى) تعليمه و العفو عنه و الستر عليه و الرفق به و المعونه له و حق السائل اعطاوه على قدر حاجته و حق المسئول ان اعطى فاقبل منه بالشكر و المعرفه بفضله و ان منع فاقبل عذره و حق من سرک لله تعالى ان تحمد الله عزوجل اولاً ثم تشكره و حق من اساء اليك ان تعفو عنه و ان علمت ان العفو يضر انتصرت قال الله تعالى : (و لمن انتصر بعد ظلمه فاؤلئك ما عليهم من سبيل) و حق اهل ملتک اضمار السلامه و الرحمه لهم و الرفق بمسيئهم و تالفهم و استصلاحهم و شكر محسنهم و كف الاذى عن مسيئهم و تحب لهم ما تحب لنفسك و تكره لهم ما تكره لنفسك و ان تكون شيوخهم بمنزله ايىک و شبابهم بمنزله اخوتک و عجائزهم بمنزل امک و الصغار منهم بمنزله اولادک و حق الذمه ان تقبل منهم ما قبل الله عزوجل منهم و لاتظلمهم ما وفوا الله عزوجل بعهده .

ترجمه :

۱۹ - از امام سجاد عليه السلام روايت است که فرمود: حق خداى بزرگ بر تو اين است که تنها او را پرستش کنى و چيزى را شريك او به شمار نياورى پس هرگاه از روى اخلاص و صفای باطن چنين کنى خداى سبحان بر خود لازم مى داند که امر دنيا و آخرت را کفايت کند. و حق نفست بر تو اين است که آن را در راه فرمانبردارى از خداى عزوجل به کار وادارى . و حق زبان اين است که او را بزرگتر و شريف تر از آن بدانى که ناسزا گويد و او را به خير و ترک سخنان زائد و بى فائد و نيکى به مردم و گفتار نيک درباره مردم عادت دهى و حق گوش آن است که او را از شنيدن غيبت و هر آنچه شنيدنش جايز نيست ، پاک سازى . و حق چشم آن است که آن را از ديدن هر آنچه ديدنش بر تو حرام است بر بندى و از راه نظر با ديدگان ت عبرت گيرى . و حق دستانت اين است که آنها را به سوى چيزى که بر تو حلال نيست نگشايى . و حق پايهايت آن است که به وسيله آنها به سوى چيزى که بر تو روا نيست گام بر نداری پس تو با اين دو پا بر (صراط) مى ايستى پس بنگر تا نلغزى و در آتش فرو نيفتى . و حق شکم بر تو اين است که آن را ظرف و جاىگاه حرام قرار ندهى و اضافه بر سبرى نخورى . و حق عورت تو بر تو اين است که آن را از زنا نگه دارى و از اينکه کسى به آن نظر افکند آن را حفظ کنى و حق

نماز این است که بدانی نماز ورود بر خدای عزوجل است و تو در نماز در پیشگاه او ایستاده ای پس اگر این را (از صمیم جان) دریابی ایستادنت در برار او ایستادن بنده ای خوار و کوچک و آرزومند و ترسان و امیدوار و بیمناک و بی چیز و زار خواهد بود و (در این حال) خداوندی را که در برابرش با آرامش و وقار ایستاده ای بزرگ می شمیری و با (تمامی) قلبت به نماز روی می آوری و حقوق و حدود آن را به پای می داری. و حق حج این است که بدانی حج واردشدگان بر پروردگار و گریختن از گناهانت به سوی خدایت است و در حج توبه ات پذیرفته است.

و با به جای آوردن حج یکی از واجباتی را که خداوند بر تو واجب ساخته است ادا نموده ای. و حق روزه آن است که بدانی روزه حجابی است که خداوند عزوجل بر زبان و گوش و چشم و شکم و فرج تو نهاده است که با این حجاب تو را از گزند آتش دوزخ می پوشاند پس اگر روزه را ترک کنی گویی پوششی را که خدا بر تو گذارده است پاره کرده ای. و حق صدقه این است که بدانی که صدقه ذخیره توست که در نزد پروردگارت می نهی و ودیعه و امانتی است که به او سپرده ای. امانتی که نیازی به شاهد طلبیدن برای آن نداری و در ودیعه گذاردن آن در پنهانی اعتماد و اطمینان بیشتری داری تا اینکه آن را آشکارا به ودیعت گذاری و باید بدانی که صدقه بلاها و دردها را در دنیا و آتش دوزخ را در آخرت از تو دفع می کند. و حق قربانی آن است که در قربانی نمودن آن تنها رضای خدای عزوجل را قصد کنی نه مردمان را و از آن جز در مسیر رحمت الهی قرار گرفتن و رهایی روح را در روز ملاقات پروردگار قصد نکنی. و حق سلطان این است که بدانی که تو مایه آزمایش و امتحان او قرار داده شده ای و او نیز به خاطر سلطنتی که بر تو یافته گرفتار توست و نباید در معرض خشم او قرارگیری و با دست خود به هلاکت بیفتی و در نتیجه با او در بدی رساندن به خودت شریک شوی. و حق آن کس که در علم تو را راهبری نموده این است که او را بزرگ شماری و جایگاه نشستنت را نیک سامان دهی و خوب به سخنانش گوش فرا دهی و رو به او داشته باشی و صدایت را بلندتر از صدای او نکنی و به کسی که از او پرسش می کنی پاسخ نگویی تا خود او پاسخش را دهد، در مجلس درس او با کسی سخن نگویی و در نزد او غیبت هیچ کس را نکنی، اگر در نزد تو از بدی اش گویند از او دفاع کنی و عیبهایش را ببوشانی و فضیلت هایش را آشکار سازی و با دشمن او نشست و برخاست نداشته باشی و با دوستدار او دشمنی نکنی پس اگر چنین کنی فرشتگان الهی به نفع تو گواهی دهند که تو خواهان دانشی و علم را به خاطر خدا آموخته ای نه به خاطر مردم. و اما حق کسی که مالک توست این است که دستورهایش را اطاعت کنی و نافرمانیش نکنی مگر در مواردی که باعث خشم خدای عزوجل است زیرا فرمانبرداری از مخلوق در نافرمانی خالق سزاوار نیست. و اما حق زیردستان تو این است که بدانی آنها به خاطر ناتوانی خود و توانایی تو رعیت تو گشته اند پس واجب است

که در بین آنان به عدل رفتار کنی و برای آنان چون پدری مهربان باشی و نادانی آنان را ببخشایی و در کیفر نمودن آنان شتاب نکنی و خدای عزوجل را بر قدرت و تسلطی که بر ایشان به تو داده است سپاسگزار باشی . و اما حق آنانکه سرپرستی علمی ایشان را به عهده داری این است که بدین خدای عزوجل تو را در آموختن دانشی که به تو عطا فرموده متولی و سرپرست آنان قرار داده و از خزانه علم دری بر تو گشوده پس اگر در تعلیم و آموزش آنان نیک بکوشی و برای آنان دروغ نبافی و از (قدر ناشناسی) آنان ملول و دلتنگ نگردی خداوند از فضل خود بر تو زیادتی (از علم و ایمان) را عطا می فرماید و اما اگر دانشت را از مردمان دریغ داشتی یا آنگاه که خواهان دانش تو هستند با دروغ بافی آنان را متحیر و سرگردان سازی بر خدای عزوجل سزاوار است که دانش و درخشندگی آن را از تو بگیرد و جایگاهت را در دلها بی اعتبار سازد. و اما حق همسرت این است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه آسایش و آرامش تو قرار داده و او نعمتی از جانب خدای عزوجل برای توست پس او را گرمی بداری و با او مدارا کنی اگر چه حقی که تو بر او داری بسی لازم تر است پس بر توست که با او به مهربانی رفتار کنی زیرا او اسیر توست و باید او را اطعام نموده و جامه بپوشانی و هرگاه نادانی نمود مورد بخشش قرارش دهی . و اما حق مملوک تو این است که بدانی او نیز آفریده پروردگار توست و فرزند پدر و مادر تو (یعنی فرزند حضرت آدم و حوا است) و گوشت و خون تو است تو مالکش نیستی به این دلیل که تو او را آفریده باشی نه خدا، و تو هیچ یک از اعضای او را نیافریده ای و روزی او را از دل طبیعت تو بیرون نیاورده ای ولی خداوند عزوجل کار او را به تو وا گذاشت سپس او را مسخر تو گرداند و تو را بر او امین قرار داد و او را به امانت نزد تو نهاد تا او آنچه از مال و دارایی که تو به او می دهی برای نگهداری کند، پس تو نیز به او نیکی کن چنانچه خداوند به تو نیکی نموده است و اگر در نظر تو ناپسند است به جای او مملوک دیگری بگیر و مخلوق خدای عزوجل را عذاب مده و هیچ نیرویی نیست مگر به یاری خدا. و اما حق مادرت این است که بدانی او زمانی تو را حمل کرد که با آن وضعیت کسی دیگری را حمل نمی کند و به تو از میوه قلب خود چیزی را که هیچ کس به کسی دیگر نمی بخشد عطا کرد و با تمامی اعضای خود تو را نگهداری نمود و باکی نداشت از اینکه تو گرسنه شوی و غذایت دهد و تشنه نشوی و سیرآبت کند و عریان باشی و تو را بپوشاند و آفتاب بر تو بتابد و او سایه بر تو افکند، و به خاطر تو از خواب کناره گرفت . و تو را از گرما و سرما نگاهداشت تا برای او باشی و تو توانایی سپاسگزاری از او را نداری مگر به کمک و توفیق الهی . و اما حق پدرت این است که بدانی او اصل و ریشه توست زیرا اگر او نبود تو نیز نبود پس هرگاه در خود چیزی دیدی که مایه خود پسندی تو شد بدان که پدرت در آن صفت اصل و ریشه توست پس خدای را سپاس گو و شکرش را به جای آور که هیچ نیرو و جنبشی نیست مگر به اراده الهی . و اما حق فرزندت این است

که بدانی او از توست و در این دنیا خیر و شرش منسوب به توست و تو در برابر ادب نیکوی او و راهنمایی او به سوی خدای عزوجل و یاری او بر اطاعت پروردگار مسول هستی ، پس در مورد او همانند کسی که می داند بر احسان به فرزند ثواب خواهد برد و بر بدی نمودن به او کیفر خواهد دید عمل کن . و اما حق برادرت این است که بدانی او به منزله دست تو و مایه عزت و قدرت توست بنابراین از او به عنوان اسلحه و وسیله ای برای معصیت خداوند و همچنین (پشتیبان و) ساز و برگ برای ستم به خلق خدا استفاده مکن ، در مقابل دشمنش او را تنها مگذار و از نصیحت نمودن و خیر خواهی او کوتاهی مکن ، و اینها در صورتی است که او مطیع خداوند باشد و گرنه باید خداوند در نزد تو ارجمندتر از او باشد و هیچ جنبش و قدرتی نیست مگر به کمک خداوند، و اما حق آقایی که تو را آزاد کرده این است که بدانی او مالش را در راه تو خرج کرده و تو را از ذلت و وحشت بندگی به عزت و آرامش آزادی رسانده است و از اسیری ملکیت تو را رها نموده و بند بندگی را از تو گشوده و تو را از زندان بیرون آورده و تو را مالک خودت نموده و به تو برای عبادت پروردگارت فراغت بخشیده و باید بدانی که او در زندگی و مرگت سزاوارترین و نزدیکترین مردمان به توست و یاری رساندن به او بر تو واجب است حال چه خودت به یاریش بشتابی و چه آنچه را که از تو احتیاج دارد در اختیارش قرار دهی و هیچ قدرتی نیست مگر به کمک خداوند. و اما حق بنده ای که تو بر او انعام نموده و آزادش ساخته ای این است که بدانی خداوند عزوجل آزادی او را به دست تو وسیله ای به سوی خودش قرار داده و آن را برای تو مایه حجاب گشتن از آتش دوزخ نموده و ثواب این کار تو در دنیا این است که اگر او خویشاوند نداشته باشد ارث او به خاطر انفاقی که بر او نموده ای به تو می رسد و در آخرت نیز بهشت نصیب خواهد شد. و اما حق کسی که به تو احسان و نیکی نموده این است که او را سپاس گویی و نیکی اش را یاد کنی و گفتار نیکو را در مورد او به گوش دیگران برسانی و بین خود و خدای عزوجل و جلیل برای او خالصانه دعا کنی اگر چنین کنی از او در نهان و آشکار قدردانی کرده ای .

سپس اگر روزی توان عوض دادن و جبران خوبی اش را یافتی چنین کن . و اما حق اذان گو این است که بدانی او پروردگار عزیز و جلیل را به یاد تو می آورد و تو را به سوی بهره ات دعوت می کند و تو را بر انجام فریضه ای که خدای عزوجل بر تو واجب ساخته یاری می کند پس بر این کار از او همانند کسی که به تو نیکی روا داشته قدردانی کن . و اما حق کسی که پیشنماز توست این است که بدانی او سفیر بودن بین تو و پروردگارت را به عهده گرفته و سخنگوی توست و تو از جانب او سخن نمی گویی و دعاگوی توست و تو دعایش نمی کنی و تو را از هول و هراس ایستادن در پیشگاه پروردگارت کفایت کرده است ، اگر نقصی باشد به گردن اوست نه تو و اگر نمازش کامل و تمام باشد تو نیز با او شریک هستی و بر تو برتری

ندارد با سپر خود تو را نگاه داشته و با نماز خود نمازت را حافظ گشته پس باید به اندازه خوبی و خدمتی که به تو دارد قدردان و سپاسگوی وی باشی . و اما حق همنشینت این است که با نرمی پذیرای او باشی و در گفتگو با وی انصاف را رعایت کنی و جز با اجازه او از جایت بر نخیزی و او می تواند بدون اجازه تو برخیزد، لغزشهایش را به فراموشی سپار و خوبیهایش را حفظ کن و جز خوبی را به گوش او مرسان . و اما حق همسایه ات این است که در نبود او حفظش کنی و در هنگام حضور اکرامش نمایی و زمانی که مورد ستم قرار می گیرد به یاری اش بشتابی ، عیب او را پیگیری مکن و اگر دانستی که بدی ای دارد بدی اش را بپوشان و اگر دانستی که نصیحت را می پذیرد بین خود و او نصیحتش کن و هنگام سختی او را وا مگذار و از لغزشش درگذر و گناهش را ببخش و با او به بزرگواری معاشرت کن و هیچ نیرویی نیست جز به کمک خدا. و اما حق همدم و همصحبت این است که با او به مهربانی و انصاف مصاحبت کنی و چنانکه گرامی ات می دارد گرامی اش داری و او را وا مگذار که در کرم نمودن بر تو پیشی گیرد و اگر پیشی گرفت پاداشش را ده و دوستش بدار چنانکه دوستت می دارد و اگر همت به ارتکاب معصیت خدا گماشت بازش دار و برای او مایه رحمت باش نه عذاب و هیچ نیرو و قدرتی نیست جز به کمک خدا. و اما حق شریک این است که اگر غایب شد کارش را تو انجام ده و اگر حاضر باشد رعایت حالش را کن و بدون نظر او تصمیم مگیر (یا در مقابل حکم او، حکم مده) و بدون مشورت او به رای خود عمل مکن و مالش را نگهداری کن و در کار او چه با ارزش باشد و چه بی ارزش خیانت روا مدار زیرا دست خداوند تبارک و تعالی تا زمانی که دو شریک به یکدیگر خیانت نکرده اند بر سر آنان است و هیچ نیرویی نیست جز به کمک خدا. و اما حق مال و دارایی ات این است که آن را جز از راه حلال به دست نیاوری و جز در جای صحیح خرج نکنی و به کسی که از تو قدردانی نمی کند در صورتی که خود نیاز به مالت داری ندهی و او را بر خویشتن مقدم نداری پس به وسیله دارائی ات به طاعت پروردگارت بپرداز و درباره مالت بخل نورز که اگر چنین کنی با حسرت و پشیمانی قرین شوی بعلاوه اینکه عقوبت آن بر گردن تو می ماند و هیچ نیرویی نیست جز به نیروی الهی . و اما حق بستانکار تو این است که اگر داری به او پرداخت کنی و اگر در سختی هستی او را با سخن خوش راضی کنی و با لطافت و نرمی از پیش خود برگردانی . و حق شریک در حقوق ملک آن است که او را فریب ندهی و خلاف آنچه در دل داری اب او ظاهر نسازی و به او خیانت روا نداری و در مورد او از خدا بترسی . و اما حق طرفی که بر علیه تو ادعایی نموده است این است که اگر ادعای او حق است تو خود نیز باید به نفع او و بر علیه خودت شاهد او باشی و به او ستم نکنی و حق او را به طور کامل به او بدهی و اگر ادعای او باطل است با او مدارا کنی و در مورد او جز مدارا کار دیگری نکنی و پروردگارت را به خشم نیاوری و هیچ نیرویی جز به نیروی الهی نیست . و حق طرفی که ادعایی بر او

داری این است که اگر در ادعایت حق با تو باشد در گفتگو با وی آرامش را رعایت کن و حق او را انکار مکن و اگر در ادعایت بر حق نیستی، از خدای عزوجل بترس و به سوی او توبه کن و دعوا را ترک کن. و حق کسی که با تو مشورت می کند این است که اگر دانستی که او رای نیکویی دارد او را به صواب رهنمون باش و اگر نظر او را نیک ندانستی او را به سوی آنچه که می دانی ارشاد کن. و حق کسی که در مشورت تو را راهنمایی می کند این است که او را در نظری که موافق نظر تو نیست متهم نسازی و اگر هم رای تو بود خدای عزوجل را سپاس گویی. و حق کسی که از تو طلب نصیحت کند این است که اندرزش دهی و باید روش تو مهربانی و مدارای با او باشد. و حق نصیحت کننده تو این است که در برابر او متواضع و نرم باشی و به سخنش گوش فرا دهی اگر سخن صوابی با تو گفت، خدای عزوجل را سپاس گوی و اگر سخنش موافق صواب نبود با او مهربان باش و او را متهم نساز و او را بر خطایش مواخذه نکن مگر اینکه مستحق تهمت باشد به هر حال به سخنش اعتنا مکن و هیچ نیرویی نیست جز به نیروی خدا. و حق آنکه بزرگتر است این است که او را به خاطر سنش احترام کنی و او را به خاطر اینکه بر تو در مسلمانی پیشی داشته بزرگ شمیری و در هنگام مرافعه و مجادله، مقابله نمودن با او را ترک نمایی و در راه، در راه رفتن بر او پیشی نگیری و جلو نیفتی و با او نادانی نکنی و اگر با تو نادانی کرد تحملش کنی و او را به خاطر حق مسلمانی و حرمتش اکرام نمایی. و حق خردسال این است که آن کس که می خواهد آموزشش دهد با او مهر ورزد و از خطایش در گذرد و چشم پوشی کند و با او مدارا کند و یاری اش سازد. و حق سائل این است که به قدر نیازش به او عطا کنی و حق کسی که از او چیزی درخواست نموده ای این است که اگر عطا کرد از او با سپاس و قدردانی بپذیر و اگر خودداری کرد عذرش را پذیرا باش. و حق کسی که به خاطر خدای تعالی تو را شادمان نموده این است که او را خدای عزوجل را سپاس گویی و سپس از او تشکر کنی. و حق کسی که به تو بدی نموده این است که از او درگذری و اگر دانستی که عفو نمودن او ضرر دارد از او انتقام بگیر خدای تعالی فرموده: (و کسی که انتقام گیرد بعد از ستمی که بر او شده مسئولیتی ندارد) (۴۹). و حق همکیشان تو به طور عموم این است که نسبت به آنان حسن نیت و مهربانی داشته باشی و با خطا کارشان مدارا کنی و او را با مهربانی به خویش متمایل سازی و به راه اصلاح در آوری و از نیکو کارشان قدردانی کنی و گنه کارشان را آزار ندهی و آنچه را که برای خود دوست داری برای آنان دوست بداری و آنچه را که برای خود ناپسند می شمیری برای آنان نیز ناپسند بشمیری و پیرمردانشان به منزله پدر تو و جوانانشان به منزله برادرت و پیرزنانشان به منزله مادرت و کودکانشان به منزله فرزندان باشند. و حق اهل ذمه این است که آنچه را که خدای عزوجل از آنان پذیرفته تو نیز از آنان بپذیری و تا زمانی که به عهد و پیمان خود وفا دارند به خاطر خدای عزوجل به آنان ستم روا مداری.

۴ - باب استحباب ملازمه الصفات الحمیده و استعمالها و ذکر نبذه منها

۴ - باب استحباب کسب صفات پسندیده و به کاربردن آنها و ذکر تعدادی از آنها

حدیث :

۲۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله خص رسوله صلى الله عليه و آله بمكارم الاخلاق فامتحنوا انفسكم فان كانت

فيكم فاحمدوا الله و ارجبوا اليه فيه الزيادة منها فذكرها عشره : اليقين و القناعه و الصبر و الشكر و الحلم و حسن الخلق و

السخاء و الغيره و الشجاعه و المروءه .

ترجمه :

۲۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند بزرگواری های اخلاقی را به رسول خود اختصاص داد پس خو را بیازمایید

اگر آن مکارم در وجود شما باشد خدای را سپاس گوئید و در طلب زیادی آنها به سوی خدا زاری کنید. پس عدد آنها را ده

عدد ذکر کرده است : یقین و قناعت و صبر و شکر و بردباری و خوش خلقی و سخاوت و غیرت و شجاعت و مردانگی .

حدیث :

۲۱ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله لعلی علیه السلام یا علی اوصیک فی نفسک

بخصال فاحفظها ثم قال : اللهم اعنه . اما الاولى فالصدق لا يخرجن من فيك كذبه ابدا و الثانيه الورع لاتجتزئن علی خیانه

ابدا و الثالثه الخوف من الله كانك تراه و الرابعه كثره البكاء من خشيه الله عزوجل بينی لك بكل دمعه بيت فی الجنة و

الخامسه بذل مالک و دمک دون دينک و السادسه الاخذ بستنتی فی صلاتی و صیامی و صدقتی اما الصلاه فالخمسون رکعه

و اما الصوم فثلاثه ايام فی کل شهر خمیس فی اوله و اربعاء فی وسطه و خمیس فی آخره و اما الصدقه فجهدک حتی يقال

اسرفت و لم تسرف و علیک بصلاه و اللیل و علیک بصلاه اللیل و علیک بصلاه الزوال و علیک بقراءه

القرآن علی کل خال و علیک برفع یدیک فی الصلاه و تقلیبهما علیک بالسواک عند کل صلاه علیک بمحاسن الاخلاق

فارکیها علیک بمساوی الاخلاق فاجتنبها فان لم تفعل فلا تلومن الا نفسک .

ترجمه :

۲۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی ! تو را درباره خودت

به داشتن چند خصلت سفارش می کنم اینها را حفظ کن ، سپس فرمود: خداوندا او را یاری کن . اما خصلت اول راستگویی

است مبادا هرگز دروغی از دهان تو بیرون آید، دوم پارسایی است مبادا هرگز بر خیانت نمودن دلیر گردی ، سوم ترس از

خداست گوئیا تو او را می بینی ، چهارم زیاد گریستن از خوف خدای عزوجل که به خاطر هر قطره اشکی خانه ای در بهشت برایت ساخته می شود، پنجم مال و جان را در مقابل دینت عطا کنی ، ششم در نماز و روزه و صدقه به سنت من رفتار کنی اما نماز پنجاه رکعت در هر شبانه روز و اما روزه سه روز در ماه ، پنجشنبه اول هر ماه و چهارشنبه وسط هر ماه و پنجشنبه آخر هر ماه ، و اما صدقه تا می توانی در پرداخت آن بکوش تا جایی که گفته شود زیاده روی می کنی و تو زیاده روی مکن . بر تو باد به نماز شب ، نماز شب ، نماز شب و بر تو باد به نماز ظهر اول وقت و بر تو باد به قرائت قرآن در هر حال و بر تو باد به بالا بردن دستانت در نماز و برگرداندن دو کف به طریقه دعا و بر تو باد به مسواک زدن در هنگام هر نماز و بر تو باد به کسب اخلاق نیک و بر تو باد به دوری از اخلاق ناپسند، اگر این اموری را که بر تو شمردم به جای نیاوری پس جز خودت کسی دیگر را سرزنش مکن .

حدیث :

۲۲ - عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام انه قال : یا علی ثلاث من مکارم الاخلاق فی الدنيا و الآخرة ان تعفو عن ظلمک و تصل من قطعک و تحلم عن جهل علیک .

ترجمه :

۲۲ - امام صادق علیه السلام از پدرانیش علیه السلام روایت کند که در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام چنین آمده است : ای علی ! سه خصلت است که در دنیا و آخرت از بزرگواری های اخلاقی شمرده می شود: اینکه از کسی که به تو ستم نموده در گذری و با کسی که از تو بریده پیوند برقرار کنی و در برابر کسی که با تو نادانی نموده بردباری به خرج دهی .

حدیث :

۲۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : المکارم عشر فان استطعت ان تکون فیک فلتکن فانها تکون فی الرجل و لاتکون فی ولده و تکون فی ولده و لاتکون فی ابیه و تکون فی العبد و لاتکون فی الحر صدق الناس و صدق اللسان و اداء الامانه و صله الرحم و اقراء الضیف و اطعام السائل و المكافاه علی الصنائع و التذمم للجار و التذمم للمصاحب و راسهن الحیاء.

ترجمه :

۲۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگواری های اخلاقی ده چیز است ، پس اگر توانایی آن داری که این اخلاق در تو باشد پس اقدام کن زیرا این مکارم گاه باشد که در مرد هست ولی در فرزندش نیست و گاه در فرزند هست و در پدرش

نیست و گاه در بنده هست و در آزاد نیست و آنها عبارتند از: راستی با مردمان و راستگویی زبان و امانتداری و پیوند با خویشان و مهمان دوستی و نیکویی نمودن با او و طعام دادن به سائل و پاداش دادن به خاطر انجام کارها و خودداری از سرزنش همسایه و همشین ، و سر همه این بزرگواری ها حیا است .

حدیث :

۲۴ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لانسبن الاسلام نسبه لم ینسبه احد قبلی و لاینسبه احد بعدی الا بمثل ذکل ان الاسلام هو التسلیم و التسلیم هو الیقین و الیقین هو التصدیق و التصدیق هو الاقرار و الاقرار هو العمل و العمل هو الاداء ان المومن لم یاخذ دینه عن رایه و لکن اتاه من ربه فاخذبه .

ترجمه :

۲۴ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: جوهره و اصل اسلام را چنان ترسیم و بیان می کنم و که کسی پیش از من چنین بیان ننموده و پس از من نیز جز به همین گونه ای که می گویم کسی (بهتر از) آن را بیان نخواهد کرد: همانا اسلام همان تصدیق نمودن است و تصدیق ، اقرار و اعتراف آوردن (به عبودیت و حقانیت رسول) است و اقرار همان عمل و کردار است و عمل همان به جای آوردن (و به ظهور رسانیدن) است . به راستی که مومن دین خود را از رای و اندیشه خود بر نمی گیرد بلکه به آنچه که از پروردگارش به او رسیده است تمسک جوید.

حدیث :

۲۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الاسلام : عریان فلباسه الحیاء و زینته الوفاء و مروءته العمل الصالح و عماده الورع و لكل شیء اساس و اساس الاسلام حینا اهل البیت .

ترجمه :

۲۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اسلام برهنه است و لباس و پوشش آن حیاست و زیور آن وفا و مردانگی آن کار شایسته نمودن و پایه و ستون آن پارسایی است و هر چیز بنیاد و ریشه ای دارد و ریشه اسلام دوستی ما اهل بیت است .

حدیث :

۲۶ - عن ابی جعفر الثانی علیه السلام عن ابيه عن جده قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله خلق الاسلام فجعل له عرصه و جعل له نورا و جعل له حصنا و جعل له ناصرا فاما عرصته فالقرآن و اما نوره فالجکمه و اما حصنه فالمعروف و اما انصاره فانا و اهل بیتی و شیعتنا.

ترجمه :

۲۶ - امام جواد علیه السلام از پدر بزرگوارشان و ایشان از جدش روایت کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله : همانا خداوند اسلام را آفرید و برای آن میدان و روشنایی و قلعه استوار و یاری کنندگانی قرار داد اما میدان آن قرآن و روشنایی آن حکمت و قلعه آن احسان است و یاری کنندگان اسلام ، من و اهل بیتم و شیعیان ما می باشیم .

حدیث :

۲۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : انکم لاتکونون صالحین حتی تعرفوا و لاتعرفون حتی تصدقوا و لاتصدقون حتی تسلّموا ابوابا اربعه لایصلح اولها الا باخرها.

ترجمه :

۲۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: شما نیکوکار نمی باشید مگر اینکه شناخت پیدا کنید و شناخت پیدا نمی کنید مگر اینکه تصدیق کنید و تصدیق نمی کنید مگر اینکه تسلیم شوید و اینها چهار باب است (صلاح ، عرفان ، تصدیق و تسلیم) که اولین آنها به سامان نمی آید مگر به سبب آخرین آنها.

حدیث :

۲۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ینبغی للمومن ان یکون فیه ثمان خصال : و قورا عند الهزاهز، صبورا عند البلاء، شکورا عند الرخاء، قانعا بما رزقه الله ، لا یظلم الاعضاء، و لایتحامل للاصدقاء، بدنه منه فی تغب و الناس منه فی راحه ، ان العلم خلیل المومن و الحلم و زیره و العقل امیر جنوده و الرفق اخوه و البر والده .

ترجمه :

۲۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: بر مومن سزوار است که دارای هشت خصلت باشد، در هنگام فتنه ها با وقار و بردبار باشد، هنگام نزول بلا شکیبیا باشد، در هنگام فراخی و ناز و نعمت شکرگزار باشد، به آنچه که خداوند به او روزی بخشیده

قانع باشد، به دشمنان ستم نکند و به دوستان جفا نکند، بدنش از او در سختی و مردم از او در آرامش باشند، همانا دانش دوست مومن و بردباری وزیر اوست و عقل فرمانده لشکریان او و مدارا برادر او و نیکی پدر اوست .

حدیث :

۲۹ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام الاسلام له ارکان اربعه ، التوکل علی الله و تفویض الامر الی الله و الرضا بقضاء الله و التسلیم لامر الله عزوجل .

ترجمه :

۲۹ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اسلام دارای چهار رکن است : توکل بر خدا و واگذاری کار به خداوند و راضی بودن به قضای الهی و تسلیم بودن در مقابل امر خدای عزوجل .

حدیث :

۳۰ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : سئل امیرالمؤمنین علیه السلام عن الایمان فقال : ان الله عزوجل جعل الایمان علی اربع دعائم : علی الصبر و الیقین و العدل و الجهاد فالصبر من ذلك علی اربع شعب : علی الشوق و الاشفاق و الزهد و الترقیب - الی ان قال - و الیقین علی اربع شعب : تبصره الفطنه و تاویل الحکمه و معرفه العبره و سنه الاولین و العدل علی اربع شعب : علی غامض الفهم و غمر العلم و زهره الحکم و روضه الحلم - الی ان قال : - و الجهاد علی اربع شعب : علی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و الصدق فی المواطن و شنان الفاسقین .

ترجمه :

۳۰ - امام باقر علیه السلام فرمود: از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ایمان سوال شد و حضرت پاسخ دادند: همانا خداوند عزوجل ایمان را بر چهار پایه نهاد: بر صبر و یقین و عدل و جهاد. اما صبر خود بر چهار شاخه است : بر شوق (به بهشت) و ترس (از جهنم) و بی رغبتی به دنیا و انتظار کشیدن (مرگ) - تا آنجا که فرمود: - و یقین نیز بر چهار شاخه است : بر بینا شن در زیرکی و بازگردانیدن (امور به سوی) حکمت و شناختن عبرت و روش پیشینیان . و عدل نیز بر چهار شاخه است : بر فهم دشوار و فرو رفتن در علم و حکم نیکو و (وارد شدن در) سبزه زار بردباری - (۵۰) تا آنجا که فرمود: - و جهاد نیز بر چهار شاخه است : بر امر به معروف و نهی از منکر و صداقت و راستی در مواضع و دشمنی با نابکاران .

حدیث :

۳۱ - عن علی به الحسین علیه السلام قال : المومن من ینصت لیسلم و ینطق لیغنم لایحدث امانته الاصدقاء و لایکتّم شهادته من البعداء و لایعمل شیئا من الخیر زیاء و لایترکه حیاء. ان زکی خاف ما یقولون و یتستغفر الله لما لا یعلمون ، لایغره قول من جهله و یخاف احضاء ما عمله .

ترجمه :

۳۱ - امام سجاد علیه السلام فرمود: مومن سکوت می کند تا سالم و سلامت بماند و سخن نگوید تا (از گفتگو با دیگران) غنیمت گیرد و شهادتش را از افراد دور (و آشنا) کتمان نمی کند و هیچ کار خیری را ریاکارانه انجام نمی دهد و هیچ کار خوبی را به خاطر حیا ترک نمی کند، اگر ستوده شود از آنچه که درباره اش می گویند بیمناک است و از خداوند به خاطر آنچه که درباره اش نمی دانند طلب مغفرت می کند، گفتار کسی که نسبت به او جاهل است او را نمی فریبد و از اینکه یکایک عملش حفظ و نگاهداری می شود بیمناک است .

حدیث :

۳۲ - عن هشام به الحکم عن ابی الحسن موسی به جعفر علیه السلام فی حدیث طویل قال یا هشام کان امیرالمؤمنین علیه السلام یقول :

ما عبدالله بشی ء افضل من العقل و ما تم عقل امری حتی تکون فیه خصال شتی : الکفر و الشر منه مامونان و الرشد و الخیر منه مامولان و فضل ماله مبذول و فضل قوله مکفوف ، نصیبه من الدنیا القوت ، لا یشبع من العلم دهره ، الذل احب الیه مع الله من العز مع غیره و یستقل کثیر المعروف من نفسه و یری الناس کلهم خیرا منه و انه شرهم فی نفسه و هم تمام الامر .

ترجمه :

۳۲ - هشام بن حکم از امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی طولانی روایت کند که فرمود: ای هشام ! امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: خداوند به هیچ چیز برتر از عقل پرستش نشده است و عقل کسی تمام و کامل نمی شود مگر اینکه در وی چند خصلت باشد، از کفر و بدی او ایمنی حاصل باشد و امید پایداری در راه راست و خیر از او می رود و زیادی مالش بذل و بخشش می شود و زیادی گفتارش باز داشته می شود، بهره اش از دنیا همان طعامی است که می خورد، در تمام عمرش از علم سیر نمی شود، ذلتی که در راه خدا باشد از عزتی که در راه غیر خدا باشد نزد او دوست داشتنی تر است و فروتنی در نزد او از بلندپایگی محبوبتر است ، احسان کمی را که دیگران انجام می دهند زیاد می شمرد و احسان زیاد خودش

را کم به حساب می آورد و همه مردم را از خود بهتر می بیند و خودش را در نفس خود بدترین مردم می داند و اینها تمام آن خصال است .

حدیث :

۳۳ - و عن عده من اصحابنا رفعه الی ابی عبدالله علیه السلام قال : المومن له قوه فی دین و حزم فی لین و ایمان فی یقین و حرص فی فقه و نشاط فی هدی و بر فی استقامه و علم فی حلم و کیس فی رفق و سخاء فی حق و قصد فی غنی و تحمل فی فاقه و عفو فی قدره و طاعه لله فی نصیحه و انتهاء فی شهوه و ورع فی رغبه و حرص فی جهاد و صلاه فی شغل و صبر فی شده و فی الهزاهز و قور و فی المکاره صبور و فی الرخاء شکور و لایغتتاب و لایتکبر و لایقطع الرحم و لیس بواهن و لافظ و لا غلیظ و لا یسبکه بصره و لایفضحه بطنه و لایغلبه فرجه و لا یحسد الناس ، یعیر و لا یعیر و لا یسرف ، ینصر المظلوم و یرحم المسکین ، نفسه منه فی عناء و الناس منه فی راحه ، لا یرغب فی عز الدنیا و لایجزع من ذلها، للناس هم قد اقبلوا علیه و له هم قد شغله ، لایری فی حلمه نقص و لا فی رابه و هن و لا فی دینه ضیاع ، یرشد من استشاره و یساعد من ساعده و یکیع عن الخناء الجهل .

ترجمه :

۳۳ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: مومن دارای توانایی در دینداری و ثبات در نرمی و ایمان در یقین و حرص در دریافت دانش و نشاط در هدایت و نیکی در پایداری و دانش در بردباری و زیرکی در مدارا و سخاوت در مسیر حق و میانه روی در هنگام ثروتمندی و تحمل در زمان نداری و عفو در وقت قدرت و فرمانبرداری خدا در پند و اندرز دادن و باز ایستادن از شهوترانی و پارسایی در هنگام خواهش نفس و حرص در جهاد و نماز در وقت گرفتاری و صبر در سختی است و در فتنه ها با وقار و در دشواری ها صبور و در فراخی شکرگزار است و غیبت و درشتخوری و خشن نیست و چشمش بر او پیشی نمی گیرد (یعنی اینگونه نیست که ابتدا نگاه کند و سپس از نگاه خود پشیمان شود بلکه از آغاز نگاه نمی کند) و شکمش او را رسوا نمی کند و عورتش بر او چیره نمی شود و بر مردم حسد نمی ورزد، سرزنش می شود و سرزنش نمی کند و اهل اسراف نیست ، ستمدیده را یاری می کند و بر بیچاره رحم می آورد، نفس او از او در سختی است و مردم از او در راحتی اند، میل به عزت و ارجمندی دنیا ندارد و از ذلت دنیا بی تابی نمی کند، مردم می کوشند که روی آورند و کوشش او در این است که به کار خود (و تهذیب نفس خود) مشغول باشد، در بردباری اش کمبودی نیست و در رای و نظرش سستی

راه ندارد و در دینش زیان و خسارت نباشد، کسی را که از او مشورت خواهد راهنمایی می کند و کسی را که از او درخواست کمک کند کمک می کند و از فحش و نادانی ترسان است .

حدیث :

۳۴ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی حدیث انه سال رسول الله صلی الله علیه و آله عن صفه المومن . فقال : عشرون خصله فی المومن فان لم تكن فيه لم يكمل ايمانه . ان من اخلاق المومنین یا علی الحاضرون الصلاه و المسارعون الی الزكاه و المطعمون للمسکین ، الماسحون لراس الیتیم ، المطهرون الطماهم ، المتزرون علی اوساطهم ، الذین ان حدثوا لم یكذبوا و ان وعدوا لم یخلفوا و ان اوتمنوا لم یخونوا و ان تكلموا صدقوا، رهبان اللیل ، اسد بالنهار، صائمون النهار قائمون اللیل ، لایوذون جاراً و لا یتاذی بهم جار، الذین مشیهم علی الارض هون و خطاهم الی بیوت الارامل و علی اثر الجنائز. جعلنا الله و ایاکم من المتقین .

ترجمه :

۳۴ - در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد اوصاف مومن سوال کرد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بیست خصلت در مومن هست که اگر این خصلتها در او نباشد ایمانش کامل نیست . ای علی ! از اخلاق مومنین این است : به نماز (جماعت) حاضر می شوند و به پرداخت زکات شتاب کننده اند و مسکین را طعام دهند، دست بر سر یتیم کشند، جامه های کهنه خویش را پاکیزه می کنند دروغ نمی گویند و اگر وعده دهند به وعده عمل می کنند و اگر در کاری آنان را امین شمرند خیانت نمی کنند و اگر سخن گویند راست خواهند گفت ، پارسایان شب و شیران روزاند، روز را به روزه و شب را به قیام می گذرانند، همسایه را آزار نمی دهند و همسایه ای از آنان رنجیده خاطر نمی شود، به آرامی بر روی زمین قدم بر می دارند و برای کمک به زنان بی سرپرست و برای تشییع جنازه ها قدم پیش می گذارند. خداوند ما و شما را از پرهیزکاران قرار دهد.

حدیث :

۳۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان شیعہ علی علیه السلام كانوا خمض البطون ، ذبل الشفاء، اهل رافه و علم و حلم ، يعرفون بارهبانیه فاعینوا علی ما انتم علیه بالورع و الاجتهاد.

ترجمه :

۳۵ - امام صادق علیه السلام : همانا شیعیان علی علیه السلام شکمهایشان تهی و لبهایشان خشکیده بود، اهل مهربانی و علم و بردباری بودند، به پارسایی شناخته می شدند پس با پرهیزکاری و تلاش ما را بر شیعه بودنتان یاری کنید.
حدیث :

۳۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : المومن حلیم لایجهل ، و ان جهل علیه یحلم ، و لایظلم و ان ظلم غفر و لایبخل و ان بخل علیه صبر.
ترجمه :

۳۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: مومن بردباری است که بردباری اش از روی نادانی نیست و اگر با او از روی نادانی و حماقت رفتار شود او بردباری به خرج می دهد و به کسی ستم نمی کند و اگر به او ستمی شد می بخشاید و بخل نمی ورزد و اگر به او بخل ورزیده شد صبر پیشه می کند.
حدیث :

۳۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : المومن من طاب مکسبه و حسنت خلیقته و صحت سریره و انفق الفضل من ماله و امسک الفضل من کلامه و کفی الناس شره و انصف الناس من نفسه .
ترجمه :

۳۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: مومن کسی است که محل کسب روزی اش پاکیزه و خلق و خوی او نیکوست و درونش بی عیب و نقص است و زیادی دارایی اش را اتفاق می کند و جلو زیاد سخن گفتن خو را می گیرد و شرش را از مردم باز می دارد و در مورد خودش با مردم به انصاف و عدالت رفتار می کند.
حدیث :

۳۸ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام ، شیعتنا المتبادلون فی ولایتنا، المتحابون فی مودتنا، المتزاورون فی احیاء امرنا، الذین اذا غضبوا لم یظلموا و ان رضوا لم یسرفوا، برکه علی من جاوروا سلم لمن خالطوا.
ترجمه :

۳۸ - امام محمد باقر علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین فرمود: شیعیان ما کسانی هستند که در سایه ولایت ما به یکدیگر بذل و بخشش می کنند، یکدیگر را در راه دوستی ما دوست می دارند، در زنده نمودن امر ما با یکدیگر دید و بازدید می کنند،

آنان زمانی که به خشم آیند ستم نمی کنند و اگر خشنود باشند زیاده روی نمی کنند، آنان مایه برکت برای همسایگانشان و مایه صلح و سلامت معاشران خود هستند.

حدیث :

۳۹ - عن فاطمه بنت الحسین بن علی علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله ثلاث خصال من کن فیہ استکمل خصال الایمان : اذا رضی لم یدخله رضاه فی باطل و اذا غضب لم یخرجه الغضب من الحق و اذا قدر لم یتعاط ما لیس له .

ترجمه :

۳۹ - از فاطمه دختر حسین بن علی علیه السلام روایت است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه خصلت است که کسی که این سه خصلت در او باشد خصلتهای ایمان را به طور کامل داراست : هنگامی که خشنود است خوشنودی اش او را در باطل داخل نمی کند و هنگامی که خشمگین است خشمش او را از راه حق بیرون نمی برد و هنگامی که قدرت و توانایی دارد آنچه را که از آن نیست به ناحق نمی گیرد.

حدیث :

۴۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان لاهل الدین علامات یعرفون بها: صدق الحدیث و اداء الامانه و وفاء العهد و صله الارحام و رحمه الضعفاء و قله المواقعه للنساء - او قال و قله المواتاه للنساء - و بذل المعروف و حسن الجوار و سعه الخلق و اتباع العلم و ما یقرب الی الله - الی ان قال - ان المومن نفسه منه فی شغل و الناس منه فی راحه ، اذا جن علیه اللیل افترش وجهه و سجد لله بمکارم بذنه یناجی الذی خلقه فی فکاک رقبتہ ، الا فهکذا فکونوا.

ترجمه :

۴۰ - امام صادق علیه السلام فرمودن امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا اهل دین نشانه هایی دارند که به آن نشانه ها شناخته می شوند: راستی در گفتار و امانتداری و وفای به پیمان و پیوند با خویشان و مهربانی با ناتوانان و کمی معاشرت و مخالفت با زنان (با اینکه فرمود: کمی جماع با زنان) و بذل احسانو حسن همسایگی و وسعت خلق و پیروی از علم و آنچه که به خدا نزدیک می کند تا اینکه فرمود: همانا مومن نفسش از دست او گرفتار است و مردم از او در راحتی اند، هنگامی که شب بر او می رسد صورتش را بر زمین می گذارد و برای خدا با گرمی ترین اعضای بدن خود به خاک می افتد و با پروردگاری که او را آفریده مناجات می کند که او را از آتش برهاند، آگاه باشید که چنین باشید.

حدیث :

۴۱ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : سئل النبی صلی الله علیه و آله عن خیار العباد فقال : الذین اذا احسنوا استبشروا و اذا اساءوا استغفروا و اذا اعطوا شکروا و اذا بتلوا صبروا و اذا غضبوا غفروا.

ترجمه :

۴۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوال شد که بهترین بندگان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که هرگاه نیکی کنند شاد می شوند و هنگامی که بدی کنند مغفرت می کنند و هنگامی که به آنان عطا شود قدردانی می کنند و زمانی که به بلایی دچار شوند صبر پیشه کنند و هنگامی که خشمگین شوند بیخشانند.

حدیث :

۴۲ - قال النبی صلی الله علیه و آله : ان خیارکم اولو النهی قیل یا رسول الله : من اولو النهی ؟ قال : هم اولو الاخلاق الحسنه و الاحلام الرزینه و صله الارحام و البرره بالامهات و الالباء و المتعاهدون للجیران و الیئامی و یطعمون الطعام و یشون السلام فی العالم و یصلون و الناس نیام غافلون .

ترجمه :

۴۲ - پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین شما خردمندانند. گفته شد: ای رسول خدا چه کسانی خردمندانند؟ فرمود: آنان صاحبان اخلاق نیکو و عقلهای گرانمایه و اهل پیوند با خویشاوندان و نیکی به مادران و پدران و رسیدگی کننده به همسایگان و یتیمان اند و (به مسکینان) طعام می خوراندند و به صورت آشکار به همگان سلام می کنند و نماز می گذرانند در حالی که مردم در خواب و غافلند.

حدیث :

۴۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان علی بن الحسین علیه السلام یقول : ان المعرفه بکمال دین المسلم ترکه الکلام فیما یعنیه و قله مرأته و حلمه و صبره و حسن خلقه .

ترجمه :

۴۳ - امام صادق علیه السلام می فرماید امام سجاد علیه السلام می فرمود: همانا شناختن اینکه دین مسلمان به کمال رسیده است به چند امر است: ترک سخن نمودنش در امور بیهوده و بی مربوط و کم جدال نمودنش و بردباری اش و شکیبایی اش و خوش خلقی اش .

حدیث :

۴۴ - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : من اخلاق المومن الانفاق علی قدر الاقتار و التوسع علی قدر التوسع و انصاف الناس و ابتداوه اياهم بالسلام علیهم .

ترجمه :

۴۴ - امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام فرمود: از اخلاق مومن انفاق نمودن به اندازه نیازمندی و توسعه دادن (به زندگی نیازمندان) به اندازه فراخی (زندگی خود) و رفتار عادلانه با مردم و آغاز نمودن به سلام بر مردم .

حدیث :

۴۵ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : انما المومن من الذی اذا رضی لم یدخله رضاه فی اثم و لا باطل و ان سخط لم یخرجه سخطه من قول الحق و الذی اذا قدر لم تخرجه قدرته الی التعدی الی ما لیس له بحق .

ترجمه :

۴۵ - امام باقر علیه السلام فرمود: مومن کسی است که در هنگام خشنودی ، خوشنودی اش او را در گناه و باطل داخل نکند و اگر به خشم آمد خشمش او را از گفتن حق بیرون نبرد و در زمانی که قدرت دارد قدرتش او را به تجاوز نمودن به سوی چیزی که حقی در آن ندارد نکشاند.

حدیث :

۴۶ - قال ابو عبدالله علیه السلام : یا مهزم شیعتنا من لایعدو صوته سمعه و لا شحناوه یدیه و لا یمتدح بنا معلنا و لایجالس لنا عابئا و لا یخاصم لنا قالیا و ان لقی مومنا اکرمه و ان لقی جاهلا هجره - الی ان قال - شیعتنا من لا یهر هریر الکل و لا یطمع طمع الغراب و لا یسال عدونا و ان مات جوعا.

ترجمه :

۴۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: این مهزم! شیعه ما کسی است که صدایش از گوش خودش تجاوز نکند و کینه و دشمنی اش از دستانش تعدی نکند (کینه اش را عملا ابراز و اعمال نکند) و (در زمان تقیه) ما را آشکارا مدح و ثنا نگوید، و در مجالست و همنشینی با ما زبان به عیبجویی نگشاید و یا بی مهری و کینه با ما به مخاصمه و جدال بر نخیزد و اگر با مومنی دیدار کرد او را اکرام کند و اگر با نادانی برخورد نمود از او دوری کند، - تا آنجا که فرمود: - شیعه ما کسی است که

همچون بانگی که سگ از سوز سرما بر می آورد بانگ بزند و حرص و طمعی همچون حرص و طمع کلاغان نداشته باشد و از دشمن ما درخواست و گدایی نکند اگر چه از گرسنگی بمیرد.

حدیث :

۴۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال النبی صلی الله علیه و آله الا اخبرکم باشبهکم بی ؟ قالوا: بلی یا رسول الله قال : احسنکم خلقا و الینکم کنفا و ابرکم بقرابته و اشدکم حبالا خوانه فی دینه و اصبرکم علی الحق و اکظمکم للغیظ و احسنکم عفا و اشدکم من نفسه انصافا فی الرضا و الغضب .

ترجمه :

۴۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آیا به شما در مورد کسی که شبیه ترین شما به من است خبر دهم ؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! پیامبر فرمود: کسی که اخلاقش نیکوتر و نرمخوتر و نیکی کننده تر به خویشاوندانش باشد و دوستی اش نسبت به برادران دینی از همه بیشتر باشد و صبورترین شما بر حق و فرو خورنده ترین شما خشمش را و نیکوترین شما از نظر عفو و بخشایش باشد و از همه شما در هنگام خوشنودی و خشم انصاف را بیشتر رعایت کند.

حدیث :

۴۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال المومن حسن المعونه ، خفیف المئونه ، جید التدریر لمعیشته و لا یلسع من جحر مرتین .

ترجمه :

۴۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: مومن یاری اش نیکو و روزی اش سبک و کم است ، تدبیرش برای زندگی نیکوست و از یک سوراخ دو مرتبه گزیده نمی شود.

حدیث :

۴۹ - عن الدلهات مولی الرضا علیه السلام قال : سمعت الرضا علیه السلام یقول : لا یكون المومن مومنا حتی یكون فیه ثلاث خصال - الحدیث و ذکر فیه - کتمان سره و مداراه الناس و الصبر فی البساء و الضراء.

ترجمه :

۴۹ - دلهاث غلام امام رضا عليه السلام روايت كند كه از حضرت شنيدم كه مي فرموده : مومن مومن نيست مگر اينكه در او سه خصلت باشد - سپس حديث ما قبل را آورده است و در آن اضافه نموده است : رازش را مي پوشاند و با مردمان مدارا مي كند و در سختي ها و مشكلات صبر پيشه مي سازد.

حديث :

۵۰ - في حديث مرفوع الى النبي صلى الله عليه و آله قال : جاء جبرئيل فقال : يا رسول الله ان الله ارسلني اليك بهديه لم يعطها احدا قبلك قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ما هي ؟ قال : الصبر و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الرضا و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الاخلاص و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : اليقين و احسن منه قلت : و ما هو يا جبرئيل ؟ قال : ان مدرجه ذلك التوكل على الله عزوجل فقلت : و ما التوكل على الله ؟ قال : العلم بان المخلوق لا يضر و لا ينفع و لا يعطى و لا يمنع و استعمال الياس من الخلق فاذا كان العبد كذلك لا يعمل لاحد سوى الله و لم يرج و لم يخف سوى الله و لم يطمع في احد سوى الله فهذا هو التوكل قلت : يا جبرئيل فما تفسير الصبر؟ قال : تصبر في الضراء كما تصبر في العافيه فلا يشكو حاله عند المخلوق بما يصيبه من البلاء قلت : فما تفسير القناعه ؟ قال : يقنع بما يصيب من الدنيا يقنع بالقليل و يشكر اليسير قلت فما تفسير الرضا؟ قال الراضى لا يسخط على سيده اصاب من الدنيا (ام لا يصيب) منها و لا يرضى لنفسه باليسير من العمل قلت : يا جبرئيل فما تفسير الزهد؟ قال : يحب من يحب خالقه و يبغض من يبغض خالقه و يتحرج من حلال الدنيا و لا يلتفت الى حرامها فان حلالها حساب و حرامها عقاب و يرحم جميع المسلمين كما يرحم نفسه و يتحرج من حلال الدنيا و لا يلتفت الى حرامها فان حلالها حساب و حرامها عقاب و يرحم جميع المسلمين كما يرحم نفسه و يتحرج من الكلام كما يتحرج من الميتة التي قد اشدت ننتها و يتحرج عن حطام الدنيا و زينتها كما يتجنب النار ان يغشاها و ان يقصر امله و كان بين عينيه اجله قلت ، يا جبرئيل فما تفسير الاخلاص ؟ قال : المخلص الذي الايسال الناس شيئا حتى يجد و اذا وجد رضى و اذا بقى عنده شىء اعطاه في الله ، فان لم يسال المخلوق فقد اقر الله بالعبوديه و اذا وجد فرضى فهو عن الله راض و الله تبارك و تعالى عنه راض و اذا اعطى الله عزوجل فهو على حد الثقة بربه قلت : فما تفسير اليقين ؟ قال : المومن يعمل لله كانه يراه فان لم يكن يرى الله فان الله يراه و ان يعلم يقينا ان ما اصابه لم يكن ليخطئه و ما اخطاه لم يكن ليصيبه و هذا كله اغصان التوكل و مدرجه الزهد.

ترجمه :

۵۰ - در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که : جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! خداوند مرا با هدیه ای نزد تو فرستاده که این چنین هدیه ای به هیچ کس پیش از تو نداده است رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن هدیه چیست ؟ عرض کرد: صبر و نیکوتر از صبر. فرمود: نیکوتر از صبر چیست ؟ عرض کرد: رضا و نیکوتر از آن . فرمود: نیکوتر از رضا چیست ؟ عرض کرد: زهد و نیکوتر از آن . فرمود: نیکوتر از زهد چیست ؟ عرض کرد: اخلاص و نیکوتر از آن . فرمود: نیکوتر از اخلاص چیست ؟ عرض کرد: یقین و نیکوتر از یقین . پیامبر می فرماید گفتم : ای جبرئیل ! نیکوتر از یقین چیست ؟ گفت : راه رفتن به آن توکل نمودن بر خدای عزوجل است گفتم : توکل بر خدا چیست ؟ گفت : آگاهی به اینکه ضرر و نفع و عطا و منع هیچ یک به دست مخلوق نیست و نومیدی از مخلوق را در عمل رعایت کند پس هرگاه بنده ای چنین باشد برای هیچ کس غیر از خدا کار نمی کند و امید و بیم ندارد جز از خدا و به هیچ کس جز خدا چشم نمی دوزد پس این معنای توکل است . گفتم : ای جبرئیل ! تفسیر صبر چیست ؟ گفت : در سختی شکیبایی کند چنانکه در شادی و در تنگدستی شکیبایی کند چنانکه در ثروتمندی و در بلا شکیبایی کند چنانکه در وقت عافیت و تندرستی پس از بلایی که به او رسیده به نزد مخلوق شکوه و شکایت نبرد. گفتم : تفسیر قناعت چیست ؟ گفت : به آنچه از دنیا نصیب او گردیده قانع باشد به کم قانع باشد و شکر آن را به جای آورد. گفتم : تفسیر رضا چیست ؟ گفت : شخص رضایتمند بر مولای خود خشم نمی گیرد چه به دنیا رسیده باشد چه نرسیده باشد و بر نفس خود به عمل کم خوشنود نیست .

گفتم : ای جبرئیل تفسیر زهد چیست ؟ گفت : اینکه دوست بدارد آن کس را که آفریننده اش را دوست دارد و دشمن بدارد آن کس را که آفریننده اش را دشمن می دارد و از حلال دنیا بر خود تنگ بگیرد و به حرام آن توجهی نکند زیرا حلال آن حساب دارد و حرامش موجب عقاب است و به همه مسلمانان مهربانی کند چنانکه نسبت به خود مهربان است و آنچه آنکه از مرداری که بوی گندش زیاد شده است پرهیز می کند از سخن گفتن پرهیزد و همچنانکه از آتشی که او را فرا گیرد دوری می کند از چیزهای پوچ و فانی دنیا و زینت دنیا پرهیز کند و آرزویش را کوتاه کند و اجلس را پیش رو داشته باشد. گفتم : ای جبرئیل ! تفسیر اخلاص چیست ؟ گفت : مخلص کسی است که هیچ چیز را از مردم درخواست نکند تا خود بیابد و آنگاه که یافت خوشنود باشد و اگر چیزی در نزد او باقی ماند آن را در راه خدا عطا کند پس اگر از مخلوق درخواست نکند به عبودیت خداوند اقرار کرده است . و اگر خواسته خود را یافت و خوشنود بود چنین کسی از خدا خوشنود است و خداوند تبارک

و تعالی نیز از او خوشنود است و هنگامی که به خاطر خدای عزوجل عطا می کند چنین کسی در حد اعتماد به پروردگار خویش است .

گفتم : تفسیر یقین چیست ؟ گفت : مومن برای خدا به گونه ای عمل کند گوئیا او را می بیند که اگر او خدا را نمی بیند خداوند او را می بیند و از روی یقین و باور بداند که آنچه به او رسیده است ممکن نبود که به او برسد و به خطا رود و آنچه که به خطا رفته و به او نرسیده است نمی شد که به او برسد. همه اینها که گفته شد شاخه های توکل و راه رفتن به سوی زهد است .

۵ - باب استحباب التفکر فیما یوجب الاعتبار والعمل

۵ - باب استحباب تفکر نمودن در چیزهایی که موجب عبرت و عمل است

حدیث :

۵۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان امیرالمؤمنین علیه السلام یقول : نبه بالفکر قلبک و جاف عن اللیل جنبک و اتق الله ربک .

ترجمه :

۵۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: با تفکر نمودن قلب خود را آگاه کن و شبانگاه پهلوی خود را از بستر خواب دور گردان و تقوای خداوند که پروردگار توست را پیشه ساز.

حدیث :

۵۲ - عن الحسن الصیقل قال : سالت ابا عبدالله علیه السلام عما یروی الناس (تفکر ساعه خیر من قیام لیله) قلت : کیف یتفکر؟ قال : یمر بالخربه او بالدار فیقول : این ساکنوک ؟ این بانوک ؟ ما لک لاتتکلمین ؟

ترجمه :

۵۲ - حسن صیقل گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آنچه که مردم روایت می کنند که : (ساعتی تفکر از قیام یک شب بهتر است) پرسیدم که چگونه باید تفکر کند؟ فرمود: به ویرانه یا خانه گذر کند و بگوید: کجایند ساکنان تو؟ کجایند

سازندگان تو؟ تو را چه شده چرا سخن نمی گویی ؟

حدیث :

۵۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : افضل العباده ادمان التفکر فی الله و فی قدرته .

ترجمه :

۵۳ - امام صادق علیه السلام فرمود، برترین عبادت مداومت نمودن بر تفکر درباره خداوند و قدرت اوست .

حدیث :

۵۴ - عن معمر بن خالد قال : سمعت ابا الحسن الرضا علیه السلام يقول : ليس العباده كثره الصلاه و الصوم انما العباده

التفكر فى امر الله عزوجل .

ترجمه :

۵۴ - معمر بن خالد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: عبادت نماز و روزه زیاد نیست بلکه عبادت تفکر

نمودن در کار خدای عزوجل است .

حدیث :

۵۵ - قال ابو عبدالله عليه السلام : التفكير يدعو الى البر و العمل به .

ترجمه :

۵۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: تفکر آدمی را به سوی نیکی و عمل به آن فرا می خواند.

حدیث :

۵۶ - كتب هارون الرشيد الى ابي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام : عظمى و اوجز. قال : فكتب اليه : ما من شىء تراه

عينك الا و فيه موعظه .

ترجمه :

۵۶ - هارون الرشيد به امام موسى بن جعفر علیه السلام نوشت که : مرا موعظه کن و کوتاه سخن گو. - راوی گوید: -

حضرت برای او نوشت : هیچ چیز نیست که چشم تو آن را ببیند جز اینکه در آن موعظه ای نهفته است .

حدیث :

۵۷ - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : كان اكثر عباده ابي ذر رحمه الله التفكير و الاعتبار.

ترجمه :

۵۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: بیشترین عبادت ابوذر - که خدایش رحمت کند - تفکر نمودن و عبرت گرفتن بود.

حدیث :

۵۸ - من کتاب ابی عبدالله السیاری صاحب موسی و الرضا علیه السلام قال : سمعته يقول : ليس العباده كثره الصيام و الصلاه و انما العباده الفكر فى الله تعالى .

ترجمه :

۵۸ - از کتاب ابی عبدالله سیاری که مصاحب دو امام موسی کاظم و امام رضا علیه السلام بود روایت است که گوید: از امام معصوم شنیدم که فرمود: عبادت ، زیاد روزه گرفتن و خواندن نماز فراوان نیست بلکه عبادت تفکر نمودن درباره خدای تعالی است .

حدیث :

۵۹ - عن الحسين الصيقل قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : تفكر ساعه خير من قيام ليله فقال : نعم قال رسول الله صلى الله عليه و آله تفكر ساعه خير من قيام ليله قلت : كيف يتفكر؟ قال : يمر بالدار و الخربه فيقول اين بانوك اين ساكنوك مالك لاتتكلمين .

ترجمه :

۵۹ - حسین بن صقیل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : آیا ساعتی تفکر، از برخاستن و عبادت یک شب با ارزش تر است ؟ حضرت فرمود: آری رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که : ساعتی تفکر نمودن از یک شب قیام نمودن برتر است عرض کردم : چگونه باید تفکر کرد؟ فرمود: باید به خانه و ویرانه گذر کند و بگوید: سازندگان تو و ساکنان تو کجایند؟ تو را چه شده چرا سخن نمی گویی ؟

۶ - باب استحباب التخلق بکمکارم الاخلاق و ذکر جمله منها

۶ - باب استحباب یافتن اخلاق نیکو و ذکر تعدادی از اخلاق نیکو

حدیث :

۶۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : انا لنحب من كان عاقلا فهما فقیها حلیمها مداریا صبوراً صدوقاً و فیا ان الله عزوجل خص الانبياء بکمکارم الاخلاق فمن كانت فيه فلیحمد الله على ذلك و من لم تكن فيه فلیتضرع الى الله عزوجل و لیساله اياها قال قلت جعلت فداک و ما هن ؟ قال : هن الورع و القناعه و الصبر و الشکر و الحلم و الحياء و السخاء و الشجاعه و الغيره و البر و صدق الحدیث و اداء الامانه .

ترجمه :

۶۰ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: ما کسی را دوست می داریم که خردمند، فهمیده ، دارای فهم عمیق در دین ، بردبار، مداراکننده ، صبور، راستگو و وافادار باشد، خداوند عزوجل اخلاق نیکو را به پیامبران اختصاص داده پس کسی که دارای اخلاق پسندیده است خداوند را بر داشتن آن اخلاق سپاس گوید و کسی که چنین اخلاقی در وجودش نیست باید به درگاه خدای عزوجل تضرع و زاری کند و اخلاق نیکو را از خداوند درخواست کند.

- راوی گوید: - عرض کردم : فدایت شوم آن اخلاق نیک چیست ؟ حضرت فرمود: پارسایی ، قناعت ، صبر و شکر، بردباری ، حیا سخاوت ، شجاعت ، غیرت ، نیکو کاری ، راستگویی ، امانتداری .

حدیث :

۶۱ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : الا اخبركم بخير رجالكم ؟ قلنا: بلى يا رسول الله قال : ان خير رجالكم التقى النقى السمح الكفين النقى الطرفين البر بوالديه و لايجلى عياله الى غيره .

ترجمه :

۶۱ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: آیا به شما خبر دهم که بهترین مردان شما چه کسانی هستند؟ گفتیم : آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: بهترین مردان شما کسانی هستند که پرهیزکار، پاکیزه ، دارای دستانی بخشنده و با سخاوت ، از طرف پدر و مادر پاکیزه نژاد باشد، نیکی کننده به پدر و مادرش باشد و خانواده اش را مجبور نکند که به دیگری پناه برد.

حدیث :

۶۲ - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : ان الله عزوجل ارتضى لكم الاسلام دينا فاحسنوا صحبتته بالسخاء و حسن الخلق .

ترجمه :

۶۲ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا خداوند عزوجل اسلام را به عنوان دین برای شما پسندید پس این دین را با سخاوت و خوش خلقی همراهی و یاری نیکو کنید.

حدیث :

۶۳ - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال اميرالمؤمنين عليه السلام : الايمان اربعة ارکان الرضا بقضاء الله و التوكل على الله و تفويض الامر الى الله و التسليم لامر الله .

ترجمه :

۶۳ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ایمان چهار رکن دارد: خوشنودی به قضای الهی و توکل بر خدا و سپردن امر زندگی به خداوند و تسلیم در برابر امر خدا.

حدیث :

۶۴ - عن رجل من بنی هاشم قال اربع من کن فیہ کمل اسلامه و ان کان من قرنه الی قدمه خطایا لم ینقضه الصدق و الحیاء و حسن الخلق و الشکر.

ترجمه :

۶۴ - از مردی از بنی هاشم چنین روایت است که فرمود: چهار چیز است که اگر در کسی باشد اسلامش کامل است و اگر چه از سر تا قدمش گناه باشد از قدر و منزلتش کاسته نمی شود: راستی و حیا و خوش خلقی و شکر.

حدیث :

۶۵ - عن حماد بن عثمان قال جاء رجل الی الصادق علیه السلام فقال : یا ابن رسول الله اخبرنی عن مکارم الاخلاق فقال : العفو عن ظلمک و صلہ من قطعک و اعطاء من حرمک و قول الحق و لو علی نفسک .

ترجمه :

۶۵ - حماد بن عثمان گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! اخلاق نیک را به من خبر ده ، حضرت فرمود: چشم پوشی و گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته و پیوند با کسی که از تو بریده و عطا کردن به کسی که تو را محروم داشته و حق گویی اگر چه بر علیه خودت باشد.

حدیث :

۶۶ - عن جراح المدائنی قال : قال لی ابو عبدالله علیه السلام : الا احثک بمکارم الاخلاق ؟ الصفح عن الناس و مواساه الرجل اخاه فی ماله و ذکر الله کثیرا.

ترجمه :

۶۶ - جراح مدائنی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا جوانمردی ها و خوبی های اخلاقی را برایت بگویم ؟ چشم پوشی و در گذشتن از خطای مردمان و یاری دادن به برادر دینی از نظر مالی و یاد کردن زیاد از خداوند.

حدیث :

۶۷ - عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام انه قال : عليكم بمكارم الاخلاق فان الله عزوجل يحبها و اياكم و مذام الافعال فان الله عزوجل يبغضها و عليكم بتلاوه القرآن الى ان قال و عليكم بحسن الخلق فانه يبلغ بصاحبه درجه الصائم القائم و عليكم بحسن الجوار فان الله جل جلاله امر بذلك و عليكم بالسواك فانه مطهره و سنه حسنه و عليكم بفرائض الله فادوها و عليكم بمحارم الله فاجتنبوها.

ترجمه :

۶۷ - امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: بر شما باد به بزرگواری های اخلاقی زیرا خداوند عزوجل اخلاق پسندیده را دوست دارد و از اخلاق نکوهیده بپرهیزد زیرا خداوند عزوجل آنها را دشمن می دارد و بر شما باد به تلاوت قرآن ، - تا آنجا که فرمود بر شما باد به خوش خلقی زیرا خوش خلقی صاحب خود را به درجه روزه داری که شبها را به عبادت قیام می کند می رساند و بر شما باد به نیکی با همسایگان زیرا خداوند به این امر نموده است و بر شما باد به مسواک زدن زیرا مسواک زدن پاکیزه کننده دهان و سنتی نیکو است و بر شما باد به انجام واجبات الهی و بر شما باد به اجتناب نمودن از حرامهای خداوند.

حدیث :

۶۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل وجوها خلقهم من خلقه و ارضه لفضاء حوائج اخوانهم یرون الحمد مجدا و الله سبحانه یحب مکارم الاخلاق و کان فیما خاطب الله نبیه صلی الله علیه و آله (انک لعلی خلق عظیم) قال : السخاء و حسن الخلق .

ترجمه :

۶۸ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا برای خداوند بندگان برجسته و شایسته ای وجود دارد که خداوند آنها را همین آفرینش و زمین خود آفریده است و آنان را برای برطرف کردن نیازهای برادران دینی آفریده ، آنان حمد و سپاس را مایه مجد و بزرگی می دانند و خداوند سبحان بزرگواری های اخلاقی را دوست می دارد و در خطاب نمودن به پیامبرش فرموده است : (همانا تو بر اخلاقی بزرگ هستی) (۵۱) که این اخلاق بزرگ همان سخاوت و خوش خلقی است .

۷ - باب وجوب الیقین بالله فی الرزق و العمر و النفع و الضر

۷ - باب وجوب یقین داشتن به خداوند در رساندن روزی و عمر و نفع ضرر

حدیث :

۶۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان امیرالمؤمنین علیه السلام یقول : لایجد عبد طعم الایمان حتی یعلم ان ما اصابه لم یکن لیخطئه و ان ما اخطاه لم یکن لیصیبه و ان الضار النافع هو الله عزوجل .
ترجمه :

۶۹ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: بنده ای مزه ایمان را نمی چشد مگر اینکه بداند که آنچه به او رسیده نمی توانست به او نرسد و خطا رود و آنچه که به خطا رفته و به او نرسیده نمی شد که به او برسد و بداند که زیان رساننده و سوددهنده فقط خدای عزوجل است .
حدیث :

۷۰ - عن صفوان الجمال قال : سالت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (و اما الجدار فکان لغلامین یتیمین فی المدینه و کان تحته کنز لهما) فقال : اما انه ما کان ذهباً و لافضه و انما کان اربع کلمات لا اله الا الله انا من ایقن بالموت لم یضحک سنه و من ایقن بالحساب لم یفرح قلبه و من ایقن بالقدر لم یخش الا الله .
ترجمه :

۷۰ - صفوان جمال گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی در داستان حضرت خضر علیه السلام پرسیدم که می فرماید: (و اما آن دیوار (که تعمیر نمودم) متعلق به دو کودک یتیم در شهر بود و در زیر آن دیوار گنجی برای آنان نهفته بود) حضرت فرمود: به راستی که آن گنج طلا و نقره نبود بلکه آن گنج چهار کلمه حکمت بود: هیچ معبودی جز من نیست ، کسی که مرگ را باور داشته باشد در عمر خود نمی خندد، و کسی که حساب را باور داشته باشد دلش شادمان نخواهد بود، و کسی که قضا و قدر الهی را باور کند جز از خدا از هیچ چیز نمی ترسد.
حدیث :

۷۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام ان امیرالمؤمنین علیه السلام جلس الی حائط مائل یقضى بین الناس فقال بعضهم لاتتعد تحت هذا الحائط فانه معور فقال امیرالمؤمنین علیه السلام : حرس امرأ اجله فلما قام سقط الحائط و کان امیرالمؤمنین علیه السلام مما یفعل هذا و اشباهه و هذا الیقین .
ترجمه :

۷۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام در زیر دیوار گنجی نشسته بود و در بین مردمان حکم می فرمود، پس برخی از مردم گفتند: در زیر این دیوار منشین که به خاطر رخنه ای که دارد ترسناک است . حضرت فرمود: مرد را اجلس حفظ و نگاهبانی می کند پس از آنجا برخاست و دیوار فرو ریخت .

امیرالمؤمنین علیه السلام این کار و کارهایی شبیه به انی را انجام می داد و این یقین و باور است .

حدیث :

۷۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لیس شیء الا و له حد قلت : جعلت فداک فما حد التوکل ؟ قال : الیقین . قلت : فما

حد الیقین ؟ قال : ان لا تخاف مع الله شیئا .

ترجمه :

۷۲ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: هیچ چیزی نیست جز اینکه برای آن حدی است - روای گوید: -

عرض کردم فدایت شوم حد توکل چیست ؟ فرمود: یقین . عرض کردم : حد یقین چیست ؟ فرمود: حد یقین آن است که با وجود خداوند از هیچ چیز نترسی .

حدیث :

۷۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من صحه یقین المرء المسلم ان لا یرضی الناس بسخط الله و لایلومهم علی ما لم یوته الله فان الرزق لایسوقه حرص حریص و لایرده کراهیه کاره و لو ان احدکم فر من رزقه کما یفر من الموت لادرکه رزقه کما یدرکه الموت - ثم قال : - ان الله بعدله و قسطه جعل الروح و الراحة فی الیقین و الرضا جعل الهم و الحزن فی الشک و السخط .

ترجمه :

۷۳ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: نشانه سالم بودن یقین شخص مسلمان این است که مردم را با به خشم آوردن خداوند خوشنود نسازد و آنان را بر آنچه که خداوند به آنان عطا نکرده است سرزنش نکند زیرا رزق و روزی را نه حرص حریص به سوی او می کشاند و نه ناخوش داشتن شخص از او باز می دارد و (بدانید که) اگر کسی از شما از روزی خود بگریزد چنانکه از مرگ می گریزد روزی اش او را در می یابد چنانکه مرگ او را در می یابد - سپس فرمود: - همانا خداوند به عدل و انصاف خود آرامش و راحتی را در یقین و رضا (به داده الهی) قرار داد و اندوه و حزن را در شک و ناخشنودی (از قضای الهی) قرار داد.

حدیث :

۷۴ - عن هشام بن سالم قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان العمل القليل الدائم على اليقين افضل عند الله من العمل الكثير على غير يقين .

ترجمه :

۷۴ - هشام بن سالم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: عمل اندک و بادوام که بر پایه یقین باشد در نزد خداوند از عمل زیاد که بدون یقین باشد برتر است .

حدیث :

۷۵ - عن سعيد بن قيس الهمداني قال نظرت يوما في الحرب الى رجل عليه ثوبان فحركت فرسى فاذا هو امير المؤمنين عليه السلام فقلت يا امير المؤمنين : في مثل هذا الموضع فقال نعم يا سعيد بن قيس انه ليس من عبد الا و له من الله عزوجل حافظ و واقيه معه ملكان يحفظانه من ان يسقط من راس جبل او يقع في بئر فاذا نزل القضاء خليا بينه و بين كل شىء .

ترجمه :

۷۵ - سعيد بن قيس همدانی گوید: روزی در هنگام جنگ چشمم به مردی افتاد که دو جامه بر داشت (و در هیئت جنگجویان زره بر تن نداشت) اسبم را به سوی او راندم ناگاه دیدم که امیرالمؤمنین علیه السلام است عرض کردم : ای امیرمومنان ! آیا در مثل چنین مکانی؟! (اینگونه حاضر می شوید) حضرت فرمود: آری ای سعید بن قیس ! هیچ بنده ای نیست جز اینکه برای او از جانب خدای عزوجل نگاهبان و نگاهداری هست ، همراه با او دو فرشته است که او را از فرو افتادن از کوه یا افتادن در چاه نگهداری می کنند پس زمانی که قضای الهی فرود می آید آن دو فرشته از بین او و هر چیز به کنار می روند.

حدیث :

۷۶ - عن علي بن اسباط قال : سمعت ابا الحسن الرضا عليه السلام يقول : كان في الكنز الذي قال الله : (و كان تحته كنز لهما) كان فيه بسم الله الرحمن الرحيم ، عجبتم لمن ايقن بالموت كيف يفرح ؟ و عجبتم لمن ايقن بالقدر كيف يحزن ؟

ترجمه :

۷۶ - علی بن اسباط گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: در آن گنجی که خداوند در داستان حضرت خضر و موسی علیه السلام در قرآن از زبان حضرت خضر بیان نمود که (در زیر آن دیوار گنجی بود متعلق به دو کودک یتیم) چنین

آمده است : به نام خداوند مهرورز مهربان ، در شگفتم از کسی که مرگ را باور کرده است چگونه شادمانی می کند و در شگفتم از کسی که به قضا و قدر الهی یقین دارد چگونه غمگین می شود.

حدیث :

۷۷ - قيل للرضا عليه السلام انك تتكلم بهذا الكلام و السيف يقطر دما فقال : ان لله و ادیا من ذهب حماه باضعيف خلقه النمل فلو رامه البخاتی لم تصل اليه .

ترجمه :

۷۷ - به امام رضا علیه السلام گفته شد: شما این سخن را می گوئید (۵۲) در حالی که از آن شمشیر خون می چکد (یعنی مردم در طلب روزی سخت می کوشند)

حضرت فرمود: برای خداوند وادی از طلاست که با ضعیف ترین آفریدگانش که مورچه است از آن نگاهبانی می کند که اگر شخص صاحب بخت و اقبال هم آن را طلب کند به آن نخواهد رسید.

حدیث :

۷۸ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : كفی بالاجل حارسا.

ترجمه :

۷۸ - امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: اجل به عنوان نگاهبان برای آدمی بس است .

۸ - باب وجوب طاعه العقل و مخالفه الجهل

۸ - باب وجوب فرمانبرداری از عقل و مخالفت نمودن باجهل و نادانی

حدیث :

۷۹ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له : اقبل فاقبل ثم قال له : ادبر فادبر ثم قال : و

عزتی و جلالی ما خلقت خلقا هو احب الی منک و لا اکملتک الا فیمن احب اما انی ایاک امر و ایاک انهی و ایاک اعاقب و ایاک اثیب .

ترجمه :

۷۹ - امام باقر علیه السلام فرمود: چون خداوند عقل را آفرید از او خواست که سخن گوید، سپس به او فرمود: پیش آی ،

پس عقل پیش آمد. سپس فرمود: برگرد، پس او پشت نموده و برگشت ، سپس خداوند فرمود: سوگند به عزت و جلالم که

هیچ آفریده ای را نیافریدم که در نزد من از تو محبوبتر باشد و تو را به صورت کامل قرار نمی دهم مگر در وجود کسی که دوستش دارم . آگاه باش که من تو را امر و نهی می کنم و تو را کیفر و پاداش می دهم .

حدیث :

۸۰ - عن علی علیه السلام قال : هبط جبرئیل علیه السلام علی آدم علیه السلام فقال : یا آدم انی امرت ان اخیرک واحده من ثلاث فاخترها و دع اثنتین فقال له آدم : یا جبرئیل و ما الثلاث فقال : العقل و الحیاء و الدین فقال آدم : انی قد اخترت العقل فقال جبرئیل للحیاء و الدین : انصرفا و دعاه فقالا : یا جبرئیل انا امرنا ان نکون مع العقل حیث کان قال : فشانکما و عرج .

ترجمه :

۸۰ - از علی علیه السلام روایت است که فرمود: جبرئیل علیه السلام بر حضرت آدم علیه السلام فرود آمد و عرض کرد: ای آدم! از جانب خدای به من دستور داده شده که تو را بین یکی از سه چیز مخیر گردانم آن را اختیار کن و آن دو دیگر را واگذار.

پس آدم علیه السلام به او گفت : ای جبرئیل ! آن سه چیست ؟ جبرئیل علیه السلام گفت : عقل ، حیا ، دین . آدم علیه السلام فرمود: من عقل را انتخاب می کنم . پس جبرئیل علیه السلام به حیا و دین گفت : برگردید و او را واگذارید، آن دو گفتند: ای جبرئیل ! به ما دستور داده شده که همواره هر جا که عقل هست همراه او باشیم . جبرئیل گفت : خودتان می دانید و عروج کرد و به آسمان رفت .

حدیث :

۸۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت له : ما العقل ؟ قال : ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان قال : قلت : فالذی کان فی معاویه ؟ قال : تلك النکراء تلك الشیطنه و هی شبیهه بالعقل و لیست بالعقل .

ترجمه :

۸۱ - راوی گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم : عقل چیست ؟ فرمود: آنچه که به سبب آن پروردگار مهربان عبادت می شود و به وسیله آن بهشت به دست می آید.

عرض کردم : پس آنچه که در معاویه وجود داشت چه بود؟ فرمود: آن زیرکی و شیطنت بود که به عقل شبیه است و عقل نیست .

حدیث :

۸۲ - عن الحسن بن الجهم قال سمعت الرضا عليه السلام يقول : صديق كل امری عقله و عدوه جهله .

ترجمه :

۸۲ - حسن بن جهم گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: دوست هر کسی عقل اوست و دشمن هر کس نادانی

اوست .

حدیث :

۸۳ - قال ابو عبدالله عليه السلام : من كان عاقلا كان له دين و من كان له دين دخل الجنة .

ترجمه :

۸۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که عاقل باشد دین دارد و کسی که دین دارد وارد بهشت خواهد شد.

حدیث :

۸۴ - قال ابو الحسن موسى به جعفر عليه السلام : يا هشام ان الله بشر اهل العقل و الفهم فى كتابه فقال فبشر عباد الذين

يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هداهم الله و اولئك هم اولوا الالباب - الى ان قال - يا هشام ان لقمان قال

لابنه تواضع للحق تكن اعقل الناس وان الكيس لدى الحق يسير يا بنى ان الدنيا بحر عميق قد غرق فيها عالم كثير فلتكن

سفینتک فیها تقوی الله و حشوها الايمان و شرعها التوکل و قيمها العقل و دليلها العلم و سكانها الصبر يا هشام ان لكل شی

ء دلیلا و دلیل العقل التفکر و دلیل التفکر الصمت و لكل شی ء مطیه و مطیه العقل التواضع و کفی بک جهلا ان ترکب ما

نهیب عنه الى ان قال يا هشام ان الله على الناس حجتین حجه ظاهره و حجه باطنه فاما الظاهره فالرسل و الانبیاء و الائمه و

اما الباطنه فالعقول الى ان قال يا هشام کیف یزکو عند الله عملک و انت قد شغلت قلبک عن امر ربک و اطعت هواک على

غلبه عقلک يا هشام ان العاقل رضى بالدون من الدنيا مع حکمه و لم یرض بالدون من حکمه مع الدنيا فلذلک ربحت

تجارتهم ان العقلاء ترکوا فضول الدنيا فکیف الذنوب و ترک الدنيا من الفضل و ترک الذنوب من الفرض يا هشام ان العاقل

نظر الى الدنيا و الى اهلها فعلم انها لاتنال الا بالمشقه و نظر الى الاخره فعلم انها لاتنال الا بالمشقه فطلب بالمشقه ابقاهما.

ترجمه :

۸۴ - امام موسى بن جعفر علیه السلام فرمود: این هشام! خداوند در کتابش عاقلان و فهمیدگان را بشارت داد و فرمود:

(پس بشارت ده بندگان مرا، آنان که سخن را می شنوند و از نیکوترین آن پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خداوند

هدایتشان فرموده و آنان خردمنداند) (۵۳) ای هشام! لقمان به پسرش گفت: در مقابل حق تواضع و فروتنی کن تا عاقل ترین مردمان باشی و همانا کسی که در برابر حق زیرک باشد کم است. ای پسر! دنیا دریایی عمیق است که عالمی بسیار در آن غرق گشته اند پس باید در یان دریای ژرف کشتی تو تقوای الهی و دورن آن کشتی ایمان و بادبان آن توکل و متصدی و متولی آن عقل و راهنمای آن دانش و سکان آن شکیبایی می باشد. ای هشام! هر چیزی راهنمایی دارد و راهنمای عقل تفکر است و راهنمای تفکر سکوت است و هر چیزی مرکبی دارد و مرکب عقل تواضع و فروتنی است و برای نادانیت همین بس که بر چیزی سوار شوی که از سوار شدن بر آن نهی شده ای - تا آنجا که فرمود: ای هشام! خداوند بر مردمان دو حجت دارد یکی حجت ظاهری و دیگری حجت باطنی اما حجت ظاهری همان رسولان و پیامبران هستند و اما حجت باطنی عقلهای مردمان است - تا آنجا که فرمود: ای هشام! چگونه عمل تو در نزد پروردگارت باز داشته ای و پیرو هوایت که بر عقلت چیره گشته است گردیده ای. ای هشام! همانا خردمند به اندک از دنیا همراه با حکمت باشد خوشنود می گردد و به اندک از حکمت که همراه با دنیا باشد خوشنود نمی گردد پس به همین خاطر تجارت آنان سودمند است. همانا خردمندان زیادی های دنیا را ترک گفته اند تا چه رسد به گناهان و ترک دنیا ناشی از فضل و برتری است و ترک گناهان واجب است.

ای هشام! همانا شخص خردمند به دنیا و اهلهش می نگردد پس در می یابد که جز با تحمل سختی به دنیا نمی توان رسید و به آخرت می نگردد باز می بیند که جز با تحمل سختی به آن نمی توان رسید پس از بین این دو آن را که باقی تر و ماندگارتر است با مشقت طلب می کند.

حدیث:

۸۵ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام: العقل غطاء ستير و الفضل جمال ظاهر فاستر خلل خلقک بفضلك و قاتل هواک بعقلک تسلیم لک الموده و تظهر لک المحبه.

ترجمه:

۸۵ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: عقل پوششی پوشاننده است و شایستگی زیبایی ای آشکار است پس رخنه هاس طبیعی خودت را با شایستگی ات بپوشان و به کمک عقل خویش با هوان نفست مبارزه کن تا دوستی سالم و خالصانه برایت حاصل و محبت نیز برایت آشکار گردد.

حدیث:

۸۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العقل دلیل المومن .

ترجمه :

۸۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: عقل راهنمای مومن است .

حدیث :

۸۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : یا علی لافقر اشد من الجهل و لامال اعود من

العقل .

ترجمه :

۸۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : ای علی ! هیچ فقری بدتر از نادانی

نیست و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست .

حدیث :

۸۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له : اقبل فاقبل فقال له : ادبر فادبر فقال : و

عزتی و جلالی ما خلقت خلقا هو احب الی منک بک اخذ و بک اعطی و علیک ائیب .

ترجمه :

۸۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خداوند عقل را آفرید از او خواست که سخن بگوید سپس به او فرمود: پیش

آی ، پس او پیش آمد پس فرمود: برگرد و او پشت نموده و برگشت ، پس خداوند فرمود: سوگند به عزت و جلالم که هیچ

آفریده ای را که در نزد من دوست داشتنی تر از تو باشد نیافریدم ، به سبب تو می گیرم و به سبب تو عطا می کنم و بر

اساس تو ثواب و پاداش می دهم .

حدیث :

۸۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام : قال خمس من لم یکن فیه لم یکن فیه کثیر مستمتع قلت : و ما هی ؟ قال : العقل و

الادب و الدین و الجود و حسن الخلق .

ترجمه :

۸۹ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: پنج چیز هست که هر کس این پنج چیز در او نیست لذت

برخورداری زیادی در وجودش نخواهد بود.

- راوی می گوید: - عرض کردم: آنها چه هستند؟ حضرت فرمود: عقل و ادب و دین و بخشش و خوش خلقی .

۹ - باب وجوب غلبه العقل على الشهوه و تخريم العكس

۹ - باب وجوب غلبه عقل بر شهوت و حرمت غلبه شهوت بر عقل

حدیث :

۹۰ - عن الصادق عليه السلام عن آبائه عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه و آله في حديث المناهي قال : من عرضت

له فاحشه او شهوه فاجتنبها مخافه الله عزوجل حرم الله عليه النار و آمنه من الفزع الاكبر و انجز له ما و عده في كتابه في

قوله تعالى (و لمن خاف مقام ربه جنتان) الا و من عرضت له دنيا و آخره فاختار الدنيا على الاخره لقي الله عزوجل يوم

القيامة و ليست له حسنه يتقى بها النار و من اختار الاخره و ترك الدنيا رضى الله عنه و غفر له مساوى عمله .

ترجمه :

۹۰ - از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیه السلام و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله در

حدیث مناهی روایت کنند که فرمود: هر کس که گناهی یا امر شهوانی بر او عرضه شود و او از ترس خدای عزوجل از

ارتکاب آن خودداری کند خداوند آتش دوزخ را بر او حرام می گرداند و از بی تابی بزرگ روز قیامت او را ایمن می کند و در

مورد او به آنچه که در کتابش وعده داده است وفا خواهد کرد خداوند در کتابش فرمود: (و برای کسی که از مقام پروردگارش

بترسد دو بهشت باشد) (۵۴) آگاه باشید کسی که دنیا و آخرت به او عرضه شود و دنیا را بر آخرت برگزیند در روز قیامت

خدای عزوجل را در حالتی دیدار خواهد کرد که هیچ حسنه ای که به سبب آن از آتش محفوظ بماند ندارد و کسی که آخرت

را برگزیند و دنیا را واگذارد خداوند از او خشنود خواهد شد و بدیهای کردارش را بر او ببخشد.

حدیث :

۹۱ - عن عبدالله بن سنان قال : سالت ابا عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام فقلت : الملائكة افضل ام بنو آدم ؟

فقال : قال اميرالمؤمنين على به ابى طالب عليه السلام : ان الله ركب فى الملائكة عقلا بلا شهوه و ركب فى البهائم شهوه

بلا عقل و ركب فى بنى آدم كلتيهما فمن غلب عقله شهوته فهو خير من الملائكة و من غلب شهوته عقله فهو شر من

البهائم .

ترجمه :

۹۱ - عبدالله بن سنان گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: آیا فرشتگان برترند یا فرزندان آدم؟ حضرت فرمود: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: خداوند در وجود فرشتگان عقل بدون شهوت و در وجود حیوانات شهوت بدون عقل و در وجود انسان هر دو را ترکیب نمود پس کسی که عقلش بر شهوتش چیره شود از فرشتگان برتر است و کسی که شهوتش بر عقلش غالب آید از حیوانات بدتر خواهد بود.

حدیث :

۹۲ - عن جعفر بن محمد الصادق عن ابیه عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : طوبی لمن ترک شهوه حاضره لموعد لم یره .

ترجمه :

۹۲ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و او از پدرانش : روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال کسی که خواهش نفسانی حاضر را به خاطر وعده گاه قیامت که آن را ندیده است ترک کند.

حدیث :

۹۳ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : کم من شهوه ساعه اورثت حزنا طویلا.

ترجمه :

۹۳ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چه بسیار خواهش نفسانی لحظه ای که اندوه طولانی و درازی را در پی دارد.

حدیث :

۹۴ - و قال علیه السلام : کم من اكله منعت اکلات .

ترجمه :

۹۴ - و نیز فرمود: چه بسیار یک بار خوردن که آدمی را از خوردن ها باز می دارد.

حدیث :

۹۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال الله تعالی : انما اقبل الصلاه لمن تواضع لعظمتی و یکف نفسه عن الشهوات من

اجلی و یقطع نهاره بذکری و لایتعاضم علی خلقی و یطعم الجائع و یکسو العاری و یرحم المصاب و یووی الغریب فذلک

یشرق نوره مثل الشمس اجعل له فی الظلمات نورا و فی الجهاله حلما اكلوه بعزتی و استحفظه ملائکتی یدعونی فالبیبه و

یسالنی فاعطیه فمثل ذلک عندی کمثل جنات عدن لایسمو ثمرها و لاتتغیر عن حالها.

ترجمه :

۹۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی فرموده است : من نماز را از کسی می پذیرم که در برابر عظمت من فروتنی کند و به خاطر من نفس خود را از شهوات باز دارد و روز خود را به یاد من سپری کند و بر خلق من خودنمایی و بزرگی نکند و گرسنه را طعام دهد و برهنه را بپوشاند و بر مصیبت زده ترحم آورد و غریب را جای دهد چنین کسی نورش همانند نور خورشید می تابد و من در تاریکی ها نور و در وقت نادانی حلم و بردباری برایش قرار می دهم ، به عزتم او را نگهداری می نمایم و به وسیله فرشتگانم او را حفظ می کنم ، چنین بندگانی مرا می خوانند و من اجابت می کنم و از من در خواست می کنند و من عطا می کنم مثل آنان در نزد مانند مثل بهشت جاودان است که میوه هایش علو و ارتفاع ندارد (اشاره است به تواضع و فروتنی آنان) و دگرگونی در حالت آن راه ندارد.

۱۰ - باب وجوب الاعتصام بالله

۱۰ - باب وجوب چنگ زدن به ریسمان الهی

حدیث :

۹۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ایما عبد اقبل قبل ما یحب الله عزوجل اقبل الله قبل ما یحب و من اعتصم بالله عصمه الله و من اقبل الله قبله و عصمه لم یبال لو سقطت السماء علی الارض او کانت نازله نزلت علی اهل الارض فشملتهم بلیه کان فی حزب الله بالتقوی من کل بلیه الیس الله یقول : (ان المتقین فی مقام امین)

ترجمه :

۹۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده ای که به سوی چیزی که خدای عزوجل دوست می دارد روی بیاورد خداوند نیز به سوی چیزی که او دوست می دارد روی می آورد و کسی که چنگ زند خداوند او را حفظ می کند و کسی که خداوند به سوی او روی آورد و او را نگهداری کند باکی ندارد اگر آسمان بر زمین افتاد یا بلای سختی بر اهل زمین فرود آید و همگی را در برگیرد چنین کسی به سبب پرهیزگاری اش در حزب خدا جای دارد و از هر بلایی در امان است ، آیا خداوند نمی گوید: (همانا پرهیزگاران در مقام امن الهی جای دارند.) (۵۵)

حدیث :

۹۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : او حی الله عزوجل الی داود: ما اعتصم بی عبد من عبادی دون احد من خلقی عرفت ذلك من نیته ثم یکیده السماوات و الارض و من فیهن الا جعلت له المخرج من بینهن و ما اعتصم عبد من عبادی باحد من خلقی عرفت ذلك من نیته الا قطعت اسباب السماوات من یدیه و اسخت الارض من تحته و لم ابال بای واد یهلك .
ترجمه :

۹۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل به سوی داود علیه السلام وحی فرستاد که : هیچ بنده ای از بندگان من به من چنگ نزده است که این را از نیتش دانسته باشم سپس تمامی آسمانها و زمین و هر که در آنهاست به مکر و کید با او پردازد، جز اینکه راه خروج از کید و مکر آنها را برایش قرار می دهم و هیچ بنده ای از بندگان من به یکی از مخلوق من چنگ نزده است که این را از نیت او دانسته باشم جزء اینکه همه وسیله های آسمانها را از پیش روی او قطع می کنم و زمین را از زیر پای او فرو می برم و باکی ندارم که او در چه دره ای هلاک گردد.

۱۱ - باب وجوب التوکل علی الله و التفویض الیه

۱۱ - باب وجوب توکل بر خدا و سپردن امور به سوی او

حدیث :

۹۸ - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : خرجت حتی انتهیت الی هذا الحائط فاتکات علیه فاذا رجل علیه ثوبان ابیضان ینظر فی تجاه وجهی ثم قال : یا علی بن الحسین ما لی اراک کئیبا حزینا؟ - الی ان قال - ثم قال : یا علی بن الحسین علیه السلام هل رایت احدا دعا الله فلم یجبه ؟ قلت : لا. قال : فهل رایت احدا توکل علی الله فلم یکفه ؟ قلت : لا. قال : فهل رایت احدا سال الله قلم یعطه ؟ قلت : لاثم غاب غنی .

ترجمه :

۹۸ - امام سجاد علیه السلام فرمود: بیرون آمدم تا اینکه به این دیوار رسیدم پس بر آن تکیه زدم ناگاه مردی که دو جامه سفید در برداشت در برابر روی من به من می نگرست . سپس گفت : ای علی به الحسین ! چه شده است مرا که تو را افسرده و غمگین می بینم ؟ - تا آنجا که گفت : - علی بن الحسین ! آیا کسی را دیده ای که خدای را بخواند و خدا او را اجابت نکند؟ گفتم : نه ، گفت : آیا کسی را دیده ای که بر خدا توکل کند و خدا او را کفایت نکند؟ گفتم : نه ، گفت : آیا کسی را دیده ای که از خدا درخواست کند و خداوند به او عطا نکند؟ گفتم : نه . سپس از جلو چشمان من غائب شد.

حدیث :

۹۹ - ابی عبدالله علیه السلام قال : ان العنی و العز یجولان فاذا ظفرا بموضع التوکل اوطنا.

ترجمه :

۹۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: ثروتمندی و عزت سیر و گردش می کنند پس هرگاه به موضع توکل دست یافتند در همانجا اقامت می گزینند.

حدیث :

۱۰۰ - عن ابی الحسن الاول علیه السلام قال : سالته عن قول الله عزوجل : (و من یتوکل علی الله فهو حسبه) فقال : التوکل کل علی الله درجات منها ان تتوکل علی الله فی امورک کلها فما فعل بک کنت عنه راضیا تعلم انه لایالوک خیرا و فضلا و تعلم ان الحکم فی ذلک له فتوکل علی الله بتفویض ذلک الیه و ثق به فیها و فی غیرها.

ترجمه :

۱۰۰ - راوی گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل پرسیدم که می فرماید:

(و کسی که بر خدا توکل کند پس خدا او را بس است) (۵۶) حضرت فرمود: توکل نمودن بر خدا دارای درجاتی است یکی از آنها این است که در تمامی کارهایت بر خدا توکل کنی پس هر چه خداوند با تو کند از او خوشنودی زیرا می دانی که او در رساندن خیر و فضل بر تو کوتاهی نمی کند و می دانی که حکم در تمامی امور از آن اوست پس با سپردن تمامی کارهایت به خداوند بر او توکل کن و در همه امور به او اعتماد کن .

حدیث :

۱۰۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اعطی ثلاثا لم یمنع ثلاثا: من اعطی ادعاء اعطی الاجابه و من اعطی الشکر اعطی الزیاده و من اعطی التوکل اعطی الکفایه ثم قال : اتلوت کتابه الله عزوجل ؟ (و من یتوکل علی الله فهو حسبه) و قال : (لئن شکرتم لازیدنکم) و قال : (ادعونی استجب لکم).

ترجمه :

۱۰۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که سه چیز به او داده شده از سه چیز بی بهره نمانده است : کسی که به او دعا عطا شده اجابت هم به او عطا گردیده و کسی که به او شکر داده شده و زیادت هم به او بخشیده شده و کسی که توکل به او عطا گردیده کفایت هم به او عطا شده . سپس فرمود: آیا کتاب خدای عزوجل را تلاوت کرده ای ؟ (و کسی که بر خدا

توکل کند پس خداوند او را بس است) (۵۷)

(اشاره به فقره سوم) و (اگر شکر کنید بر شما زیادتی می بخشیم) (۵۸) (اشاره به فقره دوم) و (مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم) (۵۹) (اشاره به فقره اول).

۱۲ - باب عدم جواز تعلق الرجاء و الامل بغير الله

۱۲ - باب عدم جواز اميد و آرزو داشتن به غير خدا

حدیث :

۱۰۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام : انه قرا فی بعض الكتب ان الله تبارک و تعالی يقول : و عزتی و جلالی و مجدی و ارتفاعی علی عرشی لا قطعن کل مومل من الناس غیرى بالیاس و لاکسونه ثوب المذله عند الناس و لانحینه من قربی و لابعده من فضلی . ایومل غیرى فی الشدائد و الشدائد بیدی و یرجو غیرى و یرقر بالفکر باب غیرى و بیدی مفاتیح الابواب و هی مغلقه و بابی مفتوح لمن دعانی ؟ فمن ذا الذی املنی لنائبه فقطعته دونها؟ و من الذی رجانی لعظیمه فقطعت رجاءه منی ؟ جعلت آمال عبادى عندى محفوظه فلم یرضوا بحفظی و ملات سماواتی ممن لا یمل من تسبیحی و امرتهم ان لا یغلقوا الابواب بینى و بین عبادى فلم یثقوا بقولی الم یرعلم من طرقته نائبه من نوائبى انه لا یملک کشفها احد غیرى الا من بعد اذنی ؟ فما لی اراه لاهیا عنی ؟ اعطیته بجودی ما لم یرسالنی ثم انتزعتہ عنه فلم یرسالنی رده و سال غیرى . افترانى ایدا بالعطاء قبل المساله ثم اسال فلا اجیب سائلی ؟ ابخیل انا فیبخلنی عبدی ؟ او لیس الجود و الکریم لی ؟ او لیس العفو و الرحمه بیدی ؟ او لیس انا محل الامال ؟ فمن یقطعها دونی ؟ افلا یخشی الموملون انن یوملوا غیرى ؟ فلو ان اهل سماواتی و اهل ارضی املوا جمیعاً ثم اعطیت کل واحد منهم مثل ما امل الجميع ما انتقص من ملکى عضو ذره و کیف ینقص ملک انا قیمه ؟ فیا بوسا للقانطین من رحمتی و یا بوسا لمن عصانی و لم یراقبنی .

ترجمه :

۱۰۲ - از امام صادق علیه السلام روایت است که حضرت در برخی از کتابها چنین خوانده است که خدای تبارک و تعالی می فرماید: سوگند به عزت و جلالم و بزرگواری ام و بلندی من بر عرشم که آرزوی هر که را چشم آرزویش به مردم است با نومید نمودنش قطع می کنم و در نزد مردمان جامه ذلت بر او می پوشانم و او را از نزدیکی خودم به کنار می زنم و از فضل خود او را دور می کنم . آیا در سختی ها چشم آرزویش به غیر من دوخته می شود در حالی که سختی ها به دست من است و آیا به غیر من امید دارد و با فکر خود در غیر مرا می کوبد در حالی که کلید درهای بسته به دست من است و درگاه من به روی هر که مرا بخواند باز است ؟ پس کیست که در حادثه ای چشم آرزویش به من دوخته بوده و من او را از آرزویش جدا

کرده ام؟ و کیست آنکه در بالای سختی به من امید بسته و من امیدش را از خود بریده ام؟ من آرزوهای بندگانم را در نزد خود نگه داشته ام و آنان به نگهداری من راضی نیستند و آسمانهایم را از فرشتگانی که تسبیح من خسته نمی شوند پر کرده ام و به آنان امر کرده ام که درهای بین من و بندگانم را نبندند با این وجود بندگانم به گفتار من اعتماد نمی کنند.

آیا کسی که مصیبتی از از مصائب من بر او وارد شده نمی داند که هیچ کس غیر من نمی تواند آن را بر طرف کند مگر بعد از اینکه من اجازه دهم؟

پس چه شده است که او را می بینم که از من غافل گشته است؟ با جود و بخشش خودم چیزی را که از من درخواست نکرده است به او عطا کرده ام سپس آن را از او گرفته ام پس او بازگشت آن را از من نخواسته و از غیر من آن را درخواست می کند، آیا در مورد من می پنداری که منی که پیش از درخواست عطا می کنم اگر از من درخواست شود سائل خود را اجابت نمی کنم؟ آیا من بخیل هستم که بنده ام مرا بخیل پندارد؟ آیا جود و کرم از آن من نیست؟ آیا عفو و رحمت به دست من نیست؟ آیا من محل (برآورده شدن) آرزوها نیستم؟ پس چه کسی به جز من آرزوها را قطع می کند؟ آیا من محل (برآورده شدن) آرزوها نیستم؟ پس چه کسی به جز من آرزوها را قطع می کند؟ آیا آرزو کنندگان از اینکه به غیر من چشم آرزو بسته اند نمی ترسند؟ پس اگر همه اهل آسمانها و زمین من آرزو کنند و من آرزوی همه را برآورده سازم از ملک من به اندازه ذره ای کم نمی شو و چگونه ملکی که من متولی و متصدی آن هستم کم می شود؟ پس ای تیره بختی باد بر نومیدان از رحمت من و ای تیره بختی باد بر کسی که مرا عصیان کند و مراقبت من نباشد.

حدیث:

۱۰۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل: (و ما یومن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون) قال: هو قول الرجل لو لا فلان لهلکت و لو لا فلان ما اصبت کذا و کذا و لو لا فلان لضاع عیالی الا تری انه قد جعل لله شریکا فی ملکه یرزقه و یدفع عنه قلت: فیقول ما ذا؟ یقول: لو لا ان من الله علی بفلان لهلکت قال: نعم لا باس بهذا او نحوه.

ترجمه:

۱۰۳ - از امام صادق علیه السلام در مورد قول خدای عزوجل (و اکثر آنان به خداوند ایمان نمی آورند جز اینکه مشرکند) (۶۰) روایت است که فرمود: مشرک بودن مومن به این است که مردی بگوید: اگر فلانی نبود من هلاک می شدم و اگر فلانی نبود به چنین و چنان نمی رسیدم و اگر فلانی نبود خانواده ام تلف می شد. آیا در این سخنان نمی نگری که برای خداوند شریک قرار داده است شریکی که به او روزی می دهد و از او دفع بلا می کند - روای می گوید: - عرض کردم:

پس چه بگوید؟ آیا بگوید: اگر خداوند به واسطه فلانی بر من منت نمی نهدا هلاک می شدم؟ حضرت فرمود: آری باکی نیست اگر اینگونه یا شبیه آن را بگوید.

۱۳ - باب وجوب الجمع بین الخوف و الرجاء والعمل لما یزجو و یخاف

۱۳ - باب وجوب جمع بین خوف و رجا و عمل کردن برای آنچه که به آن امید یا بیم از آن دارد

حدیث :

۱۰۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت له : ما کان فی وصیه لقمان ؟ قال : کان فیها الاعاجیب و کان اعجب ما کان

فیها ان قال لابنه : خف الله خیفه لو جئته ببر الثقلین لعذبک و ارج الله رجاء لو جئته بذنوب الثقلین لرحمک : ثم قال ابو عبدالله علیه السلام : کان ابی یقول : لیس من عبد مومن الا و فی قلبه نوران نو خیفه و نور رجاء لو وزن هذا لم یزد علی هذا و لو وزن هذا لم یزد علی هذا.

ترجمه :

۱۰۴ - راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در وصیت لقمان به فرزندش چه جملاتی هست؟ حضرت فرمود: در آن جمله های عجیبی است و از همه عجیب تر آن است که ایشان به فرزندش سفارش کرده: از خداوند چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را به پیشگاهش ببری عقوبتت می کند و به او چنان امیدوار باش که اگر گناهان جن و انس را نزدش بری بر تو رحم آورد. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود:

هیچ بنده مومنی نیست جز اینکه در قلب او دو نور وجود دارد: نور بیم و نور امید، به گونه ای که اگر با آن و آن به این سنجیده شود هیچیک بر دیگری زیادتی ندارد.

حدیث :

۱۰۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت له : قوم یعملون بالمعاصی و یقولون : نرجو، فلا یزالون کذلک حتی یاتیهم

الموت فقال : هولاء قوم یترجحون فی الامانی کذبوا الیسوا براجین من رجا شیئا طلبه و من حاف من شیء هرب منه .

ترجمه :

۱۰۵ - راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گروهی هستند که گناه می کنند و می گویند: امید (به بخشش

الهی) داریم، پس اینان پیوسته چنین اند تا اینکه مرگ به سراغشان می آید. حضرت فرمود: اینها گروهی هستند که به

آرزوها گرایش دارند، دروغ می گویند، امیدوار به رحمت الهی نیستند زیرا کسی که به چیزی امید دارد آن را طلب می کند و کسی که از چیزی بیم دارد از آن می گریزد.

حدیث :

۱۰۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان ابی یقول : انه لیس من عبد مومن الا و فی قلبه نوران نور خیفه و نور رجاء لو وزن هذا لم یزد علی هذا و لو وزن هذا لم یزد علی هذا.

ترجمه :

۱۰۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ بنده مومنی نیست جز اینکه در قلب او دو نور وجود دارد: نور بیم و نور امید، به گونه ای که اگر این با آن و آن با این سنجیه شود هیچیک بر دیگری زیادتی ندارد.

حدیث :

۱۰۷ - ابا عبدالله علیه السلام یقول : لایکون المومن مومنا حتی یکون خائفا راجیا و لایکون خائفا راجیا حتی یکون عاملا لما یخاف و یرجو.

ترجمه :

۱۰۷ - امام صادق علیه السلام می فرمود: مومن مومن نیست مگر اینکه ترسان و امیدوار باشد و ترسان و امیدوار نمی باشد مگر اینکه آنچه را که از آن می ترسد و آنچه را که به آن امید دارد در عمل رعایت کند.

حدیث :

۱۰۸ - عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : کان فیما اوصی به لقمان لابنه ان قال یا بین خف الله خوفا لو جئته ببر الثقلین خفت ان یعذبک الله و ارج الله رجاء لو جئته بذنوب الثقلین رجوت ان یغفر الله لک .

ترجمه :

۱۰۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: در وصیت لقمان به پسرش آمده است که : ای پسرکم ! از خداوند چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را به پیشگاهش ببری عقوبتت می کند و به او چنان امیدوار باش که اگر گناهان جن و انس را نزدش ببری تو را شامل مغفرت خود گرداند.

حدیث :

۱۰۹ - قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : ارج الله رجاء لایجرئک علی معصیه و خف الله خوفا لایویسک من رحمته .

ترجمه :

۱۰۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: به خداوند امیدوار باش امیدی که تو را بر انجام معصیتش جرات نبخشد و از خداوند بیم داشته باش بیمی که تو را از رحمتش ناامید نگرداند.

حدیث :

۱۱۰ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : فی خطبه له : یدعی بزعمه انه یرجو الله ، کذب و العظیم ، ما له لا یتبین رجاوه فی عمله ؟ و کل راج عرف رجاوه فی عمله الا رجاء الله فانه مدخول و کل خوف محقق الا خوف الله فانه معلول ، یرجو الله فی الکبیر و یرجو العباد فی الصغیر، فیعطی العبد ما لا یعطى الرب ، فما بال الله جل ثناوه یقصر به عما یصنع لعباده ؟ اتخاف ان تکون فی رجائك له کاذبا او یکون لایراه للرجاء موضعا؟ و کذلک ان هو خاف عبدا من عبیده اعطاه من خوفه ما لا یعطى ربه فجعل خوفه من العباد نقدا و خوفه من خالقه ضمارا و وعدا.

ترجمه :

۱۱۰ - امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای فرمود: کسی به گمان خود ادعا دارد که به خداوند امید دارد، سوگند به خدای بزرگ که دروغ می گوید. او را چه شده که امیدواری اش در عملش آشکار نیست؟! هر امید دارنده ای اثر امیدش در عملش پیداست مگر امیدی که مردم به خدای تعالی دارند که این امید دارای عیب و ناخالص است ، و هر ترسی (اثرش) مسلم و ثابت است مگر ترس از خدا که این ترس (در بیشتر مردم) ناقص و بیمار است ، در کار بزرگ (آخرت) به خدا امید دارد و در کار کوچک (دنیا) به بندگان خدا امیدوار است ، پس با بنده خدا به گونه ای رفتار می کند که با خداوند چنین رفتاری ندارد، پس چگونه است شان خداوند جل ثنائه که در حق او نسبت به آنچه که با بندگان رفتار می شود کوتاهی می گردد؟ آیا می ترسی که در امیدواریت به خدا دروغگو باشی یا اینکه او را شایسته امیدواری نمی بینی ؟ همچنین اگر از بنده ای بترسد چنان از او می ترسد که از پروردگارش به این اندازه نمی ترسد. پس ترس از بندگان را نقد و ترس از آفریننده اش را به منزله وامی که امید برگشت آن نیست و وعده ای که به آن عمل نشود می پندارند.

۱۴ - باب وجوب الخوف من الله

۱۴ - باب وجوب ترس از خدا

حدیث :

۱۱۱ - عن حمزه بن حمران قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان مما حفظ من خطب رسول الله صلى الله عليه و آله انه قال : ايها الناس ان لكم معالم فانتهوا الى معالمكم و ان لكم نهايه فانتهوا الى نهايتكم . الا ان المومن يعمل بين مخالفتين : بين اجل قد مضى لا يدري ما الله صانع فيه ؟ و بين اجل قد بقى لا يدري ما الله قاض فيه فليأخذ العبد المومن من نفسه لنفسه و من دنياه لآخرته و فى الشبيهه قبل الكبر و فى الحياه قبل الممات فو الذى نفس محمد بيده ما بعد الدنيا من مستعتب و ما بعدها من دار الا الجنه او النار.

ترجمه :

۱۱۱ - حمزه بن حمران گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: بخشی از خطبه های رسول خدا صلى الله عليه و آله که حفظ شده است این است که حضرت فرمود: ای مردم ! همانا برای شما نشانه هایی است پس از آن نشانه ها باخبر شوید و همانا برای شما نهایت و پایانی است پس آنجا باز ایستید (یا پس آن نهایت را بشناسید و از آن آگاه باشید)، آگاه باشید که مومن بین دو ترس عمل می کند: یکی بین زمانی که سپری شده است و او نمی داند که خداوند درباره زمان گذشته با او چه می کند و دیگری بین زمانی که باقی مانده است و او نمی داند که خداوند چه حکمی در آن روا می دارد پس باید بنده مومن از نفس خود برای خود و از دنیای خود برای آخرتش (توشه) گیرد و در جوانی پیش از پیری و در زندگانی پیش از مرگ (زاد و توشه فراهم کند)، پس سوگند به آن کسی که جان محمد صلى الله عليه و آله در دست اوست بعد از این دنیا باز گشتنی نیست و خانه ای جز بهشت یا دوزخ پس از این وجود ندارد.

حدیث :

۱۱۲ - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : المومن بين مخالفتين ذنب قد مضى لا يدري ما صنع الله فيه و عمر قد بقى لا يدري ما يكتسب فيه من المهالك فلا يصبح الا خائفا و لا يصلحه الا الخوف .

ترجمه :

۱۱۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: مومن همواره بین دو ترس گرفتار است : یکی گناهی که گذشته است و او نمی داند که خداوند در مورد آن گناه با او چه می کند و دیگری عمری که مانده است و او نمی داند که چه چیزی از مهالک را در آن کسب می کند پس مومن صبح نمی کند مگر با حالت خوف و جز خوف نیز او را اصلاح نخواهد کرد.

حدیث :

۱۱۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (و لمن خاف مقام ربه جنتان) قال : من علم ان الله یراه و یسمع ما یقول و یعلم ما یعمله من خیر او شر فیحجزه ذلك عن القبیح من الاعمال فذلك الذی خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی .

ترجمه :

۱۱۳ - در مورد قول خدای عزوجل (و برای آن کس که از مقام و مرتبه الهی ترسان است دو بهشت خواهد بود) (۶۱). امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بداند خداوند او را می بیند و سخن او را می شنود و اعمال خیر و شر او را می داند این آگاهی او را از ارتکاب اعمال زشت باز می دارد پس وی همان کسی است که از مقام پروردگارش ترسان است و نفس خود را از پیروی خواهش نفسانی از داشته است .

حدیث :

۱۱۴ - عن الهیثم بن واقد قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : من خاف الله اخاف الله منه کل شیء ء و من لم یخف الله اخافه الله من کل شیء ء .

ترجمه :

۱۱۴ - هیثم بن واقد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که خدا ترس باشد خداوند خوف و هیبت او را در همه چیز می افکند و کسی که از خدا نترسد خداوند او را از همه چیز می ترساند.

حدیث :

۱۱۵ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام مثله و زاد: یا علی ثلاث منجیات خوف الله فی السر و العلانیه و القصد فی الغنی و الفقر و کلمه العدل فی الرضا و السخط.

ترجمه :

۱۱۵ - از امام صادق علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش علیه السلام شبیه حدیث گذشته در ضمن وصایای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام روایت شده است با اضافه ای که عبارت است از: ای علی ! سه چیز نجات بخش

است : ترس از خداوند در نهان و آشکار، و میانه روی در هنگام ثروت و تنگدستی ، و سخن عادلانه در هنگام خوشنودی و

خشیم .

حدیث :

۱۱۶ - قال ابو عبدالله عليه السلام : يا اسحاق خف الله كانك تراه و ان كنت لا تراه فانه يراك و ان كنت ترى انه لا يراك فقد كفرت و ان كنت تعلم انه يراك ثم برزت له بالمعصيه فقد جهلته من اهون الناظرين عليك .

ترجمه :

۱۱۶ - امام صادق عليه السلام فرمود: ای اسحاق! از خدا چنان بترس که گویی او را می بینی و اگر تو را نمی بینی او به طور حتم تو را می بیند، و اگر معتقدی که او تو را نمی بیند پس کافر گشته ای و اگر می دانی که تو را می بیند ولی با این وجود باز آشکارا معصیتش را مرتکب می شوی پس او را حقیرترین و سبک ترین بیننده بر خود انگاشته ای .

حدیث :

۱۱۷ - قال ابو عبدالله عليه السلام : من عرف الله خاف الله و من خاف الله سخت نفسه عن الدنيا.

ترجمه :

۱۱۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر که خدا را بشناسد ترس او در دلش می افتد و هر که از خدا ترسان باشد نفسش از دنیا طلبی باز می ماند.

حدیث :

۱۱۸ - قال ابو عبدالله عليه السلام ان من العباده شده الخوف من الله عزوجل يقول الله عزوجل : (انما يخشى الله من عباده العلماء) و قال جل ثناؤه : (فلا تخشوا الناس و اخشون) و قال تبارك و تعالی (و من يتق الله يجعل له مخرجا) قال : و قال ابو عبدالله عليه السلام : ان حب الشرف و الذكر لا يكونان في قلب الخائف الراهب .

ترجمه :

۱۱۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: همانا ترس شدید از خدای عزوجل از عبادت شمرده می شود، خدای عزوجل گوید: (به راستی که از بندگان خدا تنها دانشمندان از خدا خوف و خشیت دارند) (۶۲) و همچنین می گوید: (از مردمان نترسید و از من بیم داشته باشید) (۶۳) و نیز می گوید: (هر که تقوای الهی را پیشه کند خداوند برای او راه خروج (از دشواریها را) قرار می دهد) (۶۴) - راوی گوید: - امام صادق عليه السلام فرمود: همانا حب و دوستی بلند پایگی و فخر در قلب شخص ترسان

بیمناک راه ندارد.

حدیث :

۱۱۹ - عن محمد به علی بن الحسین علیه السلام قال : من الفاظ رسول الله صلى الله عليه و آله : راس الحکمه مخافه الله عزوجل .

ترجمه :

۱۱۹ - امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این است که فرمود: ترس از خدای عزوجل سر حکمت و دانایی است .

حدیث :

۱۲۰ - قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : من خلا بذنب فراقب الله تعالى فيه و استحيا من الحفظه غفرالله عزوجل له جميع ذنوبه و ان كانت مثل ذنوب الثقيلين .

ترجمه :

۱۲۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در پنهانی مرتکب گناهی شود پس از خدای تعالی بترسد و از فرشتگان نگهبان و ثبت کننده اعمال شرم کند خداوند عزوجل تمامی گناهانش را می بخشد اگر چه به اندازه گناهان جن و انس باشد.

حدیث :

۱۲۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته يقول : الخائف من لم تدع له الرهبه لسانا ينطق به .

ترجمه :

۱۲۱ - راوی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: ترسان کسی است که ترس برای او زبانی که با آن سخن گوید وانگذاشته است .

حدیث :

۱۲۲ - عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث قال : و اما المنجیات فخوف الله فی السر و العلانیه و القصد فی الغنی و الفقر و کلمه العدل فی الرضا و السخط.

ترجمه :

۱۲۲ - امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: و اما چیزهایی که مایه نجات و رستگاری اند: ترس از خدا در نهان و آشکار، و میانه روی در هنگام ثروت و تنگدستی و عادلانه رفتار نمودن در هنگام خوشنودی و خشم .

حدیث :

۱۲۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان قوما اصابوا ذنوبا فخافوا منها و اشفقوا فجاءهم قوم آخرون فقالوا: ما لکم ؟ فقالوا: انا اصبنا ذنوبا فخفنا منها و اشفقنا فقالوا لهم : نحن نحملها عنکم فقال الله تعالی : يخافون تجترءون علی ؟ فانزل الله علیهم العذاب .

ترجمه :

۱۲۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا گروهی مرتکب گناہانی شدند سپس از گناہ خویش ترسیدند و بیمناک شدند پس از آن گروهی دیگر بر آنان وارد شدند و گفتند: شما را چه شده است که چنین بیمناکید؟ گفتند: ما مرتکب گناہانی شدیم و از گناہ خویش ترسانیم . گفتند: ما گناہ شما را از شما بر می داریم و به دوش می گیریم . پس خدای تعالی فرمود: آیا می ترسند که شما بر من دلیر گردید؟! پس عذاب را بر آنان فرستاد.

حدیث :

۱۲۴ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : ان المومن لا یصبح الا خائفا و ان کان محسنا و لا یمسی الا خائفا و ان کان محسنا لانه بین امرین بین وقت قد مضی لا یدری ما الله صانع به و بین اجل قد اقترب لا یدری ما یصیبه من الهلکات الا و قولوا خیرا تعرفوا به و اعملوا به تکنونوا من اهله صلوا ارحامکم و ان قطعوکم و عودوا بالفضل علی من حرکم و ادوا الامانه الی من ائتمنکم و اوفوا بعهد من عاهدتم و اذا حکمتم فاعدلوا.

ترجمه :

۱۲۴ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مومن صبح نمی کند مگر با ترس و بیم اگر چه نیکوکار باشد و شب نمی کند مگر با ترس و بیم اگر چه نیکوکار باشد زیرا او همواره بین دو چیز است : بین زمانی که سپری شده و او نمی داند که خدا با او چه می کند و بین مرگی که نزدیک است و نمی داند که چه خطراتی (پس از مرگ) متوجه او می شود، آگاه باشید و سخن خیر گوئید تا به خیر گویی شناخته شوید و کردار نیکو داشته باشید تا از اهل خیر شوید، با خویشاوندانتان پیوند برقرار کنید اگر چه آنان از شما ببرند، با کسی که شما را محروم ساخته با فضل و بزرگواری رفتار کنید و درباره کسی که شما را امین شمرده امانتدار باشید و به پیمان کسی که با شما پیمان بسته پایبند باشید و هرگاه حکم می کنید عادلانه قضاوت کنید.

۱۵ - باب استحباب کثره البکا من خشیه الله

۱۵ - باب استحباب زیاد گریستن از خوف خدا

حدیث :

۱۲۵ - عن الصادق عن آبائه عن النبی صلی الله علیه و آله فی حدیث المناهی قال : و من ذرفت عیناه من خشیه الله کان له بكل قطره قطرت من دموعه قصر فی الجنه مکمل بالدر و الجوهر فیه ما لا عین رات و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر.

ترجمه :

۱۲۵ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی که مشتمل بر ذکر امور مورد نهی است روایت فرمود: و کسی که اشک چشمانش از ترس خدا روان گردد در برابر هر قطره از قطرات اشکش قصری در بهشت نصیبش می گردد که با در و گوهر پوشانده شده است و در آن چیزهایی است که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلب بشری خطور کرده .

حدیث :

۱۲۶ - عن ابی عبدالله الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : کان فیما وعظ الله به عیسی ابن مریم علیه السلام ان قال : یا عیسی انا ربک و رب آبائک الاولین - الی ان قال - یا عیسی بن البکر البتول ابک علی نفسک بکاء من قد ودع الاهل قلبی الدنیا و ترکها لاهلها و صارت رغبتہ فیما عندالله .

ترجمه :

۱۲۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: در رازگویی خداوند با عیسی بن مریم علیه السلام آمده است که فرمود: ای عیسی ! من پروردگار تو و پروردگار پیشینیان تو ام . ای عیسی ! ای فرزند آن بانویی که باکره بود و میل و حاجتش را از مردان بریده بود، بر نفس خود گریان باش چونان کسی که با خانواده خود در حال وداع است و بی مهری دنیا را در دل دارد و آن را برای اهل دنیا واگذارده است و میل و رغبتش تنها به چیزی است که در نزد خداست .

حدیث :

۱۲۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان اسم نوح علیه السلام عبد الغفار و انما سمی نوحا لانه کان ینوح علی نفسه .

ترجمه :

۱۲۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: نام حضرت نوح علیه السلام عبدالغفار بود ولی چون بسیار بر نفس خود نوحه و زاری داشت نوح نامیده شد.

حدیث :

۱۲۸ - ابی عبدالله علیه السلام قال : اسم نوح عبدالملک و انما سمی نوحا لانه بکی خمسمائه سنه .

ترجمه :

۱۲۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: نام نوح علیه السلام عبدالملک بود ولی چون پانصد سال را به نوحه و زاری گذراند

نوح نامیده شد.

حدیث :

۱۲۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان اسم نوح عبد الاعلی و انما سمی نوحا لانه بکی خمسمائه عام .

ترجمه :

۱۲۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: نام حضرت نوح علیه السلام عبدالاعلی بود ولی چون پانصد سال را به نوحه و زاری

گذراند نوح نامیده شد. (۶۵)

حدیث :

۱۳۰ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لیس شیء الا الله فانه لا

یعدله شیء و لا اله الا الله لا یعدله شیء و دمه من خوف الله فانه لیس لها مثقال فان سالت علی وجهه لم یرهقه قتر و

لاذله بعدها ابدا.

ترجمه :

۱۳۰ - امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند: هیچ چیزی نیست جز اینکه معادلی دارد مگر

خداوند که هیچ چیز معادل او نیست ، و هیچ سخنی معادل و برابر لا اله الا الله نیست ، و اشکی که از خوف خدا ریخته شود

هم وزنی ندارد پس اگر بر چهره شخص جاری گردد پس از آن هرگز آن روی را گرفتگی و تیرگی فرا نمی گیرد.

حدیث :

۱۳۱ - عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله طوبی لصوره نظر الله الیهها تبکی

علی ذنب من خشیه الله لم یطلع علی ذلک الذنب غیره .

ترجمه :

۱۳۱ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال چهره ای که خداوند به او نظر دارد، آن چهره ای که بر گناهی که هیچکس جز خدا بر آن اطلاعی ندارد از خوف خدا می‌گرید.

حدیث :

۱۳۲ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله : کل عین باکیه یوم القیامه الا ثلاثه اعین : عین بکت من خشیه الله و عین غضت عن محارم الله و عین باتت ساهره فی سبیل الله .

ترجمه :

۱۳۲ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر چشمی که در روز قیامت گریان است مگر سه چشم : چشمی که از خوف خدا بگرید و چشمس که (از دیدن) حرامهای الهی فرو بسته شود و چشمی که در راه خدا شب زنده داری کند.

حدیث :

۱۳۳ - عن الرضا علیه السلام قال : کان فیما ناجی الله به موسی علیه السلام : انه ما تقرب الی المتقربون بمثل البكاء من خشیتی و ما تعبد لی المتعبدون بمثل الورع عن محارمی و لاتزین لی المتزینون بمثل الزهد فی الدنیا عما یهم الغنی عنه . فقال موسی : یا اکرم الاکرمین فما اثبتهم علی ذلک ؟ فقال : یا موسی اما المتقربون لی بالبكاء من خشیتی فهم فی الرفیق الاعلی لایشرکهم فیہ احد و اما المتعبدون لی بالورع عن محارمی فانی افتش الناس عن اعمالهم و لافتشهم حیاة منهم و اما المتزینون لی بالزهد فی الدنیا فانی ابیحهم الجنه بحذافیرها یتبوءون منها حیث یشاءون .

ترجمه :

۱۳۳ - امام رضا علیه السلام فرمود: در ضمن رازگویی خداوند با حضرت موسی علیه السلام چنین آمده است : کسانی که به من نزدیک گشته اند به واسطه هیچ عملی همانند گریستن از خوف من به من نزدیک نشده اند و آنانکه طوق بندگی مرا در گردن دارند به واسطه هیچ عملی همانند باز ایستادن از ارتکاب حرامهای من مرا بندگی ننموده اند و آنانکه خود را آراسته اند به واسطه هیچ عملی همانند پیشه نمودن زهد و بی رغبتی نسبت به آنچه که بی نیازی از آن در دنیا مورد اهمیت است ، خود را برای من نیاراسته اند. حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: ای گرامی ترین گرامیان ! چه چیزی آنان را در این راه ثابت قدم و پابرجا نموده ؟ خداوند فرمود: ای موسی ! اما آنانکه به واسطه گریستن از خوف من به من نزدیک گشته اند آنان در مرتبه همجواری با رفیق اعلی (معشوق و دوست برتر) هستند و هیچکس در این مقام با آنان شریک نیست و اما آنانکه

به واسطه باز ایستادن از ارتکاب حرامهای من مرا بندگی نموده اند من در قیامت از آن شرم دارم که در مورد اعمالشان کنجکاو و دقت به خرج دهم در حالی که اعمال همه مردمان را به دقت واری خواهم کرد و اما آنانکه خود را به واسطه بی رغبتی به دنیا برایم آراسته اند تمامی بهشت را برای آنان مباح و روا می سازم که در هر جای بهشت خواستند جای گیرند.

حدیث :

۱۳۴ - قال الصادق علیه السلام : ان الرجل لیکون بینة و بین الجنه اکثر مما بین الثری الی العرش لکنه ذنوبه فما هو الا ان یتکی من خشیه الله عزوجل ندما علیها حتی یتصیر بینة و بینها اقرب من جفنه الی مقلته .
ترجمه :

۱۳۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: به درستی که (گاه باشد) بین آدمی و بهشت به خاطر گناهان زیادش فاصله ای بیش از فاصله زمین تا عرش باشد پس چنین کسی را چاره ای نیست جز اینکه از خوف خدای عزوجل بگریزد و بر گناهان خویش اشک ندامت بریزد تا فاصله او و بهشت نزدیکتر از فاصله پلک چشم تا مردمک چشم شود.
حدیث :

۱۳۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من شیء الا و له کیل وزن الا الدموع فان القطره تطفی بحارا من نار فاذا اغرورقت العین بمائها لم یرهق وجهه قتر و لا ذله فاذا فاضت حرمها الله علی النار و لو ان باکیا بکی فی امه لرحموا.
ترجمه :

۱۳۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ چیزی نیست جز اینکه پیمان و وزنی دارد مگر اشکها زیرا یک قطره اشک دریاهایی از آتش را خاموش می کند پس هرگاه چشم پر آب شد و در اشک خود غرق گشت چنین چهره ای را کدورت و تیرگی فرا نمی گیرد و هرگاه اشک آن جاری شود خداوند آن دیده را بر آتش حرام می گرداند و اگر در بین یک امت یک نفر (با اخلاص و از خوف خدا) بگریزد آن امت همگی مورد رحمت الهی واقع می شوند.
حدیث :

۱۳۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام نحوه و زاد فی اوله : ما من عین الا و هی باکیه یوم القیامه الا علینا بکت من خوف الله و ما اغرورقت عین بمائها من خشیه الله عزوجل الا حرم الله سائر جسده علی النار.
ترجمه :

۱۳۶ - از امام صادق علیه السلام مانند حیث گذشته روایت شده است با این تفاوت که در آغاز آن آمده است : هیچ چشمی نیست مگر اینکه در روز قیامت گریان است به جز چشمی که از خوف خدا گریسته است و هیچ چشمی از خوف خدای عزوجل پر آب نشده است مگر اینکه خداوند سایر بدن او را بر آتش حرام می گرداند.

حدیث :

۱۳۷ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من قطره احب الی الله عزوجل من قطره دموع فی سواد اللیل مخافه من الله لایراد بها غیره .

ترجمه :

۱۳۷ - امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ قطره ای در نزد خداوند عزوجل دوست داشتنی تر و محبوب تر از قطره اشک هایی که در تاریکی شب و از خوف خدا با اخلاص کامل ریخته می شود نیست .

حدیث :

۱۳۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کل عین باکیه یوم القیامه الا ثلاثه عین غضت عن محارم الله و عین سهرت فی طاعه الله و عین بکت فی جوف اللیل من خشیه الله .

ترجمه :

۱۳۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر سه چشم : یکی چشمی که از دیدن آنچه خداوند دیدنش را بر او حرام نموده فرو بسته شود و دیگری چشمی که در طاعت خدا بیدار بماند و دیگری چشمی که در دل شب از خوف خدا بگرید.

حدیث :

۱۳۹ - قال ابو عبدالله علیه السلام اوحی الله الی موسی علیه السلام ان عبادی لم یتقربوا الی بشی ء احب الی من ثلاث خصال قال موسی : یا رب و ما هی ؟ قال : یا موسی ! الزهد فی الدنیا و الورع عن معاصی و البكاء من خشیتی قال موسی یا رب فما لمن صنع ذا؟ فاوحی الله الیه یا موسی اما الزاهدون فی الدنیا ففی الجنه و اما البکاءون من خشیتی ففی الرفیع الاعلی لایشارکهم فیہ احد و اما الورعون عن معاصی فانی افتش الناس و لا افتشهم .

ترجمه :

۱۳۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به موسی علیه السلام وحی فرستاد که بندگان من به سوی من تقرب نمی یابند به چیزی که در نزد من محبوبتر باشد از سه خصلت ، حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: ای پروردگار من آن سه چیست ؟ فرمود: ای موسی ! یکی بی رغبتی به دنیا و دیگری پرهیز از نافرمانی من و دیگری گریستن از خوف من . موسی عرض کرد: ای پروردگار من ! کسی که چنین باشد چه چیزی نصیبش خواهد شد؟ خداوند وحی فرستاد که : ای موسی ! اما بی رغبتان به دنیا در بهشت جای خواهند گرفت و اما آنانکه از خوف من گریانند در مقامی رفیع و برترند که هیچ کس با آنان در آن مقام شریک نیست و اما آنانکه از نافرمانی من پروا دارند من نیز مردمان را سخت بازرسی خواهم کرد ولی در کار آنان موشکافی به خرج نمی دهم .

۱۶ - باب وجوب حسن الظن بالله و تحریم سوء الظن به

۱۶ - باب وجوب حسن ظن به خداوند و ترحیم بدگمانی نسبت به خدا

حدیث :

۱۴۰ - عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال : احسن الظن بالله فان الله عزوجل يقول : انا عند ظن عبدي بی ان خیرا

فخیرا و ان شرا فشرأ.

ترجمه :

۱۴۰ - امام رضا علیه السلام فرمود: به خداوند گمان نیکو داشته باش زیرا خداوند عزوجل گوید: من در نزد گمانی که بنده ام

به من دارد حاضریم اگر گمان خیر به به من دارد پس پاداش خیر می بیند و اگر گمان بد به من دارد پس کیفری بد در انتظار

اوست .

حدیث :

۱۴۱ - عن ابی الحسن الرضا فی حدیث قال : فاحسن الظن بالله فان اباعبدالله علیه السلام کان یقول : من حسن ظنه بالله

کان الله عند ظنه به و من رضی بالقلیل من الرزق قبل منه الیسیر من العمل .

ترجمه :

۱۴۱ - امام رضا علیه السلام فرمود: به خدا گمان نیک داشته باش زیرا امام صادق علیه السلام می فرمود: کسی که به خداوند گمان نیکو داشته باشد خداوند در نزد گمان او حاضر است و کسی که به روزی کم قانع و خوشنود باشد خداوند نیز عمل کم را از او می پذیرد.

حدیث :

۱۴۲ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : وجدنا فی کتاب علی علیه السلام ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال علی منبره : و الذی لا اله الا هو ما اعطی مومن قط خیر الدنیا و الاخره الا بحسن ظنه بالله و رجائه له و حسن خلقه و الکف عن اغتیاب المومنین و الذی لا اله الا هو لا یعذب الله مومنا بعد التوبه و الاستغفار الا بسوء ظنه بالله و تقصیر من رجائه له و سوء خلقه و اغتیاب المومنین و الذی لا اله الا هو لا یحسن ظن عبد مومن بالله الا کان الله عند ظن عبده المومن لان الله کریم بیده الخیر یتحیی ان یکون عبده المومن قد احسن به الظن ثم یخلف ظنه و رجاء فاحسنوا بالله الظن و ارغبوا الیه .

ترجمه :

۱۴۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر فراز منبر فرمود: سوگند به آن خدایی که جز او معبودی نیست به هیچ مومنین هرگز خیر دنیا و آخرت عطا نشده است مگر به خاطر چند خصلت : گمان نیکو به خداوند و امیدواری به عطا و بخشش خدا و خوش خلقی و باز ایستادن از غیبت مومنان و سوگند به خدایی که جز او معبودی نیست خداوند هیچ مومنی را بعد از توبه و استغفار عذاب نمی کند مگر به سبب چند خصلت : بدگمانی اش به خداوند و کوتاهی نمودن در امید داشتن به خدا و بد اخلاقی و غیبت نمودن از مومنین و سوگند به خدایی که جز او معبودی نیست هیچ بنده مومنی گمان نیکو به خدا نمی کند مگر اینکه خداوند در نزد گمان نیکوی او حاضر است (و پاداش نیکو به او می دهد) زیرا خداوند بخشنده است و تمامی خیر در دست اوست و شرم دارد از اینکه بنده مومنش به او گمان نیکی داشته باشد و آن گمان و امیدواری اش به خطا رود پس به خداوند گمان نیکو داشته باشید و به سوی او میل داشته باشید و زاری کنید.

حدیث :

۱۴۳ - عن سفیان بن عیینه قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : حسن الظن بالله ان لا ترجو الا الله و لا تخاف الا ذنبک .

ترجمه :

۱۴۳ - سفیان بن عیینه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودن گمان نیکو به خداوند داشتن این است که امید به هیچکس جز او نداشته باشی و از هیچ چیز جز گناهت نترسی .

حدیث :

۱۴۴ - عن سنان بن طریف قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ينبغى للمومن ان يخاف الله خوفا كانه مشرف على النار و يرجوه رجاء كانه من اهل الجنة . ثم قال : ان الله تبارك و تعالى عند ظن عبده به ان خيرا فخييرا و ان شرا فشرا .
ترجمه :

۱۴۴ - سنان بن طریف گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: بر مومن سزاوار است که چنان از خداوند بترسد که گوئیا نزدیک است که به آتش افکنده شود و چنان به رحمت او امیدوار باشد که گوئیا از اهل بهشت است . سپس فرمود: خداوند تبارک و تعالی در نزد گمان بنده اش به خود حاضر است اگر گمانش به او خیر باشد خداوند هم خیر برایش پیش می آورد و اگر گمانش بد باشد خداوند هم بد برایش پیش می آورد.

حدیث :

۱۴۵ - محمد به علی بن الحسین علیه السلام باسناده الی وصیه علی علیه السلام لمحمد بن الحنفیه قال : و لا یغلبن علیک سوء الظن بالله عزوجل فانه لن یدع بینک و بین خلیک صلحا .

ترجمه :

۱۴۵ - امام باقر علیه السلام فرمود: در وصیت علی علیه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه آمده است که : مبادا بدگمانی به خداوند عزوجل بر تو غالب شود زیرا این بدگمانی بین تو و دوستت که خداوند است صلح و آشتی باقی نمی گذارد.

حدیث :

۱۴۶ - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : ان آخر عبد یومر به الی النار فیلتفت فیقول الله جل جلاله : اعجلوه فاذا اتی به قال له : عبدی لم التفت ؟ فیقول : یا رب ما کان ظنی بک هذا فیقول الله جل جلاله : عبدی ما کان ظنک بی ؟ فیقول : یا رب کان ظنی بک ان تغفر لی خطیئتی و تدخلنی جنتک قال : فیقول الله جل جلاله : ملائکتی و عزتی و جلالی و آلائی و ارتفاع مکانی ما ظن بی هذا ساعه من حیاته خیرا قط و لو ظن بی ساعه من حیاته خیرا وما روعته بالنار اجیزوا له کذبه و ادخلوه الجنة ثم قال ابو عبدالله عليه السلام : ما ظن عبد بالله خیرا الا کان له عند ظنه و ما ظن به سوءا الا کان الله عند ظنه به و ذلك قول الله عزوجل : (و ذلكم ظنکم الذی ظننتم بربکم ارداکم فاصبحتم من الخاسرین) .

ترجمه :

۱۴۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا آخرین بنده ای که در روز قیامت دستور داده می شود که به سوی آتش دوزخ رود به چپ و راست خود می نگرد پس خداوند جل جلاله می فرماید: با شتاب بیاوریدش . پس چون به محضر پروردگار آورده می شود خداوند می فرماید: ای بنده من ! چرا به چپ و راست خود می نگری ؟ عرض می کند: ای پروردگار من ! من چنین گمانی به تو نداشتم ، خداوند جل و جلاله می فرماید: ای بنده من ! چه گمانی به من داشتی ؟ عرض می کند: ای پروردگار من ! گمان من به تو این بود که از گناهم در می گذری و مرا به بهشت وارد می کنی . خداوند جل جلاله می فرماید: ای فرشتگان من ! سوگند به عزت و بزرگی و نعمتها و بلندی جایگاهم که این بنده در زندگی اش هرگز ساعتی چنین گمان خوبی به من نداشت و اگر در تمام زندگی اش ساعتی چنین گمان خیری به من داشت او را با آتش نمی ترساندم و لرزه بر اندامش نمی افکندم حال که چنین گفت این دروغش را بر او روا دارید و او را به بهشت داخل کنید. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای به خدا خوش گمان نبوده جز اینکه خداوند در نزد گمانش حاضر است (و با او به خوبی رفتار می کند) و هیچ بنده ای به خداوند بدگمان نبوده جز اینکه خداوند در نزد گمان وی حاضر است (و او را به بدی کیفر می دهد) و این همان معنای گفتار خداوند عزوجل است که می فرماید: (و این گمان بدی بود که به پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاک شما شد پس از زیانکاران گردیدید) (۶۶)

حدیث :

۱۴۷ - عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال : قال لی احسن الظن بالله فان الله عزوجل یقول : انا عند ظن عبدي بی فلا یظن بی الا خیرا.

ترجمه :

۱۴۷ - راوی از امام رضا علیه السلام روایت کند که حضرت به من فرمود: گمان نیکو به خداوند داشته باش زیرا خدای عزوجل می فرماید: من در نزد گمان بنده ام حاضرم پس بنده ام جز گمان خیر به من نداشته باشد.

حدیث :

۱۴۸ - عن ابی رثاب قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : یوتی بعبد یوم القیامه ظالم لنفسه فیقول الله : الم امرک بطاعتی الم انهک عن معصیتی ؟ فیقول : بلی یا رب و لکن غلبت علی شهوتی فان تعذبنی فبذنبی لم تظلمنی فیامر الله به

الی النار فیقول ما کان هذا ظنی بک فیقول ما کان ظنک بی ؟ قال : کان ظنی بک احسن الظن فیامر الله به الی الجنه
فیقول الله تبارک و تعالی : لقد نفعک حسن ظنه بی الساعه .

ترجمه :

۱۴۸ - ابن رثاب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: در روز قیامت بنده ای که به خویشتن ستم نموده آورده
می شود پس خداوند می فرماید: آیا تو را به طاعت و فرمانبرداری امر نکردم ؟ آیا تو را از نافرمانی امر نهمی نکردم ؟ بنده
گنهکار گوید: درست است ای پروردگار من ! ولی شهوتم بر من چیره شد پس اگر مرا کیفر دهی به خاطر گناهی است که
مرتکب شده ام و به من ستم روا نداشته ای . پس خداوند دستور می دهد که او را به سوی آتش برند. بنده گنهکار می گوید:
ای خدای من ! گمان من به تو چنین نبود. خداوند می فرماید: مگر چه گمانی به من داشتی ؟ می گوید: خدایا من به تو
نیکوترین گمان را داشتم . پس خداوند امر می کند که او را به سوی بهشت برند و می فرماید: حقا که گمان نیکوی تو به
من امروز به تو سود بخشید.

۱۷ - باب استحباب دم النفس و تادیبها و مقتها

۱۷ - باب استحباب نکوهش نمودن نفس و ادب کردن و دشمن داشتن نفس

حدیث :

۱۴۹ - عن الحسن بن الجهم قال سمعت ابالحسن علیه السلام یقول : ان رجلا فی بنی اسرائیل عبدالله اربعین سنه ثم قرب
قربانا فلم یقبل منه فقال : لنفسه ما اتیت الا منک و ما الذنب الا لک قال : فاحی الله عزوجل الیه ذمک لنفسک افضل من
عبادتک اربعین سنه .

ترجمه :

۱۴۹ - حسن به جهم گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: مردی از بنی اسرائیل خداوند را چهل سال عبادت
کرد سپس قربانی ای به درگاه خدا نمود و قربانی او پذیرفته نشد پس با نفس خود چنین گفت : ای نفس ! آنچه که به من
رسیده نیست مگر از جانب تو و گناهی نیست مگر از آن تو. پس خداوند عزوجل به سوی او وحی فرستاد که : این نکوهشی
که از نفس خود نمودی از عبادت چهل ساله ات برتر است .

حدیث :

۱۵۰ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : یا اسری الرغبه اقصروا فان المعرج علی الدنیا ما لا یروعه منها الا صریف

انیاب الحدیثان ایها الناس تولوا من انفسکم تادیبها و اعدلوا بها عن ضراوه عاداتها.

ترجمه :

۱۵۰ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای اسیران خواهش نفسانی! میل نفس را کوتاه کنید زیرا کسی را که به دنیا دل

بسته است بجز صدای دندانهای حوادث دنیا چیز دیگری او را نمی ترساند، ای مردم از درون خود عهده دار ادب کردن نفس

های خود شوید و نفس هاتان را از درنده خوبی و حریص بودن بر عادات دنیا بازگردانید.

حدیث :

۱۵۱ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله من مقت نفسه دون مقت الناس آمنه الله من فرع یوم القیامه .

ترجمه :

۱۵۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به جای اینکه مردم را دشمن گیرد نفس خود را دشمن دارد خداوند

او را از بی تابی روز قیامت ایمن دارد.

۱۸ - باب وجوب طاعه الله

۱۸ - باب وجوب فرمانبرداری از خداوند

حدیث :

۱۵۲ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : لا تذهب بکم المذاهب فو الله ما شیعتنا الا من اطاع الله عزوجل .

ترجمه :

۱۵۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: راه و روشهای مختلف شما را (از حق) دور نگرداند و با خود نبرد که سوگند به خدا شیعه

ما نیست مگر کسی که خدای عزوجل را اطاعت کند.

حدیث :

۱۵۳ - عن ابی جعفر علیه السلام (فی حدیث) ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال : انه لا یدرک ما عند الله الا بطاعته .

ترجمه :

۱۵۳ - امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که : حقیقتا آنچه (از نعمتها و

رضوان) که در نزد خداوند است جز با طاعت و فرمانبرداری از او به دست نمی آید.

حدیث :

۱۵۴ - عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال لی : یا جابر ایکتفی من ینتحل التشیع ان یقول بحبنا اهل البیت ؟ فوالله ما شیعتنا الا من اتقی الله و اطاعه و ما كانوا یعرفون یا جابر الا بالتواضع و التخشع و الامانه و کثره ذکر الله و الصوم و الصلاه و البر بالوالدین و التعاهد للجیران من الفقراء و اهل المسکنه و الغارمین و الایتام و صدق الحدیث و تلاوه القرآن و کف اللسن عن الناس الا من خیر و كانوا امناء عشائرههم فی الاشیاء - الی ان قال : - احب العباد الی الله عزوجل الا بالطاعه و ما معنا براهه من النار و لا علی الله لاحد من حجه من کان لله مطیعا فهو لنا ولی و من کان لله عاصیا فهو لنا عدو و ما تنال و لایتنا الا بالعمل و الورع .

ترجمه :

۱۵۴ - جابر از امام باقر علیه السلام روایت کند که حضرت به من فرمود: ای جابر! آیا کسی که نسبت شیعه بودن را به خود می دهد همین که قائل به دوستی ما اهل بیت باشد کفایتش می کند؟ سوگند به خدا که شیعه ما نیست مگر کسی که تقوای الهی را پیشه سازد و خدای را اطاعت کند، و ای جابر! شیعیان ما شناخته نمی شوند مگر به فروتنی و خشوع و امانتداری و کثرت یاد خدا و روزه و نماز و نیکی به پدر و مادر و رسیدگی به همسایگان تنگدست و رسیدگی به ناتوانان و قرض داران و یتیمان و راستگویی و تلاوت قرآن و نگهداری زبان خود درباره مردم مگر در خیرگویی و شیعیان باید در همه چیز امین قوم و قبیله خود باشند - تا آنجا که فرمود: - دوست داشتنی ترین بندگان در نزد خدای عزوجل آناند که پرهیزکارتر و عمل کننده تر به طاعت خدایند. ای جابر! سوگند به خدا که ما جز به وسیله طاعت و فرمانبرداری از خداوند عزوجل نمی توانیم به او نزدیک شویم و جواز رهایی از آتش همراه ما نیست و هیچکس حجت و برهانی بر علیه خداوند ندارد، هر کس مطیع و فرمانبر خداوند باشد او دوست ماست و هر کس عصیان خدا را کند دشمن ماست و به ولایت و دوستی ما کسی نمی رسد مگر به وسیله عمل شایسته و پارسایی .

حدیث :

۱۵۵ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : فی حدیث و الله ما معنا من الله براهه و لایبیننا و بین الله قرابه و لا لنا علی الله حجه و لانتقرب الی الله الا بالطاعه فمن کان منکم مطیعا لله تنفعه و لایتنا و من کان منکم عاصیا لله لم تنفعه و لایتنا و یحکم لاتعتروا و یحکم لاتعتروا.

ترجمه :

۱۵۵ - امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: سوگند به خداوند که از جانب خداوند برای ما جواز رهایی از آتش نیست و بین ما و خداوند خویشاوندی برقرار نیست و ما حجت و برهانی بر خداوند نداریم و جز به وسیله طاعت و فرمانبرداری اش به او نزدیک نمی شویم پس هر کدام از شما که مطیع خداوند باشد ولایت و دوستی ما به او سود می بخشد و هر کدام شما که در برابر خداوند عصیان کند دوستی ما به او سودی نمی بخشد. وای بر شما مبادا فریب بخورید، وای بر شما مبادا فریب بخورید.

حدیث :

۱۵۶ - عن الصادق عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : قال الله جل جلاله : يا ابن آدم اطعني فيما امرتك و لاتعلمني ما يصلحك .

ترجمه :

۱۵۶ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کنند که فرمود: خداوند جل جلاله فرمود: ای فرزند آدم! در آنچه که به تو دستور داده ام مرا اطاعت کن و آنچه را که تو را به صلاح می رساند به من نیاموز (که من خود می دانم که چه چیزی به صلاح توست).

حدیث :

۱۵۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام عن أبانه علیه السلام عن رسول الله صلى الله عليه و آله قال : قال الله عزوجل : ایما عبد اطاعنی لم اكله الی غیری و ایما عبد عصانی و کلته الی نفسه ثم لم ابال فی ای واد هلك .

ترجمه :

۱۵۷ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کنند که فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: هر بنده ای که مرا اطاعت کند او را به سوی غیر خود وا نمی گذارم و هر بنده ای که مرا نافرمانی کند او را به سوی خودش وا می گذارم پس از آن دیگر باکی ندارم که در چه راهی به هلاکت برسد.

حدیث :

۱۵۸ - عن ابی بصیر قال سالت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (اتقوا الله حق تقاته) قال : يطاع فلا يعصى و یذکر فلا ینسی و یشکر فلا یکفر.

ترجمه :

۱۵۸ - ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این گفتار خدا که می فرماید: (تقوای الهی را پیشه کنید حق تقوایش را) (۶۷) پرسیدم . حضرت فرمود: (حق تقوا این است که) اطاعت خداوند صورت گیرد و نافرمانی اش نشود، و همواره یاد شود و فراموش نگردد، و شکر او به جای آورده شود و ناسپاسی اش نشود.

حدیث :

۱۵۹ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ان الله جعل الطاعة غنیمه الا کياس عند تفریط العجزه .

ترجمه :

۱۵۹ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند طاعت خود را در زمانی که ناتوانان در آن کوتاهی می کنند غنیمتی برای زیرکان قرار داد (که زیرکان از طاعت خدا توشه ای برای آخرت غنیمت گیرند).

۱۹ - باب وجوب الصبر علی طاعة الله و الصبر عن معصیه

۱۹ - باب وجوب صبر نمودن بر طاعت خدا و صبر نمودن در برابر معصیت خداوند

حدیث :

۱۶۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا كان يوم القيامة يقوم عنق من الناس فیاتون باب الجنة فيقال : من انتم ؟ فيقولون : نحن اهل الصبر فيقال لهم : علی ما صبرتم ؟ فيقولون : كنا نصبر علی طاعة الله و نصبر عن معاصی الله فيقول الله عزوجل : صدقوا ادخلوهم الجنة و هو قول الله عزوجل : (انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب).

ترجمه :

۱۶۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که روز قیامت شود جماعتی از مردم بر می خیزند و به در بهشت می آیند به

آنان گفته می شود: شما چه کسانی هستید؟ گویند: ما اهل صبر هستیم . به آنان گفته می شود: بر چه چیزی صبر کردید؟

گویند: ما در دنیا بر طاعت و معاصی خداوند صبر می نمودیم . در اینجا خداوند عزوجل گوید: راست می گویند آنان را به

بهشت وارد کنید. و این است معنای گفتار خداوند که می فرماید: (پاداش صابران به طور کامل و بدن حساب به آنان داده

می شود) (۶۸)

حدیث :

۱۶۱ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام : الصبر صبران : صبر عند المصیبه حسن جمیل و احسن من ذلك الصبر عند ما حرم

الله علیک و الذکر ذکران : ذکر الله عزوجل عند المصیبه و افضل من ذلك ذکر الله عند ما حرم الله علیک فیکون حاجزا.

ترجمه :

۱۶۱ - امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: صبر بر دو گونه است : صبر در هنگام مصیبت که این نیکو و زیباست و نیکوتر از آن ، صبر نمودن در هنگام روبرو شدن با چیزهایی است که خداوند بر تو حرام نموده و یاد خدا نیز بر دو گونه است : یاد نمودن خداوند عزوجل در هنگام مصیبت و برتر از آن ، یاد خداوند در هنگام مواجهه با حرام الهی است که این مانع و بازدارنده آتش دوزخ است .

حدیث :

۱۶۲ - قال ابو جعفر علیه السلام : لما حضرت علی بن الحسین علیه السلام الوفاه ضمنی الی صدره و قال یا بنی اوصیک بما اوصانی به ابی حنین حضرته الوفاه و بما ذکر ان اباه اوصاه به یا بنی اصبر علی الحق و ان کان مرا .
ترجمه :

۱۶۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسباند و فرمود: ای پسرکم ! تو را به چیزی سفارش می کنم که پدرم امام حسین علیه السلام در هنگام وفات مرا به آن سفارش فرمود و فرمود که پدرش علی علیه السلام او را به این وصیت سفارش فرموده است : ای پسرم ! بر حق صبر کن اگر چه تلخ باشد.
حدیث :

۱۶۳ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الصبر صبران : صبر علی البلاء حسن جمیل و افضل الصبرین الورع عن المحارم .
ترجمه :

۱۶۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: صبر بر دو گونه است : صبر بر بلا که نیکو و زیباست و برترین دو قسم صبر پرهیز نمودن از حرامهای الهی است .
حدیث :

۱۶۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اصبروا علی الدنیا فانما هی ساعه فما مضی منه لاتجد له الما و لاسرورا و ما لم یجی فلا تدری ما هو؟ و انما هی ساعتک التی انت فیها فاصبر فیها علی طاعه الله و اصبر فیها عن معصیه الله .
ترجمه :

۱۶۴ - امام صادق علیه السلام فرمود، بر دنیا صبر کنید که دنیا ساعتی بیش نیست پس آنچه از دنیا سپری شده برای آن رنجی و سروری نمی یابی (رنج و شادمانی آن تمام شدنی است) و آنچه نیامده است نمی دانی چیست؟ دنیا همان ساعتی است که تو در آن هستی پس در آن بر طاعت و فرمانبرداری خدا صبر کن و در مقابل معصیت خداوند نیز شکیبیا باش.

حدیث :

۱۶۵ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله الصبر ثلاثه : صبر عند المصيبة و صبر عند الطاعة و صبر عن المعصية ، فمن صبر على المصيبة حتى يردّها بحسن عزائها كتب الله له ثلاثمائة درجة ما بين الدرجة الى الدرجة كما بين السماء و الارض و من صبر على الطاعة كتب الله له ستمائة درجة ما بين الدرجة الى الدرجة كما بين تخوم الارض الى منتهى العرش و من صبر عن المعصية كتب الله له تسعمائة درجة ما بين درجة الى الدرجة كما بين تخوم الارض الى منتهى العرش .

ترجمه :

۱۶۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صبر بر سه قسم است : صبر در هنگام معصیت و صبر در طاعت خداوند و صبر در برابر معصیت و گناه ، پس کسی که بر مصیبتی صبر کند تا آنجا که آن مصیبت را به تسلی و آرامشی نیکو باز گردان خداوند برای او سیصد درجه می نویسد که بین یک درجه تا درجه دیگر به اندازه بین زمین و آسمان فاصله است و کسی که بر طاعت خدا صبر کند خداوند برای او ششصد درجه می نویسد که مابین یک درجه تا درجه دیگر به اندازه مابین حدود مرز زمین تا انتهای عرش الهی فاصله است و کسی که در برابر معصیت و گناه صبر کند خداوند برای او نهصد درجه می نویسد که مابین یک درجه تا درجه دیگر به اندازه مابین حد و مرز زمین تا انتهای عرش فاصله است .

حدیث :

۱۶۶ - عن ابی الحسن موسی به جعفر علیه السلام انه قال لبعض ولده : یا بنی ایاک ان یراک الله فی معصیه نهاک عنها و ایاک ان یفقدک الله عند طاعه امرک بها.

ترجمه :

۱۶۶ - از امام موسی به جعفر علیه السلام روایت است که به یکی از فرزندانش فرمود: ای پسرکم! بر حذر باش از اینکه خداوند تو را در حال گناهی که تو را از انجام آن نهی نموده است ببیند و بر حذر باش از اینکه خداوند تو را در انجام طاعتی که به انجام آن فرمان داده است غائب ببیند.

حدیث :

۱۶۷ - عن ابی حمزه الثمالی قال : قال لی ابوجعفر علیه السلام : لما حضرت ابی الوفاء ضمنی الی صدره و قال : یا بنی اصبر علی الحق و ان کان مرا توف اجرک بغير حساب .

ترجمه :

۱۶۷ - ابو حمزه ثمالی گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسبانند و فرمود: ای پسر کم! بر حق صبر کن اگر چه تلخ باشد تا خداوند پاداش تو را بدون حساب و به طور کامل دهد.

حدیث :

۱۶۸ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : الصبر صبران : صبر علی ما تحب و صبر علی ما تکره ثم قال علیه السلام : ان ولی محمد من اطاع الله و ان بعدت لحمته و ان عدو محمد من عصی الله و ان قربت قرابته .

ترجمه :

۱۶۸ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: صبر دو گونه است : صبر نمودن بر آنچه دوست می داری و صبر نمودن بر آنچه که آن را ناپسند می شمری . سپس فرمود: همانا دوست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی است که خداوند را اطاعت کند اگر چه قرابت و خویشاوندی اش دور باشد و همانا دشمن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی است که خدای را نافرمانی کند اگر چه خویشاوندی اش نزدیک باشد.

حدیث :

۱۶۹ - و قال علیه السلام : شتان بین عملین عمل تذهب لذته و تبقى تبعته و عمل تذهب مؤنته و يبقى اجره .

ترجمه :

۱۶۹ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چقدر بین دو عمل فاصله است یکی عملی که لذتش می رود و عاقبت بدش باقی می ماند و دیگری عملی که سختی آن می رود و پاداشش می ماند.

حدیث :

۱۷۰ - و قال علیه السلام : اتقوا معاصی الله فی الخلوات فان الشاهد هو الحاكم .

ترجمه :

۱۷۰ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از ارتکاب معصیتهای الهی (حتی) در نهان خودداری کنید زیرا آن خدایی که شاهد است خود نیز حاکم است .

حدیث :

۱۷۱ - و قال علیه السلام : ان الله وضع الثواب على طاعته و العقاب على معصيته ذیاده لعباده عن نعمته و حیاشه لهم الی جنته .

ترجمه :

۱۷۱ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند پاداش را بر طاعتش نهاد و کیفر را بر معصیتش تا بندگانش را از خشم و عقوبت خود دور سازد و آنان را به سوی بهشت تشویق و تحریص گرداند.

حدیث :

۱۷۲ - و قال علیه السلام : احذر ان يراک الله عند معصيته او يفقدک عند طاعته فتکون من الخاسرين فاذا قويت فاقو علی طاعه الله فاذا ضعفت فاضعف عن معصيه الله .

ترجمه :

۱۷۲ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بر حذر باش از اینکه خداوند تو را در هنگام معصیتش ببیند یا در هنگام طاعتش تو را نیابد اگر چنین باشی از زیانکاران خواهی بود پس هرگاه توانایی می یابی ، بر انجام طاعت خدا توانا شو و هرگاه ناتوان می شوی ، از ارتکاب معصیت خدا ناتوان شو.

حدیث :

۱۷۳ - اتی رجل ابا عبدالله علیه السلام فقال له یا ابن رسول الله اوصنی فقال : لا يفقدک الله حیث امرک و لا یراک حیث نهاک قال : زدنی قال : لا اجد.

ترجمه :

۱۷۳ - مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! مرا سفارشی فرما. حضرت فرمود: در جایی که خداوند تو را فرمان داده غائبت نبیند و در جایی که نهی فرموده حاضرست نیابد. عرض کرد: بیش از این برایم بگو.

حضرت فرمود: بیش از این چیزی نمی یابم .

حدیث :

۱۷۴ - عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر عن آباءه علیه السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال : اذا كان يوم القيامة نادى مناد عن الله يقول : اين اهل الصبر؟ قال : فيقوم عنق من الناس فتستقبلهم زمرة من الملائكة فيقولون لهم : ما كان صبركم هذا الذي صبرتم ؟ فيقولون : صبرنا انفسنا على طاعة الله و صبرناها عن معصية الله قال : فينادى مناد من عند الله صدق عبادى خلوا سبيلهم ليدخلوا الجنة بغير حساب .

ترجمه :

۱۷۴ - امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه که روز قیامت بر پا می شود ندا دهنده ای از جانب خدا ندا در می دهد که : کجایند اهل صبر؟ پس جماعتی از مردم بر می خیزند و گروهی از فرشتگان به استقبال آنان می آیند و به آنان می گویند: آن صبری که پیشه نمودید چه صبری بود؟ گویند: ما خود را بر طاعت خداوند به صبر روا داشتیم و نیز خود را در مقابل معصیت خداوند به صبر وادار نمودیم . پس ندا دهنده ای از جانب خداوند ندا در می دهد که : بندگانم راست می گویند از جلو راه آنها به کنار روید تا بدون حساب وارد بهشت شوند.

۲۰ - باب وجوب تقوی الله

۲۰ - باب وجوب رعایت تقوای الهی

حدیث :

۱۷۵ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : كان امير المؤمنين عليه السلام يقول : لا يقل عمل مع تقوى و كيف يقل ما يتقبل ؟ ترجمه :

۱۷۵ - امام باقر علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: کم شمرده نمی شود عملی که همراه با تقواست و چگونه کم شمرده می شود چیزی که پذیرفته می گردد؟

حدیث :

۱۷۶ - عن مفصل بن عمر قال : كنت عند ابی عبدالله علیه السلام فذكرنا الاعمال فقلت انا: ما اضعف عملی فقال : مه استغفر الله ثم قال لی : ان قليل العمل مع التقوى خیر من كثير بلا تقوى . قلت : كيف يكون كثير بلا تقوى ؟ قال علیه السلام : نعم مثل الرجل يطعم طعامه و يرفق جيرانه و يوطى رحله فاذا ارتفع له الباب من الحرام دخل فيه فهذا العمل بلا تقوى و يكون الاخر ليس عنده فاذا ارتفع له الباب من الحرام لم يدخل فيه .

ترجمه :

۱۷۶ - مفضل بن عمر گوید: در نزد امام صادق علیه السلام بودم که سخن از اعمال به میان آمد پس من عرض کردم: و او که چقدر عمل من ناچیز است. حضرت فرمود: ساکت باش و از خدا طلب مغفرت کن. سپس فرمود: عمل کم که همراه با تقوا باشد از عمل زیاد که بدون تقوا باشد بهتر است. عرض کردم: عمل زیاد بدون تقوا چگونه است؟ حضرت فرمود: آری مثل مردی که مردمان را طعام می دهد و با همسایگانش مدارا می کند و توشه اش را آماده و مهیا می سازد ولی هنگامی که دری از حرام به رویش باز می شود از آن در وارد می شود و این عمل بدون تقواست و دیگری چنین اعمالی ندارد ولی هنگامی که دری از حرام به رویش گشوده می شود وارد نمی شود.

حدیث:

۱۷۷ - عن یعقوب بن شعیب قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول: ما نقل الله عبدا من ذل المعاصی الی عز التقوی الا اغناه من غیر مال و اعزه من غیر عشیره و انسه من غیر بشر.

ترجمه:

۱۷۷ - یعقوب بن شعیب گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند بنده ای را از ذلت گناه به سوی عزت تقوا نرساند جز اینکه او را بدون مال بی نیازی بخشید و بدون قوم و عشیره عزتمند ساخت و بدون (معاشرت با) بشری او را انس و آرامش بخشید.

حدیث:

۱۷۸ - محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال: من الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله خیر الزاد التقوی.

ترجمه:

۱۷۸ - امام باقر علیه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلی الله علیه و آله این است: بهترین توشه تقواست.

حدیث:

۱۷۹ - عن الهیثم بن واقد قال: سمعت الصادق جعفر بن محمد علیه السلام یقول: من اخرج الله عزوجل من ذل المعاصی الی عز التقوی اغناه الله بلامال و اعزه بال عشیره و انسه بلا انیس و من خاف الله اخاف الله منه کل شیء و من لم یخف الله اخافه الله من کل شیء و من رضی من الله بالیسیر من الرزق رضی منه بالیسیر من العمل و من لم یستحی من طلب المعاش خفت مؤنته و نعم اهله و من زهد فی الدنیا اثبت الله الحکمه فی قلبه و انطق بها لسانه و بصره عیوب الدنیا داءها و دواءها و اخرجته من الدنیا سالما الی دارالسلام.

ترجمه :

۱۷۹ - هیشم بن واقد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که خداوند او را از ذلت گناهان به سوی عزت و ارجمندی تقوا فرستاد او را بدون مال بی نیازی بخشید و بدون قوم و قبیله عزت داد و بدون مونس آرامش بخشید و کسی که از خدا بترسد خداوند هیبت او را در همه چیز می افکند و کسی که از خدا بترسد خداوند او را از همه چیز بیمناک می سازد و کسی که از خداوند به روزی کم خوشنود باشد خداوند هم از او به عمل کم خوشنود می گردد و کسی که به دنیا بی اعتنا باشد خداوند حکمت و دانایی را در دلش پا برجا می کند و زیارتش را به حکمت گویا می سازد و او را نسبت به دردها و داروهای عیوب دنیا بینا می گرداند و او را سالم و بی نقص از دنیا به سرای سلامت آن جهان منتقل می کند.

حدیث :

۱۸۰ - عن الولید بن عباس قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : الحسب الفعالم و الشرف المال و الکرمة التقوی .

ترجمه :

۱۸۰ - ولید بن عباس گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: گوهر مرد و بزرگی او اعمال او است و شرافت و ارجمندی او دارایی اوست و کرامت و بزرگواری او تقوای اوست .

حدیث :

۱۸۱ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : فی خطبه له علیه السلام الا و ان الخطایا خیل شمس حمل علیها اهلها و خلعت لجمها فتقحمت بهم فی النار الا و ان التقوی مطایا ذلل حمل علیها اهلها و اعطوا ازمتها فاوردتهم الجنة .

ترجمه :

۱۸۱ - امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای چنین فرمود: آگاه باشید که گناهان اسبان سرکشی هستند که گنهکاران بر آنها بار شده اند و دهنه آن اسبان رها شده پس آن اسبان سرکش سواران خود را در آتش سرنگون کنند و آگاه باشید که تقوی مرکبی رام را می ماند که اهل تقوی بر آن سوار گشته و مهار مرکبها به دست آنان است و مرکبها آنان را به بهشت وارد کنند.

حدیث :

۱۸۲ - و قال علیه السلام : اتق الله بعض التقی و ان قل و اجعل بینک و بین الله سترا و ان رق .

ترجمه :

۱۸۲ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: تقوای خدا را پیشه کن تقوایی اگر چه کم و بین خود و خدایت پرده ای قرار ده اگر چه نازک .

۲۱ - باب وجوب الورع

۲۱ - باب وجوب پارسایی

حدیث :

۱۸۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : انا لاعد الرجل مومنا حتی یکون لجمیع امرنا متبعا مریدا، الا و ان من اتباع امرنا و ارادته الورع فتزینوا به یرحمکم الله و کیدوا اعداءنا به ینعشکم الله .

ترجمه :

۱۸۳ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: ما مردی را مومن نمی شماریم مگر اینکه تمامی امر ما را پیروی کند و بخواهد، آگاه باشید که از جمله پیروی امر ما و خواستن امر ما پارسایی است ، پس خود را با پارسایی زینت دهید تا خداوند رحمتش را شامل حالتان کند و دشمنان ما را به وسیله پارسایی فریب دهید تا خداوند شما را بلند مرتبه گرداند.

حدیث :

۱۸۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اوصیک بتقوی الله و الورع و الجتهاد و اعلم انه لاینفع اجتهاد لاورع فیه .

ترجمه :

۱۸۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش سفارش می کنم و بدان که کوششی که پارسایی در آن نباشد سودی نخواهد داشت .

حدیث :

۱۸۵ - عن حفص بن غیاث قال سالت ابا عبدالله علیه السلام عن الورع فقال : الذی یتورع عن محارم الله عزوجل .

ترجمه :

۱۸۵ - حفص بن غیاث گوید از امام صادق علیه السلام درباره ورع و پارسا سوال کردم حضرت فرمود: پارسا کسی است که از ارتکاب حرامهای خدای عزوجل باز ایستد.

حدیث :

۱۸۶ - عن یزید بن خلیفه قال : وعظنا ابو عبدالله عليه السلام فامر و زهد ثم قال : علیکم بالورع فانه لا ینال ما عند الله الا بالورع .

ترجمه :

۱۸۶ - یزید بن خلیفه گوید: امام صادق علیه السلام ما را موعظه نمود پس به ما امر کرد و ما را بر بی رغبتی به دنیا تشویق و تحریک نمود سپس فرمود: بر شما باد به پارسایی زیرا (آدمی) جز به وسیله پارسایی به آنچه که در نزد خداست دست نمی یابد.

حدیث :

۱۸۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لا ینفع اجتهاد لا ورع فیه .

ترجمه :

۱۸۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: کوششی که پارسایی در آن رعایت نشود سودی نخواهد داشت .

حدیث :

۱۸۸ - قال ابو جعفر علیه السلام : ان اشد العباده الورع .

ترجمه :

۱۸۸ - امام باقر علیه السلام فرمود: همانا سخت ترین عبادت باز ایستادن از گناه است .

حدیث :

۱۸۹ - عن حدید بن حکیم قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : اتقوا الله و صونوا دینکم بالورع .

ترجمه :

۱۸۹ - حدید بن حکیم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از خدا بترسید و دین خود را با ورع (باز

ایستادن از گناه) حفظ کنید.

حدیث :

۱۹۰ - قال ابو عبدالله علیه السلام فی حدیث : انما اصحابی من اشد ورعه و عمل لخالقه و رجا ثوابه به هولاء اصحابی .

ترجمه :

۱۹۰ - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: یاران من کسانی هستند که : پارسایی آنان زیاد است و برای (رضای)
آفریننده خود کار می کنند و امید ثواب او را دارند، اینان یاران من هستند.
حدیث :

۱۹۱ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال الله عزوجل ابن آدم اجتنب ما حرمت عليك تكن من اورع الناس .
ترجمه :

۱۹۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عزوجل فرموده است : ای فرزند آدم ! از آنچه که بر تو حرام نموده ام دوری کن
تا از پارساترین مردم باشی .
حدیث :

۱۹۲ - عن ابی اسامه قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : عليك بتقوى الله و الورع و الاجتهاد و صدق الحديث و اداء
الامانه و حسن الخلق و حسن الجوار و كونوا دعاه الى انفسكم بغير السنكم و كونوا زينا و لاتكونوا شينا و عليكم بطول
الركوع و السجود فان احدكم اذا اطال الركوع و السجود هتف ابليس من خلفه و قال : يا ويله اطاع و عصيت و سجد و ابیت .
ترجمه :

۱۹۲ - ابی اسامه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: بر تو باد به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش
و راستگویی و امانتداری و خوش خلقی و حسن همسایگی و اینکه با غیر زبانتان (کردارتان) دیگران را به سوی خودتان
دعوت کنید و (برای ما) مایه زینت باشید نه مایه ننگ و رسوایی و بر شما باد به رکوع و سجود طولانی زیرا اگر کسی از شما
رکوع و سجودش را طول دهد شیطان از پشت سر او فریاد بر می آورد و می گوید: ای وای که او فرمانبری کرد و من
نافرمانی و او سجده کرد و من از سجده خودداری کردم .
حدیث :

۱۹۳ - عن علی بن ابی زید عن ابيه قال كنت عند ابی عبدالله عليه السلام فدخل عليه عیسی بن عبدالله القمی فرحب به و
قرب مجلسه ثم قال یا عیسی بن عبدالله لیس منا و لاکرامه من کان فی مصر فیه مائه او یزیدون و کان فی ذلک المصر
احد اورع منه .
ترجمه :

۱۹۳ - علی بن ابی زید از پدرش روایت کند که در نزد امام صادق علیه السلام بودم که عیسی بن عبدالله قمی وارد شد حضرت به او خوش آمد گفت و او را نزدیک خود نشانند سپس فرمود: ای عیسی بن عبدالله! از ما نیست و بزرگواری ندارد کسی که در شهری باشد که در آن یکصد نفر یا بیشتر باشند و در آن شهر کسی با ورع تر و پارساتر از او باشد.

حدیث :

۱۹۴ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : اعینونا بالورع فانه من التقی الله عزوجل منکم بالورع کان له عند الله عزوجل فرجا.

ترجمه :

۱۹۴ - امام باقر علیه السلام فرمود: ما را با پارسا بودنتان یاری کنید زیرا کسی از شما که خدای عزوجل را با پارسایی دیدار کند برای او در نزد خدای عزوجل گشایشی هست .

حدیث :

۱۹۵ - قال ابو عبدالله علیه السلام : کونوا دعاه للناس بغير السننکم لیروا منکم الورع و الاجتهاد و الصلاه و الخیر فان ذکله داعیه .

ترجمه :

۱۹۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: مردم را با غیر زبانتان (یعنی با کردارتان) بخوانید تا از شما پارسایی و کوشش و نماز و خوبی را ببینند زیرا این امور آنان را (به سوی حق) فرا می خواند.

حدیث :

۱۹۶ - عن ابی الحسن الاول علیه السلام قال : کثیرا ما کنت اسمع ابی یقول : لیس من شیعتنا من لاتتحدث المخدرات بورعه فی خدورهن و لیس من اولیائنا من هو فی قریه فیها عشره الاف رجل فیهم خلق الله اورع منه .

ترجمه :

۱۹۶ - امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: بسیاری از مواقع از پدرم می شنیدم که می فرمود: شیعه ما نیست کسی که سخن گفتنش با زنان پرده نشین از روی پارسایی (یعنی همراه با اجتناب از گناه) نباشد و از دوستان ما شمرده نمی شود کسی که در قریه ای که ده هزار نفر در آن زندگی می کنند باشد و در بین آنان پارساتر از او هم وجود داشته باشد.

حدیث :

۱۹۷ - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام في وصيه النبي صلى الله عليه و آله لعل عليه السلام قال : يا علي ثلاثه من لقي الله عزوجل بهن فهو من افضل الناس : من اتى الله عزوجل بما افترض عليه فهو من اعبد الناس و من ورع عن محارم الله فهو من اورع الناس و من قنع بما رزقه الله فهو من اغنى الناس ثم قال يا علي ثلاث من لم يكن فيه لم يتم عمله : ورع يحجزه عن معاصي الله و خلق يدارى به الناس و حلم يرد به جهل الجاهل الى ان قال يا علي الاسلام عريان و لباسه الحياء و زينته العفاف و مروءته العمل الصالح و عماده الورع .

ترجمه :

۱۹۷ - از امام صادق عليه السلام و او از پدران بزرگوارش روايت است که در وصيت پيامبر اکرم صلى الله عليه و آله به علي عليه السلام آمده است : اي علي ! سه چيز است که هر کس خدای عزوجل را همراه با اين سه ديدار کند او از بدترين مردم است : کسی که همراه با آنچه که بر او واجب بوده بر خدای عزوجل وارد شود پس او از عابدترين مردمان است ، و کسی که از ارتکاب حرامهای الهی خودداری کند که چنين کسی از پارساترين مردمان است ، و کسی که به آنچه که خداوند به او روزی بخشیده قانع باشد که اين کس از بی نیازترين مردم است . سپس فرمود: اي علي ! سه چيز است که اگر در کسی نباشد عملش کامل نيست : پارسایی ای که وی را از ارتکاب گناهان الهی باز دارد و اخلاقی که به کمک آن با مردم مدارا کند و بردباری ای که به کمک آن نادانی نادان را برگرداند - تا آنجا که فرمود: - اي علي ! اسلام برهنه است و لباس او حياست و زيور او پاکدامنی است و جوانمردی اش کردار شايسته است و پايه و ستون آن اجتناب از گناه است .

حدیث :

۱۹۸ - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : سمعته يقول : لا يجمع الله لمومن الورع و الزهد في الدنيا الا رجوت له الجنة .

ترجمه :

۱۹۸ - راوی گوید: از امام صادق عليه السلام شنيدم که می فرمود: خداوند برای مومنی در دنيا پارسایی و زهد را جمع نمی کند مگر اينکه من اميد بهشت را برای او دارم .

حدیث :

۱۹۹ - عن ابی جعفر عليه السلام في حديث قال : لاتنال و لايتنا الا بالعمل و الورع .

ترجمه :

۱۹۹ - امام باقر عليه السلام در حدیثی فرمود: کسی به ولایت ما نمی رسد مگر با عمل (شايسته) و خودداری از گناه .

حدیث :

۲۰۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال : لیس من شیعتنا من یكون فی مصر یكون فیہ مائه الف و یكون فی المصر اورع منه .

ترجمه :

۲۰۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: از شیعیان (واقعی) ما شمرده نمی شود کسی که در شهری باشد که در آنجا صدهزار نفر زندگی می کنند و در بین آنان پارسا تر از او وجود دارد.

حدیث :

۲۰۱ - قال ابوعبدالله علیه السلام : لیس من شیعتنا من قال بلسانه و خالفنا فی اعمالنا و آثارنا و لکن شیعتنا من وافقنا بلسانه و قلبه و اتبع آثارنا و عمل باعمالنا اولئک شیعتنا.

ترجمه :

۲۰۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: از شیعیان ما نیست کسی که به زبان (از دوستی ما) دم زند اما در اعمال و اخبار ما با ما مخالفت کند ولیکن شیعه ما کسی است که با زبان و قلبش با ما توافق باشد و از اخبار ما پیروی کند و همانند ما عمل کند.

حدیث :

۲۰۲ - عن کلیب بن معاویه الاسدی قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : اما و الله انکم لعلی دین الله و ملائکتہ فاعینونا علی ذلک بورع و اجتهاد، علیکم بالصلاه و العباده ، علیکم بالورع .

ترجمه :

۲۰۲ - کلیب بن معاویه اسدی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: آگاه باشید که سوگند به خدا شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید پس ما را بر این دین به وسیله پارسایی و کوشش یاری کنید، بر شما بد به نماز و عبادت ، بر شما باد به خودداری از گناه .

حدیث :

۲۰۳ - عن الامام علی بن محمد علیه السلام عن آبائه عن الصادق علیه السلام انه قال : علیکم بالورع فانه الدین الذی نلازمه و ندین الله تعالی به و نریده ممن یوالینا لاتتعبونا بالشفاعه .

ترجمه :

۲۰۳ - امام دهم امام علی النقی علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش از امام صادق علیه السلام روایت کنند که فرمود:
بر شما باد به پارسایی زیرا پارسایی همان دینی است کهما به آن وابسته ایم و خداوند را به وسیله آن دینداری می کنیم و آن
را از کسانی که ما را دوست می دارند می خواهیم تا ما را با شفاعت به زحمت نیفکنند.

حدیث :

۲۰۴ - عن علی بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : دخل سماعه بن مهران علی الصادق علیه السلام فقال له
: یا سماعه و ذکر الحدیث الی ان قال : و الله یدخل النار منکم احد فتنافسوا فی الدرجات و اکمدوا عدوکم بالورع .

ترجمه :

۲۰۴ - امام دهم امام علی النقی علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند: سماعه بن مهران بر امام صادق علیه السلام
وارد شد امام به او فرمود:

ای سماعه! - و حدیث گذشته را بیان نمود - تا آنجا که فرمود: - به خدا سوگند که کسی از شما به دوزخ نمی رود پس در
(یافتن) درجات (بهشت) با یکدیگر رقابت کنید و دشمنانتان را با خودداری از گناه افسرده خاطر سازید.

۲۲ - باب وجوب العفه

۲۲ - باب وجوب پاکدامنی

حدیث :

۲۰۵ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من عباده افضل عندالله من فیه بطن و فرج .

ترجمه :

۲۰۵ - امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ عبادتی در نزد خدا برتر از ترک شهوات شکم و فرج نیست .

حدیث :

۲۰۶ - قال ابو جعفر علیه السلام : ان افضل العبادع عفه البطن و الفرج .

ترجمه :

۲۰۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: بهترین عبادت رعایت پاکي شکم و پاکي دامن است .

حدیث :

۲۰۷ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما عبدالله بشیء افضل من عفه بطن و فرج .

ترجمه :

۲۰۷ - امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند به هیچ عبادتی برتر از رعایت پاکی شکم و پاکی دامن عبادت نشده است .

حدیث :

۲۰۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اکثر ما تلج به امتی النار الاجوفان البطن و

الفرج .

ترجمه :

۲۰۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بیشترین چیزی که به سبب آن امت من وارد

دوزخ می شوند دو چیز میان تهی است یکی شکم و دیگری فرج .

حدیث :

۲۰۹ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله ثلاث اخافهن بعدی علی امتی : الضلاله بعد المعرفه و مضلات الفتن و شهوه

البطن و الفرج .

ترجمه :

۲۰۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز است که پس از خودم از این سه بر امتم ترسانم : گمراهی بعد از

معرفت و فتنه های گمراه کننده و شهوت شکم و فرج .

حدیث :

۲۱۰ - عن ابی بصیر قال : قال رجل لابی جعفر علیه السلام : انی ضعیف العمل قلیل الصیام ولکنی ارجو ان لا أکل الا

حلالا قال : فقال له : ای الاجتهاد افضل من عفه بطن و فرج ؟

ترجمه :

۲۱۰ - ابی بصیر گوید: مردی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: من در عمل سست هستم و روزه ام کم است ولی امید

این دارم که جز حلال نخورم . حضرت فرمود: کدام تلاش و کوششی از پاکی شکم و پاکی دامن برتر است ؟

حدیث :

۲۱۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان امیرالمؤمنین علیه السلام یقول : افضل العباده العفاف .

ترجمه :

۲۱۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: برترین عبادت پاکدامنی است .

حدیث :

۲۱۲ - عن میمون القداح قال سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول : ما من عباده افضل من عفه بطن و فرج .

ترجمه :

۲۱۲ - میمون بن قدها گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هیچ عبادتی برتر از پاکی شکم و پاکی دامن

نیست .

حدیث :

۲۱۳ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : و من لم یعط نفسه شهوتها اصاب رشده .

ترجمه :

۲۱۳ - امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: و کسی که به نفس خود خواسته نفس را

عطا نکند به رشد خود رسیده است .

حدیث :

۲۱۴ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من ضمن لی اثنتین ضمانت له علی الله الجنه : من ضمن لی ما بین لحييه و ما

بین رجليه ضمانت له علی الله الجنه یعنی ضمن لی لسانه و فرجه .

ترجمه :

۲۱۴ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که برای من دو چیز را ضمانت کند من نیز در پیشگاه خداوند بهشت را

برای او ضمانت خواهم کرد: کسی که برای من ضامن آنچه که بین ریش و سبیلش و آنچه بین دو پایش هست باشد من

نیز در پیشگاه خدا ضامن بهشت برای اویم یعنی برای من ضامن زبان و فرج خود باشد.

حدیث :

۲۱۵ - عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله الصادق علیه السلام يقول : من كف اذاه عن جاره اقاله الله عشرته يوم القيامة و

من عف بطنه و فرجه كان فی الجنة ملكا مجبورا و من اعتق نسمة مومنه بنی له بیت فی الجنة .

ترجمه :

۲۱۵ - ابی بصیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که آزار خود را از همسایه اش باز دارد خداوند در روز قیامت لغزش او را جبران خواهد کرد و کسی که شکم و دامن خود را پاک نگهدارد در بهشت فرشته ای شادمان خواهد شد و کسی که برده مومنی را آزاد سازد در بهشت خانه ای برایش ساخته می شود.

حدیث :

۲۱۶ - عن رسول الله صلی الله علیه و آله فی خطبه له : و من قدر علی امراه او جاریه حراما فترکها مخافه الله حرم الله علیه النار و آمنه من الفزع الاکبر و ادخله الجنه فان اصابها حراما حرم الله علیه الجنه و ادخله النار.

ترجمه :

۲۱۶ - از رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه ای از آن حضرت روایت است که فرمود: کسی که بر زنی یا کنیزی به حرام دست یابد و از خوف خدا از ارتکاب حرام باز ایستد خداوند آتش را بر او حرام می گرداند و او را از بی تابی بزرگ روز قیامت ایمن می کند و او را وارد بهشت می سازد ولی اگر به حرام افتاد خداوند نیز بهشت را بر او حرام و او را به دوزخ می افکند.

حدیث :

۲۱۷ - قال ابو عبدالله : انما شیعه جعفر من عف بطنه و فرجه و اشتد جهاده و عمل لخالقه و رجا ثوابه و خاف عقابه فاذا رایت اولئک فاولئک شیعه جعفر.

ترجمه :

۲۱۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا شیعه جعفری کسی است که شکم و دامن خود را پاک نگاه دارد و کوشش او زیاد باشد و برای (کسب رضای) آفریدگار خود عمل کند و امید به پاداش او و ترس از کیفر او داشته باشد پس هرگاه چنین کسانی را دیدی آنان شیعه جعفری اند.

حدیث :

۲۱۸ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : قدر الرجل علی قدر همته و صدقه علی قدر مروءته و شجاعته علی قدر انفته و عفته علی قدر غیرته .

ترجمه :

۲۱۸ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ارزش و مرتبه مرد به اندازه همت اوست و راستی او به اندازه جوانمردی اوست و دلیری او به اندازه عار و ننگی است که از زشتی دارد و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست .

۲۳ - باب وجوب اجتناب المحارم

۲۳ - باب وجوب خودداری از حرامها

حدیث :

۲۱۹ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : کل عین باکیه یوم القیامه غیر ثلاث : عین سهرت فی سبیل الله و عین فاضت من خشیه الله و عین غضت عن محارم الله .

ترجمه :

۲۱۹ - امام باقر علیه السلام فرمود: همه چشمها در روز قیامت گریان است مگر سه چشم : چشمی که در راه خدا بیدار بماند و چشمی که از ترس خدا اشک بریزد و چشمی که از دیدن حرامهای الهی فرو بسته شود.

حدیث :

۲۲۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اشد ما فرض الله علی خلقه ذکر الله کثیرا، ثم قال : لا اعنی سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر و ان کان منه و لکن ذکر الله عند ما احل و حرم فان کان طاعه عمل بها و ان کان معصیه ترکها.

ترجمه :

۲۲۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت ترین چیزهایی که خداوند بر بندگانش واجب ساخته این است که او را فراوان یاد کنند، سپس فرمود: مقصود من گفتن (سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر) نیست اگر چه اینها نیز ذکر و یاد خداست بلکه مراد از ذکر، یاد نمودن خداوند در نزد حلال و حرام الهی است ، پس اگر به طاعتی برخورد به آن عمل کند و اگر با معصیتی مواجه شد آن را ترک کند.

حدیث :

۲۲۱ - عن سلیمان بن خالد قال : سالت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (و قدما الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا) قال : اما و الله ان کانت اعمالهم اشد بیاضا من القباطی و لکن کانوا اذا عرض لهم الحرام لم یدعوه .

ترجمه :

۲۲۱ - سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای عزوجل که می فرماید: (و به سوی اعمالی که انجام داده اند پیشی گرفتیم و آن اعمال را همچون گردی پراکنده گردانیدیم) (۶۹) پرسیدم حضرت فرمود: آگاه باش، سوگند به خدا اگر اعمال آنها از کتان سفید هم سفیدتر باشد ولی در هنگامی که حرام به آنان عرضه می شده آن را وا نمی گذارده اند باز هم خداوند اعمال آنها را هیچ می کند.

حدیث :

۲۲۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من ترک معصیه الله مخافه الله تبارک و تعالی ارضاء یوم القیامه .

ترجمه :

۲۲۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که معصیت الهی را از خوف خدای تبارک و تعالی ترک کند خداوند او را در روز قیامت خوشنود می سازد.

حدیث :

۲۲۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی رسالته الی اصحابه قال : و ایاکم ان تشره انفسکم الی شیء حرم الله علیکم فان من انتهک ما حرم الله علیه هاهنا فی الدنیا حال الله بینہ و بین الجنه و نعیمه و لذتها و کرامتها القائمه الدائمه لاهل الجنه ابد الابدنی - الی ان قال : - و ایاکم و الاصرار علی شیء مما حرم الله فی القرآن ظهره و بطنه و قد قال : (و لم یصروا علی ما فعلوا و هم یعلمون).

ترجمه :

۲۲۳ - امام صادق علیه السلام در رساله ای به سوی اصحابش فرمود: و بر حذر باشید از اینکه نفس شما به سوی چیزی که خداوند بر شما حرام نموده مایل و حریص شود زیرا کسی که در این دنیا درباره حرام الهی پرده دری کند خداوند بین او و بهشت و نعمتها و لذتها و ارجمندی همیشگی که برای اهل بهشت است برای همیشه حائل و مانع می شود - تا آنجا که فرمود: - بر حذر باشید از اصرار نمودن بر ارتکاب چیزی که خداوند در قرآن حرام نموده . خداوند در قرآن فرموده : (و اصرار نورزند بر آنچه که انجام داده اند در حالی که می دانند) (۷۰)

حدیث :

۲۲۴ - عن علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : يقول الله تبارک و تعالی لابن آدم : ان نازعک بصرک الی بعض ما حرمت علیک فقد اعتکک علیہ بطبقین فاطبق و لاتنظر و ان نازعک لسانک الی بعض ما حرمت علیک فقد اعتکک علیہ بطبقین فاطبق و لاتتکلم و ان نازعک فرجک الی بعض ما حرمت علیک فقد اعتکک علیہ بطبقین فاطبق و لاتات حراما.

ترجمه :

۲۲۴ - علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند تبارک و تعالی به فرزند آدم می گوید: اگر چشم تو در مورد بعضی از چیزهایی که بر تو حرام کرده ام با تو به نزاع و کشمکش پردازد پس من تو را به وسیله دو سرپوش (که پلکهای توست) یاری می کنم پس فرو بند و نظر مکن و اگر زبان تو در مورد برخی از چیزهایی که بر تو حرام کرده ام با تو به ستیز پردازد من تو را به وسیله دو لب یاری می کنم پس فروبند و سخن مگو و اگر دامن تو درباره بعضی از چیزهایی که بر تو حرام کرده ام با تو به جنگ برخیزد من تو را به وسیله اطراف دامانت یاری می کنم پس بر هم نه و مرتکب حرام مشو.

حدیث :

۲۲۵ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی ثلاث لا تطیقها هذه الامه : المواساه للاخ فی ماله و انصاف الناس من نفسه و ذکر الله علی کل حال و لیس هو سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر و لکن اذا ورد علی ما یحرم علیه خاف الله عزوجل عنده و ترکه .

ترجمه :

۲۲۵ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصیتش به علی علیه السلام فرمود: ای علی! سه چیز است که این امت طاقت و توان آن را ندارد: یاری نمودن به برادر دینی از نظر مالی و به عدل و راستی با مردم رفتار نمودن و در هر حالی به یاد خدا بودن و یاد خدا این است که هرگاه بر حرامی وارد شد در برابر آن حرام از خدای عزوجل بترسد و آن را ترک کند.

حدیث :

۲۲۶ - عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لاتزال امتی بخیر ما تحابوا و تهادوا و ادوا الامانه و اجتنبوا الحرام و قروا الضیفو اقاموا الصلاه و اتوا الزکاه فاذا لم یفعلوا ذلک ابتلوا بالقحط و السنین .

ترجمه :

۲۲۶ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پیوسته امت من در خیر و خوبی اند تا زمانی که یکدیگر را دوست دارند و به یکدیگر هدیه می دهند و امانتداری می کنند و از ارتکاب حرام خودداری می کنند و از مهمان پذیرایی می کنند و نماز را به پای می دارند و زکات می پردازند پس هنگامی که چنین نکنند به خشکسالی و آفت دچار می شوند.

حدیث :

۲۲۷ - قال ابو عبدالله علیه السلام : ما ابتلی المومن بشی ء اشد علیه من خصال ثلاث یحرمها قیل : و ما هی ؟ قال : المواساه فی ذات یده و الانصاف من نفسه و ذکر الله کثیرا اما انی لا اقول لکم سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر و لکن ذکر الله عند ما احل له و عند ما حرم علیه .

ترجمه :

۲۲۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: مومن به چیزی که سخت تر بر او باشد از محروم ماندن وی از سه خصلت ، گرفتار نشده است ، گفته شد: آن سه خصلت کدامند؟ فرمود: یاری رساندن به دیگران با همه امکاناتی که در دست دارد و منصفانه رفتار کردن و بسیار یاد کردن خداوند نمی گویم (فقط) (سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر) گویند بلکه مراد من یاد کردن خدا در هنگام برخورد با حلال و حرام است .

حدیث :

۲۲۸ - عن حسین البزاز قال : قال لی ابو عبدالله علیه السلام : الا احدثک باشد ما فرض الله عزوجل علی خلقه ؟ قلت : بلی قال : انصاف الناس من نفسک و مواساتک لآخریک و ذکر الله فی کل موطن اما انی لا اقول سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر و ان کان هذا من ذاک و لکن ذکر الله فی کل موطن اذا هجمت علی طاعه او معصیه .

ترجمه :

۲۲۸ - حسین بزاز گویند: امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا درباره سخت ترین چیزی که خداوند عزوجل بر بندگانش واجب ساخته با تو سخن بگویم ؟ عرض کردم : آری . حضرت فرمود: منصفانه رفتار کردن با دیگران و یاری رساندن به برادرت و در هر جا یاد خدا کردن ، آگاه باش که نمی گویم (سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر) گفتن اگر چه اینها نیز ذکر و یاد خداست بلکه مراد من یاد کردن خدا در همه جا است . آنگاه که بر طاعت یا معصیتی روی می آوری .

حدیث :

۲۲۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اشد الاعمال ثلاثه : انصاف الناس من نفسک حتی لاترضی لهما منهم بشی ء الا رضیت لهما منها بمثلہ و مواساتک الاخ فی المال و ذکر الله علی کل حال لیس سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر فقط و لکن اذا ورد علیک شی ء امر الله به اخذت به و اذا ورد علیک شی ء نهی عنه ترکته .

ترجمه :

۲۲۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: سخت ترین اعمال سه تاست : یکی منصفانه رفتار کردن با مردم در مورد خود به گونه ای که برای خود به چیزی خوشنود نشوی جز اینکه برای مردم نیز به مثل همان چیز خوشنود گردی ، و دیگری یاری مالی نمودن به برادر دینی ات ، و یاد و ذکر خدا در هر حال نه تنها (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر) گفتن ، بلکه هنگامی که چیزی بر تو وارد شود که خداوند به آن امر نموده به آن عمل کنی و هنگامی که چیزی بر تو وارد شود که خداوند از آن نهی فرموده ، آن را ترک کنی .

حدیث :

۲۳۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من قال لا اله الا الله مخلصا دخل الجنة و اخلاصه ان یحجزه لا اله الا الله عما حرم الله .

ترجمه :

۲۳۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از روی اخلاص (لا اله الا الله) گوید به بهشت داخل شود و اخلاص او این است که گفتن (لا اله الا الله) او را از ارتکاب آنچه که خداوند بر او حرام نموده باز دارد.

حدیث :

۲۳۱ - عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیه السلام ان النبی صلی الله علیه و آله قال : من اطاع الله فقد ذکر الله و ان قلت صلاته و صیامه و تلاوته للقرآن و من عصی الله فقد نسی الله و ان کثرت صلاته و صیامه و تلاوته للقرآن .

ترجمه :

۲۳۱ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که فرمان خدای را برد و او را اطاعت کند خداوند را یاد نموده است اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش کم باشد و کسی که خدای را نافرمانی کند خداوند را فراموش نموده اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش زیاد باشد.

حدیث :

۲۳۲ - عن النبی صلی الله علیه و آله قال : من قال لا اله الا الله مخلصا دخل الجنة و اخلاصه ان یحجزه لا اله الا الله عما حرم الله .

ترجمه :

۲۳۲ - روایت شماره ۲۳۰ از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز روایت شده است .

حدیث :

۲۳۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اشد ما عمل العباد انصاف المرء من نفسه و مواساه المرء اخاه و ذکر الله علی کل حال قال : قلت : اصلحک الله و ما وجه ذکر الله علی کل حال ؟ قال : یذکر الله عند المعصیه یهم بها فیحول ذکر الله بینه و بین تلك المعصیه و هو قول الله : (ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون) .

ترجمه :

۲۳۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت ترین اعمال بندگان یکی منصفانه رفتار کردن مرد درباره خود و دیگری یاری کردن مرد به برادر دینی اش و دیگری یاد نمودن خداوند در همه حالات ، راوی گوید: عرض کردم : یاد نمودن خداوند در همه حالات چگونه است ؟ فرمود: هرگاه آهنگ ارتکاب معصیتی را نمود خدای را یاد کند پس یاد خدا بین او و بین آن معصیت حائل می شود و این همان گفتار خداوند است که می فرماید: (همانا آنانکه پرهیزکارند هرگاه رهگذری از شیطان آهنگ آنان کند یاد آور شوند پس ناگاه بینا گردند) (۷۱)

حدیث :

۲۳۴ - قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : من اقام فرائض الله و اجتنب محارم الله و احسن الولاية لاهل بیت نبی الله و تبرأ من اعداء الله فلیدخل من ای ابواب الجنة الثمانیه شاء .

ترجمه :

۲۳۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که واجبات الهی را به پای دارد و از حرامهای خداوند دوری کند و اعتقادی نیکو به ولایت اهل بیت پیامبر خدا داشته باشد و از دشمنان خدا دوری و بیزاری جوید پس ، از هر دری از درهای هشتگانه بهشت که می خواهد داخل شود.

حدیث :

۲۳۵ - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : من عمل بما افترض الله علیه فهو من خیر الناس و من اجتنب ما حرم الله علیه فهو من اعبد الناس و من قنع بما قسم الله له فهو من اغنی الناس .

ترجمه :

۲۳۵ - امام زین العابدین علیه السلام فرمود: هر کس به آنچه که خداوند بر او واجب ساخته است عمل کند از بهترین مردمان است و کسی که از آنچه که خداوند بر او حرام نموده دوری کند از عابدترین مردم است و کسی که به آنچه خداوند قسمت او کرده قانع باشد از بی نیازترین مردمان است .

حدیث :

۲۳۶ - عن زید الشحام قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : احذروا سطورات الله باللیل و النهار فقلت : و ما سطوات الله ؟ قال : اخذه علی المعاصی .

ترجمه :

۲۳۶ - زید شحام گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از حمله ها و سختگیری های خداوند در شب و روز بپرهیزید، عرض کردم : سختگیریهای خداوند چیست ؟ فرمود: اینکه او بنده اش را بر معصیتهايش بگیرد.

۲۴ - باب وجوب اداء الفرائض

۲۴ - باب وجوب ادای واجبات

حدیث :

۲۳۷ - قال علی بن الحسین علیه السلام : من عمل بما افترض الله علیه فهو من خیر الناس .

ترجمه :

۲۳۷ - امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که به آنچه خداوند بر او واجب ساخته عمل کند از بهترین مردمان است .

حدیث :

۲۳۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل اصبروا و صابروا و رابطوا قال : اصبروا علی الفرائض و صابروا علی

المصائب و رابطوا علی الائمة علیه السلام .

ترجمه :

۲۳۸ - امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل : (شکیبایی کنید و یکدیگر را به شکیبایی سفارش کنید و به یکدیگر بییونید) (۷۲). فرمود: شکیبا باشید بر انجام واجبات و یکدیگر را در معصیتها به صبر سفارش کنید و بر محور امامان علیه السلام به یکدیگر، بییونید.

حدیث :

۲۳۹ - قال الكلینی و فی روایه ابن محبوب عن ابی السفّاح : و اتقوا الله ربکم فیما افترض علیکم .

ترجمه :

۲۳۹ - مرحوم کلینی (ره) گوید: روایت قبل از طریق ابن محبوب نیز روایت است و در آن اضافه دارد: و از پروردگارتان در مورد آنچه که بر شما واجب ساخته پروا داشته باشید.

حدیث :

۲۴۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال الله تبارک و تعالی : ما تحب الی عبدی باحب مما افترضت علیه .

ترجمه :

۲۴۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی فرمود: بنده من با من به دوست داشتنی تر از (انجام) آنچه که بر او واجب کرده ام دوستی نکرده است .

حدیث :

۲۴۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (اصبروا و صابروا و رابطوا) قال : اصبروا علی الفرائض .

ترجمه :

۲۴۱ - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل : (شکیبا باشید و یکدیگر را به شکیبایی سفارش کنید و به یکدیگر بییونید) (۷۳). فرمود: شکیبا باشید بر (انجام) واجبات .

حدیث :

۲۴۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اعمل بفرائض الله تکن اتقی الناس .

ترجمه :

۲۴۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به واجبات الهی عمل کن تا پرهیزگارترین مردمان باشی .

حدیث :

۲۴۳ - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : من عمل بما افترض الله علیه فهو من اعبد الناس .

ترجمه :

۲۴۳ - امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که به آنچه که خداوند بر او واجب ساخته عمل کند از عابدترین مردمان است .

حدیث :

۲۴۴ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ان الله فرض علیکم فرائض فلا تضیعوها و حد لکم حدودا فلا تعتدوها و

نهاکم عن اشیاء فلا تنتهکوها و سکت لکم عن اشیاء و لم یدعها نسیانا فلا تتکلفوها.

ترجمه :

۲۴۴ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند واجباتی را بر شما واجب ساخته پس آنها را مهمل مگذارید و حدودی را برای

شما معین فرموده پس از آن چیزها پرده دری مکنید و از چیزهایی سکوت نموده و این سکوت از روی فراموشی نیست پس

خود را در آن مورد به زحمت نیفکنید.

حدیث :

۲۴۵ - عن الصادق عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اعمل بفرائض الله تکن من اتقی الناس

و ارض بقسم الله تکن من اغنی الناس و کف عن محارم الله تکن من اورع الناس و احسن مجاوره من یجاورک تکن مومنا

و احسن مصاحبه من صاحبک تکن مسلما.

ترجمه :

۲۴۵ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به واجبات الهی

عمل کن تا از پرهیزگارترین مردمان باشی ، و به قسمت الهی راضی باش تا از بی نیازترین مردمان باشی ، و از ارتکاب

حرامهای الهی باز ایست تا از پارساترین مردمان باشی ، و از ارتکاب حرامهای الهی باز ایست تا از پارساترین مردمان باشی ،

و با کسی که در همسایگی توست خوب همسایگی کن تا مومن باشی ، و با همدم خود خوب همدمی کن تا مسلمان باشی .

۲۵ - باب استحباب الصبر فی جمیع الامور

۲۵ - باب استحباب صبر در تمامی کارها

حدیث :

۲۴۶ - قال ابو عبدالله عليه السلام : يا حفص ان من صبر قليلا و ان من جزع جزع قليلا - ثم قال : - عليك بالصبر في جميع امورك فان الله عزوجل بعث محمدا صلى الله عليه و آله فامرته بالصبر و الرفق فقال : (و اصبر على ما يقولون و اهجرهم هجرا جميلا و ذرنى و المكذبين اولى النعمه) و قال : (ادفع بالتى هى احسن فاذا الذى بينك و بينه عداوه كانه ولى حميم و ما يلقاها الا الذين صبروا و ما يلقاها الا ذو حظ عظيم) فصبر حتى نالوه بالعظائم و رموه بها فضاق صدره فانزل الله عليه (و لقد نعلم انك يضيق صدرك بما يقولون فسبح بحمد ربك و كن من الساجدين) ثم كذبوه و رموه فحزن لذلك فانزل الله (قد نعلم انه ليحزنك الذى يقولون فانهم لا يكذبونك و لكن الظالمين بايات الله يجحدون و لقد كذبت رسل من قبلك فصبروا على ما كذبوا و اوذوا حتى اناهم نصرنا) فالزم النبى صلى الله عليه و آله نفسه الصبر فتعدوا فذكروا الله تبارك و تعالى و كذبوه فقال : قد صبرت فى نفسى و اهلى و عرضى و لاصبر لى على ذكر الهى فانزل الله عزوجل (فاصبر على ما يقولون) فصبر فى جميع احواله ثم بشر فى عترته بالائمه عليه السلام و وصفوا بالصبر فقال جل ثناوه : (و جعلنا منهم ائمه يهدون بامرنا لما صبروا و كانوا باياتنا يوقنون) فعند ذلك قال النبى صلى الله عليه و آله الصبر من الايمان كالراس من الجسد. فشكر الله ذلك له فانزل الله (و تمت كلمه ربك الحسنى على بنى اسرائيل بما صبروا و دمرنا ما كان يصنع فرعون و قومه و ما كانوا يعرشون) فقال : انه بشرى و انتقام فاباح الله له قتال المشركين فانزل الله (فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم و خذوهم و احصروهم و اعدوا لهم كل مرصد) (و اقتلوهم حيث ثقفتموهم) فقتلهم الله على يدى رسول الله صلى الله عليه و آله و احبائه و جعل له ثواب صبره مع ما ادخر له فى الاخره فمن صبر و احتسب لم يخرج من الدنيا حتى يقر الله له عينه فى اعدائه مع يدخر له فى الاخره .

ترجمه :

۲۴۶ - امام صادق عليه السلام فرمود: اى حفص ! به راستى كسى كه صبر پيشه كند (در مقايسه با صبرى كه بايد بر آتش داشته باشد) صبر كمى نموده و كسى كه بى تابى كند (در مقايسه با جزع و بى تابى روز قيامت) بى تابى كمى نموده است - سپس فرمود: - بر تو باد كه در تمامى كارهايت صبر را پيشه خود سازى زيرا خداوند عزوجل محمد صلى الله عليه و آله را بر انگيخت و او را به صبر و مدارا نمودن امر نمود و فرمود: (بر آنچه كه مى گويند صبر كن و از آنان دورى گزين دورى گزيدنى نيكو و مرا با تكذيب كنندگان دارنده نعمت و اگذار) (۷۴) - و فرمود: (دو ركن به طريقيه اى كه نيكوتر است پس ناگاه آنكه بين تو و او دشمنى وجود دارد گوئيا دوستى نزديك است و اين داده نشود مگر به آنانى كه صبر نمودند و داده نشود مگر به كسى كه داراى بهره بزرگى است) (۷۵) پس پيامبر صلى الله عليه و آله صبر نمود تا آنجا كه او را به بلاهاى سخت

رساندند و او را در بلاها افکندند پس سینه اش از غم و اندوه تنگ شد و خداوند این آیه را بر او نازل کرد: (و محققا که ما می دانیم سینه ات به سبب آنچه می گویند تنگ می گردد پس تسبیح گوی همراه با ستایش پروردگارت و از سجده کننده گان باش) (۷۶) سپس او را تکذیب کردند و دشنام دادند پس او غمگین شد و خداوند این آیه را فرستاد (به تحقیق می دانیم آنچه می گویند غمگینت می کند زیرا آنان تو را تکذیب نمی کنند بلکه این ستمگران آیات خدا را انکار می کنند و محققا که رسولان پیش از تو نیز تکذیب شدند پس بر آنچه که تکذیب شدند صبر کردند و آزار کشیدند تا اینکه یاری ما فرا رسید)

(۷۷) پس پیامبر صلی الله علیه و آله خود را به صبر واداشت ولی کافران از حد خود تجاوز نمودند و خداوند تبارک و تعالی را تکذیب نمودند در اینجا پیامبر فرمود: من درباره خود و خانواده و آبرویم صبر کردم اما بر اینکه خدایم را (به بدی) یاد کنند صبر ندارم پس خداوند عزوجل این آیه را نازل فرمود: (بر آنچه که می گویند صبر کن) (۷۸) پس پیامبر در همه حالاتش صبر پیشه نمود سپس از جانب خداوند فرمود: (و قرار دادیم از آنان پیشوایانی که به فرمان ما راهنمایی می کنند زیرا آنان صبر کردند و به آیات ما یقین داشتند) (۷۹) در آن هنگام بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: صبر نسبت به ایمان مانند سر نسبت به بدن است . خداوند نیز پیامبرش را ثنای نیکو گفت و این آیه را نازل فرمود: (و سخن نیکوی پروردگارت بر بنی اسرائیل تمام شد زیرا آنان صبر کردند و آنچه را که فرعون و قومش می ساختند و بر می افراشتند واژگونه ساختیم) (۸۰)

پس پیامبر فرمود: این هم بشارت است و هم انتقام . خداوند نیز جنگ با مشرکان را بر او مباح ساخت و این آیه را نازل فرمود: (پس بکشید مشرکان را هر کجا که آنان را یافتید و دستگیرشان کنید و بر آنان تنگ گیرید و در هر کمینگاهی برای آنان بنشینید) (۸۱) (و آنان را هر جا که بیابید بکشید) (۸۲) پس خداوند آنان را به دست رسول الله و دوستانش به قتل رساند و این پیروزی را ثواب صبر او قرار داد بعلاوه ثوابی که برای او در آخرت ذخیره کرده است . پس کسی که صبر کند و امید ثواب داشته باشد از این دنیا بیرون نمی رود مگر اینکه خداوند چشمانش را (به نابودی دشمنانش) روشن می کند (او را درباره دشمنانش دلشاد می کند) بعلاوه اینکه برای او در آخرت ثوابی ذخیره می سازد.

حدیث :

۲۴۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : سیاتی علی الناس زمان لاینال فیه الملک الا

بالقتل - الی ان قال : - فمن ادرك ذلك الزمان فصبر علی الفقر و هو یقدر علی الغنی و صبر علی البغضه و هو یقدر علی

المحبه و صبر علی الذل و هو یقدر علی العز آتاه الله ثواب خمسين صدیقا ممن صدق بی .

ترجمه :

۲۴۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به زودی زمانی بر مردمان خواهد آمد که در آن زمان کسی به پادشاهی نمی رسد مگر با کشتن - تا آنجا که فرمود: - پس کسی که آن زمان را دریابد باید بر تنگدستی صبر کند با اینکه توانایی ثروتمند شدن را دارد و باید بر دشمنی صبر کند با اینکه توانایی محبت را دارد و بر خواری صبر کند با اینکه می تواند عزیز باشد، در این صورت خداوند به او پاداش پنجاه صدیقی که مرا تصدیق نموده اند را عطا می کند.

حدیث :

۲۴۸ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : الق عنک واردات الهموم بعزائم الصبر عود نفسک الصبر فنعم الخلق الصبر و احملها علی ما اصابک من احوال الدنیا و همومها.

ترجمه :

۲۴۸ - امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به محمد به حنفیه فرمود: با اراده های آهین صبر غمهایی را که بر تو وارد می شوند دور بیفکن ، نفس خود را به شکیبایی عادت ده که شکیبایی اخلاقی نیکوست و آن را در ترسها و اندوه های دنیا که به تو رسیده است به مشقت بیفکن .

حدیث :

۲۴۹ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان استطعت ان تعمل بالصبر مع اليقين فافعل فان لم تستطع فاصبر فان فی الصبر علی ما تکره خیرا کثیرا و اعلم ان النصر مع الصبر و ان الفرج مع الكرب (فان مع العسر يسرا ان مع العسر يسرا)

ترجمه :

۲۴۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر بتوانی که صبری همراه با یقین و باور (۸۳) داشته باشی چنین کن و اگر توان آن را نداری (باز هم) صبر کن زیرا در صبر کردن بر اموری که ناخوشایندتوست خیر بسیاری وجود دارد، و بدان که نصرت و پیروزی همراه با صبر است و گشایش همراه با مشقت و سختی است (همانا با سختی آسانی و گشایشی هست همانا با سختی گشایشی است). (۸۴)

حدیث :

۲۵۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعت ابا جعفر علیه السلام یقول : انی لاصبر من غلامی هذا و من اهلی علی ما هو امر من الحنظل انه من صبر نال بصبره درجه الصائم القائم و درجه الشهید الذی قد ضرب بسیفه قدام محمد صلی الله علیه و آله .

ترجمه :

۲۵۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: از پدرم امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: من از (کارهای) این غلامم و (کارهای) خانواده خود بر اموری صبر می کنم که از حنظل (هندوانه ابوجهل) برای من تلخ تر است (ولی با این وجود در برابر کارها و سخنان آن صبر می کنم) زیرا کسی که صبر پیشه کند به خاطر صبرش به درجه روزه داری که به عبادت ایستاده و درجه شهیدی که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر زده نائل می شود.

حدیث :

۲۵۱ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : لا یعدم الصبور الظفر و ان طال به الزمان .

ترجمه :

۲۵۱ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شخص صبور پیروزی را از دست نمی دهد و عاقبت به پیروزی می رسد اگر چه زمانی طولانی بر او بگذرد.

حدیث :

۲۵۲ - و قال علیه السلام : من لم ینجه الصبر اهلکه الجزع .

ترجمه :

۲۵۲ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که صبر وی را نجات نبخشد جزع و بی تابی او را از پای در می آورد.

حدیث :

۲۵۳ - و قال علیه السلام : الصبر یناضل الحدثان و الجزع من اعوان الزمان .

ترجمه :

۲۵۳ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: صبر به سوی سختی های زمانه تیر می افکند و بی تابی از یاری کنندگان زمانه است .

حدیث :

۲۵۴ - عن الصادق علیه السلام : انه جاءت الیه امراه فقالت : ان ابنی سافر عنی و قد طالت غیبه غنی و اشدت شوقی الیه فادع الله لی فقال لها: علیک بالصبر فاستعملته ثم جاءت بعد ذلك فشکت الیه طول غیبه ابنها فقال لها: الم اقل لك علیک بالصبر؟ فقالت : یا ابن رسول الله کم الصبر؟ فوالله لقد فنی الصبر فقال : ارجعی الی منزلک تجدی ولدک قد قدم من سفره

فنهضت فوجدته قد قدم فانت به اليه فقالت : اوحى بعد رسول الله صلى الله عليه و آله ؟ قال : لا و لكن عند فناء الصبر ياتي الفرج فلما قلت : فنى الصبر عرفت ان الله قد فرج عنك بقدم ولدك .
ترجمه :

۲۵۴ - روایت است که زنی به خدمت امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: پسر من از نزد من به سفر رفته و غیبتش طولانی شده و شوق بسیاری به دیدنش یافته ام ، در درگاه خداوند برایم دعا کن . حضرت فرمود: بر تو باد صبر پس صبر را در زندگی ات به کار گیر. پس از چندی باز آن زن آمد و نزد آن حضرت از طولانی شدن غیبت پسرش شکایت کرد، حضرت فرمود: آیا نگفتم که صبر را پیشه کنی ؟ زن عرض کرد: ای فرزند رسول خدا چقدر صبر؟ به خدا سوگند که صبر به سر آمد حضرت فرمود: به منزلت برگردد. می بینی که فرزندان از سفر بازگشته ، زن برخاست و رفت و دید که فرزندش بازگشته پس همراه با او نزد حضرت آمدند و عرض کرد: آیا بعد از رسول خدا صلى الله عليه و آله وحی می آید؟ حضرت فرمود: خیر ولی هنگام به سر آمدن صبر گشایش می رسد چون تو گفتی که : صبرم تمام شد دانستم که خداوند با آمدن فرزندان گشایشی برایت حاصل نموده .

۲۶ - باب استحباب الحلم

۲۶ - باب استحباب بردباری

حدیث :

۲۵۵ - عن محمد بن عبدالله (عبيدالله) قال سمعت الرضا عليه السلام يقول : لا يكون الرجل عابدا حتى يكون حلما و ان الرجل كان اذا تعبد في بني اسرائيل لم يعد عابدا حتى يصمت قبل ذلك عشر سنين .
ترجمه :

۲۵۵ - محمد بن عبدالله یا عبیدالله گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: مرد عابد شمرده نمی شود مگر اینکه بردبار باشد و در بنی اسرائیل رسم چنین بود که هرگاه مردی مدتی به عبادت می پرداخت عابد شمرده نمی شد مگر اینکه پیش از آن ده سال را در سکوت به سر برده باشد.

حدیث :

۲۵۶ - عن ابي جعفر عليه السلام قال : كان على بن الحسين عليه السلام يقول : انه ليعجبني الرجل ان يدرکه حلمه عند غضبه .

ترجمه :

۲۵۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم علی بن حسین علیه السلام می فرمود: همانا مردی که بردباری اش در هنگام خشمش او را دریابد مرا شگفت زده می کند.

حدیث :

۲۵۷ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان الله يحب الحيى الحليم العفيف المتعفف .

ترجمه :

۲۵۷ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: خداوند دوست می دارد کسی را که با حیا، بردبار، پاکدامن و باز ایستنده از حرام باشد.

حدیث :

۲۵۸ - عن حفص بن ابی عایشه قال : بعث ابو عبدالله عليه السلام غلاما له فى حاجه فابطا فخرج على اثره لما ابطاه فوجده

نائما فجلس عند راسه يروحه حتى انتبه فقال له ابو عبدالله عليه السلام يا فلان و الله ما ذلك لك تنام الليل و النهار لك الليل و لنا منك النهار.

ترجمه :

۲۵۸ - حفص بن ابی عایشه گوید: امام صادق علیه السلام یکی از خدمتکاران را در پی حاجتی فرستاد، خدمتکار کندی

نموده و دیر کرد پس حضرت به دنبال او روانه شد پس او را یافت در حالی که به خواب رفته بود حضرت بالای سر او نشست و شروع به باد زدن او نمود تا اینکه خدمتکار بیدار شد، حضرت فرمود: ای فلانی! به خدا که درست نیست که هم شب و هم روز بخوابی بلکه شب برای خودت ولی روز را برای ما باش .

حدیث :

۲۵۹ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله يحب الحيى الحليم .

ترجمه :

۲۵۹ - امام باقر علیه السلام فرمود: همانا خداوند انسان با حیا و بردبار را دوست می دارد.

حدیث :

۲۶۰ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ما اعز الله بجهل قط و لا اذل بحلم قط.

ترجمه :

۲۶۰ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هرگز خداوند کسی را به خاطر نادانی اش عزیز نگردانده و کسی را به خاطر

بردباری اش ذلیل و خوار نکرده است .

حدیث :

۲۶۱ - قال ابو عبدالله عليه السلام : كفى بالحلم ناصرا و قال : اذا لم تكن حلما فتحلم .

ترجمه :

۲۶۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: بردباری به عنوان یاری کننده کافی است . و فرمود: اگر بردبار نیستی خود را به

بردباری وادار.

حدیث :

۲۶۲ - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : اذا وقع بین رجلین منازعه نزل ملكان فيقولان للسفيه منهما: قلت و قلت و انت

اهل لما قلت و ستجزي بما قلت و يقولان للحلم منهما: صبرت و حلمت سيغفر لك ان اتممت ذلك و ان رد الحليم عليه

ارتفع الملكان .

ترجمه :

۲۶۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه بین دو نفر نزاع و کشمکش صورت می گیرد دو فرشته فرود می آیند پس آن

دو فرشته به نفری که نادان است می گویند: (تو به برادر دینی ات) گفתי و گفתי در حالی که تو خود سزاوار حرفهایی که

گفته ای هستی و به زودی به سبب آنچه که گفته ای جزا می بینی و به نفری که بردبار است گویند: صبر و بردباری نمودی

به زودی اگر تا پایان نزاع چنین باشی مشمول غفران الهی قرار خواهی گرفت و اگر شخص بردبار پاسخ نادان را بدهد (و با

او مقابله به مثل کند) آن دو فرشته (باز می گردند و) بالا می روند.

حدیث :

۲۶۳ - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام في وصيه النبي صلى الله عليه و آله لعلی عليه السلام قال : يا

علی الا اخبركم باشبهكم بی خلقا؟ قالوا بلی یا رسول الله : قال : احسنکم خلقا و اعظمکم حلما و ابرکم بقرابته و اشدکم من

نفسه انصافا.

ترجمه :

۲۶۳ - امام صادق علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! آیا شما را نسبت به کسی که از نظر اخلاق از همه شما به من شبیه تر است آگاه سازم ؟ گفتند: آری ای رسول خدا! فرمود: آنکه خلقش از همه نیکوتر و بردباری اش از همه بیشتر و نسبت به خویشاوندانش از همه نیکوکارتر و انصافش درباره خود از همه سخت تر باشد.

حدیث :

۲۶۴ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : كلمتان غريبتان فاحتملوهما كلمة حكمه من سفیه فاقبلوها و كلمة سفة من حکیم فاغفروها.

ترجمه :

۲۶۴ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو سخن ، نادر و شگفت انگیز است آن دو را برداشته و تحمل کنید یکی سخن حکمت آموزی که نادانی صادر شود به این سخن روی آورید و دیگری سخن نابخردانه ای که از حکیمی صادر شود از این سخن چشم پوشی کنید.

حدیث :

۲۶۵ - عن جعفر بن محمد عن ابیه عن جده علیه السلام عن علی علیه السلام قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ما جمع شیء الی شیء افضل من حلم الی علم .

ترجمه :

۲۶۵ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از جدش از علی علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ چیزی با چیز دیگر جمع نشده که جمعشان از جمع بردباری و دانش برتر باشد.

حدیث :

۲۶۶ - عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام عن علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : و الذی نفسی بیده ما جمع شیء الی شیء افضل من حلم الی علم .

ترجمه :

۲۶۶ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از علی علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست هیچ چیزی که با چیز دیگر جمع نشده که جمعشان برتر از جمع بردباری و علم باشد.

حدیث :

۲۶۷ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : اول عوض الحلیم من حلمه ان الناس انصاره علی الجاهل .
ترجمه :

۲۶۷ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اولین عوضی که شخص بردبار از بردباری اش می برد این است که مردم بر علیه نادان یاری کننده او می شوند.
حدیث :

۲۶۸ - و قال علیه السلام : ان لم تکن حلیمًا فتحلم فانه قل من تشبه بقوم الا و اوشک ان یکون منهم .
ترجمه :

۲۶۸ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار زیرا کم اتفاق می افتد که کسی خود را شبیه گروهی سازد جز اینکه نزدیک است که جزء آنان شود.

۲۷ - باب استحباب الرفق فی الامور

۲۷ - باب استحباب مدارا نمودن در کارها

حدیث :

۲۶۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الرفق یمن و الخرق شوم .
ترجمه :

۲۶۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مدارا نمودن مایه برکت و درشتی کردن مایه شومی است .

حدیث :

۲۷۰ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله رفیق یحب الرفق و یعطى علی الرفق ما لایعطى علی العنف .
ترجمه :

۲۷۰ - امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند نرم رفتار است و نرمی را دوست دارد و بر مدارا و نرمی پاداشی عطا می کند که بر سخت گیری و درشتی چنین پاداشی نمی دهد.

حدیث :

۲۷۱ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان لكل شیء قفلا و قفل الايمان الرفق .

ترجمه :

۲۷۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: هر چیزی قفلی دارد و قفل ایمان مدارا کردن و نرمی است (یعنی همچنانکه قفل باعث محفوظ ماندن است مدارا هم مایه حفظ ایمان است).

حدیث :

۲۷۲ - قال ابو جعفر علیه السلام : من قسم له الرفق قسم له الايمان .

ترجمه :

۲۷۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که برایش مدارا تقسیم شده ایمان برای وی تقسیم گردیده .

حدیث :

۲۷۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ایما اهل بیت اعطوا حظهم من الرفق فقد وسع الله علیهم فی الرزق و الرفق فی تقدیر المعیشه خیر من السعه فی المال و الرفق لا یعجز عنه شیء و التبذیر لا یبقی معه شیء ان الله عزوجل رفیق یحب الرفق .

ترجمه :

۲۷۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: هر اهل خانه ای که بهره ای از نرمی و مدارا نصیبشان گشته خداوند روزی آنان را وسعت دهد و مدارا در تدبیر زندگانی بهتر از وسعت در مال است و هیچ چیز از مدارا عاجز و وامانده نمی شود و با اسراف چیزی باقی نمی ماند و خداوند عزوجل مدارا کننده است و مدارا را دوست می دارد.

حدیث :

۲۷۴ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لو كان الرفق خلقا یری ما كان مما خلق الله

شیء احسن منه .

ترجمه :

۲۷۴ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مدارا مخلوقی بود که دیده می شد هیچ مخلوقی از مخلوقات خدا از او نیکوتر نبود.

حدیث :

۲۷۵ - عن ابی الحسن علیه السلام قال : الرفق نصف العیش .

ترجمه :

۲۷۵ - امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: مدارا (به منزله) نیمی از خوشگذرانی است .

حدیث :

۲۷۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله رفیق یحب الرفق .

ترجمه :

۲۷۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست می دارد.

حدیث :

۲۷۷ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان لم یوضع علی شیء الا زانه و لانه من شیء الا شانه .

ترجمه :

۲۷۷ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا مدارا بر چیزی نهاده نشد جز اینکه به آن زینت بخشید و از چیزی جدا نشد جز اینکه آن را زشت نمود.

حدیث :

۲۷۸ - عن النبی صلی الله علیه و آله قال : ان فی الرفق الزیاده و البرکه و من یحرم الرفق یحرم الخیر.

ترجمه :

۲۷۸ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: همانا در مدارا کردن زیادت و برکت وجود دارد و کسی که از مدارا محروم است از خیر و خوبی محروم است .

حدیث :

۲۷۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما زوی الرفق عن اهل بیت الازوی عنهم الخیر.

ترجمه :

۲۷۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: سازگاری و مدارا از اهل هیچ خانه ای باز داشته نشده جز اینکه آنان از خیر و خوبی محروم و بی بهره گشته اند.

حدیث :

۲۸۰ - عن ابی الحسن علیه السلام قال : قال لی - و جری بینی و بین رجل من القوم کلام - فقال لی : ارفق بهم فان کفر احدهم فی غضبه و لآخر فیمن کان کفره فی غضبه .

ترجمه :

۲۸۰ - راوی گوید: بین من و مردی از قوم سخنی در گرفت امام رضا علیه السلام به من فرمود: با آنان مدارا کن زیرا از آنان کسی هست که در حال خشم کارش به کفر می انجامد و کسی که در حال خشم کافر شود خیری در او نیست .

حدیث :

۲۸۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله رفیق یحب الرفق و یعین علیه .

ترجمه :

۲۸۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست می دارد و (آدمی را) بر مدارا یاری می کند.

حدیث :

۲۸۲ - و قال صلی الله علیه و آله : ما اصطحب اثنان الا کان اعظمهما اجرا و احبهما الی الله ارفقهما بصاحبه .

ترجمه :

۲۸۲ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو نفر با یکدیگر مصاحبت نکرده اند جز اینکه آن کس که با دیگری مدارا کننده تر است در نزد خداوند پاداشش بزرگتر و محبوبتر است .

حدیث :

۲۸۳ - عن احدهما علیه السلام قال : ان الله رفیق یحب الرفق .

ترجمه :

۲۸۳ - امام باقر یا امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست دارد.

حدیث :

۲۸۴ - عن الفضیل بن عثمان قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : من كان رفیقا فی امره نال ما یرید من الناس .

ترجمه :

۲۸۴ - فضیل بن عثمان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که در کارش اهل مدارا باشد به آنچه از مردم می خواهد نائل می شود.

۲۸ - باب استحباب التواضع

۲۸ - باب استحباب فروتنی نمودن

حدیث :

۲۸۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان فی السماء ملکین موکلین بالعباد فمن تواضع لله رفعا و من تکبر و ضعا .

ترجمه :

۲۸۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا در آسمان دو فرشته اند که بر بندگان گمارده شده اند پس هر که برای خدا فروتنی کند بالایش می برند و هر که تکبر ورزد فرودش آورند.

حدیث :

۲۸۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : فیما اوحی الله عزوجل الی داود علیه السلام یا داود: کما ان اقرب الناس من الله المتواضعون کذلک ابعد الناس من الله المتکبرون .

ترجمه :

۲۸۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: در ضمن آنچه که خداوند عزوجل به حضرت داود علیه السلام وحی نمود آمده است : ای داود! همچنانکه نزدیکترین مردمان به خدا فروتنان هستند دورترین مردم از خدا متکبرانند.

حدیث :

۲۸۷ - عن ابی الحسن موسی علیه السلام فی حدیث قال : فاوحی الله الی الجبال انی واضع سفینه نوح عبدی علی جبل منکن فتناولت و شمخت و تواضع الجودی و هو جبل عندکم فضربت السفینه بجوجوها الجبل .

ترجمه :

۲۸۷ - امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی فرمود: خداوند به کوهها وحی فرستاد که من کشتی بنده خود نوح را بر کوهی از کوهها خواهم نهاد پس کوهها گردنکشی و تکبر نمودند و تنها کوه جودی که کوهی در نزد شماسست فروتنی نمود پس آن کشتی نیز سینه خود را بر همان کوه نهاد.

حدیث :

۲۸۸ - عن محمد بن مسلم قال : سمعت ابا جعفر علیه السلام یذکر انه اتی رسول الله صلی الله علیه و آله ملک فقال : ان الله یخیرک ان تكون عبدا رسولا متواضعا او ملکا رسولا قال : فنظر الی جبرئیل و اوما بیده ان تواضع . فقال : عبدا متواضعا رسولا فقال الرسول : مع انه لا ینقصک مما عند ربک شیئا قال : و معه مفاتیح خزائن الارض .

ترجمه :

۲۸۸ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: فرشته ای به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: خداوند تو را مخیر ساخته که بنده ای و رسولی متواضع باشی یا فرشته ای رسول باشی . پس حضرت نگاهی به جبرئیل افکند (که چه جوابی به این فرشته دهم؟) جبرئیل علیه السلام با دست خویش اشاره کرد که تواضع و فروتنی را اختیار کن ، پس پیامبر فرمود: می خواهم بنده ای متواضع و رسول خدا باشم . آن فرشته پیام آور گفت : با این همه هیچ چیز از آنچه در نزد پروردگارت (برای تو) وجود دارد کاسته نمی شود حضرت فرمود: (آری می دانم که) کلیدهای تمامی خزائن زمین در اختیار پروردگارم می باشد.

حدیث :

۲۸۹ - عن ابی الحسن علیه السلام قال : التواضع ان تعطی الناس ما تحب ان تعطاه .

ترجمه :

۲۸۹ - امام رضا علیه السلام فرمود: تواضع آن است که آنچه را که دوست می داری مردم به تو عطا کنند تو به مردم عطا کنی .

حدیث :

۲۹۰ - و فی حدیث آخر قال علیه السلام : التواضع درجات منها ان یعرف المرء قدر نفسه فینزلها منزلتها بقلب سلیم لایحب ان یاتی الی احد الا مثل ما یوتی الیه ان رای سیئه دراهها بالحسنه کاظم الغیظ عاف عن الناس و الله یحب المحسنین .

ترجمه :

۲۹۰ - و در حدیث دیگری فرمود: تواضع درجات و مراتبی دارد یکی از آن مراتب این است که شخص قدر خود را بشناسد و با دلی سالم نفس خود را در منزلت و مقام واقعی اش جاری دهد (چنین کسی دوست نمی دارد که برای کسی چیزی پیش آید مگر همانند چیزی که برای خودش پیش می آید، اگر بدی ای ببیند آن را با خوبی دفع می کند، فرو خورنده خشم است، چشم پوشی کننده از (بدی) مردمان است و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

حدیث :

۲۹۱ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی و الله لو ان الوضیع فی قعر بئر لبعث الله عزوجل الیه ریحاً ترفعه فوق الاخیار فی دوله الاشرار.

ترجمه :

۲۹۱ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! به خدا سوگند که اگر شخص فروتن در ته چاهی باشد خداوند عزوجل بادی را به سوی او می فرستد تا او را بالا بیاورد و در دولت نابکاران او را در منزلتی بالاتر از نیکان جای دهد.

حدیث :

۲۹۲ - عن الحسن بن الجهم قال سالت الرضا علیه السلام فقلت له : جعلت فداک ما حد التوکل ؟ فقال لی : ان لاتخاف مع الله احدا قال : قلت : جعلت فداک فما حد التواضع ؟ فقال : ان تعطی الناس من نفسک ما تحب ان یعطوک مثله قلت : جعلت فداک اشتهی ان اعلم کیف انا عندک ؟ فقال : انظر کیف انا عندک ؟

ترجمه :

۲۹۲ - حسن بن جهم گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که : فدایت شوم حد توکل چیست ؟ حضرت فرمود: اینکه با وجود خدا از هیچ نترسی ، عرض کردم : فدایت شوم حد تواضع چیست ؟ حضرت فرمود: اینکه از جانب خود به مردم چیزی عطا کنی که دوست داری همانند آن را به تو عطا کنند. عرض کردم : فدایت شوم دوست دارم که بدانم من در نزد تو چگونه ام ؟ حضرت فرمودن بنگر که من در نزد تو چگونه ام ؟

حدیث :

۲۹۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : ان من التواضع ان یرضی بالمجلس دون المجلس و ان یسلم علی من یلقی و ان یتراک المرء و ان کان محققاً و لاتحب ان تحمد علی التقوی .

ترجمه :

۲۹۳ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند: همانا از تواضع شمرده می شود اینکه شخص به جایگاهی نه جایگاه دیگر خوشنود باشد (یعنی در وارد شدن به مجلسی برای نشستن به همان جای خالی خوشنود باشد و هوس جای بالاتر را در سر نداشته باشد) و دیگر اینکه به هر کس که برخورد می کند سلام کند و جدال را ترک کند اگر چه حق با او باشد و دوست نداشته باشی که به خاطر تقوا و پرهیز کاریت مورد حمد و ستایش قرار بگیری .

۲۹ - باب استحباب التواضع عند تجدد النعمه

۲۹ - باب استحباب تواضع در هنگامی که نعمتی جدید برای آدمی حاصل می شود

حدیث :

۲۹۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث جعفر بن ابی طالب مع النجاشی ملک الحبشه ان النجاشی قال : انا نجد فیما انزل الله علی عیسی علیه السلام ان مع حق الله علی عباده ان یحدثوا لله تواضعا عند ما یحدث لهم من نعمه فلما بلغ النبی صلی الله علیه و آله قال لاصحابه : ان الصدقه تزید صاحبه رفعة فتواضعوا یرفعکم الله و ان العفو یزید صاحبه عزا فاعفوا یعزکم الله .

ترجمه :

۲۹۴ - امام صادق علیه السلام درباره واقعه دیدار و گفتگوی جعفر بن ابی طالب با نجاشی پادشاه حبشه ، فرمود: نجاشی گفت : ما مسیحیان در کتابی که خداوند بر عیسی علیه السلام نازل فرموده یافته ایم که (یکی از حقوق خداوند بر بندگانش این است که هرگاه نعمتی جدید به آنان می بخشد آنان نیز در برابر او تواضع و فروتنی جدیدی داشته باشند) زمانی که این سخن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید حضرت به اصحاب خود فرمود: همانا صدقه مایه زیادت (مال و عمر) برای صدقه دهنده می گردد پس صدقه بپردازید تا خدای بر شما رحم آورد و همانا تواضع مایه زیادت مقام و مرتبه شخص متواضع می گردد پس تواضع کنید تا خدای شما را بلندمرتبه گرداند و همانا عفو و بخشش به عفو کننده عزت می بخشد پس عفو کنید تا خداوند شما را عزیز گرداند.

۳۰ - باب تاکد استحباب التواضع للعالم و المتعلم

۳۰ - باب تاکید بر استحباب تواضع برای دانشمند و دانش آموز

حدیث :

۲۹۵ - عن معاوية بن وهب قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اطلبوا العلم و تزينوا معه بالحلم و الوقار و تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم و لا تكونوا علماء جبارين فيذهب باطلکم بحقکم .
ترجمه :

۲۹۵ - معاوية بن وهب گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: دانش بجوید و همراه با دانش ، خود را با بردباری و وقار زینت ببخشید و در مقابل کسانی که به آنان دانش می آموزید تواضع و فروتنی کنید و برای کسی که از او دانش می آموزید تواضع کنید و از دانشمندان متکبر و سرکش نباشید که در نتیجه ، کار باطل شما (عمل و گفته) حق شما را از بین می برد.
حدیث :

۲۹۶ - قال عيسى ابن مريم عليه السلام للحواريين : لي اليكم حاجه اقضوها لي فقالوا: قضيت حاجتك يا روح الله فقام فغسل اقدامهم فقالوا كنا احق بهذا منك فقال : ان احق الناس بالخدمه العالم انما تواضعت هكذا لكيما تتواضعوا بعدى في الناس كتواضعي لكم ثم قال عيسى عليه السلام : بالتواضع تعمر الحكمة لا بالتكبر و كذلك في السهل ينبت الزرع لا في الجبل .
ترجمه :

۲۹۶ - عيسى بن مريم عليه السلام به اصحاب و حواریون خود فرمود: من از شما خواسته ای دارم خواسته ام را برایم برآورده سازید. گفتند: ای روح الله ! خواسته ات رواست . پس حضرت برخاست و پاهای آنان را شست ، آنان گفتند: ما به این کار سزاوارتریم از شما (و ما باید پاهای مبارک تو را بشوئیم) حضرت فرمود: همانا سزاوارترین مردم در خدمتگزار بودن ، شخص عالم است و من در برابر شما اینگونه تواضع نمودم تا شما نیز پس از من همانند تواضع مرا در میان مردم داشته باشید. سپس فرمود: علم و حکمت به وسیله تواضع آباد می شود نه با تکبر و همچنین است که در دشت گیاه می روید نه در کوه سخت .

۳۱ - باب استحباب التواضع في الماكل و المشرب و نخوهما

۳۱ - باب استحباب تواضع در خوردن و نوشیدن و مانند اینها

حدیث :

۲۹۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : افطر رسول الله صلى الله عليه و آله عشيه خميس فى مسجد قبا فقال : هل من شراب ؟ فاتاه اوس بن خولى الانصارى بعس مخيض بعسل فلما وضعه على فيه نجاه ثم قال : شرابان يكتفى باحدهما من صاحبه لا اشربه و لا احرمه و لكن اتواضع لله فانه من تواضع لله رفعه الله و من تكبر خفضه الله و من اقتصد فى معيشته رزقه الله و من بذر حرمه الله و من اكثر ذكر الموت احبه الله .

ترجمه :

۲۹۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله در شبانگاه پنجشنبه ای در مسجد قبا افطار می نمود پس فرمود: آیا نوشیدنی ای هست ؟ پس اوس بن خولی انصارى کاسه ای بزرگ شیر آمیخته شده با عسل را به خدمت حضرت آورد. حضرت کاسه را به دهان مبارک نزدیک فرمود و سپس آن را کنار گذاشت و فرمود: این دو نوشیدنی است که می توان به یکی از این دو اکتفا نمود: من نه آن را می نوشم و نه تحریم می کنم ولی به خاطر خدا تواضع می کنم زیرا کسی که به خاطر خدا تواضع کند خداوند او را بالا می برد و کسی که تکبر ورزد خداوند او را به زیر می کشد و کسی که در زندگانش میانه روی پیشه کند خداوند روزی اش می بخشد و کسی که اسراف کند خداوند محرومش می سازد و کسی که زیاد مرگ را یاد کند خداوند او را دوست می دارد.

حدیث :

۲۹۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : مر على بن الحسين عليه السلام على المجذمين و هو راكب حماره و هم يتعدون فدعوه الى الغداء فقال : اما لو لا انى صائم لفعلت فلما صار الى منزله امر بطعام فصنع و امر ان يتنوقوا فيه ثم دعاهم فتغدوا عنده و تغدى معهم .

ترجمه :

۲۹۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام در حالی که بر الاغی سوار بود به گروهی که بیماری خوره داشتند و در حال چاشت خوردن بودند گذر کرد آنان حضرت را به چاشت دعوت کردند. حضرت فرمود: اگر روزه نبودم دعوت شما را اجابت می کردم . (حضرت از آنان خداحافظی نمود) و وقتی که به منزل رسید دستور داد غذایی آماده کردند و فرمود که آن را نیکو بپزند سپس آن بیماران جذامی را به طعام دعوت کرد و همراه آنان به خوردن نشست .

حدیث :

۲۹۹ - عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : القناعه مال لا ينفد.

ترجمه :

۲۹۹ - علی علیه السلام فرمود: قناعت مالی است که تمام شدنی نیست .

۳۲ - باب وجوب ایثار رضا الله علی هوی النفس و تحریم العکس

۳۲ - باب وجوب برگزیدن رضای الهی بر خواهش نفسانی و تحریم پیروی از هوای نفس

حدیث :

۳۰۰ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله عزوجل يقول : و عزتی و عظمتی و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هوای

علی هوی نفسه الا کففت علیه ضیعته و ضمنت السماوات و الارض رزقه و کنت له من رواء تجاره کل تاجر.

ترجمه :

۳۰۰ - امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و بزرگی و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ

بنده ای خواسته مرا بر خواهش نفسانی اش مقدم نمی دارد مگر اینکه حرفه و پیشه اش را برایش فراهم می سازم و

آسمانها و زمین را ضامن روزی اش قرار می دهم و من برای او برتر از تجارت هر تاجری خواهم بود.

حدیث :

۳۰۱ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال الله عزوجل : و عزتی و جلالی و عظمتی و بهائی و علو ارتفاعی لایوثر عبد

مومن هوای علی هواه فی شیء من امر الدنيا الا جعلت غناه فی نفسه و همته فی آخرته و ضمنت السماوات و الارض رزقه

و کنت له من وراء تجاره کل تاجر.

ترجمه :

۳۰۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و خوبی و نیکویی ام و

بلندی مرتبه ام که هیچ بنده مومنی خواسته مرا در هیچیک از امور دنیایی بر خواهش نفسانی اش مقدم نمی دارد مگر اینکه

بی نیازی را در نفس او قرار می دهم و همتش را متوجه آخرتش می کنم و آسمانها و زمین را ضامن روزی اش می گردانم و

ما فوق تجارت هر تاجری به نفع او خواهم بود.

حدیث :

۳۰۲ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : يقول الله عزوجل : و عزتی و جلالی و کبریائی

و نوری و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هواه علی هوای الا شئت علیه امره و لبست علیه دیناه و شغلت قلبه بها و لم آتہ

منها الا ما قدرت له و عزتی و جلالی و عظمتی و نوری و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هوای علی هواه الا استحفظته ملائکتی و کفلت السماوات و الارضین رزقه و کنت له من وراء تجاره کل تاجر و اتته الدنيا و هی راغمه .

ترجمه :

۳۰۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی منشی و نور و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواهش نفسانی خویش را بر خواسته من مقدم نمی دارد جز اینکه کارش را پریشان و پراکنده می سازم و دنیایش را بر او مشتبه و درهم بر هم می گردانم و قلبش را به دنیایش مشغول می سازم و (با این همه) به او از دنیا به همان اندازه ای که برایش مقدر نموده ام می دهم و سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و نور و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواسته مرا بر خواهش نفسانی خویش مقدم نمی دارد مگر اینکه فرشتگانم را برای حفظ و نگاهداری اش بر می گمارم و آسمانها و زمین را ضامن و عهده دار روزی او قرار می دهم و برای او از (سود) تجارت هر تاجری برتر خواهم بود و چنین کسی دنیا به سراغش می آید در حالی که او دنیا را ناپسند می داند.

حدیث :

۳۰۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل یقول : انی لست کل کلام الحکمه اتقبل ، انما اتقبل هواه و همه فان کان هواه و همه فی رضای جعلت همه تقدیسا و تسبیحا.

ترجمه :

۳۰۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند عزوجل می فرماید: به راستی که اینگونه نیست که من هر سخن حکمت آمیزی را بپذیرم بلکه میل او (گوینده) و همت او را می پذیرم پس اگر میل و همت او در جهت خوشنودی من باشد همت او را (به منزله) تقدیس و تسبیح خود قرار می دهم (تقدیس و تسبیح: به پاکی منسوب کردن، به پاکی یاد کردن).

حدیث :

۳۰۴ - عن محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : جاهد هواک کما تجاهد عدوک .

ترجمه :

۳۰۴ - امام باقر علیه السلام فرمود: با هوای نفسانی خود مبارزه کن همانگونه که با دشمنت مبارزه می کنی .

حدیث :

۳۰۵ - عن ابی حمزه قال : سمعت علی بن الحسین علیه السلام یقول : ان الله جل جلاله یقول : و عزتی و جلالی و عظمتی و جمالی و بهائی و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هوای علی هواه الا جعلت همه فی آخرته و غناه فی قلبه و کففت عنه ضیعتته و ضمنت السماوات و الارض رزقه و اتته الدنيا و هی راغمه .

ترجمه :

۳۰۵ - ابی حمزه گوید: از امام زین العابدین علیه السلام شنیدم که می فرموده : به درستی که خداوند جل جلاله می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و زیبایی و نیکویی و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواسته مرا بر خواهش نفسانی خود مقدم نمی دارد مگر اینکه همت او را متوجه امر آخرتش می گردانم و بی نیازی اش را در درون قلبش جای می دهم و کار و پیشه اش را برایش فراهم می آورم و آسمانها و زمین را ضامن روزی او می گردانم و دنیا به سوی او می آید در حالی که او نسبت به دنیا بی میل و ناخشنود است .

حدیث :

۳۰۶ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال فی خطبه له : ایها الناس ان اخوف ما اخاف علیکم اثنتان اتباع الهوی و طول الامل فاما اتباع الهوی فیصد عن الحق و اما طول الامل فینسی الاخره .

ترجمه :

۳۰۶ - امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای فرمود: ای مردم! به درستی که ترسناکترین چیزی که از آن بر شما بیمناکم دو چیز است : پیروی هوای نفس و درازی آرزو، اما پیروی از هوای نفس آدمی را از حق باز می دارد و اما درازی آرزو باعث فراموشی آخرت می گردد.

۳۳ - باب وجوب تدبر العاقبه قبل العمل

۳۳ - باب وجوب عاقبت اندیشی پیش از عمل

حدیث :

۳۰۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان رجلا اتی النبی صلی الله علیه و آله فقال له : یا رسول الله اوصنی فقال له : فهل انت مستوص ان انا اوصیتک ؟ حتی قال له ذلك ثلاثا و فی کلها یقول الرجل نعم یا رسول الله فقال له رسول الله صلی الله علیه و آله فانی اوصیک اذا انت هممت بامر فتدبر عاقبته فان یک رشدا فامضه و ان یک غیا فاتته عنه .

ترجمه :

۳۰۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا

سفارشی فرما. حضرت تا سه مرتبه فرمود: ایا اگر تو را سفارشی نمایم سفارشم را می پذیری و به آن عمل می کنی؟

و مرد در هر مرتبه عرض کرد: آری ای رسول خدا! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس من تو را سفارش می کنم که

هرگاه آهنگ انجام کاری را نمودی در عاقبت و پایان آن کار اندیشه کن پس اگر انجامش درست و صواب بود انجام بده و

اگر ناصواب بود از انجام آن باز ایست .

حدیث :

۳۰۸ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : من استقبل وجوه الاراء عرف مواقع الخطاء و من

تورط فی الامور غیر ناظر فی العواقب فقد تعرض لمفضعات النوائب و التدبیر قبل ناظر العمل یومنک من الندم و العاقل من

وعظه التجارب و فی التجارب علم مستانف و فی تقلب الاحوال علم جواهر الرجال .

ترجمه :

۳۰۸ - امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: کسی که با نظرات و افکار مختلف روبرو می شود

مواضع و جایگاههای خطا را شناسایی می کند و کسی که بدون عاقبت اندیشی خود را گرفتار کارها کند محققا که خود را در

معرض کارهای ترسناک و دشوار قرار داده است و عاقبت اندیشی پیش از عمل تو را از پشیمانی ایمن می سازد و خردمند

کسی است که تجربه ها او را پند و اندرز دهند و در تجربه ها آگاهی نو و تازه ای وجود دارد و در دگرگونی حالات نسبت به

جوهره مردان علم و آگاهی حاصل می شود.

حدیث :

۳۰۹ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه .

ترجمه :

۳۰۹ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زبان شخص عاقل در پشت قلب اوست (ابتدا روی سخن فکر می کند و آن را از

قلب می گذراند و سپس بر زبان جاری می کند) و قلب شخص نادان در پشت زبان اوست (پس از سخن گفتن روی آن فکر

می کند که آیا ناصواب بوده یا نه).

حدیث :

۳۱۰ - و عنه علیه السلام انه قال : قلب الاحمق فی لسانه و لسان العاقل فی قلبه .

ترجمه :

۳۱۰ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: قلب شخص نادان در زبان اوست و زبان شخص خردمند در قلب اوست .

حدیث :

۳۱۱ - و قال علیه السلام من استقبل وجوه الاراء عرف مواقع الخطا.

ترجمه :

۳۱۱ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که با آراء و نظرات مختلف روبرو باشد به مواضع خطا شناخت پیدا می کند.

حدیث :

۳۱۲ - قال ابو عبدالله علیه السلام : ليس لحاقن رای و لالملول صدق و لا لحسود غنی و ليس بحازم من لا ينظر فی

العواقب و النظر فی العواقب تلقیح للقلوب .

ترجمه :

۳۱۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که با بول به او فشار آورده رای (قابل اعتنا و بی نقص) ندارد و کسی که

افسرده است دوستی ندارد و حسود بی نیاز نمی شود و کسی که در عاقبت کارها نمی اندیشد دور اندیش و محتاط نیست و اندیشیدن در عاقبت کارها مایه باروری دلها است .

حدیث :

۳۱۳ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : اتی رجل رسول الله صلی الله علیه و آله فقال : علمنی یا رسول الله قال : علیک

بالیاس مما فی ایدی الناس فانه الغنی الحاضر قال : زدنی یا رسول الله صلی الله علیه و آله قال : ایاک و الطمع فانه الفقر

الحاضر قال : زدنی یا رسول الله قال : اذا هممت بامر فتدبر عاقبته فان یک خیرا و رشدا فاتبعه و ان یک غیا فاجتنبه .

ترجمه :

۳۱۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا مرا

دانشی بیاموز. حضرت فرمود: بر تو باد به نومیدی نسبت به آنچه که در دستان مردمان است زیرا این روحیه بی نیازی و

ثروتی حاضر و آماده است . عرض کرد: ای رسول خدا بیش از این بفرما. حضرت فرمود: بر حذر باش از طمع زیرا طمع و

آزمندی فقری حاضر و آماده است ، عرض کرد: ای رسول خدا بیش از این برایم بفرما. حضرت فرمود: هرگاه قصد انجام

دادن کاری را نمودی با دقت در عاقبت آن کار اندیشه کن پس اگر خیر و هدایت در آن باشد آن را پی گیری کن و اگر مایه گمراهی باشد از انجام آن خودداری نما.

۳۴ - باب وجوب انصاف الناس ولو من النفس

۳۴ - باب وجوب به انصاف رفتار کردن با مردمان اگر چه بر ضرر خود باشد

حدیث :

۳۱۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من انصف الناس من نفسه رضی به حکما لغيره .

ترجمه :

۳۱۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که با مردم درباره خود به انصاف رفتار کند مردم درباره او به داور و میانجی

بودن برای دیگران خوشنودند.

حدیث :

۳۱۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : سید الاعمال انصاف الناس من نفسک و

مواساه الاخ فی الله و ذکر الله علی کل حال .

ترجمه :

۳۱۵ - امام صادق علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سید و سرور همه کارها سه چیز است :

به انصاف رفتار کردن با مردم درباره خود و یاری نمودن برادر دینی در راه خدا و به یاد خدا بودن در هر حال .

حدیث :

۳۱۶ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام فی کلام له : الا انه من ینصف الناس من نفسه لم

یزده الله الا عزا.

ترجمه :

۳۱۶ - امام باقر علیه السلام روایت کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آگاه باشید که هر کس درباره خود با مردم به

انصاف رفتار کند خداوند چیزی جز عزت و سربلندی به او نمی افزاید.

حدیث :

۳۱۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ثلاث هم اقرب الخلق الی الله یوم القیامه حتی یفرغ من الحساب رجل لم تدعه قدره فی حال غضبه ان یحیف علی من تحت یده و رجل مشی بین اثنین فلم یمل مع احدهما علی الاخر بشعیره و رجل قال بالحق فیما له و علیه .

ترجمه :

۳۱۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: سه کس هستند که در روز قیامت نزدیکترین کسان به خداوند می باشند تا زمانی که خداوند از حساب مردمان فارغ شود: یکی کسی که قدرت و توانایی اش او را در حال خشم به سوی ستم نمودن به زیر دستانش نمی خواند و دیگری کسی که بین دو نفر رفت و آمد می کند ولی حتی به اندازه یک دانه جو به یکی از آن دو بر علیه دیگری تمایل پیدا نمی کند و دیگری کسی که حق را می گوید خواه به نفع او یا ضرر او باشد.

حدیث :

۳۱۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من واسی الفقیر من ماله و انصف الناس من نفسه فذلک المومن حقا.

ترجمه :

۳۱۸ - امام صادق علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مومن حقیقی کسی است که به فقیر کمک مالی کند و درباره خود با مردم به انصاف رفتار کن .

حدیث :

۳۱۹ - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : کان رسول الله صلی الله علیه و آله یقول فی آخر خطبته : طوبی لمن طاب خلقه و طهرت سجیته و صلحت سریره و حسنت علانیته و انفق الفضل من ماله و امسک الفضل من قوله و انصف الناس من نفسه .

ترجمه :

۳۱۹ - امام سجاد علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره در آخر خطبه اش می فرمود: خوشا به حال کسی که اخلاقش پاکیزه و خوی و طبیعتش پاک و باطنش با صفا و ظاهرش نیکو باشد و زیادی از مالش را انفاق کند و از زیاد سخن گفتن خودداری کند و درباره خود با مردمان منصفانه برخورد کند.

حدیث :

۳۲۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من یضمن لی اربعه باربعه ابیات فی الجنه ؟ انفق و لاتخف فقرا و افش السلام فی العالم و اترك المراء و ان كنت محقا و انصف الناس من نفسك .

ترجمه :

۳۲۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: کیست که چهار چیز را در برابر چهار خانه بر من ضمانت کند؟ انفاق کن و از فقر نترس ، و سلام را آشکارا بر زبان آور، و جدال را ترک کن اگر چه حق با تو باشد، و درباره خودت با مردم به انصاف رفتار کن .

حدیث :

۳۲۱ - عن یوسف البزاز قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ما تدارا اثنان فی امر قط فاعطی احدهما النصف صاحبه فلم یقبل منه الا ادیل منه .

ترجمه :

۳۲۱ - یوسف بزاز گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگز دو نفر با یکدیگر در کاری به خصومت بر نخاسته اند که یکی در مورد دیگری جانب انصاف را رعایت کند و او نپذیرد جز اینکه خداوند شخص منصف را بر دیگری چیره می گرداند.

حدیث :

۳۲۲ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان لله جنه لا یدخلها الا ثلاثه احدهم من حکم فی نفسه بالحق .

ترجمه :

۳۲۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که برای خداوند بهشتی هست که جز سه کس به آن بهشت داخل نشوید یکی از آنان کسی است که در مورد خود به حق حکم کند.

حدیث :

۳۲۳ - عن ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام قال : الاخبرک باشد ما افترض الله علی خلقه ؟ انصاف الناس من انفسهم و مواساه الاخوان فی الله عزوجل و ذکر الله عزوجل علی کل حال فان عرضت له طاعه عمل بها و ان عرضت له معصیه ترکها.

ترجمه :

۳۲۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: آیا به تو در مورد سخت ترین چیزهایی که خداوند بر بندگانش واجب ساخت خبر دهم ؟ منصفانه رفتار کردن درباره خود با مردمان و یاری رساندن به برادران در راه خدا عزوجل و به یاد خدا بودن در هر حالی ، پس اگر طاعتی به وی عرضه گردید به آن عمل کند و اگر گناهی به او عرضه شد آن را ترک گوید.

حدیث :

۳۲۴ - عن علی بن میمون الصائغ قال : سمعت ابا عبدالله الصادق علیه السلام يقول : من اراد ان یسکنه الله جنته فلیحسن خلقه و لیعط النصفه من نفسه و لیرحم الیتیم و لیعن الضعیف و لیتواضع لله الذی خلقه .

ترجمه :

۳۲۴ - علی بن میمون صائغ (زرگر) گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که می خواهد که خداوند او را در بهشتش جای دهد پس باید اخلاقش را نیکو سازد و درباره خود منصفانه رفتار کند و به یتیم ترحم آورد و ناتوان را یاری دهد و برای خداوندی که او را آفریده است فروتنی و تواضع کند.

حدیث :

۳۲۵ - عن معاویه عن ابیه قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ما ناصح الله عبد فی نفسه فاعطی الحق منها و اخذ الحق لها الا اعطی خصلتین رزقا من الله یسعه و رضا عن الله یغنیه .

ترجمه :

۳۲۵ - راوی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هیچ بنده ای خالصانه در درون خود به خداوند روی نیاورده است تا در نتیجه حق نفس را به او عطا کند و حقی را که از آن نفس است برای او بستاند جز اینکه (اگر چنین باشد) دو خصلت به او بخشیده می شود: یکی روزی ای از جانب خداوند که وی را در فراخی (و آسایش) قرار می دهد و دیگری رضایت و خوشنودی از خداوند که او را (از همه چیز) بی نیاز می سازد.

حدیث :

۳۲۶ - عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من واسی الفقیر و انصف الناس من نفسه فذلک المومن حقا.

ترجمه :

۳۲۶ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به فقیر کمک مالی کند و در مورد خود با مردم منصف باشد چنین کسی مومن حقیقی است .

۳۵ - باب انه یجب علی المومن ان یحب للمومنین ما یحب لنفسه و ینکره لهم ما ینکره لها

۳۵ - باب بر مومن واجب است آنچه را برای خود دوست می دارد برای مومنین دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی پسندد برای آنان نخواهد

حدیث :

۳۲۷ - جاء اعرابی الی النبی صلی الله علیه و آله فقال : یا رسول الله علمنا ادخل به الجنة فقال : ما احببت ان یاتیه الناس الیک فاته الیهم و ما کرهت ان یاتیه الناس الیک فلا تاته الیهم .

ترجمه :

۳۲۷ - عربی به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا عملی بیاموز که به سبب آن به بهشت داخل شوم . حضرت فرمود: آنچه را که دوست می داری مردم درباره تو به جای آورند درباره آنان به جای آور و آنچه را که دوست می داری مردم درباره تو به جای آورند درباره آنان به جای نیآور.

حدیث :

۳۲۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اوحی الله الی آدم علیه السلام انی ساجع لک الکلام فی اربع کلمات - الی ان قال : - و اما التی بینک و بین الناس فترضی للناس ما ترضی لنفسک و تکره لهم ما تکره لنفسک .

ترجمه :

۳۲۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به حضرت آدم علیه السلام وحی فرستاد که من تمامی سخنی را که با تو دارم در چهار سخن جمع می کنم - تا آنجا که فرمود: - و اما آنچه که بین تو و بین مردمان باید باشد این است که برای مردم به چیزی خوشنود شوی که برای خودت به آن خوشنود می گردی و برای آنان چیزی را ناپسند شمیری که برای خودت آن را ناپسند می شمیری .

۳۶ - باب استحباب اشتغال الانسان بعیب نفسه عن عیب الناس

۳۶ - باب استحباب اینکه آدمی به جای اینکه به عیبجویی از دیگران بپردازد به عیب خود مشغول باشد

حدیث :

۳۲۹ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله ثلاث خصال من كن فيه او واحده منه من كان في ظن عرش الله يوم لا ظل الا ظله رجل اعطى الناس من نفسه ما هو سائلهم و رجل لم يقدم رجلا و لم يواخر رجلا حتى يعلم ان ذلك لله رضا و رجل لم يعب اخاه المسلم بعيب حتى ينفى ذلك العيب عن نفسه فانه لا ينفى منها عيبا الا بداله عيب و كفى بالمرء شغلا بنفسه عن الناس .

ترجمه :

۳۲۹ - امام باقر علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه خصلت وجود دارد که هر کس این سه خصلت یا یکی از آنها در او باشد در روزی که هیچ سایه ای جز سایه عرش الهی نیست در زیر سایه عرش الهی خواهد بود: یکی کسی که به مردم از جانب خود چیزی را عطا کند که خود نیز درخواست کننده آن چیز از مردمان است و دیگر کسی که قدمی از قدمی بر ندارد مگر اینکه بداند که این قدم برداشتنش رضایت و خوشنودی خداوند را در پی دارد و دیگر کسی که از برادر مسلمان خود عیبجویی نکند مگر زمانی که آن عیب دیگری برایش ظاهر می شود (پس همواره مشغول به بر طرف کردن عیوب خویش است و با عیب دیگران کاری ندارد) و همین برای مرد کافی است که به خود مشغول باشد نه مردمان .
حدیث :

۳۳۰ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : سمعت جابر بن عبدالله الانصاری يقول : ان رسول الله صلى الله عليه و آله مربنا فوقف و سلم ثم قال : ما لی اری حب الدنيا قد غلب علی کثیر من الناس ؟ - الی ان قال : - طوبی لمن شغله خوف الله عزوجل عن خوف الناس ، طوبی لمن منعه عیبه عن عیوب المومنین من اخوانه .
ترجمه :

۳۳۰ - امام باقر علیه السلام فرمود: از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که می گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما گذر می کرد که ایستاد و سلام کرد و فرمود: چه شده است که می بینم دوستی دنیا بر بسیاری از مردم چیره شده است ؟ - تا آنجا که فرمود: - خوشا به حال کسی که بیم از خدا او را به خود مشغول ساخته و از مردم بیم و هراسی ندارد، خوشا به حال کسی که عیب خودش او را از عیب جویی برادران مومنش باز داشته است .
حدیث :

۳۳۱ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : کفی بالمرء عیبا ان یتعرف من عیوب الناس ما یعمی علیه من امر نفسه او یعیب علی الناس امرا هو فیه لا یتطیع التحول عنه الی غیره او یوذی جلیسه بما لا یعنیه .

ترجمه :

۳۳۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: همین عیب برای شخص کافی است که از عیوب مردم عیبی را تشخیص دهد که در مورد خودش آن عیب بر او پوشیده مانده (و تشخیص نمی دهد که این عیب در خود او نیز وجود دارد) یا اینکه عیبی را بر مردم بگیرد که در خود او آن عیب هست و او توانایی بازگشتن از آن را ندارد یا اینکه همنشین خود را با سخنان یا کارهای بیهوده آزار دهد.

حدیث :

۳۳۲ - عن ابی ذر عن رسول الله صلی الله علیه و آله فی حدیث قال ن قلت : یا رسول الله اوصنی قال : اوصیک بتقوی الله فانه راس الامر کله قلت : زدنی قال : علیک بتلاوه القرآن و ذکر الله کثیرا قلت ، زدنی قال : علیک بطول الصمت قلت : زدنی قال : ایاک و کثره الضحک قلت : زدنی قال : علیک بحب المساکین و مجالستهم قلت : زدنی قال : قل للحق و ان کان مرا قلت : زدنی قال : لاتخف فی الله لومه لائم قلت : زدنی قال : لیحجزک عن الناس ما تعلم من نفسک و لاتجد علیهم فیما تاتی مثله ثم قال : کفی بالمرء عیبا ان یکون فیه ثلاث خصال : یعرف من الناس ما یجهل من نفسه و یتحیی لهم مما هو فیه و یدذی جلیسه فیما لایعنیه ثم قال : یا ابا ذر لا عقل کالتدبیر و لا ورع کالکف و لا حسب کحسن الخلق .

ترجمه :

۳۳۲ - ابوذر گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم : ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما. حضرت فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی سفارش می کنم زیرا تقوی سر همه کارها(ی شایسته) است ، عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: بر تو باد به تلاوت قرآن و زیاد به یاد خدا بودن ، عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: بر تو باد به سکوت طولانی .

عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: بر تو باد که فقیران را دوست داشته باشی و با آنان همنشینی کنی ، عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: حق را بگو اگر چه تلخ باشد. عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری هراس نداشته باش . عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: باید آن عیبی که از خود سراغ داری تو را از عیبجویی مردم باز دارد، زیرا در آنچه که مثل آن را خود انجام می دهی حجتی بر علیه مردم نمی یابی . سپس فرمود: برای عیبناک بودن مرد کافی است که در او سه خصلت باشد: یکی اینکه عیبی را از مردم بداند در حالی که (آن عیب در خود او وجود دارد و او) از آن عیب در خود جاهل است و دیگر اینکه از مردم شرم کردن درباره چیزی را درخواست کند که آن چیز در خود او نیز هست و دیگر اینکه همنشین خود را در چیزهای بیهوده آزار دهد. سپس فرمود: ای ابوذر! هیچ عقلی همچون

عاقبت اندیشی نیست و هیچ پرهیزکاری ای همچون دست کشیدن (از گناه) نیست و هیچ اصل و تباری مانند خوش خلقی نیست .

حدیث :

۳۳۳ - عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : ان موسى عليه السلام لما اراد ان يفارق الخضر قال : اوصني فكان فيما اوصاه ان قال له : اياك و اللجاجه و ان تمشى في غير حاجه و ان تضحك من غير عجب و اذكر خطيئتك و اياك و خطايا الناس .

ترجمه :

۳۳۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت موسی علیه السلام می خواست از حضرت خضر علیه السلام جدا شود گفت : مرا سفارشی فرما. حضرت خضر علیه السلام در ضمن توصیه هایش فرمود: از سرسختی و خیره سری بر حذر باش و از اینکه بدون نیاز و حاجتی به دنبال چیزی روی حذر کن و از اینکه بدون تعجب بخندی پرهیز کن و گناهت را یاد کن و از اینکه گناهان مردم را یاد آور شوی بر حذر باش .

حدیث :

۳۳۴ - عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال في النهي عن عيب الناس : و انما ينبغى لاهل العصمه و المصنوع اليهم في السلامه ان يرحموا اهل الذنوب و المعصيه و يكون الشكر هو الغالب عليهم و الحاجز لهم عنهم فكيف بالعائب الذي عاب اخاه و غيره ببلواه؟!

اما ذكر موضع ستر الله عليه من ذنوبه ما هو اعظم من الذنب الذي عاب به ؟ فكيف يذمه بذنب قد ركب مثله ؟ فان لم يكن ركب ذلك الذنب بعينه فقد عصى الله فيما سواه مما هو اعظم منه و ايم الله لو لم يكن عصاه في الكبير لقد عصاه في الصغير و لجراته على عيب الناس اكبر يا عبدالله لاتعجل في عيب عبد بذنبه فلعله مغفور له و لا تامن على نفسك صغير معصيه فلعلك تعذب عليه فليكفف من علم منكم نفسك صغير معصيه فلعلك تعذب عليه فليكفف من علم منكم عيب غيره لما يعلم من عيب نفسه و ليكن الشكر شاغلا له على معافاته مما ابتلى به غيره .

ترجمه :

۳۳۴ - اميرالمؤمنين عليه السلام درباره نهی نمودن از عیبجویی مردمان فرموده است : بر کسانی که خود نگهدار و پاکند و سلامت از گناه به آنان بخشیده شده است سزاوار است که به حال گناهکاران و نافرمانان رحمشان آید و شکرگزاری (نعمت

سلامت از گناه) بر آنان چیره و مسلط باشد و این شکرگزاری آنان را از بیان عیب مرم باز دارد، پس چگونه است حال آن عیبجویی که از برادر خود عیب گیرد و او را بر گرفتاری اش سرزنش کند؟! آیا این شخص عیبجو به یاد نمی آورد آن جایی را که خداوند گناهی از او را پوشاند که به مراتب بزرگتر از گناهی بودند که او اکنون بر آن از برادر خود خرده گیری می کند؟ پس چگونه برادرش را به گناهی سرزنش می کند که خود همانند آن را مرتکب شده است ؟ اگر هم عین آن را مرتکب نشده خداوند را در بزرگتر و بدتر از آن نافرمانی نموده ، و سوگند به خدا که اگر هم این شخص مرتکب گناه بزرگ نشده حتما گناه کوچک انجام داده است و این جراتی که در عیب گیری از مردم به خرج داده خود از هر گناهی بزرگتر است . ای بنده خدا! در عیبجویی از بنده ای که مرتکب گناهی شده شتاب مکن شاید گناه او بخشیده شود و بر نفس خویش ایمن مباش که گناه کوچکی انجام داده ای شاید بر همان گناه عذاب شوی . پس هر کس از شما به عیب دیگری آگاهی یافت باید از عیبجویی او خودداری کند زیرا به عیب خود نیز آگاه است . و باید شکرگزاری بر پاک بودنش از گناهی که دیگری مرتکب آن است او را از پی گیری گناه دیگران به خود مشغول دارد.

حدیث :

۳۳۵ - و قال علیه السلام : من نظر فی عیب نفسہ اشتغل عن عیب غیره و من رضی رزق الله لم یحزن علی مافاتہ - الی ان قال - و من نظر فی عیوب الناس ثم رضیها لنفسه فذلک الاحمق بعینه .

ترجمه :

۳۳۵ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که در عیب خویش اندیشه کند از عیب جویی دیگران باز می ماند و کسی که به روزی خداوند خوشنود باشد بر آنچه که از دست داده است غمگین نمی شود - تا آنجا که فرمود: - و کسی که در عیب های مردمان بنگرد سپس آن عیوب را برای خویش بپسندد چنین کسی نادان واقعی است .

حدیث :

۳۳۶ - و قال علیه السلام : اکبر العیب ان تعیب ما فیک مثله .

ترجمه :

۳۳۶ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بزرگترین عیب آن است که آنچه را که مانند آن در خود دوست عیب بشمری .

حدیث :

۳۳۷ - عن محمد بن اسماعیل عن بعض رجاله قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اذا رايتم العبد متفقدا لذنوب الناس ناسيا لذنوبه فاعلموا انه قد مكر به .

ترجمه :

۳۳۷ - محمد بن اسماعیل از یکی از مردانش نقل می کند که گفت : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: هرگاه دیدید که بنده ای گناهان مردمان را جستجو می کند و گناهان خویش را فراموش کرده است بدانید که او فریب خورده و مورد مکر (شیطان) واقع شده است .

حدیث :

۳۳۸ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : كان بالمدينة اقوام لهم عيوب فسكتوا عن عيوب الناس فاسكت الله عن عيوبهم الناس فماتوا و لاعيوب لهم عند الناس و كان بالمدينة اقوام لا عيوب لهم فتكلموا في عيوب الناس فظاهر الله لهم عيوباً لم يزالوا يعرفون بها الى ان ماتوا.

ترجمه :

۳۳۸ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در شهر گروهی بودند که عیوبی داشتند اما از بیان عیوب دیگران ساکت ماندند خداوند نیز مردم را از بیان عیوب آنها ساکت کرد پس آنان مردند در حالی که در نزد مردم عیبی برای ایشان وجود نداشت و در شهر گروهی بودند که عیبی نداشتند اما در مورد عیوب مردم سخن می گفتند خداوند نیز برای آنان عیبهایی ظاهر ساخت که پیوسته تا زمانی که مردند به آن عیبها شناخته می شدند.

حدیث :

۳۳۹ - عن ابي عبيدة الحذاء قال سمعت ابا جعفر محمد به على الباقر عليه السلام يقول : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان اسرع الخير ثوابا البر و ان اسرع الشر عقابا البغي و كفى بالمرء عيباً ان يبصر من الناس ما يعمى عنه من نفسه و ان يعير الناس بما لا يستطيع تركه و ان يوذى حليسه بما لا يعنيه .

ترجمه :

۳۳۹ - ابي عبيده خدا گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خیری که ثوابش سریعتر از هر خیر دیگری به آدمی می رسد نیکی کردن است و شری که کیفرش سریعتر از هر شر دیگری نصیب آدمی می شود ستم نمودن است و برای عیبناک بودن مرد همین بس که در مردم عیبی را ببیند که از دیدن آن عیب

در وجود خود نابینا است و مردم را به عیبی سرزنش کند که خود توان ترک آن را ندارد و همنشین خود را به خاطر چیزی پوچ و بیهوده آزار دهد.

۳۷ - باب وجوب العدل

۳۷ - باب وجوب عدالت

حدیث :

۳۴۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اتقوا الله و اعدلوا فانکم تعییون علی قوم لا یعدلون .

ترجمه :

۳۴۰ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: از خدا بترسید و عدالت را پیشه خود سازید زیرا شما خود بر قومی

که عدالت نمی ورزند خرده گیری می کنید.

حدیث :

۳۴۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العدل احلی من الماء یصیبه الظمان ، ما اوسع العدل اذا عدل فیه و ان قل .

ترجمه :

۳۴۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: عدل از آب گوارایی که تشنه به آن برخورد می کند شیرین تر است ، چه فراخ و

گسترده است عدالت زمانی که جانب انصاف و تعادل در آن رعایت شود اگر چه کم باشد.

حدیث :

۳۴۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العدل احلی من الشهد و الین من الزید و اطیب ریحا من المسک .

ترجمه :

امام صادق علیه السلام فرمود: عدل شیرین تر از عسل و نرم تر از کف و خوشبوتر از مشک است .

حدیث :

۳۴۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله جعل لمن جعل له سلطانا اجلا و مده من لیال و ایام و سنین و شهر فان

عدلوا فی الناس امر الله صاحب الفلک ان یبطی بادارته فطالت ایامهم و لیالیهم و سنینهم و شهرهم و ان جاروا فی الناس

فلم یعدلوا امر الله صاحب الفلک فاسرع بادارته فقصرت لیالیهم و ایامهم و سنینهم و شهرهم و قد وفى الله عزوجل بعدد

اللیالی و الشهر.

ترجمه :

۳۴۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند برای کسی که به او سلطنتی بخشیده است سرآمد و مدت معینی از شبها و روزها و سالها و ماهها قرار داده است پس اگر آنان در بین مردم به عدل رفتار کنند خداوند به فرشته ای که گرداننده روزگار است دستور می دهد که کندتر بگرداند تا روزها و شبها و سالها و ماههای آنان طولانی شود. و اگر به مردم ستم کنند و به عدالت رفتار نکنند خداوند آن فرشته اش را امر می کند که در گرداندن شتاب کند پس شبها و روزها و سالها و ماههایشان کوتاه می شود و خداوند عزوجل آن شبها و ماههایی را که برای آنان مقدر فرموده به اتمام می رساند.

حدیث :

۳۴۴ - عن ابی عبدالله الصادق علیه السلام قال : ثلاثة هم اقرب الخلق الی الله عزوجل یوم القیامه حتی یفرغ من الحساب رجل لم تدعه قدرته فی حال غضبه الی ان یحیف علی من تحت یدیه و رجل مشی بین اثین فلم یمل مع احدهما علی الاخر بشعیره و رجل قال الحق فیما علیه .

ترجمه :

۳۴۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: سه کس هستند که در روز قیامت تا وقتی که خداوند از حساب خلق فارغ شود نزدیکترین کسان به خداوند اند: یکی کسی که قدرت و توانایی اش در حال خشم او را به سوی ستم کردن به زیردستان فرا نخوانده است و دیگری کسی که (برای اصلاح و حکم کردن) بین دو نفر رفت و آمد کند ولی حتی به اندازه یک دانه جو به یکی از آنها بر علیه دیگری تمایل پیدا نکند و دیگری کسی که در جایی که به ضرر اوست حق را بر زبان آورد.

۳۸ - باب انه لایجوز لمن وصف عدلا ان یخالفه الی غیره

۳۸ - باب بر کسی که درستی را می ستاید جایز نیست که در مورد دیگری خلاف آن را عمل کند

حدیث :

۳۴۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان من اعظم الناس حسره یوم القیامه من وصف عدلا ثم خالفه الی غیره .

ترجمه :

۳۴۵ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت یکی از کسانی که حسرتش از دیگران بیشتر است کسی است که راستی و درستی ای را ستوده است ولی درباره دیگری خلاف آن را عمل نموده است .

حدیث :

۳۴۶ - عن ابی عبدالله قال : ان اشد الناس حسره يوم القیامه من وصف عدلا ثم عمل بغيره .

ترجمه :

۳۴۶ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت حسرت کسی از همه بیشتر است که درستی

ای را ستوده است اما در عمل خلاف آن را به کار بسته است .

حدیث :

۳۴۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان من اشد الناس عذابا يوم القیامه من وصف عدلا و عمل بغيره .

ترجمه :

۳۴۷ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت یکی از کسانی که عذابش از دیگران سخت تر

است کسی است که درستی و عدالتی را ستوده است اما به غیر آن عمل کرده است .

حدیث :

۳۴۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : فی قول الله عزوجل (فکبکبوا فیها هم و الغاؤون) فقال یا ابابصیر هم قوم وصفوا

عدلا بالسنتهم ثم خالفوه الی غیره .

ترجمه :

۳۴۸ - از امام صادق علیه السلام روایت است که درباره قول خدای عزوجل که می فرماید: (پس آنان و گمراهان به روی در

دوزخ افکنده شوند) (۸۵) فرمود: ای ابابصیر! آنان گروهی هستند که عدل و راستی ای را به زبان می ستایند ولی به غیر آن

عمل می کنند.

حدیث :

۳۴۹ - عن خيثمه قال قال لی جعفر علیه السلام : ابلغ شيعتنا انه لن ينال ما عند الله الا بعمل و ابلغ شيعتنا ان اعظم الناس

حسره يوم القیامه من وصف عدلا ثم يخالفه الی غیره .

ترجمه :

۳۴۹ - خيثمه گوید: امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمود: به شیعیان ما برسان که هرگز کسی به رضوان و خوشنودی

که در نزد خداست نخواهد رسید مگر با عمل و به شیعیان ما برسان که در روز قیامت کسی که حسرتش از دیگران بیشتر

است آن کس است که عدالت و درستی ای را ستوده است سپس به غیر آن عمل کرده است .

۳۹ - باب وجوب اصلاح النفس عند ميلها الى الشر

۳۹ - باب وجوب اصلاح نمودن نفس در زمانی که به شر میل پیدا می کند

حدیث :

۳۵۰ - عن ابی خدیجه قال دخلت علی ابی الحسین علیه السلام فقال لی : ان الله تبارک و تعالی اید المومن بروح منه یحضره فی کل وقت یحسن فیه و یتقی و یرغب عنه فی کل وقت یدنب فیه و یعتدی فیهی معه تهتز سرورا عند احسانه تسبیح فی الثری عند اساءته فتعاهدوا عباد الله نعمه باصلاحکم انفسکم تزدد و ایقینا و تربحوا نفیسا ثمینا رحم الله امراهم بخیر فعمله او هم بشر فارتدع عنه - ثم قال : - نحن نزید الروح بالطاعه لله و العمل له .

ترجمه :

۳۵۰ - ابی خدیجه گوید: بر امام رضا علیه السلام وارد شدم حضرت به من فرمود: خداوند تبارک و تعالی مومن را با روحی از خود تقویت و پشتیبانی می کند و این روح الهی در هر زمانی که مومن نیکی می کند و تقوا را رعایت می نماید در نزد او حاضر است و زمانی که گناه کند و از حق تجاوز کند آن روح الهی غایت می شود پس آن روح الهی همراه با مومن است و در هنگام نیکو کاری مومن به نشاط در می آید و در هنگام بدی نمودنش به زمین می رود پس ای بندگان خدا با اصلاح نمودن خود نعمتهای خداوند را محافظت کنید تا بر باورتان افزوده شود و بر سود زیادی عایدتان شود خداوند رحمت کند مردی را که قصد خیر کند و آن را به جای آورد یا اینکه (اگر) قصد عمل بدی نمود از انجام آن خودداری کند.

- سپس فرمود: - ما با فرمانبرداری از خداوند و عمل برای او بر این روح الهی می افزاییم .

حدیث :

۳۵۱ - قال ابو عبدالله علیه السلام : اقصر نفسک عما یضرها من قبل ان تفارقک و اسع فی فکاکها کما تسعی فی طلب معیشتک فان نفسک رهینه بعملك .

ترجمه :

۳۵۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: نفس خود را پیش از آنکه از تو جدا شود از هر آنچه که به آن ضرر می رساند باز نگاهدار و همچنانکه در طلب روزی ات کوشش می کنی در رهایی و خلاص نمودن نفست بکوش زیرا نفس تو در گرو عمل و کردار توست .

حدیث :

۳۵۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : كانت الفقهاء و العلماء اذا كتب بعضهم الى بعض كتبوا بثلاث ليس معهن رابعه من كانت همته آخرته كفاه الله همه من الدنيا و من اصلح سريره اصلح الله علانيته و من اصلح ما بينه و بين الله اصلح الله ما بينه و بين الناس .

ترجمه :

۳۵۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین فرموده است : دانشمندان و عالمان چنین بودند که هرگاه برای یکدیگر نامه می نوشتند سه جمله می نوشتند که چهارمی نداشت (و سخنانشان از این سه جمله تجاوز نمی کرد): ۱ - کسی که همت و تلاشش در امر آخرتش باشد خداوند دنیای او را کفایت می کند.

۲ - کسی که درون خویش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح خواهد کرد.

۳ - کسی که بین خود و خدایش را اصلاح کند خداوند بین او و مردم را اصلاح خواهد نمود.

حدیث :

۳۵۳ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : من اصلح ما بينه و بين الله اصلح الله ما بينه و بين الناس و من اصلح امرا آخرته اصلح الله له دنياه .

ترجمه :

۳۵۳ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر کس بین خود و خدایش را اصلاح کند خداوند بین او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امر آخرتش را اصلاح کند خداوند امر دنیایش را برایش به سامان می رساند.

حدیث :

۳۵۴ - و قال علیه السلام : من اصلح سريره اصلح الله علانيته و من عمل لدینه كفاه الله دنياه و من احسن فیما بينه و بين الله كفاه الله ما بينه و بين الناس .

ترجمه :

۳۵۴ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که درون خویش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح خواهد کرد و کسی که برای دینش کار کند خداوند دنیایش را کفایت می کند و کسی که بین خود و خدایش را نیکو کند خداوند خود بین او و مردم را کفایت می کند.

حدیث :

۳۵۵ - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام عن علي عليه السلام قال : من اصلاح فيما بينه و بين الله اصلاح الله ما بينه و بين الناس .

ترجمه :

۳۵۵ - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش ، از علي عليه السلام روايت فرمود: کسی که بين خود و خدايش را اصلاح کند خداوند بين او و مردم را اصلاح خواهد کرد.

۴۰ - باب وجوب اجتناب الخطايا و الذنوب

۴۰ - باب وجوب دوري نمودن از لغزشها و گناهان

حديث :

۳۵۶ - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : اما انه ليس من عرق يضرب و لا نكبه و لا صداع و لا مرض الا بذنب و ذلك قول الله عزوجل فى كتابه : (و ما اصابكم من مصيبه فيما كسبت ايديكم و يعفوا عن كثير) قال : ثم قال : و ما يعفو الله اكثر مما يواخذ به .

ترجمه :

۳۵۶ - امام صادق عليه السلام فرمود: آگاه باشید که هیچ رگی نمی زند و هیچ مصیبت و سر درد و مرضی پیش نمی آید مگر به خاطر گناهی و این است معنای گفتار خداوند عزوجل در کتابش که فرمود: (مصیبتی که به شما رسیده است به سبب چیزی است که دستهایتان کسب نموده و خداوند از بسیاری (از خطاهای شما) در می گذرد) (۸۶) سپس حضرت فرمود: آنچه که خداوند از آن در می گذرد بیشتر است از آنچه که به سبب آن مردمان را مواخذه می کند.

حديث :

۳۵۷ - عن ابى عبدالله عليه السلام فى قول الله عزوجل : (فما اصبرهم على النار) فقال : ما اصبرهم على فعل ما يعلمون انه يصبرهم الى النار .

ترجمه :

۳۵۷ - امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (پس چه چیز آنها را بر آتش شکييا کرد) (۸۷)

فرمود: يعنى چه چیز آنها را بر انجام کاری که می دانند آنها را به سوى آتش می برد شكييا کرد؟!

حديث :

۳۵۸ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الذنوب كلها شديده و اشدها ما نبت عليه اللحم و الدم لانه اما مرحوم و اما معذب و الجنه لا يدخلها الا طيب .

ترجمه :

۳۵۸ - امام باقر علیه السلام فرمود: همه گناهان سخت اند و سخت ترین آنها گناهی است که (در طول انجام آن) گوشت و خون بر اساس آن بر بدن شخص روییده باشد زیرا گناهکار یا مورد رحمت حق قرار می گیرد و یا عذاب می شود و بهشت جایگاهی است که تنها کسی که پاکیزه است به آن داخل می گردد.

حدیث :

۳۵۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان العبد ليحبس على ذنب من ذنوبه مائه عام و انه لينظر الى ازواجه في الجنه يتنعمن .

ترجمه :

۳۵۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که بنده به خاطر گناهی از گناهانش یکصد سال محبوس و زندانی می شود و او از درون زندان خود به همسرانی که در بهشت برای او وجود دارند می نگرد که چگونه آنان مشغول تنعم و بهره بردن هستند.

حدیث :

۳۶۰ - عن ابی الحسن علیه السلام قال : قال اميرالمؤمنين عليه السلام : لاتبدین عن واضحه و قد عملت الاعمال الفاضله و لا تامن البيات و قد عملت السيئات .

ترجمه :

۳۶۰ - امام رضا علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در حالی که اعمال ننگین و رسوا کننده ای را به جای آورده ای دندانان را به خنده آشکار مکن و زمانی که مرتکب بدیها شده ای از عذاب شبانگاهی ایمن مباش .

حدیث :

۳۶۱ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من نكبه تصيب العبد الا بذنب و ما يعفو الله اكثر .

ترجمه :

۳۶۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ مصیبتی به بنده نمی رسد مگر به خاطر گناهی ، و آنچه خدا از آن در می گذرد بیشتر است .

حدیث :

۳۶۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان ابی علیه السلام یقول ما من شیء افسد للقلب من خطیئه ان القلب لیواقع الخطیئه فما تزال به حتی تغلب علیه فیصیر اعلاه اسفله .

ترجمه :

۳۶۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ چیزی مانند گناه قلب را تباه نمی کند زیرا قلب پیوسته به گناه تن در می دهد تا جایی که گناه بر قلب چیره و غالب می شود و قلب را دگرگون می سازد.

حدیث :

۳۶۳ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان العبد لیذنب الذنب فیزوی عنه الرزق .

ترجمه :

۳۶۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که بنده گناه می کند پس در نتیجه ، رزق و روزی او از او دور می شود و کناره می گیرد.

حدیث :

۳۶۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الذنب یحرم العبد الرزق .

ترجمه :

۳۶۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که گناه باعث محروم شدن بنده از روزی می شود.

حدیث :

۳۶۵ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الرجل لیذنب الذنب فیدرا عنه الرزق و تلا هذه الایه (اذ اقساموا لیصرمنها

مصبحین و لا یستثنون فطاف علیها طائف من ربک و هم نائمون).

ترجمه :

۳۶۵ - امام باقر علیه السلام فرمود: همانا مرد گناه می کند در نتیجه رزق و روزی از او دور می شود، و سپس این آیه را تلاوت فرمود: (آنگاه که سوگند یاد نمودند که آن باغ را صبحگاهان می بریم و ان شاء الله نگفتند پس در حالی که ایشان در خواب بودند طواف کننده ای از جانب پروردگارت بر آن باغ طواف نمود (و آن را نابود ساخت) (۸۸)

حدیث :

۳۶۶ - عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : اذا اذنب الرجل خرج فی قلبه نکته سوداء فان تاب انمحت و ان زاد زادت حتی تغلب علی قلبه فلا یفلح بعدها ابدا.

ترجمه :

۳۶۶ - ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگاه مرد مرتکب گناهی شود در قلب او نقطه سیاهی ظاهر می شود پس اگر توبه نمود آن سیاهی محو می شود ولی اگر بر گناهش افزود بر آن سیاهی نیز افزوده می شود تا جایی که سیاهی بر قلبش چیره می گردد پس بعد از آن هرگز به رستگاری نمی رسد.

حدیث :

۳۶۷ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان العبد یسال الله الحاجه فیکون من شانه قضاوها الی اجل قریب او الی وقت بطی ء فیذنب العبد ذنبا فیقول الله تبارک و تعالی للملک : لاتقض حاجته و احرمه فانه تعرض لسخطی و استوجب الحرمان منی .

ترجمه :

۳۶۷ - امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که (گاه باشد) بنده ای از خداوند حاجتی را در خواست می کند و (در آن مورد) قصد خداوند این است که تا زمانی نزدیک یا تا درنگی اندک حاجت او را برآورده سازد پس در این فاصله آن بنده مرتکب گناهی می شود پس خداوند تبارک و تعالی به فرشته خود می فرماید: حاجتش را برآورده مساز و او را محروم گردان زیرا او (با گناه خویش) خود را در معرض خشم من قرار داد و مستوجب بی بهرگی از رحمت من گشت .

حدیث :

۳۶۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الرجل یذنب الذنب فیحرم صلاه اللیل و ان العمل السیی اسرع فی صاحبه من السکین فی اللحم .

ترجمه :

۳۶۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که مرد مرتکب گناهی می شود و در نتیجه از (انجام نماز شب محروم می ماند و حقا که کردار زشت از چاقویی که در آن گوشت فرو می رود سریعتر در صاحب خود اثر می گذارد.

حدیث :

۳۶۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من هم بالسیئه فلان یعملها فانه ربما عمل العبد السيئه فیراه الرب تبارک و تعالی و تعالی فیقول : و عزتی و جلالی لا اغفر لک بعد ذلک ایدا.

ترجمه :

۳۶۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس قصد نمود که کار بدی انجام دهد (از قصد خود برگردد و) و چنین نکند زیرا چه بسا که بنده ای مرتکب کار بدی می گردد پس پروردگار تبارک و تعالی به او می نگرد و می فرماید: سوگند به عزت و بزرگی ام که پس از این هرگز تو را نمی بخشایم .

حدیث :

۳۷۰ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من عبد الا و فی قلبه نکته بیضاء فاذا اذنب دنیا خرج فی النکته سوداء فان تاب ذهب ذلک السواد و ان تمادی فی الذنوب زاد ذلک السواد حتی یغطى البیاض فاذا غطى البیاض لم یرجع صاحبه الی خیر ایدا و هو قول الله عزوجل : (بل ران علی قلوبهم ماکانوا یکسبون).

ترجمه :

۳۷۰ - امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه در قلب او نقطه ای سفید است پس هرگاه مرتکب گناهی شود در درون آن نقطه سفید نقطه ای سیاه نمایان شود پس اگر توبه نمود آن نقطه سیاه از بین می رود ولی اگر (ادامه داد و) گناهانش به درازا کشید آن سیاهی افزوده می شود تا جایی که تمام سفیدی را می پوشاند پس هرگاه سیاهی روی سفیدی را بپوشاند دیگر آن گناهکار هرگز به سوی خیر باز نمی گردد و این معنای گفتار خداوند عزوجل است که می فرمایند: (بلکه آنچه را که کسب می کردند زنگاری بر دلهاشان می شد) (۸۹)

حدیث :

۳۷۱ - عن ابی عمرو المدائنی عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته یقول : کان ابی یقول : ان الله قضی قضاء حتما لا ینعم علی العبد بنعمه فیسلبها اياه حتی یحدث العبد ذنبا یتحق بذلک النقمه .

ترجمه :

۳۷۱ - ابی عمر مدائنی از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: پدرم امام باقر علیه السلام می فرمود: به راستی که خداوند حکم و قضای حتمی اش بر این قرار گرفته که نعمتی را به بنده ای نبخشد و سپس آن را از او بگیرد (بلکه اگر نعمتی را به او بخشید آن را از وی سلب نمی کند) مگر اینکه آن بنده گناهی کند و در نتیجه سزاوار خشم الهی گردد (پس در واقع خود بنده با گناهش نعمت را از خود سلب می کند).

حدیث :

۳۷۲ - عن سماعه قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما انعم الله على عبد نعمه فسلبها اياه حتى يذنب ذنبا يستحق بذلك السلب .

ترجمه :

۳۷۲ - سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند نعمتی را به بنده اش نمی بخشد که آن را از او بگیرد مگر اینکه مرتکب گناهی شود و به سبب آن سزاوار سلب نعمت گردد.

حدیث :

۳۷۳ - عن ابی عبدالله عليه السلام انه قال : ان احدكم ليكثر الخوف من السلطان و ما ذلك الا بالذنوب فتوقوها ما استطعتم و لا تمادوا فيهما.

ترجمه :

۳۷۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که کسی از شما بسیار از سلطان می ترسد و این ترسش فقط به خاطر گناهان است پس ، از گناهان تا می توانید پرهیز کنید و در گناهان فرو نمانید.

حدیث :

۳۷۴ - قال اميرالمؤمنين عليه السلام : لا و جع اوجع للقلوب من الذنوب و لا خوف اشد من الموت و كفى بما سلف تفكرا و كفى بالموت و اعظا.

ترجمه :

۳۷۴ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ دردی برای دلها دردناکتر از گناهان نیست و هیچ ترسی سخت تر از مرگ نیست و آنچه که سپری گشته است برای اندیشیدن کافی است و مرگ به عنوان اندرز دهنده کفایت می کند.

حدیث :

۳۷۵ - عن العباس بن هلال الشامي قال سمعت الرضا عليه السلام يقول : كلما احدث العباد من الذنوب ما لم يكونوا يعملون احدث لهم من البلاء ما لم يكونوا يعرفون .

ترجمه :

۳۷۵ - عباس بن هلال شامی گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگاه بندگان گناهی را انجام دهند که پیش از آن مرتکب چنین گناهی نمی شدند بلاهایی برای آنها پیش می آید که پیش از آن چنین بلاهایی را سراغ نداشتند.

حدیث :

۳۷۶ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من اذنب ذنبا و هو ضاحك دخل النار و هو باك .

ترجمه :

۳۷۶ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مرتکب گناهی شود در حالی که خندان است (در روز قیامت) با چشم گریان به آتش دوزخ در افتد.

حدیث :

۳۷۷ - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : يا مفضل اياك و الذنوب و حذرها شيعتنا فو الله ما هي الى احد اسرع منها اليكم ان احدكم لتصيبه المعره من السلطان و ما ذاك الا بذنوبه و انه ليصيبه السقم و ما ذلك الا بذنوبه و انه ليحبس عنه الرزق و ما هو الا بذنوبه و انه ليشدد عليه عند الموت و ما ذاك الا بذنوبه حتى يقول من حضره لقد غم بالموت - فلما رأى ما قد دخلني

قال : - اتدري لم ذاك ؟ قلت : لا . قال ذاك و الله انكم لاتواخذون بها في الاخره و عجلت لكم في الدنيا.

ترجمه :

۳۷۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: ای مفضل! از گناهان بپرهیز و شیعیان ما را نیز از گناهان بر حذر دار. سوگند به خدا که گناهان به سوی هیچ کس با شتاب تر از آنکه به سوی شما می آیند نمی روند، همانا کسی از شما را از ناحیه سلطان رنج

سختی می رسد و این نیست مگر به خاطر گناهانش و کسی از شما دچار بیماری می شود و این نیست مگر به خاطر

گناهانش و کسی از شما رزق و روزی اش از او باز داشته می شود و این نیست مگر به دلیل گناهانش و کسی از شما هنگام

مرگ دچار فشار زیاد می شود تا آنجا که کسی که در نزد او حاضر است می گوید: او به خاطر مرگ دلتنگ و غمگین شده

است و این نیست مگر به خاطر گناهانش . روای گوید: در اینجا من از سخنان حضرت به فکر فرو رفتم که چرا باید شیعیان

به چنین بلاهایی دچار شوند؟ و حضرت چون مرا به این حال دید فرمود: آیا می دانی که چرا چنین است ؟ عرض کردم :

خیر. حضرت فرمود: سوگند به خدا که این به خاطر آن است که شما به سبب گناهانتان در آخرت مورد مواخذه قرار نگیرید و در عقوبت و کیفرتان در این دنیا تعجیل شده است (تا پاک به آن دنیا کوچ کنید).

۴۱ - باب وجوب اجتناب المعاصی

۴۱ - باب وجوب خودداری نمودن از گناهان

حدیث :

۳۷۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : تعوذوا بالله من سطوات الله باللیل و النهار قلت : و ما سطوات الله ؟ قال : الاخذ علی المعاصی .

ترجمه :

۳۷۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت گرفتن ها و چیره گشتن های خداوند در شبانه روز به خدا پناه برید. راوی گوید: عرض کردم : سخت گرفتن های خداوند چیست ؟ حضرت فرمود: گرفتن بندگان بر نافرمانی هایشان .

حدیث :

۳۷۹ - عن ابی الحسن علیه السلام قال : حق علی الله ان لا یعصی فی دار الا اضحاها للشمس حتی تطهرها.

ترجمه :

۳۷۹ - امام رضا علیه السلام فرمود: بر خداوند سزاوار است که در هیچ خانه ای نافرمانی اش نشود جز اینکه درون آن خانه را برای خورشید نمایان کند (یعنی سقف آن خانه را بردارد تا خورشید به درون آن بتابد) تا خورشید آن خانه را پاک سازد.

حدیث :

۳۸۰ - عن الهیثم بن واقد الجزری قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان الله عزوجل بعث نبیا من انبیائه الی قومه و

اوحی الیه ان قل لقومک : انه لیس من اهل قریه و لانا من کانوا علی طاعتی فاصابهم فیها سراء فتحولوا عما احب الی ما اکره الا تحولت لهم عما یحبون الی ما یکرهون و لیس من اهل قریه و لا اهل بیت کانوا علی معصیتی فاصابهم فیها ضراء

فتحولوا عما اکره الی ما احب الا تحولت لهم عما یکرهون الی ما یحبون و قل لهم : ان رحمتی سبقت غضبی فلا تقنطوا

من رحمتی فانه لا یتعاضم عندی ذنب اغفره و قل لهم : لا یتعرضوا معاندین لسخطی و لا یستخفوا باولیائی فان لی سطوات

عند غضبی لا یقوم لها شیء من خلقی .

ترجمه :

۳۸۰ - هیشم بن واقد جزری گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند عزوجل پیامبری از پیامبرانش را به سوی قومش مبعوث ساخت و به او وحی فرستاد که به قومت بگو: هیچ اهل قریه ای و هیچ مردمی نبودند که بر طاعت و فرمانبرداری من باشند پس در آن حال به آنان خوشی و شادمانی برسد و آنان از آنچه که مورد پسند من است به سوی آنچه که در نظر من ناپسند است برگردند چ� اینکه من نیز از آنچه که آنان دوست می دارند به سوی آنچه که ناپسند می شمردند باز می گردم و هیچ اهل قریه ای و هیچ اهل خانه ای نبودند که بر نافرمانی من باشند پس در آن حال به آنان ناخوشی برسد و آنان از آنچه که ناپسند من است به سوی آنچه که مورد پسند من است باز گردند چ� اینکه من نیز از آنچه که برای آنان خوشایند است به سوی آنچه که دوست می دارند باز می گردم . و به آنان بگو: رحمت من بر خشم من پیشی دارد بنابراین از رحمت من نومید نشوید زیرا گناهی که از آن چشم پوشی می کنم در نزد من بزرگ نیست و به آنان بگو: در مورد کسانی که با خشم من سر ستیزه دارند پادرمیانی نکنند و دوستان مرا کوچک نشمرند زیرا در هنگام خشم من برای من قهر و غلبه ای است که هیچیک از مخلوقات من در برابر ان تاب ایستادگی ندارد.

حدیث :

۳۸۱ - عن الرضا علیه السلام قال : اوحی الله عزوجل الی نبی ء من الانبیاء: اذا اطعت رضیت و اذا رضیت بارتک و لیس لبرکتی نهاییه و اذا عصیت غضبت و اذا غضبت لعنت و لعنتی تبلغ السابح من الوری .

ترجمه :

۳۸۱ - امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل به سوی یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که : هرگاه اطاعت شوم خوشنود می گردم و هرگاه خوشنود باشم برکت می بخشم و برای خیر و برکت من نهایت و پایانی نیست و هرگاه نافرمانیم شود خشمگین می گردم و هرگاه خشمگین شوم لعنت می فرستم و از رحمت خود دور می کنم و لعنت من تا هفت نسل را فرا می گیرد و به آنان می رسد.

حدیث :

۳۸۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : یقول الله عزوجل اذا عصانی من یعرفنی سلطت علیه من لایعرفنی .

ترجمه :

۳۸۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه کسی که مرا می شناسد نافرمانی ام کند کسی را که مرا نمی شناسد بر او مسلط می گردانم .

حدیث :

۳۸۳ - عن ابی الحسن علیه السلام قال : ان لله عزوجل فی کل یوم و لیله مناد یا ینادی مهلا مهلا عباد الله عن معاصی الله فلو لابهائم رتع و صبیبه رضع و شیوخ رکع لصب علیکم العذاب صبا ترضون به رضا.
ترجمه :

۳۸۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که برای خداوند عزوجل در هر روز و شب ندا دهنده ای هست که ندا در می دهد: ای بندگان خدا دست نگه دارید و درنگ کنید از بجای آوردن معصیتهای الهی ، پس اگر چهارپایان چرنده و کودکان شیرخوار و پیران قد خمیده نبودند عذابی بر شما فرو می ریخت که به سبب آن کوبیده و ریزه ریزه می شدید.
حدیث :

۳۸۴ - محمد به علی بن الحسین علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : قال الله جل جلاله ایما عبد اطاعنی لم اكله الی غیری و ایما عبد عصانی و کتته الی نفسه ثم لم ابال فی ای واد هلك .
ترجمه :

۳۸۴ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند جل و جلاله می فرماید: هر بنده ای که از من فرمان برد او را به غیر خودم وا نمی گذارم و هر بنده ای که نافرمانی ام کند او را به خودش وا می گذارم سپس باکی ندارم که در کجا به هلاکت برسد.
حدیث :

۳۸۵ - و قال رسول الله صلی الله علیه و آله : قال الله عزوجل : اذا عصانی من خلقی من یعرفنی سلطت علیه من خلقی من لا یعرفنی .
ترجمه :

۳۸۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: هرگاه کسی از مخلوقات من که مرا می شناسد نافرمانی ام کند من نیز از مخلوقات خود کسی را که مرا نمی شناسد بر او مسلط می گردانم .
حدیث :

۳۸۶ - عن ابن ابی عمیر عن سمع ابا عبدالله الصادق علیه السلام یقول : ما احب الله من عساه ، ثم تمثل :

تعصى الاله و انت تظهر حبه

هذا محال فى الفعال بدیع

لو كان حبك صادقا لاطعته

ان المحب لمن يحب مطیع

ترجمه :

۳۸۶ - ابن ابی عمیر از کسی که از حضرت صادق علیه السلام شنیده است روایت کند که حضرت فرمود: کسی که نافرمانی

خدا را کند خداوند را دوست ندارد. سپس حضرت این شعر را مثال آورد:

خداوند را عصیان می کنی و دوستی اش را اظهار می کنی

این کاری ناممکن و شگفت است

اگر دوستی ات صادقانه است فرمانبرداری اش کن

به راستی که محب فرمانبردار محبوب است

حدیث :

۳۸۷ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : لو لم یتوعدالله علی معصيته لكان یجب ان لا یعصى شکرا لنعمه .

ترجمه :

۳۸۷ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: (حتی) اگر خداوند هم بر معصیتش وعید دوزخ را نداده بود باز هم به خاطر شکر نعمتهایش واجب بود که معصیت نشود.

حدیث :

۳۸۸ - و قال علیه السلام : من العصمه تعدر المعاصی .

ترجمه :

۳۸۸ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از (اسباب) پاکدامنی دشواری و محال گردیدن (انجام) گناهان است (زیرا اگر انجام گناهی دشوار یا محال گردید آدمی از آن گناه به دور می ماند و این خود سبب پاکی می گردد).

حدیث :

۳۸۹ - و قال علیه السلام فی بعض الاعیاد: انما هو عید لمن قبل الله صیامه و شکر قیامه و کل یوم تعصی الله فیه فهو یوم عید.

ترجمه :

۳۸۹ - امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از عیدها فرمود: این روز برای کسی عید است که خداوند روزه اش را پذیرفته از نمازش تشکر به جای آورده است و هر روزی که در آن مرتکب معصیت خدا نشوی آن روز، روز عید است .

۴۲ - باب وجوب اجتناب الشهوات و اللذات المحرمه

۴۲ - باب وجوب خودداری کردن از شهوات و لذتهای حرام

حدیث :

۳۹۰ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الجنه محفوفه بالمکاره و الصبر فمن صبر علی المکاره فی الدنيا دخل الجنه و جهنم محفوفه باللذات و الشهوات فمن اعطی نفسه لذتها و شهوتها دخل النار.

ترجمه :

۳۹۰ - امام باقر علیه السلام فرمود: بهشت با سختی ها و صبر پوشیده است پس کسی که بر سختی های دنیا صبر کند به بهشت وارد می شود. و دوزخ با لذتها و شهوتها پوشیده است پس کسی که به نفس خود لذت و شهوت نفسانی را ببخشد به آتش داخل می گردد.

حدیث :

۳۹۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام ترک الخطیئه ایسر من طلب التوبه و کم من شهوه ساعه اورثت حزنا طویلا و الموت فضح الدنیا فلم یترک لذی لب فرحا.

ترجمه :

۳۹۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ترک گناه از طلب توبه آسانتر است و چه بسا ساعتی به شهوت گذراندن باعث اندوه طولانی شود، و مرگ ، دنیا را رسوا می کند و برای خردمند شادی نمی گذارد.

حدیث :

۳۹۲ - عن علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : طوبی لمن ترک شهوه حاضره لموعده لم یره .

ترجمه :

۳۹۲ - امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال کسی که میل نفسانی حاضر و آماده را به خاطر وعده ای که آن را ندیده است ترک کند.

۴۳ - باب وجوب اجتناب المحقرات من الذنوب

۴۳ - باب وجوب خودداری کردن از گناهی که کوچک شمرد می شوند

حدیث :

۳۹۳ - قال ابو عبدالله علیه السلام : اتقوا المحقرات من الذنوب فانها لاتغفر قلت : و ما المحقرات ؟ قال : الرجل یذنب الذنب فیقول : طوبی لی ان لم یکن لی غیر ذلک .

ترجمه :

۳۹۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: از گناهی که کوچک شمرد می شوند بترسید زیرا آنها بخشیده نمی شوند. روای گوید: عرض کردم : گناهان کوچک کدامند؟ حضرت فرمود: اینکه مرد گناهی کند و بگوید: خوشا به حال من اگر جز این گناه گناهی دیگر نداشتم .

حدیث :

۳۹۴ - عن سماعه قال سمعت ابا الحسن علیه السلام یقول : لاتستکثروا اکثر الخیر و لاتستقلوا قلیل الذنوب فان قلیل الذنوب یجتمع حتی یكون کثیرا و خافوا الله فی السر حتی تعطوا من انفسکم النصف .

ترجمه :

۳۹۴ - سماعه گوید، از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: کارهای خیر زیاد را زیاد نشمرید و گناهان کم را کم ندانید زیرا گناهان کم جمع می شوند و زیاد می گردند و از خداوند در پنهانی بترسید تا آنجا که خودتان درباره خود به انصاف رفتار کنید.

حدیث :

۳۹۵ - قال ابو عبدالله عليه السلام : ان رسول الله صلى الله عليه و آله نزل بارض قرعاء ما بها من حطب فقال صلى الله عليه و آله : فليات كل انسان بما قدر عليه فجاءوا به حتى رموا بين يديه بعضه على بعض فقال رسول الله صلى الله عليه و آله : هكذا تجتمع الذنوب ثم قال : اياكم و المحقرات من الذنوب فان لكل شىء طالبا الا و ان طالبها يكتب ما قدموا و اثارهم و كل شىء احصيناه فى امام مبین .

ترجمه :

۳۹۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله (با یاران خود) در زمین بی گیاه فرود آمدند، حضرت به یاران خود فرمود: مقداری هیزم بیاورید، عرض کردند: ای رسول خدا ما در مکانی بی گیاه هستیم و در اینجا هیزم نیست . حضرت فرمود: هر کدام از شما به اندازه ای که می توانید بیاورید، (چیزی نگذشته بود که) هر کدام مقداری هیزم آوردند و در مقابل پیامبر روی هم ریختند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گناهان نیز اینگونه جمع می شوند سپس فرمود: از گناهان کوچک حذر کنید زیرا هر چیز جوینده ای دارد و همانا جوینده گناهان (که فرشته است) آنچه را که (مردم) پیش فرستاده اند و اثرهای آنها را می نویسد (و هر چیز را در پیشوایی آشکار فراهم کرده ایم) (۹۰)

حدیث :

۳۹۶ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : اتقوا المحقرات من الذنوب فان لها طالبا: يقول احدكم : اذنب و استغفر ان الله عزوجل يقول : (و نكتب ما قدموا و اثارهم و كل شىء احصيناه فى امام مبین) و قال عزوجل : (انها ان تک مثقال حبه من خردل فتکن فى صخره او فى السماوات او فى الارض يات بها الله ان الله لطيف خبير).

ترجمه :

۳۹۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: از گناهانی که کوچک شمرده می شوند پرهیز کنید زیرا آن گناهان (نیز) فرشته ای جوینده دارد، کسی از شما می گوید: گناه می کنم و (پس از آن) استغفار می کنم ، به راستی که خدای عزوجل می فرماید:

(و ما آنچه را که پیش فرستاده اند و آثار آنها را می نویسیم و هر چیزی را در پیشوایی آشکار گرد آورده ایم) (۹۱) و می فرماید: (به درستی که اگر آن به اندازه دانه خردلی در دل سنگی بزرگ و یا در آسمانها یا در زمین باشد خداوند بیاردش همانا که خداوند باریک بین و آگاه است) (۹۲)

حدیث :

۳۹۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لا یصغر ما ینفع یوم القیامه و لا یصغر ما یضر یوم القیامه فکونوا فیما اخبرکم الله عزوجل کمن عاین .

ترجمه :

۳۹۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: چیزی که در روز قیامت سودمند است کوچک نیست و چیزی که در روز قیامت زیانبار است ناچیز نیست پس در آنچه که خداوند عزوجل به شما خبر داده است مانند کسی باشید که به چشم خود همه آنها را دیده است .

حدیث :

۳۹۸ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : اشد الذنوب ما استهان به صاحبه .

ترجمه :

۳۹۸ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سخت ترین گناهان گناهی است که انجام دهنده آن ، آن را ناچیز بشمرد.

حدیث :

۳۹۹ - و قال علیه السلام : اشد الذنوب ما استخف به صاحبه .

ترجمه :

۳۹۹ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سخت ترین گناهان گناهی است که انجام دهنده آن ، آن را سبک بشمارد.

حدیث :

۴۰۰ - عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی حدیث المناهی ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال : لاتحقروا

شیئا من الشر و ان صغر فی اعینکم و لا تستکثروا شیئا من الخیر و ان کثر فی اعینکم فانه لا کبیر مع الاستغفار و لاصغیر

مع الاصرار.

ترجمه :

۴۰۰ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی که از امور مورد نهی سخن به میان آمده است روایت کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ بدی و شری را اگر چه در نظر شما کوچک باشد کوچک نشمرید و هیچ خیری را اگر چه در چشم شما زیاد باشد زیاد مشمرید زیرا با وجود استغفار (دیگر گناه) بزرگ وجود ندارد و با اصرار و پافشاری (بر گناه دیگر گناه) کوچک نیست (زیرا با استغفار می توان از گناه بزرگ طلب آمرزش نمود و با اصرار بر گناه، گناه کوچک تبدیل به گناه بزرگ می شود).

حدیث :

۴۰۱ - عن محمد بن علی علیه السلام انه قال لمحمد بن مسلم فی حدیث : لا تستصغرن حسنه ان عملها فانک تراها حیث تسرک و لا تستصغرن سیئه عملها فانک تراها حیث تسووک الحدیث .

ترجمه :

۴۰۱ - امام باقر علیه السلام در حدیثی به محمد بن مسلم فرمود: کار نیکی را که به جای می آوری کوچک مشمار زیرا کار نیک را در جایی می بینی که شادمانت می کند و عمل زشتی را که انجام می دهی کوچک مشمار زیرا آن را در جایی می نگری که بد حالت می کند (مراد از آن جا صحنه قیامت است).

حدیث :

۴۰۲ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : من الذنوب التي لا تغفر قول الرجل لیتنی لا اوأخذ الا بهذا.

ترجمه :

۴۰۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از گناهایی که بخشیده نمی شود این است که کسی (گناهی کند و) بگوید: ای کاش تنها فقط به همین گناه مواخذه می شدم .

حدیث :

۴۰۳ - و قال علیه السلام : ایاکم و محقرات الذنوب فان لها من الله طالبا و انها لتجتمع علی المرء حتی تهلكه .

ترجمه :

۴۰۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: از گناهایی که کوچک شمرده می شوند بپرهیزید زیرا آن گناهان (نیز) از جانب خداوند جوینده ای دارد (یعنی فرشته ای که طلب کننده و پی گیری کننده گناهان کوچک است) و به راستی که گناهان کوچک بر آدمی جمع می شوند تا آنجا که او را به هلاکت می افکنند.

حدیث :

۴۰۴ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان الله كتم ثلاثه فى ثلاثه كتم رضاه فى طاعته و كتم سخطه فى معصيته و كتم و ليه فى خلقه فلا يستخفن احدكم شيئاً من الطاعات فانه لا يدري فى ايها رضى الله و لا يستقلن احدكم شيئاً من المعاصى فانه لا يدري فى ايها سخط الله و لا يزرين احدكم باحد من خلق الله فانه لا يدري ايهم ولى الله .

ترجمه :

۴۰۴ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: همانا خداوند سه چیز را در سه چیز پنهان نموده است : رضایت و خوشنودی اش را در طاعتش و خشمش را در معصیت و مافرمانی اش و ولی خود را در میان خلقتش پنهان ساخته است پس مبادا کسی از شما یکی از طاعات را سبک بشمرد زیرا او نمی داند که رضایت و خوشنودی خداوند در کدام طاعت او پنهان است و مبادا یکی از معصیتها را کم بشمرد زیرا او نمی داند که خشم خدا در کدامیک از گناهان نهان است و مبادا یکی از خلق خدا را بی قدر و ارزش بداند زیرا نمی داند که کدامیک از آنها ولی خداوند است .

حدیث :

۴۰۵ - قال و من كلامه صلى الله عليه و آله : لاتنظروا الى صغير الذنب و لكن انظروا الى ما اجتراتم .

ترجمه :

۴۰۵ - و از کلام رسول خدا صلى الله عليه و آله است که : به کوچکی گناه نکنید بلکه به چیزی که بر آن جرات یافته اید بنگرید. (بنگرید به اینکه بر نافرمانی خدا دلیر گشته اید و این بسیار بزرگ است).

حدیث :

۴۰۶ - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : من هم بالسيئه فلا يعملها فانه ربما عمل العبد السيئه فيراه الرب فيقول : و عزتى و جلالى لا اغفر لك ابدا.

ترجمه :

۴۰۶ - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که قصد انجام دادن گناهی را نمود نباید آن را انجام دهد زیرا چه بسا بنده گناهی را مرتکب می شود و پروردگارش او را می بیند و می گوید: سوگند به عزت و بزرگی ام که دیگر هرگز تو را نمی بخشایم .

۴۴ - باب تحريم كفران نعمه الله

حدیث :

۴۰۷ - عن سدیر قال : قال رجل ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل : (فقالوا ربنا باعد بين اسفارنا و ظلموا انفسهم) الايه فقال : هولاء قوم كانت لهم قری متصله ينظر بعضها الى بعض و انهار جاريه و اموال ظاهره فكفروا نعم الله و غيروا ما بانفسهم من عافيه الله فغير الله ما بهم من نعمه و (ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم) فارسل الله عليهم سيل العرم فغرق قراهم و خرب ديارهم و ذهب باموالهم و ابدلهم مكان جناتهم جنتين ذواتى اكل خمط و اثل و شىء من سدر قليل ثم قال : (ذلك جزيناهم بما كفروا و هل نجازى الا الكفور).

ترجمه :

۴۰۷ - سدیر گوید: مردی از امام صادق علیه السلام درباره این گفتار خدای عزوجل پرسید که می فرماید: (پس گفتند: ای پروردگار ما، بین سفرهای ما دوری بیفکن ، و بر خود ستم کردند و ما هم آنها را را حکایت گردانیدیم و پراکنده شان ساختیم) (۹۳) حضرت فرمود: آنها گروهی بودند که روستاهای متصل و به هم پیوسته ای داشتند به گونه ای که ساکنان روستاهای مجاور را می دیدند و دارای جویهای جاری و اموال آشکار بودند پس نعمتهای خداوند را ناسپاسی کردند و سلامت و عافیتی را که خداوند به آنان داده بود دگرگون ساختند خداوند نیز نعمتی را که به آنان بخشیده بود دگرگون ساخت (و خداوند وضعیت قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنان خود را تغییر دهند) (۹۴) پس خداوند سیل سختی را بر آنان فرستاد و روستاهایشان را به زیر آب برد و خانه هایشان را ویران ساخت و اموالشان را از بین برد و به جای باغهایشان دو باغ که دارای میوههای تلخ و درخت شورگز و مقدار کمی سدر بودند برای آنها بر جای گذاشت سپس فرمود: (این جزایی که به آنان دادیم به سبب کفران آنان بود و آیا جز ناسپاس را جزا می دهیم ؟) (۹۵)

حدیث :

۴۰۸ - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : مكتوب في التوراه اشكر من انعم عليك و انعم على من شكرک فانه لا زوال للنعماء اذا شكرت و لا بقاء لها اذا كفرت ، الشكر زياده في النعم و امان من الغير.

ترجمه :

۴۰۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: در تورات نوشته شده است: شکر کسی را که به تو نعمت بخشیده است به جای آور و به کسی که از تو قدردانی می کند نعمت ببخش زیرا اگر سپاس نعمتها به جای آورده شود نعمتها زائل نمی شوند و اگر ناسپاسی شود نعمتی باقی نمی ماند. پس شکرگزاری مایه زیادت نعمت و باعث ایمنی از تغییر نعمت است .

۴۵ - باب وجوب اجتناب الكبائر

۴۵ - باب وجوب خودداری کردن از گناهان کبیره

حدیث :

۴۰۹ - عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعته یقول : (و من یوت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا) قال : معرفه الامام و اجتناب الكبائر التی اوجب الله علیها النار .

ترجمه :

۴۰۹ - ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره این آیه که می فرمود: (به هر کس حکمت داده شود خیر فراوان به او داده شده) (۹۶) فرمود: مراد از خیر فراوان معرفت و شناخت امام و دوری کردن از گناهان کبیره ای است که خداوند آتش را بر ارتکاب آنها واجب ساخته است .

حدیث :

۴۱۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلا کریم) قال : الكبائر التی اوجب الله عزوجل علیها النار .

ترجمه :

۴۱۰ - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (اگر خودداری کنید از کبیره هایی که از آنها نهی شده اید از گناهانتان در می گذریم و شما را در محلی گرمی در می آوریم) (۹۷) فرمود: مراد از کبیره ها، گناهانی هستند که خدای عزوجل بر انجام آنها آتش دوزخ را واجب ساخته است .

حدیث :

۴۱۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ما من عبد الا و علیه اربعون جنه حتی یعمل

اربعین کبیره فاذا عمل اربعین کبیره انکشف عنه الجنن .

ترجمه :

۴۱۱ - امام صادق علیه السلام روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه بر او چهل پرده (یا سپر) هست تا اینکه مرتکب چهل گناه کبیره شود که اگر چنین کند این پرده ها (یا سپرها) کنار می رود. (در این صورت گناه در نزد او زشتی ندارد و به قساوت قلب دچار می گردد).

حدیث :

۴۱۲ - قال الصادق علیه السلام : من اجتنب الكبائر یغفرالله جمیع ذنوبه و ذلك قول الله عزوجل (ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم و ندخلکم مدخلا کریمًا).

ترجمه :

۴۱۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از گناهان کبیره دوری کند خداوند همه گناهانش را می بخشد و این معنای گفتار خدای عزوجل است که می فرماید: (اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهانتان در می گذریم و شما را در محلی گرامی در می آوریم .) (۹۸)

حدیث :

۴۱۳ - عن ابی الحسن علیه السلام فی قول الله عزوجل : (ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم) قال : من اجتنب الكبائر ما اوعد الله علیه النار اذا كان مومنا كفر الله عنه سيئاته .

ترجمه :

۴۱۳ - امام رضا علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهانتان در می گذریم) (۹۹) فرمود: کسی که از کبیره هایی که خداوند وعده آتش دوزخ بر آنها داده است دوری کند اگر مومن باشد خداوند از گناهان او چشم پوشی می کند.

حدیث :

۴۱۴ - عن عباد بن کثیر النواء قال : سالت ابا جعفر علیه السلام عن الكبائر فقال : کل ما اوعد الله علیه النار.

ترجمه :

۴۱۴ - عباد بن کثیر (که هسته خرما فروش بود) گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم که کبائر کدام گناهان هستند؟

حضرت فرمود: هر گناهی که خداوند بر انجام آن وعده آتش دوزخ را داده است .

حدیث :

۴۱۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : قد سمی الله المومنین بالعمل الصالح مومنین و لم یسم من ركب الكبائر و ما وعدالله عزوجل علیه النار مومنین فی قرآن و لاثرا و لانسمهم بالایمان بعد ذلك الفعل .
ترجمه :

۴۱۵ - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: خداوند مومنین را به خاطر عمل شایسته آنان مومن نامیده است و کسانی را که گناهان کبیره و گناهانی که خداوند عزوجل وعده آتش بر آنها داده است را مرتکب می شوند را نه در قرآن و نه در هیچ اثری مومن نامیده است و ما هم آنان را پس از انجام چنین گناهانی مومن نمی نامیم .
حدیث :

۴۱۶ - عن الرضا علیه السلام قال : من اقر بالتوحید و نفی التشبیه الی ان قال و اقر بالرجعه بالیقین و اجتنب الكبائر فهو مومن حقا و هو من شیعتنا اهل البیت .
ترجمه :

۴۱۶ - امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که به یگانگی خداوند و مثل و مانند نداشتن خداوند اقرار کند و اعتراف کند که به رجعت یقین دارد و از انجام کبائر خودداری کند چنین کسی مومن حقیقی است و از شیعیان ما اهل بیت است .
حدیث :

۴۱۷ - عن زراره قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : ارایت قول رسول الله صلی الله علیه و آله : لایزنی الزانی و هو مومن قال : ینزع منه روح الایمان .
ترجمه :

۴۱۷ - زراره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : درباره گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: (شخص زناکار در حالی که مومن است زنا نمی کند) به من خبر ده حضرت فرمود: (زیرا وقتی که زنا می کند) روح ایمان از او جدا می شود.

۴۶ - باب تعیین الكبائر التي يجب اجتنابها

۴۶ - باب معین نمودن گناهان کبیره ای که دوری از آنها واجب است
حدیث :

۴۱۸ - عن ابن محبوب قال كتب معي بعض اصحابنا الى ابي الحسن عليه السلام يساله عن البكائر كم هي و ما هي ؟
فكتب الكبائر من اجتنب ما وعد الله عليه النار كفر عنه سيئاته اذا كان مومنا و السبع الموجبات قتل النفس الحرام و عقوق
الوالدين و اكل الربا و التعرب بعد الهجره و قذف المحصنه و اكل مال اليتيم و الفرار من الزحف .
ترجمه :

۴۱۸ - ابن محبوب گوید: یکی از اصحاب ما همراه با من به امام رضا علیه السلام نوشتم که : کبائر چند تاست و کدامند؟
حضرت در پاسخ نوشت : هر کس از گناهایی که خداوند بر آنها وعده آتش دوزخ را داده است دوری کند اگر مومن باشد
خداوند از گناهانش چشم پوشی می کند و هفت گناهی که موجب آتش است عبارتند از:
کشتن نفسی که کشتنش حرام است و آزردن پدر و مادر و ربا خواری و بازگشتن به حالت اعرابی پس از هجرت نمودن (به
دار الایمان) و نسبت زنا دادن و متهم کردن زن شوهر دار و خوردن مال یتیم و گریختن از جهاد.
حدیث :

۴۱۹ - عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی قال : حدثني ابو جعفر الثاني عليه السلام قال : سمعت ابي يقول : سمعت ابي
موسی بن جعفر عليه السلام يقول : دخل عمرو بن عبید علی ابي عبدالله عليه السلام فلما سلم و جلس تلا هذه الايه (و
الذين يجتنبون كبائر الاثم و الفواحش) ثم امسك فقال له ابو عبدالله عليه السلام : ما اسكتك ؟ قال : احب ان اعرف الكبائر
من كتاب الله عزوجل فقال : نعم يا عمرو اكبر الكبائر الاشرک بالله يقول : الله من يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنه و
بعده الاياس من روح الله لان الله عزوجل يقول (لا يياس من روح الله الا القوم الكافرون) ثم الامن من مكر الله لان الله
عزوجل يقول (فلا يامن مكر الله الا القوم الخاسرون) و منها عقوق الوالدين لان الله سبحانه جعل العاق جبارا شقيا و قتل
النفس التي حرم الله الا بالحق لان الله عزوجل يقول : (فجزاوه جهنم خالدا فيها) الى آخر الايه و قذف المحصنه لان الله
عزوجل يقول : (لعنوا في الدنيا و الاخره و لهم عذاب عظيم) و اكل مال اليتيم لان الله عزوجل يقول : (انما ياكلون في
بطونهم نارا و سيصلون سعيرا) و الفرار من الزحف لان الله عزوجل يقول : (و من يولهم يومئذ دبره الا متحرفا لقتال او متحيزا
الى فئه فقد باء بغضب من الله و ماواه جهنم و بس المصير) و اكل الربا لان الله عزوجل يقول : (الذين ياكلون الربا لا يقومون
الا كما يقوم الذي يتخبطه الشيطان من المس) و السحر لان الله عزوجل يقول : (و لقد علموا لمن اشتراه ما له في الاخره
من خلاق) و الزنا لان الله عزوجل يقول : (و من يفعل ذكل يلق اثاما يضاعف له العذاب يوم القيامة و يخلد فيه مهانا) و
اليمين الغموس الفاجر لان الله عزوجل يقول : (ان الذين يشترون بعهد الله و ايمانهم ثمنا قليلا اولئك لا خلاق لهم في

الاخره) و الغلول لان الله عزوجل يقول : (و من يغلل يات بما غل يوم القيامة) و منع الزكاه المفروضه لان الله عزوجل يقول : (فتكوى بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم) و شهاده الزور و كتمان الشهاده لان الله عزوجل يقول : (و من يكتمها فانه آثم قلبه) و شرب الخمر لان الله عزوجل نهى عنها كما نهى عن عباده الاوثان و ترك الصلاه متعمدا او شيئا مما فرض الله عزوجل لان رسول الله صلى الله عليه و آله قال : من ترك الصلاه متعمدا فقد برى من ذمه الله و ذمه رسوله و نقض العهد و قطيعه الرحم لان الله عزوجل يقول : (لهم اللعنه و لهم سوء الدار) قال : فخرج عمرو و له صراخ من بكائه و هو يقول : هلك من قال برايه و نازعكم فى الفضل و العلم .

ترجمه :

۴۱۹ - جناب عبدالعظيم حسنى از امام جواد عليه السلام روايت كند كه فرمود: از پدرم امام رضا عليه السلام شنيدم كه مى فرمود: از پدرم موسى بن جعفر عليه السلام شنيدم كه مى فرمود: عمر بن عبید بر امام صادق عليه السلام وارد شد پس چون سلام كرد و نشست اين آيه را تلاوت كرد (و كسانى كه از گناهان بزرگ و زشتى ها خوددارى مى كنند) سپس خاموش شد. امام صادق عليه السلام فرمود: چه چيزى باعث شد كه ساكت شوى و ادامه ندهى ؟ عرض كرد: دوست دارم بدانم كه مراد از كباير در كتاب خداى عزوجل چيست ؟ حضرت فرمود: آرى اى عمر! بزرگترين گناهان كبيره شرك و رزیدن به خداوند است ، خداوند مى فرمايد: هر كس به خدا شرك بورزد خداوند بهشت را بر او حرام مى گرداند. و بعد از شرك ، نوميد شدن از رحمت خداست زيرا خداوند عزوجل مى فرمايد: (از رحمت خداوند نوميد نمى شوند مگر گروه كافران) (۱۰۰) پس از آن ، ايمن بودن از مكر خدا است زيرا خداى عزوجل مى فرمايد: (از مكر خداوند ايمن نمى گردند مگر گروه زيانكاران) (۱۰۱) و يكي ديگر از گناهان كبيره آزار رساندن به پدر و مادر است زيرا خداوند سبحان آزاردهنده به پدر و مادر را ستمگر و تيره بخت گردانده است . و ديگرى كشتن نفسى است كه خداوند به ناحق كشتن او را حرام كرده است ، زيرا خداوند عزوجل مى فرمايد: (جزاى كسى كه قتل نفس كند جهنم است و در جهنم جاويدان مى ماند) (۱۰۲) و ديگرى نسبت ناروا دادن به زن شوهردار، زيرا خداوند عزوجل مى فرمايد: (كسانى كه نسبت ناروا به زنان شوهردار مى دهند در دنيا و آخرت مورد لعنت هستند و عذاب بزرگى براى آنان است) (۱۰۳) و ديگرى خوردن مال يتيم زيرا خداوند عزوجل مى فرمايند: (خوردگان مال يتيم در شكمهاشان آتش مى خورند و به زودى به دوزخ در آيند) (۱۰۴) و ديگرى فرار از جهاد زيرا خداى عزوجل مى فرمايد: (و هر كه در آن روز به آنان پشت كند جز اينكه به كنارى براى جنگيدن رفته باشد يا براى جا گرفتن در ميان گروهى از بازگستگاهى است) (۱۰۵) و ديگرى رباخوارى است زيرا خداوند عزوجل مى فرمايد: (آنانكه ربا مى خورند بر نمى خيزند مگر

مانند برخاستن کسی که شیطان او را از روی دیوانگی به بیراهه می برد) (۱۰۶) و دیگری جادوگری است زیرا خداوند عزوجل می فرماید: (و به حقیقت دانستند که هر کس آن را خرید در آخرت هیچ بهره ای برای او نیست) (۱۰۷) و دیگری زنا است زیرا خدای عزوجل می فرماید: (و کسی که مرتکب زنا شود عقوبت می شود و عذاب او در روز قیامت دو چندان می شود و با خواری در عذاب جاوید می ماند) (۱۰۸) و دیگری سوگند دروغ نابکارانه است زیرا خدای عزوجل می فرماید: (به درستی که آنان که بهای اندکی را در عوض پیمان الهی و سوگندهایشان می گیرند بهره ای برای آنان در آخرت نیست) (۱۰۹) و دیگری خیانت و ناراستی است زیرا خدای عزوجل می فرماید: (و کسی که خیانت کند در روز قیامت با آنچه که خیانت کرده است می آید) (۱۱۰) و دیگری خودداری کردن از پرداخت زکارت واجب، زیرا خدای عزوجل می فرماید: - (پس پیشانی ها و پشتهایشان داغ کرده می شود) (۱۱۱) و دیگری شهادت دروغ و کتمان نمودن شهادت است زیرا خدای عزوجل می فرماید: (و کسی که شهادت را کتمان کند قلبش گناهکار است) (۱۱۲) و دیگری نوشیدن شراب است زیرا خدای عزوجل از آن نهی فرموده است همچنانکه از عبادت بتها نهی نموده است و دیگری ترک نمودن عمدی نماز یا یکی از چیزهایی که خداوند عزوجل واجب ساخته است زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: (کسی که نماز را از روی عمد ترک کند از کفالت و حمایت خداوند و رسولش خارج شده است)، و دیگری پیمان شکنی و بریدن پیوند خویشاوندی است زیرا خدای عزوجل می فرماید: (برای چنین کسانی دوری از رحمت و سرای بدی خواهد بود) (۱۱۳) امام موسی بن جعفر علیه السلام در اینجا فرمود: (وقتی سخن پدرم امام صادق علیه السلام به اینجا ختم شد) عمر بن عبید برخاست و بیرون رفت در حالی که از گریه اش بانگ و فریادی برپا بود و می گفت: هر کس به رای خود سخن گوید و با شما خاندان پیامبر در فضیلت و دانش به خصومت برخیزد هلاک خواهد شد.

حدیث:

۴۲۰ - عن الاصبح بن نباته قال : جاء رجل الى امير المؤمنين عليه السلام فقال : يا امير المؤمنين ان ناسا زعموا ان العبد لا يزني و هو مومن و لا يسرق و هو مومن و لا يشرب الخمر و هو مومن و لا ياكل الربا و هو مومن و لا يسفك الدم الحرام و هو مومن فقال امير المؤمنين عليه السلام : صدقت سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول و الدليل كتاب الله و ذكر الحديث الى ان قال و قد تاتي عليه حالات فيهم بالخطيئه فتشجعه روح القوه و يزين له روح الشهوده و تقوده روح البدن حتى يواقع الخطيئه فاذا لامسها نقص من الايمان و تفصي منه فليس يعود فيه حتى يتوب فاذا تاب تاب الله عليه و ان عاد ادخله نار جهنم .

ترجمه :

۴۲۰ - اصبح بن نباته گوید: مردی به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: ای امیرمومنان! همانا برخی از مردم معتقدند که بنده در حالی که مومن باشد نه زنا می کند نه دزدی و نه شراب می نوشد و نه ربا می خورد و نه خوبی را به حرام می ریزد، پس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: راست گفתי (زیرا) من همین حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم و دلیل بر درستی آن کتاب خداست، و گاهی برای مومن حالاتی پیش می آید که در آن حالات قصد می کند که مرتکب گناه شود پس روح قوت و توانایی او را بر این کار جرات می بخشد و روح شهوت آن کار را برای او زینت داده و زیبا جلوه می دهد و روح بدن او را رهبری می کند تا آنکه به گناه تن در می دهد پس زمانی که با گناه تماس حاصل کرد از ایمانش کاسته می شود از ایمان رها می گردد و ایمانش باز نمی گردد مگر اینکه توبه کند که اگر توبه کرد خداوند توبه اش را می پذیرد و اگر به گناهکاری بازگشت خداوند او را به آتش دوزخ داخل می کند.

حدیث :

۴۲۱ - عن عبید بن زرارہ قال : سالت ابا عبد الله عليه السلام عن الكبائر فقال : هن فی کتاب علی علیه السلام سبع الکفر بالله و قتل النفس و عقوق الوالدین و الک الربا بعد البینه و اکل مال الیتیم ظلما و الفرار من الزحف و التعرب بعد الهجره قال : فقلت ، هذا اکبر المعاصی فقال : نعم قلت : فاکل الدرهم من مال الیتیم ظلما اکبر ام ترک الصلاه قال : ترک الصلاه قلت : فما عدت ترک الصلاه فی الكبائر قال : ای شیء اول ما قلت لك قلت : الکفر قال : فان تارک الصلاه کافر یعنی من غیر عله .

ترجمه :

۴۲۱ - عبید بن زرارہ گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گناهان کبیره سوال کردم حضرت فرمود: گناهان کبیره چنانکه در کتاب علی علیه السلام آمده است هفت گناه است : کفر به خداوند و کشتن نفس (محترم) و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن ربا بعد از آشنایی و آگاهی از آن و مال یتیم را به ستم خوردن و فرار از جهاد و پس از هجرت به دارالایمان دوباره به حالت اعرابی بودن بازگشتن . عبید بن زرارہ گوید: عرض کردم : آیا اینها بزرگترین گناهانند؟ حضرت فرمود: آری . عرض کردم : پس آیا یک درهم از مال یتیم را به ستم خوردن بزرگتر است یا ترک نمودن نماز؟ حضرت فرمود: ترک نمودن نماز. عرض کردم : پس چرا ترک نماز را در شمار گناهان کبیره نیاوردی ؟ حضرت فرمود: اولین چیزی که از گناهان کبیره برایت

بر شمردم چه بود؟ عرض کردم : کفر. حضرت فرمود: به راستی کسی که بدون علت (موجهی) نماز خود را ترک کند کافر است .

حدیث :

۴۲۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی القنوت فی الوتر الی ان قال و استغفر لذنبک العظیم ثم قال کل ذنب عظیم .

ترجمه :

۴۲۲ - امام صادق علیه السلام به روای فرمود: در قنوت نماز شب (فلان دعا و فلان دعا را بخوان) - تا آنجا که فرمود: - و

برای گناه بزرگت از درگاه خداوند طلب بخشایش کن . سپس فرمود: تمامی گناهان بزرگ اند.

حدیث :

۴۲۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الكبائر سبع قتل المومن متعمدا و قذف المحصنه و الفرار من الزحف و التعرف بعد

الهجره و اکل مال الیتیم ظلما و اکل الربا بعد البینه و کل ما اوجب الله علیه النار.

ترجمه :

۴۲۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: گناهان کبیره هفت گناه است : کشتن مومنی از روی عمد و نسبت ناروا دادن به زن

شوهر دار و فرار از روی ستم و ربا خواری بعد از آشنایی و آگاهی و هر گناهی که خداوند آتش دوزخ را بر (انجام دهنده) آن

واجب ساخته است .

حدیث :

۴۲۴ - عن عبدالله بن سنان قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان من الكبائر عقوق الوالدین و الیاس من روح الله و

الامن من مکر الله .

ترجمه :

۴۲۴ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: همانا آزار رساندن به پدر و مادر و ناامیدی از

رحمت خداوند و ایمنی از مکر خداوند از گناهان کبیره است .

حدیث :

۴۲۵ - و قد روی اکبر الكبائر الشرك بالله .

ترجمه :

۴۲۵ - روایت شده است که بزرگترین گناهان کبیره شرک ورزیدن به خداوند است .

حدیث :

۴۲۶ - عن حماد عن نعمان الرازی قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : من زنى خرج ما الايمان و من شرب الخمر خرج من الايمان و من افطر يوما من شهر رمضان متعمدا خرج من الايمان .

ترجمه :

۴۲۶ - حماد از نعمان رازی روایت کند که : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که زنا کند از ایمان بیرون می رود و کسی که شراب بنوشد از ایمان بیرون می رود و کسی که از روی عمد یک روز ماه رمضان را روزه خواری کند از ایمان بیرون می رود.

حدیث :

۴۲۷ - عن محمد بن عبده قال : قلت لابی عبدالله عليه السلام : لایزنی الزانی و هو مومن قال لا اذا كان علی بطنها سلب الايمان فاذا قام رد اليه فاذا عاد سلب قلت فانه يريد ان يعود فقال ما اكثر من يريد ان يعود فلا يعود اليه ابدا.

ترجمه :

۴۲۷ - محمد بن عبده گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : آیا شخص زناکار در حالی که ایمان داشته باشد مرتکب زنا نمی شود؟ فرمود: نه ، چنین کسی در آن حالتی که بر روی شکم آن زن قرار می گیرد ایمانش سلب می شود و هنگامی که بر می خیزد دوباره ایمان به او باز می گردد و اگر دوباره به زنا پردازد ایمانش سلب می گردد. عرض کردم : کسی که زنا می کند قصد دارد این عمل را دوباره مرتکب گردد (چگونه ایمانی که از او سلب شده دوباره باز می گردد؟) فرمود: چه بسیار کسانی که می خواهند باز گردند ولی هرگز (به ارتکاب این عمل شنیع) باز نمی گردند.

حدیث :

۴۲۸ - عن ابی عبدالله عليه السلام فی قول الله عزوجل : (الذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش الا اللمم) فقال : الفواحش الزنا و السرقة و اللمم الرجل یلم بالذنب فیستغفر الله منه .

ترجمه :

۴۲۸ - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (آنانکه از گناهان بزرگ و ناشایسته ها دوری می گزینند مگر گناه کوچک) (۱۱۴) فرمود: مراد از ناشایسته ها زنا و دزدی است و مراد از گناه کوچک این است که کسی مرتکب گناهی می شود و در پی آن از خداوند به خاطر آن گناه طلب آمرزش می کند.

حدیث :

۴۲۹ - عن داود قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عن قول رسول الله صلى الله عليه و آله اذا زنى الرجل فارقه روح الايمان قال : فقال : هو مثل قول الله عزوجل : (و لا تيمموا الخبيث منه تنفقون) ثم قال غير هذا ابين منه ذلك قول الله عزوجل : (و ايدهم بروح منه) هو الذى فارقه .

ترجمه :

۴۲۹ - داود گوید: از امام صادق علیه السلام از گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم که فرموده است : هرگاه مردی مرتکب زنا شود روح ایمان از او جدا می شود پس حضرت فرمود: این سخن پیامبر همانند گفتار خدای عزوجل است که می فرماید: (و قصد مکنید (مال) پلید را که از آن انفاق کنید) (۱۱۵) (زیرا همچنانکه مال پلید و طیب دارد روح هم با قصد و عمل پلید، پلید می شود و روح طیب که همان روح ایمان است مفارقت می کند) آنگاه می فرماید: کلامی دیگر از خداوند واضح تر از این است و آن ، این سخن خدای عزوجل است : (و ایشان را با روحی از جانب خود یاری داد) (۱۱۶) این روح است که از شخص زانی جدا می شود.

حدیث :

۴۳۰ - عن مسعده بن صدقه قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : الكبائر القنوط من رحمه الله و الياس من روح الله و الامن من مكر الله و قتل النفس التى حرم الله و عقوق الوالدين و اكل مال اليتيم ظلما و اكل الربا بعد البينه و التعرب بعد الهجره و قذف المحصنه و الفرار بعد ازحف .

ترجمه :

۴۳۰ - مسعده بن صدقه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: گناهان کبیره عبارتند از: ناامیدی از رحمت خداوند و مایوس گشتن از مهربانی خدا و ایمنی از مکر الهی و کشتن نفسی که خداوند کشتن او را حرام گردانیده و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن مال یتیم از روی ستم و ربا خواری بعد از آگاهی ، و به حالت اعرابی بازگشتن پس از هجرت ، و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و فرار نمودن از جهاد.

حدیث :

۴۳۱ - عن ابی بکیر قال قلت لابی جعفر علیه السلام فی قول رسول الله اذا زنی الرجل فارقه روح الایمان قال هو قوله و ایدهم بروح منه ذاک الذی یفارقه .

ترجمه :

۴۳۱ - ابن بکیر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم : درباره گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: هرگاه مردی زنا کند روح ایمان از او جدا می شود، چه می فرمایید؟ حضرت فرمود: این گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله (اشاره کننده به) گفتار خداوند است که می فرماید: (و آنان را با روحی از خود قوت بخشید) (۱۱۷) که این روح همان روحی است که از آنان جدایی نموده بود.

حدیث :

۴۳۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : یسلب منه روح الایمان مادام علی بطنها فاذا نزل عاد الایمان . قال : ارایت ان هم قال : لا ارایت ان هم ان یسرق اتقطع یده ؟

ترجمه :

۴۳۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: روح ایمان از شخص زناکار تا وقتی که در حال زناست گرفته می شود پس هنگامی که از عمل زشت خود فارغ شد (و پشیمان گشت) ایمان باز می گردد. راوی گوید: عرض کردم : اگر کسی قصد زنا کند آیا باز هم ایمانش گرفته می شود؟ حضرت فرمود: خیر، آیا اگر کسی قصد دزدی کند دستش قطع می شود؟

حدیث :

۴۳۳ - عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعته یقول الكبائر سبعة منها قتل النفس متعمدا و الشرک بالله العظیم و قذف المحصنه و اکل الربا بعد البینه و الفرار من الزحف و التعرب بعد الهجره و عقوق الوالدین و اکل مال الیتیم ظلما قال و التعرب و الشرک واحد.

ترجمه :

۴۳۳ - ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: گناهان کبیره هفت تاست : کشتن کسی از روی عمد و شرک ورزیدن به خدای بزرگ و نسبت ناروا به زن شوهردار و رباخواری بعد از آگاهی و فرار از جهاد و بازگشتن به حالت اعرابی پس از هجرت و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن مال یتیم از روی ستم . سپس فرمود: تعرب (بازگشتن به حالت اعرابی) و شرک در یک درجه اند.

حدیث :

۴۳۴ - قال ابو عبدالله عليه السلام : و الذی اذا دعاه ابوه لعن اباه و الذی اذا اجابه ابنه یضربه .

ترجمه :

۴۳۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: و (دو کس نیز گناهانشان کبیره است ، یکی) کسی که وقتی پدرش او را می خواند پدر خود را لعنت می فرستد و دیگری کسی که با اینکه پسرش (خواسته) او را اجابت می کند ولی او پسرش را کتک می زند.

حدیث :

۴۳۵ - عن محمد بن حکیم قال قلت لابی الحسن موسی علیه السلام الکبائر تخرج من الایمان ؟ فقال : نعم و ما دون الکبائر قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لا یزنی الزانی و هو مومن و لایسرق السارق و هو مومن .

ترجمه :

۴۳۵ - محمد بن حکیم گوید: به امام موسی کاظم علیه السلام عرض کردم : آیا گناهان کبیره آدمی را از ایمان بیرون می برد؟ حضرت فرمود: آری ، گناهان پایین تر از کبیره هم (ایمان را از دل بیرون می برند) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن کسی که در معرض زنا کردن است در حالی که مومن باشد زنا نمی کند و آن کس که مشرف به دزدی کردن است در حالی که مومن باشد دزدی نمی کند.

حدیث :

۴۳۶ - عن عبید بن زراره فی حدیث ان ابا جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله لایزنی الزانی و هو مومن و لایسرق السارق و هو مومن .

ترجمه :

۴۳۶ - عبید بن زرارہ در حدیثی گوید: امام باقر علیہ السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرموده است: مومن تا مومن است زنا نمی کند و مومن تا زمانی که مومن است دزدی نمی کند.

حدیث:

۴۳۷ - عن ابی عبدالله علیہ السلام قال: اکبر الكبائر سبع الشرك بالله العظيم و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق و اكل اموال الیتامی و عقوق الوالدين و قذف المحصنات و الفرار من الزحف و انكار ما انزل الله عزوجل .

ترجمه:

۴۳۷ - امام صادق علیہ السلام فرمود: بزرگترین گناهان بزرگ هفت گناهند: شرک آوردن به خدای بزرگ و کشتن نفسی که خداوند کشتن او را حرام گردانده مگر به سببی حق و خوردن اموال یتیم و آزار رساندن به پدر و مادر و نسبت ناروا دادن به زنان شوهر دار و گریختن از جهاد و انکار نمودن آنچه که خداوند عزوجل فرو فرستاده است .

حدیث:

۴۳۸ - علی بن جعفر فی کتابه عن اخیه موسی به جعفر علیہ السلام قال: سالته عن الكبائر التي قال الله عزوجل: (ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه) قال: التي اوجب الله علیها النار.

ترجمه:

۴۳۸ - علی بن جعفر در کتابش از برادرش موسی بن جعفر علیہ السلام روایت کرده که: از ایشان در مورد کبائر که در گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (اگر از کبائری که از آنها نهی شده اید خودداری کنید) آمده است پرسیدم که آن کبائر کدامند؟ حضرت فرمود: مراد از کبائر آن گناهایی است که خداوند بر ارتکاب آنها آتش دوزخ را واجب ساخته است .

حدیث:

۴۳۹ - عن ابی عبدالله علیہ السلام قال: ان الكبائر سبع فينا انزلت و منا استحلقت فاولها الشرك بالله العظيم و قتل النفس التي حرم الله و اكل مال الیتیم و عقوق الوالدين و قذف المحصنه و الفرار من الزحف و انكار حقنا.

ترجمه:

۴۳۹ - امام صادق علیہ السلام فرمود: همانا گناه کبیره هفت گناهند که درباره ما نازل شده اند (ولی متاسفانه) همه آن گناهان را نسبت به خود ما روا داشته اند اولین آنها شرک آوردن به خدای بزرگ است و دیگری کشتن کسی که خداوند

کشتن او را حرام گردانده و دیگری خوردن مال یتیم و دیگری رنجاندن پدر و مادر و دیگری نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و دیگری گریختن از میدان جنگ و دیگری انکار نمودن حق ما است . (۱۱۸)

حدیث :

۴۴۰ - و روی ان الحیف فی الوصیه من الكبائر.

ترجمه :

۴۴۰ - و روایت شده است که : همانا ستم نمودن و بی عدالتی در وصیت از گناهان کبیره است .

حدیث :

۴۴۱ - عن عباد بن کثیر النواء قال سالت ابا جعفر علیه السلام عن الكبائر فقال کل ما اوعد الله علیه النار.

ترجمه :

۴۴۱ - عباد بن کثیر هسته خرما فروش گوید: از امام باقر علیه السلام درباره گناهان کبیره سوال کردم ، حضرت فرمود:

تمامی گناهانی که خداوند بر ارتکاب آنها وعده آتش دوزخ را داده است گناهان کبیره اند.

حدیث :

۴۴۲ - و باسناده عن ابی خدیجه سالم بن مکرم الجمال عن ابی عبدالله علیه السلام قال الکذب علی الله و علی رسوله و

علی اوصیاء علیه السلام من الكبائر.

ترجمه :

۴۴۲ - ابی خدیجه سالم بن مکرم شتربان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که : دروغ بستن بر خداوند و رسول و

جانشینان رسول از گناهان کبیره است .

حدیث :

۴۴۳ - و قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من قال علی ما لم اقل فلیتبوا مقعده من النار.

ترجمه :

۴۴۳ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس چیزی را که من نگفته ام به من نسبت دهد پس باید نشیمنگاهی از

آتش را جایگاه و اقامتگاه خود سازد.

حدیث :

۴۴۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : وجدنا فی کتاب علی علیه السلام الكبائر خمسہ الشرك و عقوق الوالدین و اكل الربا بعد البینه و الفرار من الزحف و التعرب بعد الهجره .

ترجمه :

۴۴۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که : گناهان کبیره پنج گناهند: شرک و آزار رساندن به پدر و مادر و رباخواری پس از آگاهی و گریختن از جهاد و به حالت اعرابی بازگشتن پس از هجرت نمودن .

حدیث :

۴۴۵ - عن عبید بن زرارہ قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : اخبرنی عن الكبائر فقال : هن خمس و هن مما اوجب الله علیهن النار قال الله تعالی : (ان الله لا یغفر ان یشرك به) و قال : (ان الذین یاكلون اموال الیتامی ظلما انما یاكلون فی بطونهم ناوا و سیصلون سعیرا) و قال : (یا ایها الذین آمنوا اذا لقیتم الذین کفروا زحفا فلا تولوهم الادبار) الی آخر الایه و قال عزوجل : (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربا) الی آخر الایه و رمی المحصنات الغافلات المومنات و قتل مومن متعمدا علی دینه .

ترجمه :

۴۴۵ - عبید بن زرارہ گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که : مرا نسبت به گناهان کبیره آگاه ساز. حضرت فرمود: گناهان کبیره پنج گناهند و آنها گناہانی هستند که خداوند بر آنها آتش دوزخ را واجب گردانده و می فرماید: (همانا خداوند شرک آوردن به خود را نمی بخشاید) (۱۱۹) و می فرماید: (آنان که اموال یتیمان را ظالمانه می خورند به راستی که در شکم‌هایشان آتش می خورند و به زودی به دوزخ در آیند) (۱۲۰) و می فرماید: (ای ایمان آورندگان هرگاه در میدان جنگ با کافران روبرو شدید به آنان پشت نکنید) (۱۲۱) تا آخر آیه . و فرمود: (ای ایمان آورندگان از خدا بترسید و آنچه را که از ربا باقی مانده رها کنید) (۱۲۲) تا آخر آیه . و متهم ساختن زنان شوهردار ساده دل با ایمان و کشتن مومنی از روی عمد به خاطر دینداری اش .

حدیث :

۴۴۶ - و عن الصادق علیه السلام قال : عقوق الوالدین من الكبائر لان الله جعل العاق عصیا شقیبا.

ترجمه :

۴۴۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: قتل نفس از گناهان کبیره است زیرا خداوند آزار رساننده به پدر و مادر را نافرمان و تیره روز گردانده است .

حدیث :

۴۴۷ - و قال علیه السلام : و قتل النفس من الكبائر لان الله يقول : (و من یقتل مومنا متعمدا فجزاوه جهنم خالدا فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعدله عذابا عظیما).

ترجمه :

۴۴۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: قتل نفس از گناهان کبیره است زیرا خداوند می فرماید: (و کسی که مومنی را عمدا به قتل برساند کیفرش دوزخ است که در آن برای همیشه می ماند و خداوند بر او خشم گرفته و او را از رحمتش دور گردانده و برای وی عذابی بزرگ و آماده ساخته است.) (۱۲۳)

حدیث :

۴۴۸ - و قال علیه السلام : و قذف المحصنات من الكبائر لان الله يقول : (لعنوا فی الدنيا و الاخره و لهم عذاب عظیم .)

ترجمه :

۴۴۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: نسبت ناروا دادن به زنان شوهردار از گناهان کبیره است زیرا خداوند می فرماید: (چنین کسانی در دنیا و آخرت مورد لعنت هستند و کیفری بزرگ برای آنان می باشد) (۱۲۴)

حدیث :

۴۴۹ - عن احمد بن عمر الحلبي قال : سالت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم) قال : من اجتنب ما اوعده الله عليه النار اذا كان مومنا كفر عنه سيئاته و ادخله مدخلا كريما و الكبائر السبع الموجبات : قتل النفس الحرام و عقوق الوالدين و اكل الربا و التعرب بعد الهجره و قذف المحصنه و اكل مال اليتيم و الفرار من الزحف .

ترجمه :

۴۴۹ - احمد بن عمر حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیدم که می فرماید: (اگر از گناهان کبیره ای که از آنها نهی شده اید دوری کنید از دیگر گناهاتتان چشم پوشی می کنیم) (۱۲۵) حضرت فرمود: کسی که از گناهی که خداوند بر انجام آنها وعده آتش داده است دوری کند اگر مومن باشد از دیگر گناهانش چشم پوشی می

کند و او را به منزلگاهی گرمی وارد می سازد و گناهان کبیره هفتگانه که موجب آتش دوزخ اند عبارتند از: کشتن نفسی که احترام دارد و آزدن پدر و مادر و خوردن ربا و بازگشتن به حالت اعرابی بودن پس از هجرت کرده است و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و خوردن مال یتیم و گریختن از جهاد.

حدیث :

۴۵۰ - عن الرضا علیه السلام فی کتابه الی المامون قال : الایمان هو اداء الامانه و اجتناب جمیع الکبائر و هو معرفه بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالارکان - الی ان قال - و اجتناب الکبائر و هی قتل النفس التی حرم الله تعالی و الزنا و السرقة و شرب الخمر و عقوق الوالدین و الفرار من الزحف و اکل مال الیتیم ظلما و اکل المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما اهل لغير الله به من غیر ضروره و اکل الربا بعد البینه و السحت و المیسر و هو القمار و البخس فی المکیال و المیزان و قذف المحصنات و الزنا و اللواط و الیاس من روح الله و الامن من مکر الله و القنوط من رحمه الله و معونه الظالمین و الرکون الیههم و الیمین الغموس و حبس الحقوق من غیر عسر و الکذب و الکبر و الاسراف و التبذیر و الخیانه و الاستخفاف بالحج و المحاربه لاولیاء الله و الاشتغال بالملاهی و الاصرار علی الذنوب .

ترجمه :

۴۵۰ - امام رضا علیه السلام در نامه ای به مامون چنین نوشت : ایمان همان امانتداری و دوری از همه گناهان بزرگ است و ایمان همان شناخت قلبی و اقرار و اعتراف زبانی و عمل نمودن به وسیله اعضا است - تا آنجا که فرمود: - و دوری از گناهان کبیره ، و آنها عبارتند از: قتل نفسی که کشتن او را خداوند حرام ساخته است و زنا نمودن و دزدی کردن و نوشیدن شراب و آزدن پدر و مادر و گریختن از جهاد و خوردن مال یتیم از روی ستم و خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک و هر ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده است در صورتی که ضرورتی نباشد، و خوردن ربا بعد از آگاهی (از ربوی بودن معامله) و خوردن حرام و قمار بازی و کاستن و کم گذاردن در پیمانها و وزن و نسبت ناروا دادن به زنان شوهردار و زنا و لواط و ناامیدی از رحمت خداوند و ایمنی از مکر خدا و دلسردی از رحمت الهی و یاری رساندن به ستمکاران و تکیه و اعتماد بر آنان ، و سوگند دروغ و حبس نمودن حق دیگران بدون اینکه سختی و ضرورتی موجب آن شده باشد، و دروغگویی و تکبر و خودبزرگ بینی ، و اسراف و ولخرجی ، و خیانت و ناراستی ، و سبک شمردن حج ، و ستیزه کردن با دوستان خدا، و مشغول بودن به خوشگذرانی های بیهوده ، و اصرار و پافشاری نمودن بر انجام گناهان .

حدیث :

۴۵۱ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : اجتنبوا السبع الموبقات قيل : و ما هن ؟ قال : الشرك بالله و السحر و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق و اكل الربا و اكل مال اليتيم و التولى يوم الزحف و قذف المحصنات الغافلات المومنات .
ترجمه :

۴۵۱ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: از هفت چیز هلاک آور دوری کنید، به ایشان عرض شد: آن هفت چیز کدامند؟ حضرت فرمود: شرک ورزیدن به خداوند، و جادوگری ، و کشتن کسی که خداوند کشتن او را جز در صورتی که حق او باشد حرام گردانیده ، و ربا خواری ، و خوردن مال یتیم ، و پشت نمودن به دشمن در روز جهاد، و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار ساده دل با ایمان .
حدیث :

۴۵۲ - عن محمد بن مسلم عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قلت له : ما لنا نشهد على ما خالفنا بالكفر و ما لنا لانشهد لانفسنا و لاصحابنا انهم فى الجنة ؟ فقال : من ضعفكم ان لم يكن فيكم شىء من الكبائر فاشهدوا انكم فى الجنة قلت : فای شىء الكبائر؟ قال : اكبر الكبائر الشرك بالله و عقوق الوالدين و التعرب بعد الهجره و قذف المحصنه و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما و الربا بعد البيئه و قتل المومن فقلت له : الزنا و السرقة فقال : ليسا من ذلك .
ترجمه :

۴۵۲ - محمد بن مسلم گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : چه شده است ما را که گواهی به کافر بودن مخالفین خود می دهیم ولی چرا خود و یاران مان گواهی به بهشتی بودن نمی دهیم ؟ حضرت فرمود: این به خاطر ضعف و ناتوانی شماست ، اگر در شما هیچیک از گناهان کبیره نبود پس گواه باشید که شما در بهشت هستید، عرض کردم : گناهان کبیره چه چیزهایی هستند؟ فرمود: بزرگترین آنها شرک ورزیدن به خداوند و آزردن پدر و مادر و پس روی نمودن به حالت اعرابی پس از هجرت و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و فرار از جهاد و خوردن مال یتیم از روی ستم و رباخواری بعد از آگاهی و کشتن مومن . پس عرض کردم : آیا زنا نمودن و دزدی کردن هم از گناهان کبیره است ؟ حضرت فرمود: نه این دو از گناهان کبیره شمرده نمی شوند.
حدیث :

۴۵۳ - عن جعفر بن محمد عليه السلام فى حدیث شرائع الدين قال : و الكبائر محرمة و هى الشرك بالله و قتل النفس التى حرم الله و عقوق الوالدين و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما و اكل الربا بعد البيئه و قذف المحصنات و بعد ذلك الزنا

و اللواط و السرقة و اكل الميتة و الدم و لحم الخنزير و ما اهل لغير الله به من غير ضروره و اكل السحت و البخس في الميزان و المكيال و الميسر و شهاده الزور و الياس من روح الله و الامن من مكر الله و القنوط من رحمه الله و ترك معاونه المظلومين و الركون الى الظالمين و اليمين الغموس و حبس الحقوق من غير عسر و استعمال التكبر و التجبر و الكذب و الاسراف و التبذير و الخيانه و الاستخفاف بالحج و المحاربه الاولياء الله و الملاهى التى تصد عن ذكر الله عزوجل مكروهه كالغناء و ضرب الاوتار و الاصرار على صفائر الذنوب .

ترجمه :

۴۵۳ - امام صادق عليه السلام در حديث قوانين و دستورات دين فرمود: (ارتكاب) گناهان كبيره حرام است و آنها عبارتند از: شرك آوردن به خداوند، و كشتن نفسى كه خداوند آن را حرام ساخته ، و آزدن پدر و مادر، و گريختن از جهاد، و خوردن مال يتيم از روى ستم ، و ربا خوارى بعد از آگاهى ، و نسبت ناروا به زنان شوهردار، و پس از اينها زنا و لواط و دزدى و خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوك و گوشت هر ذبيحه اى كه نام غير خدا بر او برده شده بدون هيچگونه ضرورتى ، و خوردن حرام و كم گذاردن در وزن و پيمانه و قمار بازى و شهادت ساختگى و دروغ و مايوس شدن از رحمت خداوند و ايمنى از مكر الهى و نااميدى از رحمت خدا و ترك يارى ستمديدگان و تكيه و اعتماد بر ستمگران و سوگند دروغ و حبس نمودن حق ديگران بدون در سختى و فشار بودن ، و تكبر ورزیدن و خود بزرگ بينى و دروغ گويى و اسراف و ولخرجى و خيانت و سبك شمردن حج و ستيزه كردن با دوستان خدا و خوشگذرانى هاى كه آدمى را از ياد خداى عزوجل باز مى دارد و ناپسندى آنها آشكار است همانند: عنا و نواختن تارها، و اصرار و پافشارى بر گناهان كوچك .

حديث :

۴۵۴ - و قال عليه السلام : الكبائر تسع اعظمهن الاشراك بالله عزوجل و قتل النفس المومنه و اكل الربا و اكل مال اليتيم و قذف المحصنات و الفرار من الزحف و عقوق الوالدين و استحلال البيت الحرام و السحر فمن لقي الله عزوجل و هو برى منهن كان معى فى جنه مصاريعها الذهب .

ترجمه :

۴۵۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: گناهان كبيره نه گناهند كه بزرگترين آنها شرك ورزیدن به خداى عزوجل ، و (پس از آن) كشتن نفس مومن و رباخوارى و خوردن مال يتيم و نسبت ناروا دادن به زن شوهر دار و گريختن از جنگ و جهاد و

آزردن پدر و مادر و حلال ساختن بیت الله الحرام (یعنی رعایت نکردن احترام خانه خدا) و جادوگری پس هر کسی که خداوند عزوجل را دیدار کند در حالی که از این گناهان پاک باشد همراه با من در بهشتی خواهد بود که لنگه های در آن طلاست .

۴۷ - باب صحه التوبه من الكبائر

۴۷ - باب صحيح بودن توبه از گناهان کبیره

حدیث :

۴۵۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : (ان الله لا یغفر ان یشرك به و یغفر ما دون ذلك لمن یشاء) الكبائر فما سواها قال :

قلت دخلت الكبائر فی الاستثناء قال : نعم .

ترجمه :

۴۵۵ - امام صادق علیه السلام این آیه را قرائت فرمود: (به راستی که هیچ خداوند شرک ورزیدن به خود را نمی بخشاید ولی

غیر از شرک را برای هر کسی که بخواهد می بخشد) (۱۲۶) سپس فرمود: چه گناه کبیره باشد و چه صغیره . روای گوید:

عرض کردم : اینکه در آیه آمده است که غیر شرک را می بخشد آیا شامل گناهان کبیره هم می شود؟ حضرت فرمود: آری .

حدیث :

۴۵۶ - عن اسحاق بن عمار قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : الكبائر فیها استثناء ان تغفر لمن یشاء؟ قال : نعم .

ترجمه :

۴۵۶ - اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : آیا گناهان کبیره هم در این آیه از شرک استثنا شده

اند؟ حضرت فرمود: آری .

حدیث :

۴۵۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من مومن یقارف فی یومه و لیلته اربعین کبیره فیقول و هو نادم استغفر الله الذی

لا اله الا الله هو الحی القیوم بدیع السماوات و الارض ذا الجلال و الاکرام و اساله ان یصلی علی محمد و آله و ان یتوب

علی الا غفرها الله له و لاخیر فیمن یقارف فی یومه اکثر من اربعین کبیره .

ترجمه :

۴۵۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مومنی نیست که در شبانه روز (حتی اگر) مرتکب چهل گناه کبیره شود و با

حالت پشیمانی جمله استغفار زیر را بگوید جز اینکه خداوند گناهانش را می بخشاید و آن استغفار این است : (استغفرالله الذی

لا اله الا هو الحي القيوم بديع السماوات و الارض ذا الجلال و الاكرام و اساله ان يصلى على محمد و آله و ان يتوب على)
سپس فرمود: کسی که در روز مرتکب بیش از چهل گناه کبیره شود در وجودش خیری نیست .

حدیث :

۴۵۸ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : انما شفاعتي لاهل الكبائر من امتي .

ترجمه :

۴۵۸ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: همانا شفاعت من برای کسانی از امتم می باشد که مرتکب گناه کبیره شده اند.

حدیث :

۴۵۹ - و قال الصادق عليه السلام : شفاعتنا لاهل الكبائر من شيعتنا فاما التائبون فان الله يقول : (ما على المحسنين من سبيل).

ترجمه :

۴۵۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: شفاعت ما برای شیعیانی است که اهل انجام گناهان کبیره اند ولی آنان که توبه کرده اند خداوند درباره آنان می فرماید: (بر علیه نیکوکاران هیچ راهی نیست) (۱۲۷)

حدیث :

۴۶۰ - و قال اميرالمؤمنين عليه السلام : لا شفيع انجح من التوبه .

ترجمه :

۴۶۰ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ شفاعت کننده ای پیروزمندتر از توبه نیست .

حدیث :

۴۶۱ - و سئل الصادق عليه السلام عن قول الله عزوجل : (ان الله لا يغفر ان يشرك به و يغفر ما دون ذلك يشاء) دخلت الكبائر في مشيه الله قال نعم ان شاء عذب عليها و ان شاء عفا.

ترجمه :

۴۶۱ - از امام صادق عليه السلام درباره این آیه که می فرماید: (به راستی که خداوند شرک و ورزیدن به خود را نمی بخشاید ولی غیر از شرک را برای هر که بخواهد می بخشد) (۱۲۸) پرسیده شد که آیا اینکه فرموده است : (برای هر که بخواهد)

شامل انجام دهندگان گناهان کبیره هم می شود؟ حضرت فرمود: آری . اگر خدا بخواهد آنان را عذاب می کند و اگر بخواهد می بخشد.

حدیث :

۴۶۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (و من یقتل مومنا متعمدا فجزاوه جهنم خالدا فیها) قال : جزاوه جهنم ان جزاه .

ترجمه :

۴۶۲ - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (کسی که مومنی را از روی عمد به قتل برساند جزایش برای همیشه دوزخ است) (۱۲۹) فرمود: جزای چنین کسی دوزخ است اگر خداوند او را مجازات کند.

حدیث :

۴۶۳ - و عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث الاسلام و الایمان قال : و الایمان من شهد ان لا اله الا الله - الی ان قال : - و لم یلق الله بذنب اوعده علیه بالنار قال ابو بصیر: جعلت فداک و اینا لم یلق الله الیه بذنب اوعده الله علیه النار فقال : لیس هو حیث تذهب ، انما هو من لم یلق الله بذنب اوعده الله علیه بالنار و لم یتب منه .

ترجمه :

۴۶۳ - امام باقر علیه السلام در حدیث اسلام و ایمان می فرمود: و ایمان کسی دارد که شهادت به وحدانیت خداوند دهد و خداوند را با گناهی که خدا وعده آتش بر آن داده است دیدار نکند. ابوبصیر عرض کرد: فدایت شوم کدامیک از ما خداوند را با چنین گناهی دیدار نمی کند؟ حضرت فرمود: اینگونه نیست که تو فکر می کنی بلکه مراد من این است که خداوند را با گناهی که او وعده آتش بر آن داده است دیدار نکند در حالی که از آن گناه توبه نکرده باشد.

حدیث :

۴۶۴ - عن سهل بن الیسع قال سمع الرضا علیه السلام بعض اصحابه یقول : لعن الله من حارب علیا علیه السلام فقال له : قل الا من تاب و اصلح ثم قال : ذنب من تخلف عنه و لم یتب اعظم من ذنب من قاتله ثم تاب .

ترجمه :

۴۶۴ - سهل بن یسع گوید: امام رضا علیه السلام شنید که یکی از یارانش می گوید: خداوند لعنت کند کسی را که با علی علیه السلام جنگید. حضرت به او فرمود: بگو: بجز کسی که توبه نمود و خود را نیکو کرد. سپس فرمود: گناه کسی که به علی علیه السلام پشت نمود و توبه نکرد از گناه کسی که با او جنگید و سپس توبه کرد بزرگتر است .
حدیث :

۴۶۵ - عن محمد بن ابی عمیر قال : سمعت موسی بن جعفر علیه السلام یقول : من اجتنب الكبائر من المومنین لم یسال عن الصغائر قال الله تعالی : (ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنکم سئیاتکم و ندخلکم مدخلا کریمًا) قال : قلت : فالشفاعه لمن تجب ؟ فقال حدثنی ابی عن آباءه عن علی علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله : انما شفاعتی لاهل الكبائر من امتی فاما المحسنون فما علیهم من سبیل قال ابن ابی عمیر: فقلت له : یا ابن رسول الله فکیف تكون الشفاعه لاهل الكبائر و الله تعالی یقول : (و لا یشفعون الا لمن ارتضی) و من یرتکب الكبائر لایکون مرتضی فقال : یا ابا احمد ما من مومن یذنب ذنبا الا ساءه ذلك و ندم علیه و قد قال رسول الله صلی الله علیه و آله : کفی بالندم توبه و قال : من شرته حسنته و ساءته سیئته فهو مومن فمن لم یندم علی ذنب یرتکبه فلیس بمومن و لم تجب له الشفاعه - الی ان قال - قال النبی صلی الله علیه و آله : لا کبیر مع الاستغفار و لا صغیر مع الاصرار.
ترجمه :

۴۶۵ - محمد بن ابی عمیر گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر کس از مومنین از گناهان کبیره دوری کند در مورد گناهان صغیره از او بازخواست نمی شود خداوند تعالی می فرماید: (اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهانتان در می گذریم و شما را در محلی ارجمند وارد می سازیم) (۱۳۰) راوی گوید: عرض کردم پس شفاعت برای چه کسانی است؟ حضرت فرمود: پدرم از پدران بزرگوارش و آنان از علی علیه السلام، روایت نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که شفاعت من شامل کسانی از امتم می گردد که اهل ارتکاب گناهان کبیره بوده اند اما نیکوکاران که چیزی بر علیه آنان نیست. ابن ابی عمیر گوید: عرض کردم: ای فرزند رسول خدا چگونه شفاعت اهل کبائر می گردد و حال اینکه خدای تعالی می فرماید: (و شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که برگزیده و مورد رضایت است) (۱۳۱) و کسی که مرتکب گناهان کبیره می گردد برگزیده نیست. حضرت فرمود: ای ابا احمد! هیچ مومنی نیست که گناهی انجام دهد جز اینکه آن گناه او را ناراحت می سازد و بر گناه خویش پشیمان می گردد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که: برای توبه کردن پشیمانی کافی است و فرمود: کسی که نیکی اش او را

شادمان سازد و بدی اش وی را بد حال گرداند چنین کسی مومن است پس کسی که بر گناهی که انجام می دهد پشیمان نشود مومن نمی باشد و شفاعت نمودن او لازم نیست - تا آنجا که فرمود: - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: با وجود استغفار گناه کبیره ای باقی نمی ماند و در صورت اصرار و پافشاری صغیره ای نخواهد بود (زیرا اصرار بر گناه صغیره خود گناه کبیره است).

حدیث :

۴۶۶ - عن ابراهیم بن العباس قال : كنت فی مجلس الرضا علیه السلام فتذاکرنا الکبائر و قول المعتزله فیها انها لاتغفر فقال الرضا علیه السلام : قال ابو عبدالله : قد نزل القرآن بخلاف قول المعتزله قال الله عزوجل : (و ان ربک لذو مغفره للناس علی ظلمهم).

ترجمه :

۴۶۶ - ابراهیم بن عباس گوید: در مجلس امام رضا علیه السلام بودم و با یکدیگر درباره گناهان کبیره و نظر معتزله که گناهان کبیره بخشیده نمی شوند گفتگو می کردیم پس امام رضا علیه السلام فرمود: امام صادق علیه السلام فرموده است که : قرآن بر خلاف نظر معتزله نازل شده است زیرا خداوند عزوجل فرموده است : (و همانا پروردگارت دارای مغفرت است و مردمان را بر ظلم و ستمشان می بخشاید) (۱۳۲).

حدیث :

۴۶۷ - عن جنبد الغفاری ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال : ان رجلا قال یوما: و الله لایغفر الله لفلان فقال الله عزوجل : من ذا الذی تالی علی ان لا اغفر لفلان ؟ فانی قد غفرت لفلان و احببت عمل الثانی بقوله لایغفر الله لفلان .

ترجمه :

۴۶۷ - جنبد غفاری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که روزی مردی گفت : سوگند به خدا که فلانی را خداوند نمی بخشاید پس خداوند عزوجل فرمود: این کیست که بر من سوگند می خورد که فلانی را نمی بخشم ؟ من فلانی را بخشیدم و به خاطر سخن این شخص عملش را باطل و ناچیز نمودم .

حدیث :

۴۶۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قوله تعالی : (و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء) دخلت الکبائر فی الاستثناء؟ قال علیه السلام : نعم .

ترجمه :

۴۶۸ - از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید: (خداوند غیر از شرک را برای هر که بخواهد می بخشاید) (۱۳۳) پرسیده شد که آیا گناهان کبیره هم در این استثنا داخل هستند؟ (یعنی خداوند آنها را نیز می بخشد؟) حضرت فرمود: آری .

۴۸ - باب تحریم الاصرار علی الذنب و وجوب المبادره بالتوبه و الاستغفار

۴۸ - باب تحریم پافشاری نمودن بر گناه و وجوب مبادرت نمودن به توبه و استغفار

حدیث :

۴۶۹ - عن ابی بصیر قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : لا و الله لا يقبل الله شيئاً من طاعته علی الاصرار علی شیء من معاصیه .

ترجمه :

۴۶۹ - ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: نه سوگند به خداوند که خدا در صورت اصرار و پافشاری (بنده اش) بر انجام معصیتی از معاصی هیچ طاعتی از طاعات وی را نمی پذیرد.

حدیث :

۴۷۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله من علامات الشقاء جمود العین و قسوه القلب و شده الحرص فی طلب الدنيا و الاصرار علی الذنب .

ترجمه :

۴۷۰ - از امام صادق علیه السلام روایت است که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از نشانه های شقاوت و تیره روزی عبارت است از: خشک شدن چشم از اشک (و نگریستن) و سنگدلی و زیادی حرص در طلب دنیا و پافشاری بر گناه دیگر گناهی صغیره نیست و با استغفار نمودن کبیره ای باقی نمی ماند.

حدیث :

۴۷۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لاصغیره مع الاصرار و لا کبیره مع الاستغفار.

ترجمه :

۴۷۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: با وجود اصرار و پافشاری بر گناه دیگر گناهی صغیره نیست و با استغفار نمودن کبیره ای باقی نمی ماند.

حدیث :

۴۷۲ - عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل : (و لم یصروا علی ما فعلوا و هم یعلمون) قال : الاصرار ان یذنب الذنب فلا یتستغفر الله و لایحدث نفسه بالتوبه فذلک الاصرار.

ترجمه :

۴۷۲ - امام باقر علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (و اصرار نکردند بر آنچه انجام می دادند و آنان می دانند) (۱۳۴) فرمود: اصرار نمودن بر گناه این است که مرتکب گناهی شود و پس از آن نه استغفار کند و نه با خود درباره توبه کردن سخن گوید چنین کاری اصرار است .

حدیث :

۴۷۳ - عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من اذنب ذنبا و هو ضاحک دخل النار و هو باک .

ترجمه :

۴۷۳ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که : کسی که مرتکب گناهی شود در حالی که خنده بر لب دارد در قیامت با چشم گریان داخل آتش می شود.

۴۹ - باب جمله مما ینبغی تزکه من الخصال المحرمه و المکروهه

۴۹ - باب تعدادی از خصلتهای حرام و مکروه که سزاوار است ترک شوند

حدیث :

۴۷۴ - قال ابو عبدالله علیه السلام اصول الکفر ثلاثه الحرص و الاستکبار و الحسد.

ترجمه :

۴۷۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: ریشه های کفر سه چیز است : حرص و خودبزرگ بینی و حسد ورزیدن .

حدیث :

۴۷۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال النبی صلی الله علیه و آله : ارکان الکفر اربعه الرغبه و الرهبه و السخط و الغضب .

ترجمه :

۴۷۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : پایه های کفر چهار چیز است : میل و خواهش ، ترس و بیم ، و ناخشنودی و خشم .

حدیث :

۴۷۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان اول ما عصی الله به سته حب الدنيا و حب الرئاسة و حب الطعام و حب النوم و حب الراحة و حب النساء.

ترجمه :

۴۷۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا اولین چیزهایی که بوسیله آنها نافرمانی خداوند صورت گرفته است شش چیز است : دوستی دنیا و دوستی ریاست و دوستی خوراک و دوستی خواب و دوستی آرامش و دوستی زنان .

حدیث :

۴۷۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ثلاث من کن فیہ کان منافقا و ان صام و صلی و زعم انه مسلم من اذا اوتمن خان و اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف ان الله عزوجل قال فی کتابه (و ان الله لایحب الخائنین) و قال (ان لعنت الله علیه ان کان من الکاذبین) و فی قوله (و اذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولا نبیا).

ترجمه :

۴۷۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : سه چیز است که اگر در کسی باشد آن کس منافق است اگر چه روزه بگیرد و نماز بخواند و به مسلمان بودن خود معتقد باشد: کسی که هنگامی که او را امین

شمرند خیانت کند و هنگامی که سخن گوید دروغ گوید و هنگامی که وعده دهد خلف وعده کند. به راستی که خداوند

عزوجل در کتابش فرموده است : (همانا که خداوند خیانتکاران را دوست نمی دارد) (۱۳۵) و فرمود: (لعنت خدا بر او باد اگر از

دروغگویان باشد) (۱۳۶) و فرمود: (و در کتاب ، اسماعیل را یادآور که او وعده اش راست بود و فرستاده و پیامبر بود) (۱۳۷)

حدیث :

۴۷۸ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : الا اخبركم بشرار رجالكم قلنا: بلى يا رسول الله قال : شرار رجالكم البهات الجرىء الفحاش الاكل وحده و المانع رفته و الضارب عبده و الملجى عياله الى غيره .

ترجمه :

۴۷۸ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: آیا شما را نسبت به بدترین مردانتان آگاه سازم ؟ گفتیم : آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: بدترین مردان شما کسی است که دروغ باف ، گستاخ و بسیار هرزه گو باشد، به تنهایی بخورد و یاری اش را (از مردمان) باز دارد و گماشته زیر دستش را کتک بزند و خانواده اش را به دیگری پناهنده سازد.

حدیث :

۴۷۹ - عن يزيد الصائغ قال : قلت لابی عبدالله عليه السلام : رجل على هذا الامر ان حدث كذب و ان وعد اخلف و ان اوتمن خان ما منزلته ؟ قال : هي ادنى المنازل من الكفر و ليس كافر.

ترجمه :

۴۷۹ - يزيد بن صائغ گوید: به امام جعفر صادق عليه السلام عرض کردم : مردی هست که شیعه است ولی اگر سخن گوید دروغ می گوید و اگر وعده دهد به وعده اش وفا نمی کند و اگر امینش شمرند خیانت می کند چنین کسی چه مقام و منزلتی دارد؟ حضرت فرمود: منزلت او نزدیکترین منزلتها به کفر است ولی کافر نیست .

حدیث :

۴۸۰ - عن ابى جعفر عليه السلام قال : خطب رسول الله صلى الله عليه و آله الناس فقال : الا اخبركم بشراركم ؟ قالوا: بلى يا رسول الله فقال : الذى يمنع رفته و يضرب عبده و يتزود وحده فظنوا ان الله لم يخلق خلقا هو شر من هذا ثم قال : الا اخبركم بمن هو شر من ذلك ؟ قالوا: بلى يا رسول الله قال : الذى لا يرجى خيره و لا يؤمن شره فظنوا ان الله لم يخلق خلقا هو شر من هذا ثم قال : الا اخبركم بمن هو شر من ذلك ؟ قالوا: بلى قال : المتفحش اللعان الذى اذا ذكر عنده المومنون لعنهم و اذا ذكروه لعنوه .

ترجمه :

۴۸۰ - امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله برای مردم خطبه ای خواند و فرمود: آیا به شما خبر دهم که بدترین شما کیست ؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: کسی که یاری اش را از مردمان باز دارد و بنده

زیر دستش را بزند و برای خودش تنها توشه تهیه کند - مردم از این سخن پیامبر چنین پنداشتند که خداوند بدتر از چنین کسی را نیافریده است - سپس پیامبر فرمود: آیا شما را به بدتر از این کس خبردار سازم؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: کسی که امید خیر از او داشته نمی شود و از شرس ایمنی نیست - باز مردم پنداشتند که خداوند بدتر از چنین کسی را نیافریده است - سپس پیامبر فرمود: آیا به شما به بدتر از این هم خبر دهم؟ عرض کردند: آری. حضرت فرمود: کسی که بسیار هرزه گو و بد زبان است و هرگاه نام مومنی در نزد او برده می شود وی را لعنت می کند و هرگاه در نزد مومنین از او یاد شود آنان نیز او را لعنت می فرستند.

حدیث :

۴۸۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الا اخبرکم بابعدم منی شبها؟ قالوا بلی یا رسول الله قال : الفاحش المتفحش البذی البخیل المختال الحقود الحسود القاسی القلب البعید من کل خیر یرجی غیر المامون من کل شر یتقی .

ترجمه :

۴۸۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : آیا شما را آگاه نسازم که کدامیک از شما شباهتتان به من کمتر و از من دورتر است؟ گفتند: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: آنکه بدگو، بیهوده گو، رشت گفتار، تنگ چشم، متکبر، کینه ورز، حسود و سنگدل باشد و از هر خیری که امید آن می رود دور باشد و (مردم) درباره او از هر شری که از آن خیری که امید آن می رود دور باشد و (مردم) درباره او از هر شری که از آن پرهیز می شود در امان نباشند.

حدیث :

۴۸۲ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله خمسہ لعنتهم و کل نبی مجاب : الزائد فی کتاب الله و التارک لسنتی و المكذب بقدر الله و المستحل من عترتی ما حرم الله و المستأثر بالفیء المستحل له .

ترجمه :

۴۸۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : پنج کس را من و هر پیامبری که دعایش پذیرفته و مورد قبول درگاه الهی است لعنت می فرستیم : آنکه در کتاب خدا چیزی بیافزاید و آنکه سنت و روش مرا ترک

گوید و آنکه قضا و قدر الهی را دروغ بداند و آن که درباره خاندان من آنچه را که خداوند حرام ساخته است حلال بشمرد (احترام خاندان مرا رعایت نکند) و آنکه غنیمت را برای خود برگزیند و آن را بر خود حلال بداند.

حدیث :

۴۸۳ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : بین الکفر علی اربع دعائم الفسق و الغلو و الشک و الشبهه و الفسق علی اربع شعب علی الجفاء و العمی و الغفله و العتو و الغلو علی اربع شعب علی التعمق بالرای و التنازع فیه و الزیغ و الشقاق و الشک علی اربع شعب علی المریه و الهوی و التردد و الاستسلام و الشبهه علی اربع شعب اعجاب بالزینه و تسویل النفس و تاول العوج و لبس الحق بالباطل و النفاق علی اربع دعائم علی الهوی و الهوینا و الحفیظه و الطمع و الهوی علی اربع شعب علی البغی و العدوان و الشهوه و الطغیان و الهوینا علی اربع شعب علی الغره و الامل و الهینه و المماطله و الحفیظه علی اربع شعب علی الکبر و الفخر و الحمیه و العصبیه و الطمع علی اربع شعب الفرح و المرح و اللجاجه و التکاثر.

ترجمه :

۴۸۳ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای پسر من! کفر بر چهار ستون استوار است: یکی هرزگی و بیراهه رفتن، دیگری زیاده روی و دیگری دودلی و دیگری پوشیدگی و مبهم بودن کار. و هرزگی خود بر چهار بخش است: بر ستمگری و روی گردانی (از حق) و کوری و غفلت و سرکشی. و زیاده روی نیز بر چهار شاخه است: بر کنجکاوی (ناصواب) و نزاع و درگیری در رای و انحراف (از حق) و دشمنی و زیر بار حق نرفتن. دو دلی نیز بر چهار پایه است: بر جدال (گفت و شنود باطل) و خواهش نفسانی و سرگردانی و خودباختن (گردن نهادن به گمراهی). و پوشیدگی و ابهام در کار نیز بر چهار بخش است: بر شگفت زده شدن به سبب زینت و آرایش ظاهری و آراستن نفس چیزی را و باز گرداندن (امور و آراء) به کجی و پوشاندن حق به باطل. و دو رویی بر چهار پایه استوار است: بر خواهش نفسانی و رفق و مدارا (ملایمت نابجا) و نخوت و شهوت و نافرمانی. و ملایمت (نابجا) بر چهار بخش است: بر امید بیهوده و آرزو و آهستگی و سهل انگاری. و نخوت و غرور بر چهار شاخه است: بر خود بزرگ بینی و به خود نازیدن و غیرت (بی جا) و سرسختی نمودن. و طمع نیز بر چهار بخش است: بر شادمانی و خوش خرامیدن و لجاجت و زیاده طلبی.

حدیث :

۴۸۴ - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : ان المنافق ینهی و لاینهی و یامر بما لایاتی و اذا قام الی الصلاه اعترض قلت : یا ابن رسول الله و ما الاعتراض ؟ قال : الالتفات و اذا رکع رخص ، یمسی و همه العشاء و هو مفطر و یصبح و همه النوم و لم یسهر ان حدثک کذیبک و ان ائتمنته خانک و ان غبت اغتابک و ان وعدک اخلفک .

ترجمه :

۴۸۴ - امام سجاد علیه السلام فرمود: همانا که منافق (دیگران را از کار زشت) باز می دارد ولی خود باز نمی ایستد و چیزی امر می کند که خود انجام نمی دهد و هنگامی که برای نماز به پا می ایستد به حالت اعتراض است . - روای گوید: - عرض کردم : ای فرزند رسول خدا! حالت اعتراض چگونه است ؟ حضرت فرمود: یعنی به دور و بر خود نگاه می کند. و هنگامی که به رکوع رود گویی شتری است که زانو زده است (یعنی رکوع وی با تعظیم پروردگار همراه نیست)، شب می کند در حالی که همه همتش خوردن غذای شبانه است و حال اینکه روزه دار نبوده و ناشتا خورده است و صبح می کند در حالی که همه همتش خوابیدن است و حال اینکه شب زنده داری نکرده است ، اگر با تو سخن گوید به تو دروغ می گوید و اگر او را در کاری امین گردانی به تو خیانت می کند و اگر حضور نداشته باشی از تو غیبت می کند و اگر به تو وعده دهد به وعده اش وفا نمی کند.

حدیث :

۴۸۵ - و عن عبدالملک بن بحر رفعه مثل ذلک و زاد فیه و اذا رکع رخص و اذا سجد نقر و اذا جلس شغری .

ترجمه :

۴۸۵ - از طریق عبدالملک بن بحر نیز شبیه این روایت آمده است و در آن دو جمله اضاف دارد: و هنگامی که به رکوع رود گوئیا شتری است که زانو زده است و هنگامی که به سجده رود گویی به زمین نوک می زند (یعنی با شتاب به سجده می رود و بر می خیزد) و هنگامی که می نشیند پای خود را باز می کند.

حدیث :

۴۸۶ - عن النبی صلی الله علیه و آله فی وصیه طویلہ قال : سیاتی اقوام یاکلون طیب الطعام و الوانها و یرکبون الدواب و یتزینون بزینہ المراه لزوجها و یتبرجون تبرج النساء و زینتھن مثل زی الملوک الجبارہ ہم منافقو هذه الامه فی آخر الزمان شاربون بالقهوات لاعبون بالکعب راکبون الشهوات تارکون الجماعات راقدون عن العتبات مفرطون فی الغدوات یقول الله تعالی : (فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاه و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا).

ترجمه :

۴۸۶ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن سفارشی طولانی فرمود: به زودی گروه هایی می آیند که طعام پاکیزه و رنگارنگ می خورند و بر چهارپایان سوار می شوند و همانند زنی که برای همسرش خود را می آراید خویشان را آرایش می کنند و همانند زنان زینت خود را به دیگران می نمایند و به مانند پادشاهان ستمگر رفتار می کنند آنان در آخر زمان منافقان این امت هستند قهوه ها می نوشند و نرده بازی می کنند و بر مرکب شهوتها سوار می شوند و حضور در جماعت های مسلمین را ترک می کنند، شامگاهان را در خواب به سر می برند و بامداد را به سهل انگاری می گذرانند خداوند تعالی می فرماید: (پس بعد از آنان کسانی جانشین شدند که نماز را ضایع کردند و از خواهش ها پیروی نمودند پس زود باشد که شر را ببینند) (۱۳۸)

حدیث :

۴۸۷ - عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی خلق الله عزوجل الجنه لبنتین لبنه من ذهب و لبنه من فضه - الی ان قال - فقال الله جل جلاله : و عزتی و جلالی لا یدخلها مدمن خمر و لانمام و لادیوث و لا شرطی و لا مخنث و لانباش و لاعشار و لاقاطع رحم و لا قدری یا علی کفر بالله العظیم من هذه الامه عشره القتات و الساحر و الادیوت و الناکح المراه حراما فی دبرهء ناکح البهیمه و من نکح ذات محرم و الساعی فی الفتنة و بائع السلاح من اهل الحرب و مانع الزکاه و من وجد سعه فمات و لم یحج - الی ان قال : - یا علی تسعه اشیاء تورث النسیان اکل التفاح الحامض و اکل الکزبره و و الجبن و سور الفار و قراءه کتابه القبور و المشی بین امراتین و طرح القلمه و الحجامه فی النقره و البول فی الماء الراکد.

ترجمه :

۴۸۷ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که فرمود: ای علی ! خدا عزوجل بهشت را خشتی از طلا و خشتی از نقره آفرید - تا آنجا که فرمود: پس خداوند جل جلاله فرمود: به عزت و بزرگی ام سوگند که چند گروه داخل بهشت نمی شوند: کسی که مداومت بر خوردن شراب دارد، سخن چین ، کسی که درباره زن خود غیرت نداشته باشد، پاسبان (ستمگران)، مرد زن صفت ، کسی که نیش قبر می کند، باجگیر، کسی که با خویشان قطع رابطه کند، کسی که منکر قضا و قدر الهی است . ای علی ! از این امت ده گروه اند که به خداوند بزرگ کافر گشته اند: تهمت زننده (یا بد زبان یا دروغگو) و جادوگر و مردی که درباره زن خود غیرت

و تعصب ندارد و مردی که به حرام از عقب با زنی نزدیکی کند و کسی که با حیوانی مجامعت کند و کسی که با محرم خود مباشرت کند و کسی که در ایجاد فتنه سخن چینی کند و کسی که به کسانی که با مسلمانان در جنگ هستند اسلحه بفروشد و آنکه از پرداخت زکات خودداری می کند و کسی که استطاعت رفتن به حج را بیابد ولی به حج نرود تا بمیرد - تا آنجا که فرمود: - ای علی! نه چیز است که باعث فراموشی می شود: خوردن سیب ترش و خوردن خیار بزرگ و خوردن پنیر و خوردن نیم خورده موش و خواندن نوشته روی سنگ قبرها و راه رفتن بین دو زن و انداختن و پرت کردن شپش و حجامت کردن در گودی بالای پشت گردن و بول کردن در آب راكد.

حدیث :

۴۸۸ - قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : من لم یبال ما قال و ما قیل فیه فهو شرک شیطان و من لم یبال ان یراه الناس نسیا فهو شرک شیطان و من اغتاب اخاه المومن من غیر تره بینهما فهو شرک شیطان و من شغب بمحبه الحرام و شهوه الزنا فهو شرک شیطان ثم قال علیه السلام : ان لولد الزنا علامات احدها بغضنا اهل البیت و ثانیها ان یحن الی الحرام الذی خلق منه و ثالثها الاستخفاف بالدین و رابعها سوء المحضر للناس و لایسیء محضر اخوانه الا من ولد علی غیر فراش ایبه او حملت به امه فی حیضها.

ترجمه :

۴۸۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود چنین کسی شریک شیطان است و کسی که باکی نداشته باشد که مردم او را بی ارزش و بی مقدار بدانند شریک شیطان است و کسی که بدون اینکه بین اینکه بین او و برادر مومنش بدی و امر ناپسندی باشد غیبت او را کند چنین کسی شریک شیطان است و کسی که دلباخته و شیفته محبت حرام و شهوت زنا شود چنین کسی شریک شیطان است - سپس فرمود: - برای کسی که از راه زنا متولد شده است نشانه هایی هست : یکی از آنها اینکه دشمن ما اهل بیت است و دوم اینکه به سوی همان عمل حرامی که از آن زاده شده است (یعنی زنا) اشتیاق و میل دارد و سوم اینکه دین را سبک می شمرد و چهارم اینکه حضور او برای مردمان بد و ناپسند است و کسی حضورش مایه ناخرسندی برادرانش نمی شود مگر اینکه بر غیر بستر پدرش (یعنی از راه زنا) متولد گشته باشد یا اینکه مادرش در حال حیض به او حامله شده باشد.

حدیث :

۴۸۹ - و خطب امیرالمؤمنین علیه السلام فی عیدالفطر - الی ان قال : - اطیعوا الله فیما نهاکم عنه من قذف المحصنه و اتیان الفاحشه و شرب الخمر و بخس المکیال و شهاده الزور و الفرار من الزحف .

ترجمه :

۴۸۹ - امیرالمؤمنین علیه السلام در روز عید فطر خطبه ای خواند... - تا آنجا که فرمود: - خداوند را در اموری که شما را از آنها نهی فرموده است اطاعت کنید. آن امور عبارتند از: نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و انجام زشتکاری (زنا) و نوشیدن شراب و کم گذاردن پیمانہ (کم فروشی) و شهادت دروغ و فراز از جهاد.

حدیث :

۴۹۰ - عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله تبارک و تعالی کره لکم ایتها الامه اربعا و عشرين خصله و نهاکم عنها کره لکم العبث فی الصلاه و کره المن فی الصدقه و کره الضحک بین القبور و کره التطلع فی الدور و کره النظر الی فروج النساء و قال یورث العمی و کره الکلام عند الجماع و قال یورث الخرس و کره النوم قبل العشاء الاخره و کره الحدیث بعد العشاء الاخره و کره الغسل تحت السماء بغير مئزر و کره المجامع تحت السماء و کره دخول الانهار الا بمئزر و قال فی الانهار عمار و سکان من الملائکه و کره دخول الحمام الا بمئزر و کره الکلام بین الاذان و الاقامه فی صلاه الغداه حتی تنقضى الصلاه و کره رکوب البحر فی هیجانہ و کره النوم فوق سطح لیس بمحجر و قال من نام علی سطح لیس بمحجر فقد برئت منه الذمه و کره ان ینام الرجل فی بیت وحده و کره للرجل ان یغشی امراته و هی حائض فان غشیها و خرج الولد مجذوما او ابرص فلا یلومن الا نفسه و کره ان یغشی الرجل امراته و قد احتلم حتی یغتسل من احتلامه الذی رای فان فعل و خرج الرجل مجنونا فلا یلومن الا نفسه و کره ان یکلم الرجل مجذوما الا ان یتکلم بینه و بینه قدر ذراع و قال فر من المجذوم فرارک من الاسد و کره البول علی شط نهر جار و کره ان یحدث الرجل تحت شجره مثمره قد اینعت او نخله قد اینتعت یعنی اثمرت و کره ان ینتعل الرجل و هو قائم و کره ان یدخل الرجل البیت المظلم الا ان یتکلم بینه و بینه قدر ذراع او نار و کره النفخ فی الصلاه .

ترجمه :

۴۹۰ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدرانش روایت فرموده که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : ای امت من ! خداوند تبارک و تعالی برای شما بیست و چهار خصلت ناپسند شمرده است و شما را از آنها باز داشته : بازی در نماز و منت گذاردن در پرداخت صدقه و در گورستان و بین قبرها خندیدن و چشم دوختن به خانه ها (نگاه کردن به

درون خانه های مردم) و نظر کردن به فرج زنان که این باعث کوری می شود و سخن گفتن در هنگام جماع که این موجب گنگی (کودک) می شود و خوابیدن پیش از نماز عشاء و سخن گفتن بعد از نماز عشاء و بدون لنگ در زیر آسمان غسل کردن و جماع کردن در زیر آسمان و بدون لنگ به درون نهر آب وارد شدن زیرا در نهرها ساکنانی از ملائکه هستند و بدون لنگ وارد حمام شدن و سخن گفتن بین اذان و اقامه در نماز صبح مگر اینکه نماز به پایان برسد و سوار شدن بر کشتی در دریا زمانی که دریا ناآرام است و خوابیدن بر بالای بامی که اطراف آن سنگ چین نشده و حفاظ ندارد زیرا کسی که بر چنین بامی بخوابد تعهد (اینکه سقوط نکند) از او برداشته می شود و تنها خوابیدن مرد در خانه و در نزدیکی کردن مرد با همسرش در حال حیض ، پس اگر در این حال با او مجامعت کرد و فرزندى مبتلا به جذام و پیسی از آنها به دنیا آمد پس تنها خودش را باید سرزنش کند، و نزدیکی کردن مرد با همسرش در حالت احتلام مگر اینکه از احتلامش غسل کند ولی اگر غسل نکرد و با حالت احتلام با همسرش مجامعت نمود و فرزندش دیوانه متولد شد هیچکس جز خود را سرزنش نکند، و سخن گفتن با شخصی که مبتلا به جذام است مگر اینکه بین او و جذامی به اندازه یک ذرع فاصل باشد - و فرمود: از جذامی بگریز همچنانکه از شیر می گریزی ، و بول کردن بر کناره جویی که آبش جاری است ، و قضای حاجت نمودن در زیر درختی یا نخلی که میوه دارد و هنگام چیدن میوه ها فرا رسیده ، و کفش پوشیدن مرد در حال ایستاده ، و داخل شدن در خانه تاریک مگر اینکه در دستش چراغی یا پاره ای آتش باشد، و دمیدن در حال نماز.

حدیث :

۴۹۱ - عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی کره الله لامتی العبث فی الصلاه .

ترجمه :

۴۹۱ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که فرمود: ای علی ! خداوند بر امت من بازی کردن در نماز را ناپسند شمرده است .

حدیث :

۴۹۲ - عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال : ثلاثه لا یدخلون الجنة مدمن خمر و مدمن سحر و قاطع رحم و من مات مدمن خمر سقاه الله من نهر العرطه قیل : و ما نهر العرطه ؟ قال : نهر یجری من فروج المومسات یوذی اهل النار بریحهن .

ترجمه :

۴۹۲ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه گروه به بهشت داخل نمی شوند: کسی که مداومت در خوردن شراب دارد و کسی که پیوسته به سحر و جادوگری می پردازد و کسی که قطع رحم نموده (با خویشان خود رابطه اش را قطع نموده) و کسی که دائم الخمر باشد و از دنیا برود خداوند او را از (نهر عرطه) سیراب می گرداند. عرض شد که: (نهر عرطه) چیست؟ حضرت فرمود: نهری است که از (خونابه و چرک) فرج زنان تبهکار جاری است و بوی بد آن اهل آتش را آزار می دهد.

حدیث:

۴۹۳ - عن ابی جعفر علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اخبرنی جبرئیل ان ریح الجنه یوجد من مسیره الف عام و ما یجدها عاق و لا قاطع رحم و لا شیخ زان و لا جار ازاره خیلاء و لا فتان و لا منان و لا جعظری قلت: و ما الجعظری؟ قال: الذی لایشبع من الدنیا قال: و فی حدیث آخر و لا حیوف و هو النباش و لا زنوق و هو المخنث و لا جراض و لا جعظری و هو الذی لایشبع من الدنیا.

ترجمه:

۴۹۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: جبرئیل علیه السلام به من خبر داد که بوی بهشت از فاصله هزار ساله فهمیده می شود و لی چند گروه بوی آن را نمی یابند: آزار دهنده به پدر و مادر و قطع کننده پیوند خویشاوندی و پیرمرد زناکار و همسایه ای که جامه تکبر بر تن نموده (با همسایگان متکبرانه رفتار می کند) و سخن چین فتنه گر و منت گذارنده و جعظری (۱۳۹) - روای گوید: - عرض کردم جعظری کیست؟ حضرت فرمود: کسی که از دنیا سیر نمی شود. - در حدیث دیگری آمده است که از جمله کسانی که بوی بهشت را در نمی یابند: کسی که نبش قبر می کند و کسی که خود را به هیئت زنان در آورد و کسی که سخت اندوهگین (بر دنیای خویش) است (همواره آب دهان خود را با اندوه شدید بر دنیا فرو می برد) و کسی که از دنیا سیر نمی شود.

حدیث:

۴۹۴ - عن سعید بن علاقہ قال سمعت امیرالمؤمنین علیه السلام یقول: ترک نسج العنکبوت فی البیت یورث الفقر و البول فی الحمام یورث الفقر و الاکل علی الجنابه یورث الفقر و التخلل بالطرفاء یورث الفقر و التمشط من قیام یورث الفقر و ترک الفقر و الزنا یورث الفقر و اظهار الحرص یورث الفقر و النوم بین العشاءین یورث الفقر و النوم قبل طلوع الشمس یورث الفقر و اعتیاد الکذب یورث الفقر و کثره الاستماع الی الغناء یورث الفقر و رد السائل الذکر باللیل یورث الفقر و ترک التقدیر فی المعیشه یورث الفقر و قطیعه الرحم تورث الفقر ثم قال علیه السلام: الا انبئکم بعد ذلک بما یزید فی الرزق؟ قالوا: بلی یا

امیرالمؤمنین فقال : الجمع بین الصلاتین یزید فی الرزق و التعقیب بعد الغداء و بعد العصر یزید فی الرزق و صلہ الرحم ترید فی الرزق و کسح الفناء یزید فی الرزق و مواساه الاخ فی الله عزوجل یزید فی الرزق و البکور فی طلب الرزق یزید فی الرزق و الاستغفار یزید فی الرزق و استعمال الامانه یزید فی الرزق و قول الحق یزید فی الرزق و اجابه المودن ترید فی الرزق و ترک الکلام علی الخلاء یزید فی الرزق و ترک الحرص یزید فی الرزق و شکر المنعم یزید فی الرزق و اجتناب الیمین الکاذبه یزید فی الرزق و الوضوء قبل الطعام یزید فی الرزق و اکل ما یسقط من الخوان یزید فی الرزق و من سبح الله کل یوم ثلاثین مره دفع الله عنه سبعین نوعا من البلاء ایسرھا الفقر.

ترجمه :

۴۹۴ - سعید بن علاقہ گوید: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم کہ می فرمود: چند چیز موجب فقر و ناداری می شود: باقی گذاردن تار عنکبوت در خانه ، و بول کردن در حمام ، و خوردن در حال جنابت ، و خلال نمودن دندان با چوب درخت گز ، و ایستاده شانه کردن ، و نهادن خاکروبه در خانه ، و سوگند دروغ ، و زنا کردن ، و آشکار نمودن حرص ، و خوابیدن بین نماز مغرب و عشاء ، و خوابیدن قبل از طلوع خورشید ، و عادت کردن به دروغگویی ، و زیاد گوش دادن به غناء ، و شبانه مرد سائل را رد کردن ، و ترک تدبیر و اندیشیدن در امور زندگانی ، و قطع کردن و بریدن پیوند خویشاوندی ، اینها اموری است کہ ہمگی موجب فقر و ناداری می شود ، - سپس فرمود: - آیا پس از این شما را نسبت به آنچه کہ باعث زیادی در رزق و روزی می شود آگاه نسازم ؟ عرض کردند: آری ای امیرمومنان ! حضرت فرمود: چند چیز موجب زیادی رزق و روزی می گردد: جمع نمودن بین دو نماز (ظهر و عصر و مغرب و عشاء) ، و خواندن تعقیبات نماز بعد از نماز صبح و نماز عصر ، و به جای آوردن صلہ رحم ، و جارو کردن و روفتن صحن حیاط خانه یا گرداگرد و اطراف خانه ، و یاری رساندن به برادر دینی در راه خدای عزوجل و صبح زود در طلب رزق رفتن ، و استغفار نمودن ، و امانتداری کردن ، و گفتن سخن حق ، و اجابت نمودن (و تکرار نمودن اذان) مودن ، و سخن نگفتن در مستراح ، و ترک کردن حرص ، و به جای آوردن شکر نعمت دهنده ، و دوری کردن از قسم دروغ ، و وضو گرفتن پیش از خوردن غذا ، و خوردن آنچه کہ از سفره می ریزد ، و کسی کہ خداوند را در هر روز سی مرتبه تسبیح گوید (به پاکی یاد کند) خداوند هفتاد نوع بلا و گرفتاری را از او دور می کند کہ آسانترین آنها فقر است .

حدیث :

۴۹۵ - عن النبي صلى الله عليه و آله انه قال فى حجه الوداع : ان من اشراط القيامة اضعاف الصلاه و اتباع الشهوات و الميل مع الاهواء و تعظيم المال و بيع الدنيا بالدين فعندها يذاب قلب المومن فى جوفه كما يذاب الملح فى الماء مما يرى من المنكر فلا يستطيع ان يغيره ثم قال : ان عندها يكون المنكر معروفا و المعروف منكرا و يوتمن الخائن و يخون الامين و يصدق الكاذب و يكذب الصادق ثم قال : فعندها اماره النساء و مشاوره الاماء و قعود الصبيان على المنابر و يكون الكذب ظرفا و الزكاه مغرما و الفىء مغنما و يجفو الرجل والديه و يبر صديقه ثم قال : فعندها يكتفى الرجال بالرجال و النساء بالنساء و يغار على الغلمان كما يغار على الجاربه فى بيت اهلها و يشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و يركبن ذوات الفروج السروج فعليهم من امتى لعنه الله ثم قال : ان عندها تزخوف المساجد كما تزخرف البيع و الكنائس و تحلى المصاحف و تطول النازات و تكثر الصفوف و القلوب متباغضه و الالسن مختلفه ثم قال : فعند ذلك تحلى ذكور امتى بالذهب و يلبسون الحرير و الديباچ و يتخذون جلود النمر صفافا ثم قال : فعندها يظهر الربا و يتعاملون بالغيبه و الرشا و يوضع الدين و ترفع الدنيا ثم قال : و عندها يكثر الطلاق فلا يقام لله حد و لن يضر الله شيئا ثم قال : و عندها تظهر القينات و المعازف و تليهم شرار امتى ثم قال : و عندها حج اغنياء امتى للنزهه و يحج اوساطها للتجاره و يحج فقرا و هم للرياء و السمعه فعندها يكون اقوام يتعلمون القرآن لغير الله فيتخذونه مزامير و يكون اقوام يتفقهون لغير الله و يكثر اولاد الزنا يتغنون بالقرآن و يتهافتون بالدنيا ثم قال : و ذلك اذا انتهكت المحارم و اكتسب المائم و تسلط الاشرار على الاخيار و يفسو الكذب و تظهر الحاجه و تفشو الفاقه و يتباهون فى الناس و يستحسنون الكوبه و المعازف و ينكر الامر بالمعروف و النهى عن المنكر الى ان قال : فاولئك يدعون فى ملكوت السماء الارجاس الانجاس .

ترجمه :

۴۹۵ - پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله در آخرین حج خود (حجه الوداع) فرمود: همانا از نشانه ها و علامات (پایان دنیا و) برپاشدن قیامت چند چیز است : مهمل گذاردن و واگذاردن نماز، و پیروی نمودن از خواسته های نفسانی ، و میل نمودن به هواها و خواهشها و بزرگ شمردن مال و دارایی ، و فروختن دین در مقابل دنیا، در آن زمان قلب مومن در درونش گداخته و ذوب می گردد همچنانکه نمک در آب حل می شود زیرا (با چشم خویش) منکر و ناروا را می بیند ولی توانایی تغییر آن را ندارد. در آن هنگام ، ناروا را می گردد و روا ناروا جلوه داده می شود و خیانتکار امین شمرده می شود و به امین نسبت خیانت داده می شود و دروغگو را راستگو می دانند و به راستگو نسبت دروغ داده می شود. در آن زمان زنان به ریاست و امیری می رسند و کنیزکان مورد مشورت قرار می گیرند و کودکان بر منبرها می نشینند و درغویی زیرکی و کیاست شمرده

می شود و دادن زکات خسارت و تاوان دانسته می شود و فیء (۱۴۰) را برای خود غنیمتی می دانند و شخص به پدر و مادر خود جفا و ستم می کند ولی به دوست خود نیکی می کند. در آن هنگام، مرد به مرد و زن به زن خوشنود است از غلامان همانگونه که از کنیزان در خانه مولای خود بهره برده می شود، بهره می برند، و مردان خود را شبیه زنان سازند و زنان خود را به هیئت مردان در آورند، و زنان بر زینها سوار شوند، پس بر چنین کسانی از امت من لعنت خدا باد. همانا در آن هنگام، مسجدها به مانند کلسیای یهود و نصاری آذین بندی شوند و قرآنها به زینت آراسته گردند و مناره ها بلند ساخته شود و صفها زیاد شود ولی دلها با یکدیگر کینه و دشمنی و زبانها مختلف باشد. در آن هنگام، مردان امت من خود را با طلا می آریند و لباس حریر و ابریشم می پوشند و پوست یوزپلنگ را پیش زین اسب خود قرار می دهند. در آن زمان، ربا آشکارا گرفته می شود و با یکدیگر ندیده معامله می کنند و رشوه می ستانند و دین پایین آورده می شود و دنیا بالا برده می شود. در آن زمان، طلاق زیاد می شود، پس حدی از حدود الهی اقامه نمی شود و این هرگز به خداوند ضرری نمی رساند. در آن هنگام، زنان خواننده و آلات نواختن آشکار می شوند و بدترین های امت من به دنبال آنها راه می افتند. در آن زمان، ثروتمندان امت من برای گردش و تفریح و طبقه متوسط برای تجارت نمودن فقیران برای ربا و خودنمایی به سفر حج می روند. در آن هنگام، گروه هایی هستند که قرآن را برای غیر خدا می آموزند و آن را به صورت سرود و آواز می خوانند و گروه هایی هستند که برای غیر خدا علم دین فرا می گیرند، و زنازادگان زیاد می شوند، قرآن را به صورت غنا می خوانند و به دنیا هجوم می آورند، و این امور و نشانه ها در زمانی است که حرمت محارم برداشته می شود و نیازمندی و فقر آشکار می گردد و مردم به یکدیگر فخرفروشی می کنند و سازها و طبل را نیکو می دانند و از امر به معروف و نهی از منکر خودداری می شود - تا آنجا که فرمود: - آنان کسانی هستند که در ملکوت آسمانها به عنوان پلید و ناپاک خوانده می شوند.

حدیث :

۴۹۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سته لاتکون فی المومن العسر و النكد و اللجاجه و الکذب و الحسد و البغی (اقول :

المراد المومن الکامل الايمان او هو نفی بمعنی النهی).

ترجمه :

۴۹۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: شش چیز در مومن وجود ندارد: دشواری (بدخوبی) و کم خیری و لجاجت و

سرسختی و دروغگویی و حسد ورزیدن و ستم کردن .

(مرحوم شیخ حر عاملی گوید: مراد از مومن در این حدیث ، مومنی است که در رتبه کمال ایمان قرار دارد یا اینکه نفی در این حدیث به معنای نهی است).

۵۰ - باب تحریم طلب الرئاسه مع عدم الوثوق بالعدل

۵۰ - باب تحریم ریاست طلبی زمانی که به عدالت خود اطمینان نداشته باشی

حدیث :

۴۹۷ - عن ابی الحسن علیه السلام انه ذکر رجلا فقال : انه یحب الرئاسه فقال : ما ذئبان ضاریان فی غنم قد تفرق رعاهما

باضر فی دین المسلم من الرئاسه .

ترجمه :

۴۹۷ - از امام رضا علیه السلام روایت است که ایشان نام شخصی را برد و فرمود: او ریاست را دوست دارد. سپس فرمود: دو

گرمگ وحشی شکاری در گله گوسفندی که چوپانهایش از آن جدا شده اند پر ضررتر نیستند از ریاست طلبی در دین مسلمان

حدیث :

۴۹۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من طلب الرئاسه هلک .

ترجمه :

۴۹۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که طالب ریاست باشد هلاک می شود.

حدیث :

۴۹۹ - عن ابی حمزه الثمالی قال : قال لی ابوعبدالله علیه السلام : ایاک و الرئاسه .

ترجمه :

۴۹۹ - او حمزه ثمالی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود ناز ریاست طلبی بر حذر باش .

حدیث :

۵۰۰ - عن عبدالله بن مسکان قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ایاکم و هولاء الروساء الذین یتراسون فوالله ما

خفقت النعال خلف الرجل الا هلک و اهلک .

ترجمه :

۵۰۰ - عبدالله بن مسکان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از این روسا که به ریاست رسیده اند بر حذر باشید، سوگند به خدا که کفشها پشت سر کسی به صدا در نیامد جز اینکه آن شخص هلاک گشت و دیگران را نیز به هلاکت افکند.

حدیث :

۵۰۱ - عن جویریة بن مسهر قال : اشتدت خلف امیر المؤمنین علیه السلام فقال یا جویریة انه لم یهلك هولاء الحمقى الا بخفق النعال خلفهم .

ترجمه :

۵۰۱ - جویریة بن مسهر گوید: به تندی در پشت سر امیر المؤمنین علیه السلام راه می رفتم که حضرت به من فرمود: ای جویریة! این نادانان هلاک نگشته اند مگر به سبب صدای کفشها در پشت سرشان .

حدیث :

۵۰۲ - قال ابو عبدالله علیه السلام : ملعون من تراس ملعون من هم بها ملعون من حدث نفسه بها.

ترجمه :

۵۰۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که (بدون داشتن صلاحیت) مهتر و رئیس گردد ملعون است و کسی که برای ریاست هم گمارد و تلاش کند ملعون است و کسی که با خود درباره رئیس شدن سخن گوید ملعون است .

حدیث :

۵۰۳ - عن ابی میاح عن ابیه قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : من اراد الرئاسة هلك .

ترجمه :

۵۰۳ - ابی میاح از پدرش روایت کرد که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که ریاست را قصد کند هلاک می گردد.

حدیث :

۵۰۴ - عن ابی الربیع الشامی عن ابی جعفر علیه السلام قال : لی یا ابا الربیع لا تطلبن الرئاسة و لا تکن ذنبا ولا تاکل الناس بنا فیفقرک الله .

ترجمه :

۵۰۴ - ابی ربیع شامی از امام باقر علیه السلام روایت کرد که حضرت فرمود: ای ابا ربیع! ریاست را طلب مکن و دنباله رو (رئیس) هم مباش و به بهانه ما اهل بیت از مردم مخور که خداوند بیچاره و فقیرت خواهد کرد.

حدیث:

۵۰۵ - عن محمد بن مسلم قال: سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: اتری لا اعرف خيارکم من شرارکم بلی و الله ان شرارکم من احب ان یوطا عقبه انه لا بد من کذاب او عاجز الرای .

ترجمه:

۵۰۵ - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: آیا می پنداری که نیکان شما را از بدانتان باز نمی شناسم؟ آری سوگند به خدا بدترین شما کسی است که دوست دارد که در پشت سرش گام بردارند (پشت سرش راه بیفتند). چنین کسی به ناچار یا دروغگو است و یا اندیشه اش ناتوان است .

حدیث:

۵۰۶ - عن ابی جعفر علیه السلام قال: و اما قولک ان قومی کان لهم عریف فہلک فارادوا ان یعرفونی علیہم فان کنت تکره الجنه و تبعضہا فتعرف علیہم یاخذ سلطان جائر بامری مسلم فیسفک ذمہ فتشکرک فی ذمہ و لعلک لاتنال من دنیاہم شیئا.

ترجمه:

۵۰۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: و اما اینکه می گویی: قوم من عریفی (۱۴۱) داشته اند که مرده و می خواهند مرا عریف قوم کنند، پس اگر از بهشت کراهت داری و آن را دوست نداری پس عریف آنان شو. (در نتیجه اگر) سلطان ستمگر مرد مسلمانی را دستگیر کند و خونسش را بریزد تو در خون او شریک خواهی بود و شاید به چیزی از دنیای آنان هم نرسی (بهره ای از دنیا نبری).

حدیث:

۵۰۷ - عن علی بن الحسین علیه السلام انه قال: ایاک ان تتراس فیضعک الله و ایاک ان تستا کل فیزیدک الله فقرا و اعلم انک ان تکن ذنبا فی الخیر خیر لک من ان تكون راسا فی الشر.

ترجمه:

۵۰۷ - امام سجاد علیه السلام فرمود: بر حذر باش از اینکه طلب ریاست و مهتری کنی که خداوند فقر و ناداری ات را افزون می کند و بدان که اگر در کار خیر دنباله رو باشی برای تو بهتر است از اینکه در کار شر سر (و پیشرو) باشی .
حدیث :

۵۰۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما لکم و للثاسات ؟ انما المسلمون راس واحد ایاکم و الرجال فان الرجال للرجال مهلکه .
ترجمه :

۵۰۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: شما را چه به ریاست ها؟ همانا مسلمانان به منزله یک تن هستند، بر حذر باشید از اینکه به سردمداران (ستمگر) نزدیک شوید زیرا آنان مردان (حقجو و حقگو) را به هلاکت می افکنند.
حدیث :

۵۰۹ - عن النبی صلی الله علیه و آله قال : لایومر احد علی عشره فما فوقهم الا جی ء به یوم القیامه مغلوله یداه فان کان محسنا فک عنه و ان کان مسیئا یزید غلا علی غله .
ترجمه :

۵۰۹ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ کس بر ده نفر یا بیشتر امیری و ریاست نمی کند مگر اینکه در روز قیامت با دستان غل و زنجیر شده آورده می شود پس اگر (در زمان ریاستش) نیکوکار بوده و غل و زنجیر از او برداشته می شود و اگر بدکار بوده و بر غل و زنجیرش افزوده می گردد.
حدیث :

۵۱۰ - عن الصادق عن آبائه عن النبی صلی الله علیه و آله فی حدیث المناهی قال : الا و من تولى عرافه قوم اتی یوم القیامه و یداه مغولتان الی عنقه فان قام فیهم بامر الله اطلقه الله و ان کان ظالما هوی به فی نار جهنم و بس المصیر.
ترجمه :

۵۱۰ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود: که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث مناهی فرموده است : آگاه باشید که هر کس کارگزاری گروهی را به عهده گیرد در روز قیامت با دستانی به گردن زنجیر شده می آید پس اگر در بین آن گروه به دستور خدا قیام نموده باشد خداوند او را آزاد می سازد ولی اگر به ستم رفتار کرده باشد در آتش جهنم افکنده می شود و بد بازگشتگاهی است .

۵۱ - باب استحباب لزوم المنزل غالبا مع التیان بحقوق الاخوان لمن یشق علیه اجتناب مفسد العشره

۵۱ - باب استحباب اینکه کسی که دوری از مفسد معاشرت با دیگران برای او دشوار است غالبا در خانه خود به حقوق

برادران دینی رسیدگی کند

حدیث :

۵۱۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان قدرتم ان لاتعرفوا فافعلوا و ما علیک ان لم یثن الناس علیک و ما علیک ان تكون مذموما عند الناس اذا كنت عندالله محمودا - الی ان قال : - ان قدرت علی ان لا تخرج من بیتک فافعل فان علیک فی خروجک ان لاتعتاب و لا تکذب و لاتحسد و لاترائی و لاتتصنع و لاتداهن ثم قال : نعم صومعه المسلم بیته یکف فیه بصره و لسانه و نفسه و فرجه .

ترجمه :

۵۱۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: اگر می توانید که شناخته نشوید پس چنین کنید، و وقتی که تو در نزد خداوند پسندیده و ستوده ای ، ثنا نکردن مردم بر تو، چه زبانی به تو می رساند و نکوهش نمودن مردم بر تو، چه ضرری برای تو دارد. - تا آنجا که فرمود: - اگر می توانی که از خانه ات بیرون نروی چنین کن زیرا بر تو سزاوار است که در بیرون رفتنت به غیبت نیفتی و دروغ نگویی و حسد نورزی و ریا و خودنمایی نکنی و ظاهر سازی ننمایی و چاپلوسی نکنی ، وه که خانه چه کنج عزلت خوبی برای مسلمان است که در آن جلو چشم و زبان و نفس و عورت خود را می گیرد (و آنها را از ارتکاب گناه باز می دارد).

حدیث :

۵۱۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال له رجل : جعلت فداک رجل عرف هذا الامر لزم بیته و لم یتعرف الی احد من اخوانه قال : کیف یتفقه هذا فی دینه ؟

ترجمه :

۵۱۲ - مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: قدایت شوم ، مردی از شیعیان هست که به امامت شما آگاه است ولی پیوسته در خانه اش می ماند و طالب شناخت هیچ یک از برادرانش نیست . حضرت فرمود: چنین کسی چگونه در دینش فهم

پیدا می کند؟

حدیث :

۵۱۳ - عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام فی حدیث طویل انه قال : یا هشام الصبر علی الوحده علامه قوه العقل فمن عقل عن الله اعتزل اهل الدنيا و الراغبین فیها و رغب فیما عندالله و كان الله انسه فی الوحشه و صاحبه فی الوحده و غناه فی العیله و معزه من غیر عشیره .

ترجمه :

۵۱۳ - امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: ای هشام! صبر نمودن بر تنهایی نشانه توانایی عقل است پس کسی که خداوند را درک کند از اهل دنیا و میل کنندگان به دنیا کناهرگیری می کند و به آنچه که در نزد خداوند است رغبت و میل پیدا می کند و خداوند مونس و حشت او و همدم تنهایی او می شود و در هنگام فقر، غنای او به خداوند است و بدون اینکه قوم و قبیله ای داشته باشد خداوند عزت دهنده اوست .

حدیث :

۵۱۴ - عن الفضیل قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : طوبی لكل عبد لومه عرف الناس قبل ان یعرفوه .

ترجمه :

۵۱۴ - فضیل گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خوشا به حال هر بنده ای نکوهش کننده (که نفس خویش را همواره بر دنیاطلبی ملامت کند) و پیش از آنکه مردم او را بشناسند مردم را بشناسد.

حدیث :

۵۱۵ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی حدیث قال : طوبی لمن لزم بیته و اکل کسرتة و بکی علی خطیئته و کان من نفسه فی تعب و الناس منه فی راحة .

ترجمه :

۵۱۵ - امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود: خوشا به حال هر بنده نکوهش کننده (که نفس خویش را همواره بر دنیاطلبی ملامت کند) و پیش از آنکه مردم او را بشناسند مردم را بشناسد.

حدیث :

۵۱۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام عن آبائه عن علی علیه السلام قال : ثلاث منجیات تکف لسانک و تبکی علی خطیئتك و یسعک بیتک .

ترجمه :

۵۱۶ - امام صادق علیه السلام از پدران و ایشان از علی علیه السلام روایت کنند که فرمود: سه چیز است که مایه نجات است: زبانت را نگاه دای و بر گناهت گریه کنی و خانه ات برای تو فراخ باشد (و به خاطر رفتار خود یا خانواده ات از خانه خود گریزان نباشی).

(مرحوم شیخ حر عاملی گوید: وجه جمع بین این اخبار و اخباری که از رهبانیت و بریدن از مردم نهی می کنند این است که اخبار این باب چنانکه در عنوان باب گذشت بر مواردی حمل می شود که دوری از مفاسد معاشرت با دیگران برای شخص دشوار است).

۵۲ - باب تحریم اختال دنیا بالدین

۵۲ - باب حرام بودن فریفتن (مردمان) دنیا به وسیله دین

حدیث:

۵۱۷ - عن یونس بن طیبان قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ان الله عزوجل یقول: ویل للذین یختلون دنیا بالدین و ویل للذین یقتلون الذین یأمرون بالقسط من الناس و ویل للذین یرسلون المومنین فیهم بالتقیه اءبی یغترون ام علی یجترون؟ فی حلفت لا تیحن لهم فتنه تترك الحلیم منهم حیران.

ترجمه:

۵۱۷ - یونس بن ظبیان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که: همانا خداوند عزوجل می فرماید: وای بر کسانی که (مردمان) دنیا را به وسیله دین می فریبند و وای بر کسانی که مردمانی را که به عدل و داد فرمان می دهند می کشند و وای بر کسانی که مومن در میان آنان با حالت تقیه سیر می کند. آیا به خاطر (صبر و مدارای) من فریفته می گردند یا بر من دلیری می کنند؟ پس به خودم سوگند که برای آنان فتنه ای را مقدر می کنم که آن فتنه شخص بردبار را هم سرگشته و حیران می گرداند.

حدیث:

۵۱۸ - عن رسول الله صلی الله علیه و آله انه قال فی آخر خطبه خطبها: و من عرضت له دنیا و آخره فاختار دنیا و ترک الاخره لقی الله و لیست له حسنه یتقی بها النار و من احد الاخره و ترک دنیا لقی الله یوم القیامه و هو عنه راض.

ترجمه:

۵۱۸ - رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه ای که خواند فرمود: هر کس که دنیا و آخرت به او عرضه گردد و او دنیا را بر آخرت برگزیند خداوند را در حالتی دیدار خواهد کرد که هیچ حسنه ای که به وسیله آن از آتش دوزخ حفظ شود همراه او نیست ولی کسی که آخرت را برگزیند و دنیا را ترک کند خداوند را در روز قیامت در حالتی دیدار خواهد کرد که از وی خوشنود است .

حدیث :

۵۱۹ - عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : ان الله تبارک و تعالی انزل کتابا من کتبه علی نبی من انبیائه و فیه انه سیکون خلق من خلقی یلحسون الدنیا بالذین یلبسون مسوک الضان علی قلوب کقلوب الذئاب اشد مراره من الصبر و السنتمهم احلی من العسل و اعمالهم الباطنه اتن من الجیف افبی یغترون ام ایای یخادعون ام علی یجترون ؟ فبعزتی حلفت لاتیحن لهم فتنه تطا فی خطامها حتی تبلغ اطراف الارض تترک الحلیم منهم حیران .

ترجمه :

۵۱۹ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود: همانا که خداوند تبارک و تعالی کتابی از کتابهایش را بر پیامبری از پیامبرانش فرو فرستاد و در آن کتاب آورد که : به زودی گروهی از آفریدگان من پا به عرصه وجود خواهند گذارد که دنیا را به وسیله دین می لیسند و پوستهای میش را بر خود می پوشند ولی قلبهایی همچون قلب گرگها دارند و دلهایی که از (صبر زرد) هم تلخ ترند و زبانهایشان شیرین تر از عسل و کردارهای پنهانی آنان بدبوتر از مردار است آیا مرا فریب می دهند یا به من نیرنگ می زنند و یا اینکه بر من دلیری می کنند پس به عزتم سوگند می خوردم که برای آنان فتنه ای را مقدر می کنم که مهارش رهاست تا آنجا که آن فتنه به اطراف و جوانب زمین می رسد و شخص بردبار را (نیز) سرگردان و حیران و می گذارد.

۵۳ - باب وجوب تسکین الغضب عن فعل الحرام و ما یسکن به

۵۳ - باب وجوب آرام نمودن قوه غضب از اینکه موجب ارتکاب حرام شود و بیان آنچه که غضب را بر طرف می کند

حدیث :

۵۲۰ - قال ابو عبدالله علیه السلام : انما المومن الذی اذا غضب لم یخرجه غضبه من حق و اذا رضی لم یدخله رضاه فی

باطل و اذا قدر لم یأخذ اکثر مما له .

ترجمه :

۵۲۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: به درستی که مومن کسی است که در هنگام خشم ، خشمش او را از حق بیرون نبرد و در هنگام خوشنودی ، خوشنودی اش وی را به باطل داخل نکند و در هنگام قدرت و توانایی بیش از آنچه که متعلق به خود اوست را نگیرد.

حدیث :

۵۲۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الغضب یفسد الایمان کما یفسد الخل العسل . ترجمه :

۵۲۱ - امام صادق علیه السلام روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : خشم ایمان را تباه می کند همچنانکه سرکه باعث تباهی و فساد عسل می گردد.

حدیث :

۵۲۲ - قال ابو عبدالله علیه السلام : الغضب مفتاح کل شر . ترجمه :

۵۲۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: خشم کلید هر بدی است . حدیث :

۵۲۳ - عن میسر قال ذکر الغضب عند ابی جعفر علیه السلام قال : ان الرجل لیغضب فما یرضی ابدأ حتی یدخل النار فایما رجل غضب علی قوم و هو قائم فلیجلس من فوره ذلک فانه یذهب عنه رجز الشیطان و ایما رجل غضب علی ذی رحم فلیدن منه فلیمسه فان الرحم اذا مست سکت . ترجمه :

۵۲۳ - میسر گوید: در نزد امام باقر علیه السلام سخن از خشم به میان آمد، حضرت فرمود: همانا (گاه باشد که) مرد خشمگین می شود و هرگز خوشنود نمی شود مگر اینکه داخل دوزخ شود. پس هر مردی که بر قومی خشم گرفت اگر در حالت ایستاده است سریعاً بنشیند زیرا این نشستن ، پلیدی شیطان را از او می زداید و هر مردی که بر خویشاوند خود خشمگین شد باید به او نزدیک شود و با او تماس حاصل کند زیرا اگر با خویشاوندان تماس حاصل شود آرامش پیدا می کند. حدیث :

۵۲۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رجل للنبی صلی الله علیه و آله : یا رسول الله علمنی فقال : اذهب فلا تغضب

ترجمه :

۵۲۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! چیزی به من بیاموز، حضرت فرمود: برو و خشمگین مشو.

حدیث :

۵۲۵ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من كف نفسه عن اعراض الناس اقال الله نفسه يوم القيامة و من كف غضبه عن الناس كف الله تبارک و تعالی عنه عذاب يوم القيامة .

ترجمه :

۵۲۵ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : کسی که خود را از (ریختن) آبروی مردمان نگهداری کند خداوند نیز در روز قیامت از (عذاب) او خودداری می کند و کسی که خشمش را از مردمان باز دارد خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت عذابش را از وی باز می دارد.

حدیث :

۵۲۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : سمعت ابی یقول : اتی رسول الله صلی الله علیه و آله رجل بدوی فقال انی اسکن البادیه فعلمنی جوامع الکلم فقال : امرک ان لاتغضب فاعاد علیه الاعرابی المساله ثلاث مرات حتی رجع الرجل الی نفسه فقال : لاسال عن شیء بعد هذا ما امرنی رسول الله صلی الله علیه و آله الا بالخیر قال و کان ابی یقول : ای شیء اشد من الغضب ؟ ان الرجل لیغضب قیقتل النفس التی حرم الله و یقذف المحصنه .

ترجمه :

۵۲۶ - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: از پدرم شنیدم که فرمود: مردی بیابانی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من در بیابان زندگی می کنم به من سخنی بیاموز که الفاظ آن اندک و معانی آن بسیار باشد. حضرت فرمود: تو را امر می کنم که خشمگین نشوی . پس آن بیابان نشین سوال خود را تا سه مرتبه تکرار کرد تا اینکه آن مرد به خود بازگشت و با خود گفت : دیگر پس از این چیزی نمی پرسم زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله جز به خیر مرا دستور نداده است . امام صادق علیه السلام فرمود: پدر می فرمود: چه چیزی از غضب کردن سخت تر و بدتر است ؟ زیرا شخص

غضب می کند و در نتیجه نفسی را که خداوند آن را محترم دانسته می کشد و یا در حالت غضب ، به زن شوهردار نسبت ناروا می دهد.

حدیث :

۵۲۷ - عن عبد الاعلی قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : علمنی عظه اتعظ بها فقال : ان رسول الله صلی الله علیه و آله اتاه رجل فقال : یا رسول الله صلی الله علیه و آله علمنی عظه اتعظ بها فقال : انطلق فلا تغضب ثم عاد الیه فقال انطلق فلا تغضب ثلاث مرات .

ترجمه :

۵۲۷ - عبدالاعلی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : مرا موعظه ای بیاموز تا از آن اندرز گیرم و عبرت پذیرم . حضرت فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و همین درخواست را از ایشان نمود و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برو و خشمناک مشو. سپس آن مرد تا سه مرتبه درخواست خود را تکرار نمود و حضرت نیز در هر بار فرمود: برو و خشمگین مشو.

حدیث :

۵۲۸ - عن سیف بن عمیره عن سمع ابا عبدالله علیه السلام یقول : من کف غضبه ستر الله عورته .

ترجمه :

۵۲۸ - سیف بن عمیره از کسی که از امام صادق علیه السلام شنیده بود روایت کند که حضرت فرمود: کسی که جلو خشمش را بگیرد خداوند نقصها و کاستی های او را می پوشاند.

حدیث :

۵۲۹ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : مکتوب فی التوراه فیما ناجی الله به موسی علیه السلام یا موسی نن امسک غضبک عن ملکتک علیه اکف عنک غضبی .

ترجمه :

۵۲۹ - امام باقر علیه السلام فرمود: در کتاب تورات در ضمن رازگویی خداوند با حضرت موسی علیه السلام آمده است : ای موسی ! جلو خشمت را درباره کسی که تو را صاحب اختیار او گردانیده ام بگیر تا من نیز خشمم را از تو باز دارم .

حدیث :

۵۳۰ - قال ابو عبدالله : الغضب ممحقه لقلب الحكيم و قال : من لم يملك غضبه لم يملك عقله .

ترجمه :

۵۳۰ - امام صادق عليه السلام فرمود: خشم ، قلب شخص حکيم را تباه می کند و فرمود: کسی که مالک خشم خود نباشد

مالک عقل خود نیست .

حدیث :

۵۳۱ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان هذا الغضب جمره من الشيطان توقد فی قلب ابن آدم و ان احدکم اذا غضب

احمرت عيناه و انتفخت اوداجه و دخل الشيطان فيه فاذا خاف احدکم ذلك من نفسه فليلزم الارض فان رجز الشيطان ليذهب عنه عند ذلك .

ترجمه :

۵۳۱ - امام باقر عليه السلام فرمود: همانا این خشم ، پاره آتشی از شیطان است که در قلب فرزند آدم افروخته می شود و

همانا کسی از شما آنگاه که خشمگین می شود چشمانش سرخ و رگهایش بر آمده می شود و شیطان در درون او وارد می

گردد پس هرگاه یکی از شما درباره خود از این حالت خشم ترسان باشد به زمین بنشیند زیرا پلیدی شیطان در این هنگام از وجود او می رود.

حدیث :

۵۳۲ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : من كف غضبه عن الناس كف الله عنه عذاب يوم القيامة .

ترجمه :

۵۳۲ - امام باقر عليه السلام فرمود: کسی که خشمش را از مردمان باز دارد خداوند نیز در روز قیامت عذابش را از او باز می

دارد.

حدیث :

۵۳۳ - محمد بن علی بن الحسين عليه السلام قال : مر رسول الله صلى الله عليه و آله بقوم يتشايرون حجرا فقال : ما هذا؟

فقالوا: نختبر اشدنا و اقوانا فقال : الا اخبركم باشدکم و اقواکم ؟ قالوا: بلى يا رسول الله قال : اشدکم و اقواکم الذی اذا رضی

لم يدخله رضاه فی اثم و لا باطل و اذا سخط لم يخرجه سخطه من قول الحق و اذا ملک لم يتعاط ما ليس له بحق .

ترجمه :

۵۳۳ - امام محمد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به گروهی گذر کرد که سنگی را بلند کرده و حمل می کردند، حضرت فرمود: این چیست ؟ عرض کردند: با این کار مقاوم ترین و قوی ترین را می آزماییم . حضرت فرمود: آیا شما را خبردار سازم که مقاوم ترین و قوی ترین شما کیست ؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا. حضرت فرمود: مقاوم ترین و تواناترین شما کسی است که هرگاه خوشنود باشد خوشنودی اش او را به گناه و باطل نیفکند و هرگاه خشمگین باشد خشمش او را از گفتن حق بیرون نبرد و هرگاه استیلا و تسلط پیدا کند چیزی را که حق او نیست به ناحق نگیرد.

حدیث :

۵۳۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال الحواریون لعیسی علیه السلام : ای الاشیاء اشد؟ قال : اشد الاشیاء غضب الله عزوجل . قالوا: بما نتقی غضب الله ؟ قال : بان لاتغضبوا. قالوا: و بدء الغضب ؟ قال : الکبر و التجبر و محقره الناس .

ترجمه :

۵۳۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: حواریون به حضرت عیسی علیه السلام عرض کردند: سخت ترین چیز چیست ؟ حضرت فرمود: سخت ترین چیزها خشم خداوند عزوجل است . عرض کردند: به چه وسیله ای از خشم خدا در امان باشیم ؟ فرمود: به اینکه بر دیگران خشم مگیرید. عرض کردند: آغاز و نقطع شروع خشم چیست ؟ فرمود: خود بزرگ بینی و تکبر و کوچک شمردن مردمان .

حدیث :

۵۳۵ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : من کف نفسه عن اعراض الناس کف الله عنه عذاب یوم القیامه و من کف غضبه عن الناس اقاله الله نفسه یوم القیامه .

ترجمه :

۵۳۵ - امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که خود را از (ریختن) آبروی مردمان باز دارد خداوند عذاب روز قیامت را از او باز خواهد داشت و کسی که خشمش را از مردم نگاه دارد خداوند در روز قیامت او را حفظ می کند.

حدیث :

۵۳۶ - عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام الہ ذکر عنده الغضب فقال : ان الرجل لیغضب حتی ما یرضی ابدًا و یدخل بذلک النار فایما رجل غضب و هو قائم فلیجلس فانه سیزهب عنه رجس الشیطان و ان کان جالساً فلیقم و ایما رجل غضب علی ذی رحم فلیقم الیه و لیدن منه و لیمسه فان الرحم اذا مست الرحم سکت .

ترجمه :

۵۳۶ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که در نزد ایشان درباره غضب سخن به میان آمد و ایشان فرمود: همانا (گاه باشد که) مرد خشمگین می شود تا جایی که هرگز خشمش فرو نمی نشیند و خوشنود نمی شود و به خاطر آن به دوزخ داخل می گردد پس هر مردی که در حال ایستاده به خشم آمد باید بنشیند زیرا در این صورت به زودی پلیدی شیطان از او بیرون می رود و اگر نشسته بود باید بایستد و هر مردی که بر خویشاوند خود خشم گرفت باید به سوی او رود و به او نزدیک شود و با او تماس گیرد زیرا خویشاوند هنگامی که خویشاوند خود را لمس کند آرامش می یابد.

حدیث :

۵۳۷ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ثلاث من كن فيه يستكمل خصال الايمان الذی اذا رضی لم یدخله رضاه فی باطل و اذا غضب لم یخرجه غضبه من الحق و اذا قدر لم یتعاطا ما لیس له .

ترجمه :

۵۳۷ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز هست که هر کس این سه چیز در او باشد خصلتهای ایمان را به صورت کامل دارا گشته است : اینکه کسی در هنگام خوشنودی ، خوشنودی اش او را در باطل وارد نکند و اینکه در هنگام خشم ، خشمش او را از حق بیرون نبرد و اینکه در هنگام قدرت و توانایی چیزی را که از آن او نیست به ناحق نگیرد.

۵۴ - باب وجوب ذکر الله عند الغضب

۵۴ - باب وجوب یاد کردن خداوند در هنگام خشم

حدیث :

۵۳۸ - قال ابو عبدالله علیه السلام : اوحی الله عزوجل الی بعض انبیا ئه یا ابن آدم اذکرنی فی غضبک اذکرک فی غضبی لا امحکک فیمن امحق و ارض بی منتصرا فان انتصاری لک خیر من انتصارک لنفسک .

ترجمه :

۵۳۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که : ای فرزند آدم ! مرا در هنگام خشم یاد کن تا من نیز تو را در هنگام خشم یاد کنم و تو را در زمره کسانی که نابودشان می سازم نابود نگردانم و به اینکه من انتقامت را از دشمنت بستانم راضی و خوشنود باشد زیرا انتقام گیری من برای تو بهتر است از اینکه خودت دست بکار شوی و انتقام خود از وی بستانی .

حدیث :

۵۳۹ - و فی حدیث آخر زاد: و اذا ظلمت بمظلّمه فارض بانتصاری لک فان انتصاری لک خیر من انتصارک لنفسک .

ترجمه :

۵۳۹ - و در حدیث دیگری اضافه نموده است که : و هرگاه مورد ستمی قرار گرفتی به انتقام گیری من از آن ستمکار

خوشنود باش زیرا انتقامی که من به نفع تو می گیرم بهتر از انتقامی است که تو خود می گیری .

حدیث :

۵۴۰ - عن اسحاق بن عمار قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان فی التوراه مکتوبا یا ابن آدم اذکرنی حین تغضب

اذکرک عند غضبی فلا امحقک فیمن امحق و اذا ظلمت بمظلّمه فارض بانتصاری لک فان انتصاری لک خیر من انتصارک

لنفسک .

ترجمه :

۵۴۰ - اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: همانا در تورات نوشته شده است که : ای

فرزند آدم ! مرا در هنگام خشمت به یاد آور تا تو را در هنگام خشمم به یاد آورم پس تو را در زمره هلاک شوندهگان به

هلاکت نمی رسانم و هرگاه مورد ستمی قرار گرفتی به انتقام من از دشمنت خوشنود باش زیرا انتقامی که من به نفع تو از

وی می کشم بهتر از انتقامی است که تو خود می گیری .

۵۵ - باب تحریم الحسد و وجوب الجتنابه دون الغبطه

۵۵ - باب حرام بودن حسد و وجوب دوری از حسد و عدم حرمت غبطه

حدیث :

۵۴۱ - قال ابو جعفر علیه السلام : ان الرجل لیاتی باذنی بادره فیکفر و ان الحسد لیاکل الایمان کما تاکل النار الحطب .

ترجمه :

۵۴۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: همانا (گاه باشد که) مردم کوچکترین تندی و تیزی خشم را به جای می آورد و در

نتیجه کارش به کفر می انجامد و همانا حسد ایمان را می خورد همچنانکه آتش هیضم را می خورد.

حدیث :

۵۴۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الحسد لیاکل الایمان کما تاکل النار الحطب .

ترجمه :

۵۴۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا که حسد ایمان را می خورد چنانکه آتش هیزم را می خورد.

حدیث :

۵۴۳ - عن داود الرقی قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اتقوا الله و لا يحسد بعضكم بعضا.

ترجمه :

۵۴۳ - داود رقی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از خدا بترسید و کسی از شما بر دیگری حسد نوزد.

حدیث :

۵۴۴ - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : كاد الفقر ان يكون كفرا كاد الحسد ان يغلب

القدر.

ترجمه :

۵۴۴ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نزدیک است که فقر به کفر بیانجامد

و نزدیک است که حسد بر قضا و قدر چیره شود.

حدیث :

۵۴۵ - قال ابو عبدالله عليه السلام : أفه الدين الحسد و العجب و الفخر.

ترجمه :

۵۴۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: آفت دینداری حسد و خودبینی و فخر فروشی است .

حدیث :

۵۴۶ - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : قال الله عزوجل لموسى بن عمران : يا ابن

عمران لا تحسدن الناس على ما اتيهم من فضلى و لا تمدن عينيك الى ذلك و لا تتبعه نفسك فان الحاسد ساخط لنعمتى

صاد لقسمى الذى قسمت بين عبادى و من يك كذلك فلست منه و ليس منى .

ترجمه :

۵۴۶ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عزوجل به حضرت موسی بن

عمران علیه السلام فرمود: این پسر عمران! بر مردم به آنچه که من از فضل خود به آنان داده ام حسد مبر و بر داشته های

آنان چشم مدوز و نفست را در پی آنها نفرست زیرا شخص حسود بر نعمت من خشمگین و ناخشنود است و از آن قسمتی که بین بندگانم روا داشته ام روی گردان است و کسی که چنین باشد نه من از آن اویم و نه او از برای من است .
حدیث :

۵۴۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان المومن یغبط و لا یحسد و المنافق یحسد و لا یغبط.

ترجمه :

۵۴۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا مومن غبطه (۱۴۲) می خورد ولی حسد نمی ورزد و منافق حسد می ورزد ولی غبطه نمی خورد.

حدیث :

۵۴۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ثلاثه لم ینج منها نبی فمن دونه التفکر فی الوسوسه فی الخلق و الطیره و الحسد الا ان المومن لا یتعمل حسده .

ترجمه :

۵۴۸ - امام صادق علیه السلام سه چیز است که هیچ پیامبر و پایین تر از پیامبری از آن سه چیز خلاصی ندارد: یکی اندیشیدن در تحریکات شیطانی درباره امر آفرینش و دیگری فال بد زدن و دیگری حسد، جز اینکه مومن حسدش را اعمال نمی کند.

حدیث :

۵۴۹ - عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی انهماک عن ثلاث خصال الحسد و الحرص و الکبر.

ترجمه :

۵۴۹ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که : ای علی ! تو را از داشتن سه خصلت نهی می کنم : حسد ورزیدن و حرص و خودبزرگ بینی .

حدیث :

۵۵۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اصول الکفر ثلاثه الحرص و الاستکبار و الحسد.

ترجمه :

۵۵۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: ریشه های کفر سه چیز است : حرص و بزرگ منشی نمودن و حسد ورزیدن .

حدیث :

۵۵۱ - عن ابی الحسن علی به موسی الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

دب الیکم داء الامم قلبکم البغضاء و الحسد.

ترجمه :

۵۵۱ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: درد امت های

پیشین به شما هم سرایت کرده است که آن درد دشمنی نمودن و حسد ورزیدن است .

حدیث :

۵۵۲ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : حسد الصدیق من سقم الموده .

ترجمه :

۵۵۲ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حسد ورزیدن دوست ، ناشی از ناسلام بودن دوستی است .

حدیث :

۵۵۳ - و قال علیه السلام : صحه الجسد من قله الحسد.

ترجمه :

۵۵۳ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سلامت بدن نشانه کمی حسد است .

حدیث :

۵۵۴ - علی بن جعفر عن اخیه موسی به جعفر علیه السلام عن ابیه عن جدّه قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله ذات

یوم لاصحابه : الا انه قد دب الیکم داء الامم من قبلکم و هو الحسد لیس بحالق الشعر لکنه خالق الدین و ینجی فیہ ان

یکف الانسان یده و یخزن لسانه و لایکون ذا غمر علی اخیه المومن .

ترجمه :

۵۵۴ - علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام و ایشان از پدرش و ایشان از جدش روایت کند که : رسول خدا

صلی الله علیه و آله روزی به اصحابش فرمود: آگاه باشید که مرض امتهای گذشته به شما نیز سرایت کرده و آن مرض حسد

است این مرض موی را نمی سترد (نمی تراشد) بلکه دین را می تراشد و چیزی که در حال حسد نجات بخش است این است که آدمی دستش را (از تجاوز به محسود) باز دارد و زبانش را نگاه دارد و نسبت به برادر مومن خود کینه نداشته باشد.

۵۶ - باب جمله مما عفی عنه

۵۶ - باب برخی از خصلتهایی که مورد عفو و بخشش قرار گرفته اند

حدیث :

۵۵۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : رفع عن امتی تسعه اشیاء الخطا و النسیان و ما اکرهوا علیه و ما لایعلمون و ما لا یطیقون و ما اضطرو الیه و الحسد و الطیره و التفکر فی الوسوسه فی الخلق ما لم ینطقوا بشقه .

ترجمه :

۵۵۵ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از امت من (عقوبت بر) نه چیز برداشته شده است : خطا و فراموشی و کاری که بر انجام آن مجبور شوند و آنچه که نمی دانند و آنچه که از توان و طاقت آنان بیرون است و آنچه که در حال اضطرار انجام می دهند و حسد (تا زمانی که در دل باشد و آن را اعمال نکنند) و فال بد زدن و تفکر در اندیشه های پریشان در امر آفرینش تا زمانی که بر زبان نیاورند (و در حد فکر باقی بماند).

حدیث :

۵۵۶ - عن ایب عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : رفع عن امتی اربع خصال خطوها و نسیانها و ما اکرهوا علیه و ما لم یطیقوا و ذلک قول الله عزوجل : (ربنا لا تواخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا و لا تحمل علینا اصرار کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقه لنا به) و قوله : (الا من اکره و قلبه مطمئن بالایمان).

ترجمه :

۵۵۶ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از امت من (عقوبت بر) چهار خصلت برداشته شده است : خطای آنان و فراموش نمودنشان و آنچه که بر انجام آن مجبور می شوند و آنچه که طاقت آن را ندارند و گفتار خدای عزوجل همین است که می فرماید: (ای پروردگار ما! اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم ما را مواخذه مکن . ای پروردگار ما! بار آنگونه که بر پیشینیان ما حمل نمودی بر ما حمل مکن و آنچه را که طاقت و توان آن را نداریم بر گرده

ما مگذار (۱۴۳) و گفتار خدا که می فرماید: (مگر کسی که مجبور شده است در حالی که قلبش به ایمان آرمیده است) (۱۴۴).

حدیث :

۵۵۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : وضع عن امتی تسع خصال الخطا و النسیان و ما لا یعلمون و ما لا یطیقون و ما اضطروا الیه و ما استکروهوا علیه و الطیره و الوسوسه فی التفکر فی الخلق و الحسد ما لم یظهر بلسان او ید.

ترجمه :

۵۵۷ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از امت من (عقوبت بر) نه خصلت برداشته شده است : خطا و فراموشی و آنچه که نمی دانند و آنچه که طاقتش را ندارند و آنچه که در حال اضطرار انجام می دهند و آنچه که بر انجام آن مجبور می شوند و فال بد زدن و اندیشه های پریشان در امر آفرینش و حسد تا زمانی که آثار حسد بر زبان یا دست آشکار نگردد.

۵۷ - باب تحریم التعصب علی غیر الحق

۵۷ - باب حرمت تعصب ورزیدن درباره امور ناحق

حدیث :

۵۵۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من تعصب او تعصب له فقد خلع ربقه الایمان من عنقه .

ترجمه :

۵۵۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از چیزی طرفداری مصرانه و نابجا کند یا اینکه از جانب دیگران به نفع او طرفداری نابجا شود (و او خوشنود باشد) محققا که ریسمان ایمان را از گردن خویش باز کرده است .

حدیث :

۵۵۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من کان فی قلبه حبه من خردل من عصبیه بعثه الله یوم القیامه مع اعراب الجاهلیه .

ترجمه :

۵۵۹ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در دلش به اندازه دانه ای خردل تعصب کورکورانه و نابجا باشد خداوند در روز قیامت او را با اعراب زمان جاهلیت بر می انگیزد.
حدیث :

۵۶۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من تعصب عصبه الله بعصابه من نار.
ترجمه :

۵۶۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که تعصب و طرفداری کورکورانه و نابجا بورزد خداوند او را به دستاری از آتش می پیچد.
حدیث :

۵۶۱ - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : لم یدخل الجنه حمیه غیر حمیه حمزه بن عبدالمطلب و ذلک حین اسلم غضبا للنبی صلی الله علیه و آله فی حدیث السلی الذی القی علی النبی صلی الله علیه و آله .
ترجمه :

۵۶۱ - امام سجاد علیه السلام فرمود: هیچ حمیت و خشمی داخل بهشت نمی شود بجز خشمی که حمزه بن عبدالمطلب اعمال نمود و آن زمانی بود که در جریان انداخته شدن بچه دان گوسفند بر سر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف مشرکین ، حضرت حمزه به خشم آمد و اسلام آورد.
حدیث :

۵۶۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الملائکه کانوا یحسبون ان ابلیس منهم و کان فی علم الله انه لیس منهم فاستخرج ما فی نفسه بالحمیه و الغضب و قال خلقتنی من نار و خلقته من طین .
ترجمه :

۵۶۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا فرشتگان می پنداشتند که ابلیس از آنان است ولی در علم خداوند ابلیس از فرشتگان نبود و او به خاطر غیرت نابجا و خشم ، آنچه را که در درون داشت بیرون ریخت و گفت : خدایا تو مرا از آتش آفریدی و آدم را از گل (بنابراین من از او برترم و در مقابل او سجده نمی کنم).
حدیث :

۵۶۳ - قال اميرالمؤمنين عليه السلام : ان الله يعذب الستة بالسته العرب بالعصبيه و الدهاقين بالكبر و الامراء بالجور و الفقهاء بالحسد و التجار بالخيانة و اهل الرساتيق بالجهل .

ترجمه :

۵۶۳ - اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: همانا خداوند شش گروه را به خاطر شش خصلت عذاب می کند: عرب را به خاطر تعصب نابجا و روسا را به خاطر تکبر و خود بزرگ بینی و امیران را به خاطر ستمکاری و دانشمندان را به خاطر حسد و بازرگانان را به خاطر خیانت و ناراستی و روستائیان را به خاطر نادانی .

حدیث :

۵۶۴ - سئل علی بن الحسین علیه السلام عن العصبیه فقال : العصبیه التي یائم علیها صاحبها ان یری الرجل شرار قومه خیرا من خیار قوم آخرین و لیس من العصبیه ان یحب الرجل قومه و لكن من العصبیه ان یعین الرجل قومه علی الظلم .

ترجمه :

۵۶۴ - از امام سجاد علیه السلام درباره تعصب سوال شد. حضرت فرمود: آن تعصبی که دارنده آن گناهکار است این است که مردی بدان قوم خود را بهتر از خوبان قوم دیگران بپندارند اما اینکه مردی قوم خود را دوست بدارد از تعصب نیست بلکه تعصب آن است که مردی قوم خود را بر انجام ستم یاری کند.

حدیث :

۵۶۵ - عن العمی رفعه قال : من تعصب حشره الله یوم القیامه مع اعراب الجاهلیه .

ترجمه :

۵۶۵ - عمی از معصوم علیه السلام روایت کند که : کسی که تعصب نابجا داشته باشد خداوند در روز قیامت او را با اعراب زمان جاهلیت محشور خواهد ساخت .

۵۸ - باب تحریم التکبر

۵۸ - باب تحریم خود بزرگ بینی

حدیث :

۵۶۶ - عن حکیم قال سالت ابا عبدالله علیه السلام عن اذنی الالحاد قال : ان الکبر اذناه .

ترجمه :

۵۶۶ - حکیم گوید: از امام صادق علیه السلام درباره پایین ترین درجه کفر و بی دینی پرسیدم . حضرت فرمود: همانا پایین ترین درجه کفر تکبر ورزیدن است .

حدیث :

۵۶۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال ابوجعفر علیه السلام العز رداء الله و الکبر ازاره فمن تناول شیئا منه اکبه الله فی جهنم .

ترجمه :

۵۶۷ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : امام باقر علیه السلام فرمود: ارجمندی بالا پوش خدا و بزرگ منشی زیر پوش اوست پس هر کس چیزی از آن دو را برای خود برگیرد خداوند او را به رو در آتش جهنم می افکند.

حدیث :

۵۶۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الکبر رداء الله فمن نازع الله شیئا من ذلك اکبه الله فی النار.

ترجمه :

۵۶۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگ منشی بالا پوش خداست پس کسی که با خداوند در این باره به کشمکش برخیزد خداوند او را به رو در آتش خواهد افکند.

حدیث :

۵۶۹ - عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیه السلام قالوا: لا یدخل الجنه من فی قلبه مثقال ذره من کبر.

ترجمه :

۵۶۹ - از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت است که : کسی که در قلبش به اندازه ذره ای کبر و خود بزرگ بینی باشد به بهشت وارد نمی شود.

حدیث :

۵۷۰ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الکبر رداء الله و المتکبر ینزع الله رداءه .

ترجمه :

۵۷۰ - امام باقر علیه السلام فرمود: کبر و بزرگ منشی بالا پوش خداوند است و کسی که تکبر می ورزد با خداوند درباره آن به کشمکش بر می خیزد.

حدیث :

۵۷۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان فی جهنم لوادیا للمتکبرین یقال له سقر شکا الی الله عزوجل شده حره و ساله عزوجل ان یاذن له ان یتنفس فتنفس فاحرق جهنم .

ترجمه :

۵۷۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا که در جهنم صحرائی برای متکبران است که به آن (سقر) گفته می شود که این صحرا از شدت گرمایش به خداوند عزوجل شکایت می کند و از خداوند درخواست می کند که به او اجازه دهد که نفسی بکشد پس چون نفس می کشد جهنم شعله ور می گردد.

حدیث :

۵۷۲ - عن داود بن فرقد عن اخیه قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان المتکبرین یجعلون فی صور الذر تتطوهم الناس حتی یفرغ الله من الحساب .

ترجمه :

۵۷۲ - داود بن فرقد از برادرش روایت کند که گفت : از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا افراد متکبر در روز قیامت به صورت مورچه در می آیند و مردم آنان را پایمال می کنند تا اینکه خداوند از حساب خلایق فارغ شود.

حدیث :

۵۷۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من عبد الا و فی راسه حکمه و ملک یمسکها فاذا تکبر قال له : اتضع وضعک الله فلا یزال اعظم الناس فی نفسه و اصغر الناس فی اعین الناس و اذا تواضع رفعها الله عزوجل ثم قال له : انتعش نعشک الله فلا یزال اصغر الناس فی نفسه و ارفع الناس فی اعین الناس .

ترجمه :

۵۷۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست جز اینکه در سر او دهانه و لگامی هست که فرشته ای آن را نگاهداشته است پس هرگاه بنده ای تکبر نمایند آن فرشته به وی می گوید (نفرین کند): فرود آی که خداوند تو را فرومایه و پست کند، پس او پیوسته در نفس خودش خود را بلند مرتبه ترین مردم می داند در حالی که در چشم مردمان کوچکترین مردم است . و هنگامی که تواضع و فروتنی نماید خداوند عزوجل او را بلند مرتبه می گرداند سپس فرشته به او می گوید

(دعا می کند): فراز آی که خداوند تو را بلند مرتبه گرداند، پس وی پیوسته در درون خود خود را کوچکترین مردم می داند در حالی که در چشم مردمان بلند پایه ترین مردم است .

حدیث :

۵۷۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیته لاصحابه قال : و ایاکم و العظمه و الکبر فان الکبر رداء الله عزوجل فمن نازع الله رداءه قصمه الله و اذله يوم القیامه .

ترجمه :

۵۷۴ - امام صادق علیه السلام در سفارشی به اصحابش فرمود: از بزرگی نمودن و کبر بر حذر باشید زیرا بزرگ منشی بالاپوش خداوند عزوجل است پس کسی که در بزرگ منشی با خداوند به کشمکش برخیزد خداوند او را درهم می شکند و در روز قیامت وی را خوار می سازد.

حدیث :

۵۷۵ - عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام : ان علیا علیه السلام قال : ما احد من ولد آدم الا و ناصته بید ملک فان تکبر جذبه بناصیته الی الارض ثم قال له : تواضع وضعک الله و ان تواضع جذبه بناصیته ثم قال له ارفع راسک رفعک الله و لاوضعک بتواضعک الله .

ترجمه :

۵۷۵ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که : همانا علی علیه السلام فرمود: هیچکس از فرزندان آدم نیست جز اینکه موی پیشانی اش در دست فرشته ای است پس اگر تکبر ورزد وی را با موی پیشانی اش به زمین می کشد سپس به او می گوید: فروتن باش ، خدا فرودت آورد. و اگر فروتنی کند موی پیشانی اش را می کشد سپس به او می گوید: سرت را بلند کن ، خدا تو را بالا برد و تو را به خاطر فروتنی ات فرود نیاورد.

حدیث :

۵۷۶ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان لابلیس کحلا و لعوقا و سعوطا فکحله النعاس و لعوقه الکذب و سعوطه الکبر.

ترجمه :

۵۷۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: همانا شیطان سرمه ای دارد (که در چشم می ریزد) و داروی لیسیدنی دارد (که در دهان می ریزد) و دارویی دارد که در بینی می ریزد. اما سرمه او چرت زدن است و داروی لیسیدنی او دروغ است و دارویی که در بینی مردمان می ریزد کبر و بزرگی نمودن است .
حدیث :

۵۷۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ثلاثة لا ينظر الله اليهم ثاني عطفه و مسبل ازاره خيلاء و المنفق سلعتة بالایمان و الکبر ان الکبرياء لله رب العالمين .
ترجمه :

۵۷۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: سه گروهند که خداوند به آنها نظر (رحمت) نمی افکند: یکی آنکه متکبرانه روی خود را از دیگران بر می گرداند و دیگری آنکه از روی تکبر جامه بلند خویش بر زمین می کشد و دیگری آنکه کالای خود را با سوگند خوردن و بزرگی نمودن رواج می دهد. همانا بزرگ منشی مخصوص خداست که پروردگار جهانیان است .
حدیث :

۵۷۸ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الکبر مطايا النار.
ترجمه :

۵۷۸ - امام باقر علیه السلام فرمود: کبر و بزرگی نمودن (به منزله) مرکبی است که سوار خود را به سوی آتش می برد.
حدیث :

۵۷۹ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله : يحشر المتكبرون يوم القيامة في خلق الذر في صور الناس يوطئون حتى يفرغ الله من حساب خلقه ثم يسلك بهم الى النار يسقون من طينه خبال من عصاره اهل النار.
ترجمه :

۵۷۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: افراد متکبر در روز قیامت به صورت انسانهایی به کوچکی مورچه محشور می گردند و مردم آنان را پایمال می کنند تا وقتی که خداوند از حساب خلق فارغ گردد سپس آنان به سوی آتش روانه می شوند و از چرک تن دوزخیان که عصاره اهل دوزخ است به آنان نوشانده می شود.
حدیث :

۵۸۰ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اکثر اهل جهنم المتكبرون .

ترجمه :

۵۸۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بیشترین اهل جهنم متکبران هستند.

حدیث :

۵۸۱ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابيه عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان احبکم الی و اقربکم منی يوم القیامه مجلسا احسنکم خلقا و اشدکم تواضعا و ان ابعدکم منی يوم القیامه الثرثارون و هم المستکبرون .

ترجمه :

۵۸۱ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از پدران گرامی خود روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا دوست داشتنی ترین شما در نزد من و نزدیکترین شما به من در روز قیامت کسی است که اخلاقش نیکوتر و فروتنی اش بیشتر باشد و همانا دورترین شما از من در روز قیامت یاهو گویان که همان خود خواهند می باشند.

حدیث :

۵۸۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کانت لرسول الله صلی الله علیه و آله ناقه لاتسبق فسبق اعرابیا بناقته فسبقها فاکتاب لذلك المسلمون فقال : رسول الله صلی الله علیه و آله : انها ترفعت و حق علی الله ان لایرتفع شیء الا وضعه الله .

ترجمه :

۵۸۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله ماده شتری (تندرو) داشت که شتری بر او پیشی نمی گرفت پس (روزی) در مسابقه با شتر عربی از شتر آن عرب عقب ماند، مسلمین از این واقعه افسرده خاطر شدند پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا این شتر ماده خود را برتر شمرد (۱۴۵) و بر خداند سزاوار است که هیچ چیزی خود را برتر از دیگری نشمرد جز اینکه خداوند او را فرود آورد.

۵۹ - باب تحريم التجبر و التیه و الاختیال

۵۹ - باب حرام بودن تکبر و لاف زدن و بزرگ منشی

حدیث :

۵۸۳ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ثلاثه لایکلمهم الله و لاینظر الیهم يوم القیامه و لایزکیهم و لهم عذاب الیم شیخ زان و ملک جبار و مقل مختال .

ترجمه :

۵۸۳ - امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه گروهند که خداوند با آنان سخن نگوید و در روز قیامت به آنان نظر نمی کند و آنان را پاک نمی گرداند و عذاب دردناکی برای آنان می باشد: یکی پیرمرد زناکار و دیگری پادشاه ستمگر و دیگری فقیر متکبر.

حدیث :

۵۸۴ - قال ابو عبدالله علیه السلام : ما من احد یتیه الا من ذله یجدها فی نفسه .

ترجمه :

۵۸۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ کسی نیست که لاف بزرگی بزند مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می یابد.

حدیث :

۵۸۵ - و فی حدیث آخر عن ابی عبدالله علیه السلام ما من رجل تکبر او تجبر الا لذله یجدها فی نفسه .

ترجمه :

۵۸۵ - و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: هیچ مردی نیست که تکبر بورزد یا خود را بزرگ بشمرد مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می یابد.

حدیث :

۵۸۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته یقول : الکبر قد یكون فی شرار الناس من کل جنس و الکبر رداء الله فمن نازع الله رداء لم یزده الا سفالا ان رسول الله صلی الله علیه و آله مر فی بعض طرق المدینه و سوداء تلتقط السرقین فقیل لها: تنحی عن طریق رسول الله صلی الله علیه و آله فقالت : ان الطریق لمعرض فہم بہا بعض القوم ان یتناولہا فقال رسول الله صلی الله علیه و آله : دعوها فانہا جبارہ .

ترجمه :

۵۸۶ - راوی گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کبر در وجود بدترین کسان از هر جنسی می باشد و کبر بالاپوش خداوند است پس هر کس در آن با خداوند به ستیز پردازد جز پستی و فرومایگی چیزی بر او افزوده نمی گردد. همانا که رسول خدا صلی الله علیه و آله از یکی از کوچه های مدینه عبور می کرد و زنی سیاه سرکین حیوانات را از روی زمین جمع می کرد. به آن زن گفته شد: از جلو راه رسول خدا صلی الله علیه و آله کنار رو. زن گفت : کوچه پهن و عریض

است . برخی از اطرافیان پیامبر قصد کنار زدن زن را نمودند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را واگذارید زیرا او متکبر و سرکش است .

حدیث :

۵۸۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیته لاصحابه انه قال : و ایاکم و التجبر علی الله و اعلموا ان عبدا لم یبتل بالتجبر علی الله الا تجبر علی دین الله فاستقیموا لله و لاتریدوا علی ادبارکم فتنقلبوا خاسرین اجارنا الله و ایاکم من التجبر علی الله . ترجمه :

۵۸۷ - امام صادق علیه السلام در توصیه به اصحابش فرمود: از تکبر و سرکشی نمودن در برابر خداوند بر حذر باشید و بدانید که هیچ بنده ای گرفتار تکبر ورزیدن بر خدا نمی شود جز اینکه بر دین خدا تکبر ورزیده است پس به خاطر خدا پایداری کنید و عقبگرد نکنید که زیانکار می گردید، خداوند ما و شما را از تکبر ورزیدن بر خدا برهاند. حدیث :

۵۸۸ - عن جعفر بن محمد علیه السلام قال : ان الله تبارک و تعالی لیبغض البیت اللحم و اللحم السمین فقال له بعض اصحابنا: یا ابن رسول الله انا لنحب اللحم و ما تخلو بیوتنا عنه فکیف ذلک فقال : لیس حیث تذهب انما البیت اللحم الذی توکل لحوم الناس فیهِ بالغیبه و اما اللحم السمین فهو المتجبر المتکبر المختال فی مشیته . ترجمه :

۵۸۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی خانه پر گوشت و شخص پر گوشت چاق را دشمن می دارد. راوی گوید: یکی از اصحاب ما به حضرت عرض کرد: ای پسر رسول خدا! ما هم گوشت را دوست داریم و خانه های ما از گوشت خالی نیست پس چگونه است ؟ (آیا این گفته شما شامل ما هم می شود؟) حضرت فرمود: اینگونه نیست که تو می پنداری بلکه مراد از (خانه پر گوشت) خانه ای است که در آن گوشت مردمان با غیبت نمودن آنان خورده می شود و مراد از (پر گوشت چاق) سرکش متکبر است که در راه رفتنش با خودپسندی راه می رود. حدیث :

۵۸۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الجبارون ابعده الناس من الله عزوجل یوم القیامه . ترجمه :

۵۸۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: دورترین مردم از خداوند عزوجل در روز قیامت سرکشان متکبر هستند.

حدیث :

۵۹۰ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان فی جهنم لجبالا یقال له الصعدا و ان فی سقر و ان فی سقر لجبا یقال له هبهب كلما كشف عطاء ذلك الجب ضج اهل النار من حره ذلك منازل الجبارین .

ترجمه :

۵۹۰ - امام باقر علیه السلام فرمود: همانا در جهنم کوهی است که به آن (صعدا) گفته می شود و در آن کوه دره ای است که به آن (سقر) گویند و به راستی که در آن دره چاهی است که آن را (هبهب) گویند که هرگاه در آن چاه برداشته شود اهل دوزخ از گرمای آن به ناله و فریاد آیند، آن چاه منزلگاه متکبران است .

حدیث :

۵۹۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من مشی فی الارض اختیالا لعنته الارض و من تحتها و من فوقها.

ترجمه :

۵۹۱ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس با تکبر بر روی زمین گام بردارد زمین و آنچه در زیر و زبر آن است او را لعنت می کنند.

حدیث :

۵۹۲ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ویل لمن یختال فی الارض یعاند جبار السماوات و الارض .

ترجمه :

۵۹۲ - امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وای به حال کسی که با حالت تکبر بر روی زمین گام بردارد چنین کسی با خدای آسمانها و زمین به دشمنی پرداخته است .

حدیث :

۵۹۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان فی السماء ملکین موکلین بالعباد فمن تجبر وضعاه .

ترجمه :

۵۹۳ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا در آسمان فرشته هستند که بر بندگان گمارده شده اند پس هر کسی که تکبر ورزد فرودش می آورند.

حدیث :

۵۹۴ - عن بشیر النبال قال : کنا مع ابی جعفر علیه السلام فی المسجد اذ مر علینا اسود و هو ینزع فی مشیه فقال ابو جعفر علیه السلام انه الجبار قلت ، انه سائل قال : انه جبار و قال ابو عبدالله علیه السلام : کان علی به الحسین علیه السلام یمشی مشیه کان علی راسه الطیر لایسبق یمینه شماله .

ترجمه :

۵۹۴ - بشیر نبال گوید: همراه با امام باقر علیه السلام در مسجد بودیم که سیاهی بر ما گذر نمود در حالی که با گردن فرازی و کشیدن اندام راه می رفت امام باقر علیه السلام فرمود: او متکبر است . عرض کردم : او سائلی بیش نیست (و سائل چگونه می تواند متکبر باشد؟!) حضرت فرمود: او متکبر است (زیرا اینگونه راه رفتن ، راه رفتن متکبران است) و فرمود: امام سجاد علیه السلام چنان راه می رفت گویی که بر سر او پرنده ای نشسته است ، در راه رفتن جانب راستش بر چپش پیشی نمی گرفت .

حدیث :

۵۹۵ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان النبی صلی الله علیه و آله اوصی رجلا من بین تمیم فقال له : ایاک و اسبال الزار و القمیص فان ذلک من المخیله و الله لایحب المخیله .

ترجمه :

۵۹۵ - امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی از بنی تمیم را توصیه می فرمود که : از فرو گذاردن شلوار و جامه (به گونه ای که متکبرانه بر زمین کشیده شود) بر حذر باش زیرا این کار ناشی از تکبر است و خداوند تکبر را دوست نمی دارد.

حدیث :

۵۹۶ - و قال ابو عبدالله علیه السلام : ما حاذی الکعبین من الثوب ففی النار.

ترجمه :

۵۹۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: آنچه از جامه که محاذی و برابر دو غوزک پا برسد (جایگاهش) در آتش است .

حدیث :

۵۹۷ - و قال علیه السلام : ثلاث اذا كن فى الرجل فلا تتحرج ان تقول انها فى جهنم البذاء و الخيلاء و الفخر.

ترجمه :

۵۹۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: سه خصلت هست که هرگاه آن سه در کسی باشد اگر بگویی آن خصلتها جهنمی

است گناهکار نیستی : یکی بد زبانی و هرزه گویی و دیگری تکبر و دیگری فخر فروشی و به خود نازیدن .

۶۰ - باب حد التكبر و التجبر المحرمين

۶۰ - باب حد تكبر و بزرگ منشى حرام

حدیث :

۵۹۸ - عن محمد بن مسلم عن احدهما عليه السلام قال : لا يدخل الجنة من كان فى قلبه مثقال حبه من خردل من الكبر

قال : فاسترجعت فقال : ما لك تسترجع ؟ فقلت : لما سمعت منك فقال : ليس حيث تذهب انما اعنى الجحود انما هو

الجحود.

ترجمه :

۵۹۸ - محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام روایت کند که : کسی که در قلبش به اندازه دانه

ای خردل کبر و بزرگ منشی باشد به بهشت وارد نمی شود. راوی گوید: با شنیدن این سخن ، من استرجاع نمودم (یعنی انا

الله و انا اليه راجعون) گفتم) حضرت فرمود: چرا استرجاع می کنی ؟ عرض کردم : به خاطر سخنی که از شما شنیدم .

حضرت فرمود: اینگونه که می پنداری نیست بلکه مراد من انکار و بی اعتقادی است (یعنی کبری که از روی انکار کبریایی

خداوند و بی اعتقادی باشد).

حدیث :

۵۹۹ - عن ابى عبدالله عليه السلام قال الكبر ان تغمص الناس و تسفه الحق .

ترجمه :

۵۹۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: کبر آن است که مردمان را خوار و کوچک بشمیری و حق را ناچیز بدانی .

حدیث :

۶۰۰ - قال ابو عبدالله عليه السلام : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان اعظم الكبر عمص الخلق و سفه الحق قلت و ما عمص الخلق و سفه الحق قال : يجهل الحق و يطعن على اهليه فمن فعل ذلك فقد نازع الله عزوجل رداءه .
ترجمه :

۶۰۰ - امام صادق عليه السلام روايت كند كه : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: همانا بزرگترین کبر، کوچک شمردن مردم و ناچیز دانستن حق است - راوی گوید: عرض کردم : معنای این سخن رسول خدا صلى الله عليه و آله چیست ؟ امام صادق فرمود: یعنی از حق بی خبر باشد و از خانواده و خاندان خود بدگویی کند، پس کسی که چنین کند با خداوند عزوجل بر سر کبريایی اش به ستیز برخاسته است .
حدیث :

۶۰۱ - عن عبد الاعلی عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت له ما اکبر؟ قال علیه السلام : اعظم الكبر ان تسفه الحق و تغمص الناس قلت : و ما سفه الحق قال : يجهل الحق و يطعن على اهله .
ترجمه :

۶۰۱ - عبدالاعلی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم : که کبر چیست ؟ فرمود: بزرگترین کبر آن است که حق را ناچیز و مردمان را کوچک بشمری ، عرض کردم : ناچیز شمردن حق چیست ؟ فرمود: یعنی حق را نداند و بر خاندان خود افترا بزند.
حدیث :

۶۰۲ - عن محمد بن عمر بن یزید عن ابیه قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : اننی آكل الطعام الطبی و اشم الرائحه الطیبه و اركب الدابه الفارहे و يتبعنى الغلام فترى فى هذا شيئاً من التجبر فلا افعله فاطرق ابو عبدالله علیه السلام ثم قال : انما الجاز المعلن من غمص الناس و جهل الحق قال عمر فقلت : اما الحق فلا اجهله و الغمص لا ادرى ما هو قال : من حقر الناس و تجبر عليهم فذلك الجبار.
ترجمه :

۶۰۲ - محمد بن عمر بن یزید از پدرش روايت كند كه : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : همانا من غذای پاکیزه می خورم و بوی های خوش می بویم و بر چهارپایان خرامنده سوار می شوم و نوکر پشت سر من راه می افتد پس آیا شما در این امور چیزی از تکبر می بینید تا آنها را به جای نیاورم ؟ امام صادق علیه السلام قدری سکوت فرموده و سر به زیر

افکند سپس فرمود: همانا آن متکبر که ملعون است کسی است که مردم را کوچک شمارد و از حق بی خبر باشد. عمر گوید: عرض کردم: اما من نسبت به حق نادان نیستم ولی کوچک شمردن مردم را نمی دانم یعنی چه؟ حضرت فرمود: کسی که مردم را کوچک بشمرد و بر آنان تکبر ورزد (خود را از آنان بالاتر و برتر بداند) چنین کسی متکبر است.

حدیث:

۶۰۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لن یدخل الجنة من فی قلبه مثقال حبه من خردل من کبر و لا یدخل النار من فی قلبه مثقال حبه من خردل من الایمان قلت: جعلت فداک ان الرجل لیلبس الثوب او یرکب الدابه فیکاد یرف منه الکبر فقال: لیس بذلک انما الکبر انکار الحق و الایمان الاقرار بالحق.

ترجمه:

۶۰۳ - امام صادق علیه السلام روایت کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به اندازه دانه خردل کبر و بزرگ منشی در قلبش باشد هرگز به بهشت وارد نمی شود و کسی که قلبش به اندازه دانه ای از خردل ایمان باشد داخل دوزخ نمی گردد - راوی گوید: عرض کردم: فدایت شوم همانا (گاه باشد که) مرد جامه ای (فاخر) بر تن می پوشد یا اینکه بر مرکبی (رهوار) سوار می شود پس (در این حالت) نزدیک است که از (هیئت) او کبر و بزرگ منشی فهمیده شود (آیا چنین کسی به بهشت وارد نمی شود؟) حضرت فرمود: اینگونه نیست بلکه کبر انکار نمودن حق و ایمان اعتراف نمودن به حق است.

حدیث:

۶۰۴ - عن احدهما یعنی ابا جعفر و ابا عبدالله علیه السلام قال: لا یدخل الجنة من کان فی قلبه مثقال حبه من خردل من کبر قال: قلت: انا نلبس التوب الحسن فیدخلنا العجب فقال: انما ذلک فیما بینه و بین الله عزوجل.

ترجمه:

۶۰۴ - از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: کسی که در دلش به اندازه خردلی کبر باشد به بهشت وارد نمی شود - راوی گوید: عرض کردم: همانا جامه ای نیکو به بر می کنیم پس دچار عجب و خودبینی می شویم (آیا این حالت، مانع بهشت رفتن ماست؟) حضرت فرمود: (خیر) بلکه این حالت بین شخص و خدای عزوجل است (و موجب پایمال شدن حق دیگران نیست).

حدیث :

۶۰۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : راس کل خطیئه حب الدنیا.

ترجمه :

۶۰۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: سر هر گناهی دوستی دنیا است .

حدیث :

۶۰۶ - عن محمد بن مسلم قال : سئل علی بن الحسین علیه السلام ای الاعمال افضل ؟ قال : ما من عمل بعد معرفه الله و

معرفه رسول الله صلی الله علیه و آله افضل من بغض الدنیا فان لذلك شعبا کثیره و للمعاصی شعبا فاول ما عصی الله به
الکبر الی ان قال ثم الحرص ثم الحسد و هی معصیه ابن آدم حیث حسد اخاه فقتله فتشعب من ذلك حب النساء و حب الدنیا
و حب الرئاسه و حب الراحة و حب الکلام و حب العلو و والثروه فصرن سبع خصال فاجتمعن کلهن فی حب الدنیا فقال الانبیاء
و العلماء بعد معرفه ذلك حب الدنیا راس کل خطیئه و الدنیا دنیاوان دنیا بلاغ و دنیا ملعونه .

ترجمه :

۶۰۶ - محمد بن مسلم گوید: از امام سجاد علیه السلام پرسیده شد که کدامیک از کارها برتر و با فضیلت تر است ؟ فرمود:

پس از معرفت خدا و رسولش هیچ کاری با فضیلت تر از دشمن داشتن دنیا نیست زیرا دنیا دارای شعبه هایی است و گناهان
نیز شعبه ها و شاخه هایی دارند، پس اولین گناهی که به وسیله آن خداوند مورد نافرمانی قرار گرفت کبر و بزرگ منشی بود
سپس حرص و سپس حسد، و حسد گناه فرزند آدم بود آنجا که به برادر خود حسد ورزید و او را به قتل رساند پس گناهی
که از حسد منشعب می شوند عبارتند از: دوستی زنان و دوستی دنیا و ریاست طلبی و راحت طلبی و علاقه به حرف زدن و
برتری جویی و دوستی مال و ثروت پس اینها هفت خصلت اند که همگی در دوستی دنیا جمع شده اند پس پیامبران و
دانشمندان پس از شناخت آن فرموده اند که : دوستی دنیا سر هر گناهی است و دنیا دو گونه است : یکی دنیایی که در حد
کفایت و بسندگی است و دیگری دنیایی که مورد لعن و دوری از رحمت خداوند است .

حدیث :

۶۰۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : فی مناجاه موسی علیه السلام یا موسی ان الدنیا دار عقوبه عاقبت فیها آدم عند خطیئته وجعلتها ملعونه ملعون ما فیها الا ما کان فیها لی یا موسی ان عبادی الصالحین زهدوا فی الدنیا بقدر علمهم و سائر الخلق رغبوا فیها بقدر جهلهم و ما من احد عظیمها فقرت عینه بها و لم یحقرها احد الا انتفع بها.
ترجمه :

۶۰۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: در راز گویی خداوند با حضرت موسی علیه السلام آمده است که : ای موسی ! همانا که دنیا سرای عقوبت و شکنجه است ، در همین دنیا آدم را به خاطر خطایش عقوبت نمودم و دنیا را مستحق لعن گرداندم و هر چه در دنیاست ملعون است بجز آنچه که برای من است . ای موسی ! همانا بندگان شایسته من به اندازه علم و آگاهی خود به دنیا بی رغبتند و دیگران به اندازه نادانی شان به دنیا میل دارند و هیچکس نیست که دنیا را بزرگ شمرده باشد و دنیا مایه روشنی چشم او شود و هیچکس دنیا را کوچک نشمرده است جز اینکه از آن بهره مند گردیده است .
حدیث :

۶۰۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : حب الدنیا راس کل خطیئته .
ترجمه :

۶۰۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: دوستی دنیا سر هر گناهی است .
حدیث :

۶۰۹ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من احب دنیاه اضر بأخرته .
ترجمه :

۶۰۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس دنیایش را دوست داشته باشد به آخرت خود زیان می رساند.
حدیث :

۶۱۰ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه سئل عن الزهد فی الدنیا فقال : (ویحک حرامها فتنکبه) .
ترجمه :

۶۱۰ - از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره زهد و بی رغبتی به دنیا پرسیده شد و حضرت فرمود: وای بر تو از حرام دنیا، از حرام دنیا دوری کن .

۶۲ - باب استحباب الزهد فی الدنیا و حد الزهد

حدیث :

۶۱۱ - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : من زهد فى الدنيا اثبت له الحكمة فى قلبه و انطق بها لسانه و بصره عيوب الدنيا
داءها و دواءها و اخرجه منها سالما الى دارالسلام .

و رواه الصدوق فى ثواب الاعمال عن ابى عبدالله عليه السلام قال : من لم يستحى من طلب المعاش خفت مثنوته و رجا باله
و نعم عياله و من زهد فى الدنيا... و ذكر مثله .

ترجمه :

۶۱۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: كسى كه نسبت به دنيا بى رغبت باشد خداوند فهم حقيقت را در قلب او پا بر جا مى
گرداند و زبانش را به گفتن سخنان حكيمانه گوياء مى كند و درد و دواى عيبيهاى دنيا را به او مى نماياند و او را سالم و بدون
نقص از دنيا به سوى بهشت كه سراى سلامت است بيرون مى برد.

(اين حدیث را مرحوم شيخ صدوق (قدس سره) در كتاب (ثواب الاعمال) از امام صادق عليه السلام روايت كرده است و
پيش از آن چند جمله اضافه دارد كه حضرت فرمود: كسى كه در طلب معاش شرم نكند روزى اش سبك و خاطرش فراخ و
خانواده اش در آسودگى قرار مى گيرند و كسى كه به دنيا بى رغبت باشد...

حدیث :

۶۱۲ - عن ابى حمزه قال : ما سمعت باحد من الناس كان ازهد من على بن الحسين عليه السلام الا ما بلغنى عن على بن
ابى طالب عليه السلام قال : و كان على بن الحسين عليه السلام اذا تكلم فى الزهد و وعظ ابكى من بحضرتة قال ابوحمزه :
و قرأت صحيفه فيها كلام زهد من كلام على بن الحسين عليه السلام فكتبت ما فيها ثم اتيت على بن الحسين عليه السلام
فعرضت ما فيها عليه فعرفه و صححه و كان ما فيها بسم الله الرحمن الرحيم كفانا الله و اياكم كيد الظالمين و بغى الحاسدين
و بطش الجبارين ايها المومنون لا يفتننكم الطواغيت و اتباعهم من اهل الرغبه فى هذه الدنيا و احذروا ما حذرکم الله منها و
ازهدوا فيما زهدکم الله فيه منها و لاترکنوا الى ما فى هذه الدنيا رکون من اتخدها دار قرار و منزل استيطان الى ان قال و
ليس يعرف تصرف ايامها و تقلب حالاتها و عاقبه ضرر فتنها الا من عصمه الله و نهج سبيل الرشد و سلك طريق القصد ثم
استعان على ذلك بالزهد فكرر الفكر و اتعظ بالصبر و زهد فى عاجل بهجه الدنيا و تجافى عن لذتها و رغب فى دائم نعيم
الاخره و سعى لها سعيها. (الحدیث)

ترجمه :

۶۱۲ - ابی حمزه گوید: نشنیده ام که کسی از امام سجاد علیه السلام زاهدتر باشد به جز آنچه که درباره علی بن ابی طالب علیه السلام به من رسیده است ، امام سجاد علیه السلام هرگاه درباره زهد و بی رغبتی به دنیا سخن می فرمود و موعظه می کرد حاضران به گریه می افتادند - ابی حمزه در ادامه گوید: - و من نوشته ای را که در آن سخنی از سخنان امام سجاد علیه السلام درباره زهد نوشته شده بود خواندم و آن را برای خود نوشتم سپس به خدمت حضرت امام سجاد علیه السلام آمدم و آن را به حضرت عرضه نمودم حضرت آن را شناخت و تصدیق فرمود و در آن نوشته آمده بود: (به نام خداوند بخشنده و مهربان) خداوند ما و شما را از نیرنگ ستمگران و ستم حسودان و سخت گیری زورگویان کفایت کند، ای ایمان آورندگان ! طاغوتها و پیروانشان که اهل میل به این دنیا هستند شما را به فتنه نیفکنند، از آنچه که خداوند شما را از آن حذر داده دوری کنید و نسبت به آنچه از دنیا که خداوند شما را درباره آن به زهد و بی رغبتی فرمان داده زهد را پیشه سازید به آنچه که در این دنیاست به گونه کسی که دنیا را سرای ماندن و استراحتگاه برای خود گرفته است تکیه و اعتماد نکنید - تا آنجا که فرمود: - و دست به کار شدن روزهای دنیا و دگرگونی حالات و سرانجام ضرر فتنه های دنیا را نمی شناسد مگر کسی که خداوند او را حفظ کرده و راه هدایت را پیش گرفته و روش میانه روی را پیموده است سپس در این راه از زهد کمک خواسته است پس در پی در پی اندیشیده است و با صبر و بردباری پذیرای موعظ گردیده است و به این دنیای زودگذر بی رغبت شده و لذتهای آن را فرو نهاده و به نعمتهای همیشگی آخرت رغبت یافته و تمام سعی و کوشش خود را صرف به دست آوردن آن نعمتها نموده است .

حدیث :

۶۱۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان علامه الراغب فی ثواب الاخره زهد فی عاجل زهره الدنيا اما ان زهد الزاهد فی هذه الدنيا لا ینقصه مما قسم الله له فیها و ان زهد و ان حرص الحریص علی عاجل زهره الحیاه الدنيا لایزیده فیها و ان حرص فالمغبون من غبن حظه من الاخره .

ترجمه :

۶۱۳ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا نشانه کسی که به ثواب آخرت رغبت دارد این است که درباره خوشی زودگذر این دنیا زهد و بی رغبتی پیشه می کند، آگاه باشید که زهد ورزیدن شخص زاهد در این دنیا چیزی از قسمتی که خداوند در این دنیا برای او معین ساخته کم نمی کند اگر چه او زهد ورزد و همانا حرص

شخصی که بر بدست آوردن خوشی های زودگذر دنیا زندگانی دنیا حریص است چیزی به او نمی افزاید اگر چه حرص بورزد پس زیانکار کسی است که درباره بهره اخروی اش دچار زیان شده باشد.

حدیث :

۶۱۴ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان من اعون الاخلاق علی الدین الزهد فی الدنیا.

ترجمه :

۶۱۴ - امام باقر علیه السلام روایت کند که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به راستی که یکی از یاری کننده ترین اخلاق بر دینداری ، بی رغبتی به دنیاست .

حدیث :

۶۱۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال جعل الخیر کله فی بیت و جعل مفتاحه الزهد فی الدنیا ثم قال : قال رسول الله صلی

الله علیه و آله : لا یجد الرجل حلاوه الايمان حتى لا یبالی من اكل الدنیا ثم قال ابو عبدالله علیه السلام : حرام علی قلوبکم

ان تعرف حلاوه الايمان حتى تزهد فی الدنیا.

ترجمه :

۶۱۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: تمام خیر و خوبی در خانه ای قرار داده شده و کلید آن خانه ، زهد داشتن در دنیاست .

- سپس فرمود: - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که : (کسی شیرینی ایمان را در نمی یابد مگر اینکه اعتنایی

نداشته باشد که چه کسی دنیا را می خورد) سپس امام صادق علیه السلام فرمود: فهم و درک شیرینی ایمان بر دل‌های شما

حرام می گردد مگر اینکه دل‌هایتان در دنیا زهد و بی رغبتی را پیشه خود کنند.

حدیث :

۶۱۶ - ان رجلا سال علی بن الحسین علیه السلام عن الزهد فقال عشرة اشیاء فاعلی درجه الزهد ادنی درجه الورع و اعلی

درجه الورع ادنی درجه یقین و اعلی درجات یقین ادنی درجات الرضا الا و ان الزهد فی آیه من کتاب الله (لکیلا تاسوا علی

ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم).

ترجمه :

۶۱۶ - مردی از امام سجاد علیه السلام درباره زهد سوال کرد، حضرت در جواب فرمود: ده چیز وجود دارد (که هر کدام

مراتبی دارند) پس بالاترین زهد پایین ترین درجه ورع (پارسایی) است و بالاترین درجه یقین است و بالاترین درجات یقین

پایین ترین درجات رضا (خوشنود بودن به خواست الهی) است، آگاه باشید که زهد در یک آیه از کتاب خدا تفسیر و معنا شده (است آنجا که خداوند فرمود: (تا بر آنچه که از دست داده اید غمگین نشوید و بر آنچه که به شما داده شادمان نگردید). (۱۴۶)

حدیث :

۶۱۷ - عن سفیان بن عیینہ قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : كل قلب فيه شك او شرک فهو ساقط و انما ارادوا بالزهد فی الدنيا لتفرغ قلوبهم للاخره .

ترجمه :

۶۱۷ - سفیان بن عیینہ گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر دلی که در آن شکی یا شرکی باشد ناسالم و بی اعتبار است و راستی که به زهد و بی رغبتی به دنیا دستور داده اند تا دل‌های مردمان برای آخرت (از هر چیزی) فارغ شود.

حدیث :

۶۱۸ - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : اذا اراد الله بعبد خيرا زهده فی الدنيا و فقهه فی الدین و بصره عیوبها و من اوتیهن فقد اوتی خیر الدنيا و الاخره و قال : لم یطلب احد الحق بباب افضل من الزهد فی الدنيا و هو ضد لما طلب اعداء الحق قلت : جعلت فداک مما ذا؟ قال : من الرغبه فیها و قال الا من صبار کریم فانما هی ایام قلائل الا انه حرام علیکم ان تجدوا طعم الایمان حتی تزهدوا فی الدنيا قال و سمعت ابا عبدالله عليه السلام یقول اذا تخلی المومن من الدنيا سما و وجد حلاوه حب الله فلم یشتغلوا بغيره قال : و سمعته یقول : ان القلب اذا صفا ضاقت به الارض حتی یسمو.

ترجمه :

۶۱۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند خیر بنده ای را بخواهد او را به دنیا بی رغبت می گرداند و در دین دانایش می سازد و نسبت به عیب‌های او را بینا می نماید و کسی که این سه چیز به او داده شده حقیقتا که خیر دنیا و آخرت به او بخشیده شده است، - و فرمود: - هیچکس حق را از راهی بهتر و با فضیلت تر از زهد در دنیا طلب نکرده است و زهد

ضد آن چیزی است که دشمنان حق طلب می کنند - راوی گوید: عرض کردم : فدایت شوم آن چیزی که دشمنان حق

طالب آن هستند چیست؟ فرمود: رغبت و میل به دنیا، و فرمود: بهوش باشید و بر حذر باشید از خداوند بسیار شکیبایی

بخشنده، جز این نیست که دنیا روزهایی اندک است، آگاه باشید که چشیدن طعم ایمان بر شما حرام است مگر اینکه در

دنیا زاهدانه زندگی کنید - راوی گوید: - و از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هرگاه مومن از دنیا دست بکشد و چشم پوشی کند بالا می رود و شیرینی دوستی خداوند را می یابد پس به غیر خدا مشغول نمی شود - راوی گوید: - و باز از ایشان شنیدم که فرمود: همانا که قلب هرگاه با صفا گردد زمین برایش تنگ می گردد تا اینکه بلندی و ارتفاع می یابد.

حدیث :

۶۱۹ - عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث ان علی بن الحسین علیه السلام قال : الا و کونوا من الزاهدین فی الدنیا الراغبین فی الاخره الا ان الزاهدین فی الدنیا قد اتخذوا و الارض بساط و التراب فراشا و الماء طیبیا و قرضوا من الدنیا تقریضا.

(الحدیث)

ترجمه :

۶۱۹ - امام باقر علیه السلام روایت کند که امام سجاد علیه السلام فرمود: به هوش باشید از بی رغبتان به دنیا و رغبت کنندگان در آخرت باشید، آگاه باشید که بی رغبتان به دنیا زمین را فرش خود و خاک را بستر خود و آب را مایه خوش بویی خود گرفته اند و خود را به نیکو بریدنی از دنیا بریده اند.

حدیث :

۶۲۰ - عن عمرو بن سعید بن هلال قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : انی لا القاک الا فی النین فاوصنی بشی ء حتی آخذ به قال : اوصیک بتقوی الله و الورع و الاجتهاد و ایاک ان تطمح الی من فوقک و کفی بما قال الله عزوجل لرسول الله صلی الله علیه و آله (و لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجاً منهم زهره الحایه الدنیا) و قال (فلا تعجبک اموالهم و لا اولادهم) فان خفت ذلک فاذا ذکر عیش رسول الله صلی الله علیه و آله فانما کان قوته من الشعیر و حلواه من التمر و وقوده من السعف اذا وجده و اذا اصبت بمصیبه فی نفسک او مالک او ولدک فاذا ذکر مصابک برسول الله صلی الله علیه و آله فان الخلائق لم یصابوا بمثله قط.

ترجمه :

۶۲۰ - عمر بن سعید بن هلال گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : من چند سال یک بار شما را دیدار می کنم پس به من سفارشی فرما تا به آن عمل کنم . حضرت فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش سفارش می کنم و بر حذر باش از اینکه به کسی که (از نظر مال و دارایی) از تو بالاتر است نظر کنی و گفتار خدای عزوجل به پیامبرش (برای تو و همه) کفایت می کند که فرمود: (دو چشمت را به سوی آنچه که به وسیله آن اصنافی از مردمان را کامیاب

ساختیم مگشای که آن خوشی زندگی دنیاست (۱۴۷) و فرمود: (پس مالها و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد) (۱۴۸) پس اگر (از متنعم بودن کفار) بر خود ترسیدی زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد آور که نان او از جو و غذای شیرین او از خرما و اگر می یافت هیزم او شاخه بی برگ خرما بود و هرگاه به مصیبتی جانی یا مالی یا مصیبت فرزندان دچار شدی مصیبتی را که به واسطه از دست دادن رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن دچار گشته ای یاد آور زیرا مردمان هرگز به مصیبتی همانند مصیبت فقدان رسول خدا صلی الله علیه و آله گرفتار نشده اند.

حدیث :

۶۲۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قیل لامیرالمؤمنین علیه السلام ما الزهد فی الدنیا؟ قال : تنکب حرامها.

ترجمه :

۶۲۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: از امیرالمؤمنین پرسیده شد که : زهد در دنیا چیست ؟ فرمود: اعراض و دوری کردن از حرام دنیا.

حدیث :

۶۲۲ - عن ابی الطفیل قال : سمعت امیرالمؤمنین علیه السلام یقول : الزهد فی الدنیا قصر الامل و شکر کل نعمه و الورع عما حرم الله علیک .

ترجمه :

۶۲۲ - ابی الطفیل گوید: از امیرالمؤمنین شنیدم که فرمود: زهد در دنیا عبارت است از کوتاه نمودن آرزو و به جا آوردن شکر هر نعمتی و باز ایستادن از هر چیزی که خداوند بر تو حرام ساخته است .

حدیث :

۶۲۳ - قال ابو عبدالله علیه السلام لیس الزهد فی الدنیا باضاعه المال و لا بتحريم الحلال بل الزهد فی الدنیا ان لاتکون بما فی یدک اوثق منك بما فی ید الله عزوجل .

ترجمه :

۶۲۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: زهد در دنیا تلف کردن مال و حرام ساختن حلال نیست بلکه زهد این است که اعتماد و اطمینان تو به آنچه که در دست توست بیشتر از اعتماد به آنچه که در دست خدای عزوجل است نباشد.

حدیث :

۶۲۴ - عن حفص بن غياث قال : سمعت موسى بن جعفر عليه السلام عند قبر و هو يقول : ان شيئاً هذا آخره لحقيق ان يزهد في اوله و ان شيئاً هذا اوله لحقيق ان يخاف من آخره .

ترجمه :

۶۲۴ - حفص بن غياث گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که در کنار قبری می فرمود: به راستی چیزی که (دنیایی که) آخرش این است سزاوار است که در آغازش نسبت به آن زهد پیشه شود و راستی چیزی که آغازش چنین است سزاوار است که از سرانجامش ترسیده شود.

حدیث :

۶۲۵ - عن فاطمه بنت الحسين عن ابيها عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله ان صلاح اول هذه الامه بالزهد و اليقين و هلاك آخرها بالشح و الامل .

ترجمه :

۶۲۵ - فاطمه دختر امام حسین علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا نیکی و شایستگی اول این امت به داشتن زهد و یقین است و هلاکت و نابودی آخر این امت به بخیل بودن و داشتن آرزو (آرزوی طولانی) است .

حدیث :

۶۲۶ - عن الحسن بن علی العسكري عليه السلام هن آباءه عليه السلام عن الصادق عليه السلام انه سئل عن الزاهد في الدنيا قال : الذي يترك حلالها مخافه حسابه و يترك حرامها مخافه عقابه .

ترجمه :

۶۲۶ - امام حسن عسکری علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که از امام صادق علیه السلام درباره زاهد در دنیا پرسیده شد که زاهد کیست ؟ فرمود: زاهد کسی است که در حلال دنیا را از ترس حساب آن و حرام دنیا را از ترس کیفر و عقاب آن ترک کند.

۶۳ - باب استحباب ترک ما زاد عن قدر الضروره من الدنيا

۶۳ - باب استحباب ترک نمودن آنچه از دنیا که بیش از اندازه ضرورت است

حدیث :

۶۲۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ما لی و للدنیا انما مثلی کراکب رفعت له

شجره فی یوم صائف فقال تحتها قم راح و ترکها.

ترجمه :

۶۲۷ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرا با دنیا چه کار است ؟ همانا مثل

من همانند سوارکاری است که در یک روز گرم برای او درختی بر پا شده باشد و او در زیر آن درخت در وسط روز به خواب

رود سپس استراحتی کند (یا بادی بوزد) و آن درخت را ترک کند (و برود).

حدیث :

۶۲۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : فی طلب الدنیا اضرار بالآخره و فی طلب

الآخره اضرار بالدنیا فاضروا بالدنیا فانها احق بالاضرار.

ترجمه :

۶۲۸ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در طلب کردن دنیا به آخرت زیان می

رسد و در طلب کردن آخرت به دنیا زیان می رسد پس به دنیا زیان برسانید که دنیا سزاوار زیان است .

حدیث :

۶۲۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام : ان فی کتاب علی علیه السلام انما مثل الدنیا کمثل الحیه ما الین مسها و فی جوفها

السم النافع یحذرهما الرجل العاقل و یهوی الیهما الصبی الجاهل .

ترجمه :

۶۲۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام آمده است که : مثل دنیا همانند مار است که چقدر لمس و

سودن آن نرم است در حالی که در درون آن زهر کشنده است ، مرد عاقل از چنین ماری حذر می کند و کودک نادان به

سوی آن مایل می شود.

حدیث :

۶۳۰ - عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیته النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی ان

الدنیا سجن المومن وجنه الکافر یا علی اوحی الله الی الدنیا اخدمی من خدمنی و اتعبی من خدمک یا علی ان الدنیا لو عدلت

عندالله جناح بعوضه لما سقى الكافر منها شربه من ماء يا على ما احد من الاولين و الاخرين الا و هو يتمنى يوم القيامة انه لم يعط الدنيا الا قوتا.

ترجمه :

۶۳۰ - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام

آمده است که : ای علی ! همانا که دنیا زندان مومن و بهشت کافر است ، ای علی ! خداوند به دنیا وحی فرستاد ککه :

خدمتگزار کسی باش که در خدمت من است و به رنج و سختی بیفکن کسی را که در خدمت توست ، ای علی ! راستی که

اگر ارزش دنیا در نزد خدا با بال پشه ای برابری می کرد هرگز به کافر جرعه ای از آب آن را نمی نوشاند، ای علی !

هیچکس از خلق اولین و آخرین نیست جز اینکه در روز قیامت آرزو می کند که ای کاش از دنیا تنها به اندازه خوراکی به او

داده می شد.

حدیث :

۶۳۱ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ما قل و كفى خير مما كثر و الهى .

ترجمه :

۶۳۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آنچه که اندک باشد و کفایت کند از آنچه که فراوان باشد و (آدمی را به خود)

مشغول سازد بهتر است .

حدیث :

۶۳۲ - و باسناده عن اميرالمؤمنين عليه السلام فى وصيته لمحمد بن الحنفية قال : و لا مال اذهب للفاقه من الرضا بالقوت و

من اقتصر على بلغه الكفاف فقد انتظم الراحة و تبوا خفض الدعه ، الحرص داع الى التحم فى الذنوب .

ترجمه :

۶۳۲ - امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: و هیچ مالی بهتر از خوشنود بودن به خوراک ، فقر را

بر طرف نمی کند و کسی که به مقدار کفاف روزانه اکتفا کند راحتی و آسایشش را سامان بخشیده است و در فراخی و

آسودگی زندگانی مقیم گشته است ، حرص (آدمی را) به سوی سرنگونی در گناهان فرا می خواند.

حدیث :

۶۳۳ - عن ابی الدرداء قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من اصبح معافی فی جسده أمانا فی سربه عنده قوت یومه فکانما خیرت له الدنيا یا ابن جعشم یکفیک منها ما سد جوعتک و واری عورتک فان یکن بیت یکنک فذاک و ان یکن دابه ترکبها فبخ بخ و الا فالخبز و ماء الجرہ و ما بعد ذلک حساب علیک او عذاب .

ترجمه :

۶۳۳ - ابو درداء گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که صبح کند در حالی که تندرست و سالم باشد و درباره مرکب سواری اش ایمن باشد و در نزد او خوراک روزانه اش موجود باشد گوئیا خیر دنیا به او بخشیده شده است ، ای پسر جعشم ! در این دنیا آنچه که گرسنگی تو را بر طرف سازد و عورتت را بیوشاند برایت کافی است پس اگر خانه ای باشد که سایبان شود نیکوست و اگر چهارپایی باشد که بر آن سوار شوی پس بسی نیکوتر و گرنه نانی و آب سبویی (بس است) و بیش از اینها یا موجب حساب بر توست یا باعث عذاب و کیفر توست .

حدیث :

۶۳۴ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : یا ابن آدم ما کسبت فوق قوتک فانت فیه خازن لگیرک .

ترجمه :

۶۳۴ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای فرزند آدم ! آنچه که بیش از خوراک روزانه ات کسب کرده ای تو در آن نگاهبانی دهنده برای دیگران گشته ای .

حدیث :

۶۳۵ - و قال علیه السلام : کل مقتصر علیه کاف .

ترجمه :

۶۳۵ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر مقداری که بتوان بر آن اکتفا نمود کافی است .

حدیث :

۶۳۶ - و قال علیه السلام : الزهد بین کلمتین من القرآن قال الله تعالی (لکیلا تاسوا علی ما فاتکم و لاتفرحوا بما آتاکم) و من لم یاس علی الماضي و لم یفرح بالاتی فقد استکمل الزهد بطرفیه .

ترجمه :

۶۳۶ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زهد بین دو جمله از قرآن (تعریف شده) است آنجا که خداوند تعالی فرموده است: (تا بر آنچه که از دست داده اید غمگین نشوید و بر آنچه که به شما داده شده است شادمان نگردید) (۱۴۹) پس کسی که بر گذشته اندوه نخورد و به آینده شادمان نباشد هر دو جانب زهد را به صورت کامل دریافته است.

حدیث:

۶۳۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال ابو جعفر علیه السلام: مثل الحریر علی الدنیا مثل دوده القز کلما ازدادت علی نفسها لفا کان ابعدها من الخروج حتی تموت غما قال: و قال ابو عبدالله علیه السلام: اغنی الغنی من لم یکن للحرص اسیرا و قال: لا تشعروا قلوبکم الاشغال بما قد فات فتشغلوا اذهانکم عن الاستعداد لما لم یات.

ترجمه:

۶۳۷ - امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود: مثل شخصی که بر دنیا حریص است همانند کرم ابریشم است که هر چه پیله را بیشتر به دور خود می پیچد خارج شدنش از دورن آن بعیدتر می شود تا اینکه از (شدت) اندوه می میرد - راوی گوید: - و امام صادق علیه السلام فرمود: بالاترین ثروت (حالت) کسی است که اسیر حرص نباشد. و فرمود: مشغول گشتن به آنچه که از دست رفته است را در دل‌هایتان وارد نسازید (به آنچه که فوت شده نپردازید) که در نتیجه ذهن‌های خود را از آمادگی برای آنچه که نیامده است از می دارید.

حدیث:

۶۳۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ابعده ما یکون العبد من الله عزوجل اذا لم یهمه الا بطنه و فرجه.

ترجمه:

۶۳۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: دورترین حالتی که بنده از خدای عزوجل دارد آن هنگامی است که چیزی جز شکم و زیر شکمش برای او اهمیت نداشته باشد.

حدیث:

۶۳۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: من کثر اشتبا که فی الدنیا کان اشد لحسرتة عند فراقها.

ترجمه:

۶۳۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که زیاد با دنیا گره خورده باشد حسرت و اندوهش هنگام جدایی از آن زیادتر خواهد بود.

حدیث :

۶۴۰ - عن احمد بن ابی عبدالله البرقی عن ابیه رفعه الی ابی عبدالله علیه السلام قال : حرم الحریص خصلتین و لزمتہ خصلتان حرم القناعه فافتقد الراحة و حرم الله الرضا فافتقد اليقين .

ترجمه :

۶۴۰ - احمد بن ابی عبدالله برقی از پدرش روایت کند که امام صادق علیه السلام فرمود: شخص حریص از دو خصلت محروم است و دو خصلت ملازم با اوست از قناعت محروم است پس در نتیجه ، راحتی و آرامش را گم کرده است و از خوشنود بودن (به داده الهی) محروم است پس در نتیجه ، یقین و باور را گم کرده است .

۶۵ - باب کراهه حب المال و الشرف

۶۵ - باب کراهت دوستی دارایی و ارجمندی

حدیث :

۶۴۱ - عن حماد بن بشیر قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ما ذئبان ضاریان فی غنم قد غاب عنها رعاوها احدهما فی اولها و الاخر فی آخرها باضر فیها من حب المال و الشرف فی دین المسلم .

ترجمه :

۶۴۱ - حماد بن بشیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: دو گرگ درنده در گله ای که چوپانی به همراه ندارد در حالی که یک گرگ در اول گله و دیگری در آخر گله باشد ضررشان به آن گله بیشتر نیست از ضرری که دوستی با دارایی و ارجمندی به دین مسلمانان می زند.

حدیث :

۶۴۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الشیطان یدیر ابن آدم فی کل شیء فاذا اعیاه جثم له عند المال فاخذ برقبته .

ترجمه :

۶۴۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا شیطان فرزند آدم را در هر چیزی کاملاً زیر نظر می گیرد پس هنگامی که وی شیطان را درمانده و عاجز کرد (و شیطان نتوانست او را فریب دهد) شیطان در برابر مال و دارایی سینه اش را برای او بر زمین می نهد و گردنش را می گیرد.

حدیث :

۶۴۳ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان الدينار و الدرهم اهلکا من کان قلبکم و هما مهلکاکم .

ترجمه :

۶۴۳ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : همانا دینار و درهم پیشینیان شما را به هلاکت رساند و همین دو نیز هلاک کننده شماست .

۶۶ - باب کراهه الضجر و الکسل

۶۶ - باب کراهت بی قراری نمودن و سستی کردن

حدیث :

۶۴۴ - عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام انه قال فی وصیته لبعض ولده : و ایاک و الکسل و الضجر فانهما یمنعانک حظک من الدنيا و الاخره .

ترجمه :

۶۴۴ - امام موسی بن جعفر علیه السلام در وصیتش به یکی از فرزندان خود فرمود: از سستی کردن و بی قراری نمودن بر حذر باش زیرا این دو جلو بهره دنیوی و اخروی تو را می گیرند.

حدیث :

۶۴۵ - عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی لاتمزح فیذهب بهاوک و لاتکذب فیذهب نورک و ایاک و خصلتین الضجر و الکسل فانک ان ضجرت لم تصبر علی حق و ان کسلت لم تود حقا یا علی من استولی علیه الضجر رحلت عنه الراحة .

ترجمه :

۶۴۵ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کرد که وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که فرمود: ای علی ! شوخی مکن که خوبی و نیکویی تو را می برد و دروغ مگو که نور تو را از بین می برد و از دو خصلت بر حذر باش یکی نالیدن و بی قراری نمودن و دیگری سستی زیرا اگر بی قراری کنی بر حق نمی توانی شکیبیا باشی و اگر سستی کنی حقی را نمی توانی به دست آوری ، ای علی ! کسی که بی تابی و بی قراری بر او مسلط شود راحتی و آسایش از وجود او کوچ می کند.

حدیث :

۶۴۶ - عن عمر بن علی عن ابیه علی بن ابی طالب علیه السلام ان النبی صلی الله علیه و آله قال : علامه الصابر فی ثلاث اولها ان لایکسل و الثانیه ان لایضجر و الثالثه ان لایشکو من ربه عزوجل لانه اذا کسل فقد ضیع الحقوق و اذا ضجر لم یود الشکر و اذا شکا من ربه عزوجل فقد عصاه .

ترجمه :

۶۴۶ - عمر بن علی از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کند که فرمود: همانا پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : نشانه شخص صابر و شکیبا در سه چیز است : اول اینکه سستی نمی کند و دوم اینکه بی قراری نمی کند و سوم اینکه از پروردگار عزیز بزرگوارش شکایت نمی کند زیرا اگر سستی کند قطعاً حقوقی را ضایع می کند و اگر بی قراری کند شکر و سپاس (پروردگارش) را به جای نیاورده است و اگر از پروردگارش شکایت کند او را نافرمانی کرده است .

حدیث :

۶۴۷ - عن ابی الحسن موسی علیه السلام فی حدیث انه قال لبعض ولده : ایاک و المزاح فانه یذهب بنور ایمانک حظک من الدنیا و الاخره .

ترجمه :

۶۴۷ - امام موسی بن جعفر علیه السلام به یکی از فرزندانش فرمود: از شوخی کردن پرهیزد که نور ایمان تو را از بین می برد و مروت و مردانگی تو را سبک می کند و از بی قراری و سستی حذر کن که این دو بهره دنیوی و اخروی تو را مانع می شوند.

۶۷ - باب کراهه الطمع

۶۷ - باب کراهت طمع ورزیدن

حدیث :

۶۴۸ - عن ابی عبدالله قال : ما اقبح بالمومن ان تکون له رغبه تذله .

ترجمه :

۶۴۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: برای مومن چقدر زشت است که میل و رغبتی داشته باشد که او را به ذلت و خواری بکشاند.

حدیث :

۶۴۹ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : بئس العبد عبد یكون له طمع یقوده و بئس العبد عبد له رغبه تذله .

ترجمه :

۶۴۹ - امام باقر علیه السلام فرمود: بد بنده ای است که بنده ای که طمعکاری اش او را رهبری کند و بد بنده ای است آن بنده ای که دارای میل و رغبتی باشد که او را به خواری اندازد.

حدیث :

۶۵۰ - قال علی بن الحسین علیه السلام رایت الخیر کله قد اجتمع فی قطع الطمع عما فی ایدی الناس .

ترجمه :

۶۵۰ - امام سجاد علیه السلام فرمود: دانسته ام که تمامی خیر و خوبی در بریدن طمع و چشم نداشتن به آنچه که در دستان مردمان است جمع شده است .

حدیث :

۶۵۱ - عن سعدان عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت : الذی یثبت الایمان فی العبد قال : الورع و الذی یخرجه منه

الطمع .

ترجمه :

۶۵۱ - سعدان گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : آن چیزی که ایمان را در درون بنده ثابت و پا بر جا می کند چیست ؟ حضرت فرمود: باز ایستادن از گناه ، و آن چیزی که ایمان را از دل او بیرون می کند طمع است .

حدیث :

۶۵۲ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : اذا احببت ان تجمع خیر الدنیا و الاخره فاقطع

طمعک مما فی ایدی الناس .

ترجمه :

۶۵۲ - امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: اگر دوست داری که خیر دنیا و آخرت را برای خود گرد آوری پس طمع و چشم داشتنت را به آنچه که در دستان مردمان است قطع کن .

حدیث :

۶۵۳ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : اتی رجل رسول الله صلی الله علیه و آله فقال : علمنی یا رسول الله شیئا فقال :
علیک بالیاس مما فی یدی الناس فانه الغنی الحاضر قال : زدنی یا رسول الله قال : ایاک و الطمع فانه الفقر الحاضر.

ترجمه :

۶۵۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! به من چیزی بیاموز. حضرت فرمود: بر تو باد که از آنچه که در دستان مردمان است مایوس باشی که این چنین روحیه ای ثروتی حاضر و آماده است. مرد دوباره عرض کرد: ای رسول خدا! بیش از این بفرما. فرمود: از طمع بر حذر باش که طمع، فقری حاضر و آماده است.

حدیث :

۶۵۴ - عن الصادق جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام قال : سئل امیرالمؤمنین علیه السلام ما ثبات الایمان ؟ قال : الورع . فقیل : ما زواله ؟ قال : الطمع .

ترجمه :

۶۵۴ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیده شد که : چه چیزی مایه ثبات و پابرجایی ایمان است ؟ فرمود: باز ایستادن از گناه ، پرسیده شد: چه چیز باعث زوال ایمان است ؟ فرمود: طمع .

حدیث :

۶۵۵ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : اکثر مصارع العقول تحت بروق المطامع .

ترجمه :

۶۵۵ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بیشترین جایی که عقلها به زمین می خورد در زیر درخشیدن طمعکاری ها است .

حدیث :

۶۵۶ - عن علی بن موسی الرضا علیه السلام عن ابیه عن آبائه علیه السلام عن علی علیه السلام قال : جاء خالد الی رسول الله صلی الله علیه و آله فقال : یا رسول الله اوصنی و اقله لعلی احفظ فقال : اوصیک بخمس بالیاس مما فی یدی الناس فانه الغنی الحاضر و ایاک و الطمع فانه الفقر الحاضر و صل صلاه مودع و ایاک و ما تعتذر منه و احب لاخیک ما تحب لفنسک .

ترجمه :

۶۵۶ - امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدران‌ش روایت کند که : علی علیه السلام فرمود نن خالد به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما و کوتاه باشد شاید بتوانم آن را به خاطر بسپرم . حضرت فرمود: تو را به پنج چیز سفارش می کنم : یاس و ناامیدی نسبت به آنچه که در اختیار مردم است زیرا اینگونه یاس ثروتی حاضر و آماده است ، و از طمع بر حذر باش که آن فقری حاضر و آماده است ، و نماز چنان به جای آور که گوئیا در حال وداع هستی (و این آخرین نماز توست)، و از چیزی که از به جای آوردنش باید عذرخواهی کنی بر حذر باش ، و برای برادر خود چیزی را که برای خود دوست می داری دوست مدار.

۶۸ - باب کراهه الخرق

۶۸ - باب کراهت درشتی کردن (ناسازگاری)

حدیث :

۶۵۷ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : من قسم له الخرق حجت عنه الايمان .

ترجمه :

۶۵۷ - امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که درشتی کردن برایش مقدر و قسمت شده است ایمان از او باز داشته شده و پوشانده شده است .

حدیث :

۶۵۸ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لو كان الخرق خلقا يری ما كان فی شیء من خلق الله اقبح منه .

ترجمه :

۶۵۸ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : اگر درشتی (ناسازگاری) به صورت یکی از آفریدگان دیده می شد هیچ چیز از آفریدگان خداوند زشت تر از او نبود.

۶۹ - باب تحريم اساءه الخلق

۶۹ - باب تحريم بد اخلاقی

حدیث :

۶۵۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان سوء الخلق لیفسد العمل كما یفسد الخل العسل .

ترجمه :

۶۵۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که بد اخلاقی عمل را تباه می کند همچنانکه سرکه غسل را فاسد می سازد.

حدیث :

۶۶۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال النبی صلی الله علیه و آله : ابی الله لصاحب الخلق السیی بالتوبه قیل : و کیف

ذاک یا رسول الله ؟ قال : اذا تاب من ذنب وقع فی ذنب اعظم منه .

ترجمه :

۶۶۰ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند از توبه شخصی که دارای

اخلاق بد است کراهت دارد. عرض شد که : ای رسول خدا! این چگونه است ؟ فرمود: (زیرا) هنگامی که از گناهی توبه می

کند در گناهی بزرگتر از گناه گذشته واقع می شود.

حدیث :

۶۶۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان سوء الخلق لیفسد الایمان کما یفسد الخل العسل .

ترجمه :

۶۶۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس اخلاقش بد شد خود را در عذاب قرار داده است .

حدیث :

۶۶۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من ساء خلقه عذب نفسه .

ترجمه :

۶۶۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس اخلاقش بد شد خود را در عذاب قرار داده است .

حدیث :

۶۶۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اوحی الله عزوجل الی بعض انبیائه الخلق السیی یفسد العمل کما یفسد الخل

العسل .

ترجمه :

۶۶۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که : اخلاق بد عمل را فاسد می

کند همچنانکه سرکه باعث فاسد شدن غسل می گردد.

حدیث :

۶۶۴ - عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی لکل ذنب توبه الا سوء الخلق فان صاحبه كلما خرج من ذنب دخل فی ذنب .

ترجمه :

۶۶۴ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! هر گناهی توبه ای دارد به جز بد اخلاقی زیرا کسی که دارای اخلاق بد است هر زمان که از گناهی بیرون می رود در گناهی دیگر وارد می شود.

حدیث :

۶۶۵ - عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : علیکم بحسن الخلق فان حسن الخلق فی الجنة لامحاله و ایاکم و سوء الخلق فان سوء الخلق فی النار لا محاله .

ترجمه :

۶۶۵ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : بر شما باد به خوش اخلاقی زیرا اخلاق نیکو حتما جایگاهش در بهشت است و از بد اخلاقی بر حذر باشید زیرا اخلاق بد حتما جایگاهش در دوزخ است .

حدیث :

۶۶۶ - عن جعفر عن ابیه علیه السلام قال : قال علی علیه السلام : ما من ذنب الا و له توبه و ما من تائب الا وقد تسلّم له توبته ما خلا السیی الخلق لانه لا بتوب من ذنب الا وقع فی غیره اشر منه .

ترجمه :

۶۶۶ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کرد که : علی علیه السلام فرمود: هیچ گناهی نیست جز اینکه توبه ای دارد و هیچ توبه کننده ای نیست جز اینکه توبه اش برای او سالم و دست نخورده می ماند مگر کسی که بد اخلاق است زیرا چنین کسی از هیچ گناهی توبه نمی کند جز اینکه در گناهی بدتر از آن وارد می شود.

۷۰ - باب تحریم السفه و کون الانسان ممن یتقی شره

۷۰ - باب تحریم نادانی کردن و اینکه آدمی از کسانی باشد که از بدی او پرهیز می شود

حدیث :

۶۶۷ - عن ابی الحسن موسی علیه السلام فی رجلین یتسابان فقال : البادی منهما اظلم و وزره و وزر صاحبہ علیہ ما لم یتعد المظلوم .

ترجمه :

۶۶۷ - امام موسی کاظم علیه السلام درباره دو مرد به یکدیگر دشنام می دادند فرمود: آنکه آغاز نموده ستمکارتر است و گناه خود و طرف مقابلش به گردن اوست البته در صورتی که آنکه مظلوم واقع شده از حد خود تجاوز نکند.

حدیث :

۶۶۸ - ابی عبدالله علیه السلام قال : لاتسفھوا فان ائمتکم لیسوا بسفھاء و قال ابو عبدالله علیه السلام : من کافا السفیہ بالسفہ فقد رضی بمثل ما اتی الیہ حیث احتذی مثاله .

ترجمه :

۶۶۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: خود را به نادانی و بی خردی ننزید (و بی خردی را پیشه نکنید) زیرا پیشوایان شما نادان نبوده و نیستند. و فرمود: کسی که با شخص نادان به نادانی مقابله کند تحقیقا به شبیه همان عملی که با وی صورت گرفته است خوشنود گردیده است زیرا به شخص نادان اقتدا و از وی پیروی کرده است .

حدیث :

۶۶۹ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لایکون السفه و الغره فی قلب العالم .

ترجمه :

۶۶۹ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نادانی و ناشی گری در دل شخص دانشمند نیست .

حدیث :

۶۷۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان السفه خلق لئیم یستطیل علی من دونه و یخضع لمن فوقه .

ترجمه :

۶۷۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که نادانی خصلت شخص فرومایه و پست است ، فرومایه بر زیر دست خود تکبر می ورزد و برای بالا دست خود فروتنی می کند.

حدیث :

۶۷۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث ان النبی صلی الله علیه و آله قال : ان من شر عبادالله من تکره مجالسته لفحشه .

ترجمه :

۶۷۱ - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود که : پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که بدترین بندگان خدا کسی است که به خاطر پلیدی اش همنشینی با او ناپسند شمرده می شود.

حدیث :

۶۷۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان ابغض خلق الله عبد اتقی الناس لسانه .

ترجمه :

۶۷۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا نفرت انگیزترین مخلوق خدا بنده ای است که مردم از (شر) زبان او پرهیز می کنند.

حدیث :

۶۷۳ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله : شر الناس يوم القیامه الذین یکرمون اتقاء شرمهم .

ترجمه :

۶۷۳ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین مردم در روز قیامت کسانی هستند که (این دنیا را) از ترس شرشان مورد اکرام و احترام واقع می شوند.

حدیث :

۶۷۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : شر الناس عند الله يوم القیامه الذین یکرمون اتقاء شرمهم .

ترجمه :

۶۷۴ - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین مردم در نزد خداوند در روز قیامت کسانی هستند که (در دنیا) برای پرهیز از شرشان مورد احترام واقع می شوند.

حدیث :

۶۷۵ - قال ابو عبدالله علیه السلام : من خاف الناس لسانه فهو فی النار.

ترجمه :

۶۷۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که مردم از زبانش بترسند جایگاهش در آتش است .

۷۱ - باب تحریم الفحش و وجوب حفظ الانسان

۷۱ - باب تحریم بد زبانی و وجوب حفظ نمودن زبان

حدیث :

۶۷۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من علامات شرک الشیطان الذی لا یشک فیہ ان یکون فحاشا لایبالی ما قال و

لا ما قیل فیہ .

ترجمه :

۶۷۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: از نشانه های شراکت نمودن شیطان که بی گمان این نشانه بیانگر شریک شدن

شیطان در روحیه و اعمال شخص است این است که شخصی بد زبان باشد و باکی نداشته که چه می گوید و چه درباره اش

گفته می شود.

حدیث :

۶۷۷ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله یبغض الفاحش المتفحش .

ترجمه :

۶۷۷ - امام باقر علیه السلام فرمود: راستی که خداوند شخص بد زبان بیهوده گوی را دشمن می دارد.

حدیث :

۶۷۸ - قال ابو عبدالله علیه السلام : ان الفحش و البذاء و السلاطه من النفاق .

ترجمه :

۶۷۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا دشنام دادن و هرزه گویی و زبان درازی ناشی از نفاق و دو رویی است .

حدیث :

۶۷۹ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله یبغض الفاحش البذی ء السائل الملحف .

ترجمه :

۶۷۹ - امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: راستی که خداوند شخص دشنام دهنده و هرزه گو و در خواست کننده سمج و لجوج را دشمن می دارد.

حدیث :

۶۸۰ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعائشه : یا عایشه ان الفحش لو کان مثالا لکان مثال سوء.

ترجمه :

۶۸۰ - امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله به عایشه فرمود: ای عایشه ! راستی که اگر بد زبانی در قالب و شکلی در آمده بود حتما صورتی بد و زشت داشت .

حدیث :

۶۸۱ - عن احمد بن محمد عن بعض رجاله قال : قال : من فحش علی اخیه المسلم نزع الله منه برکه رزقه و وکله الی نفسه و افسد علیه معیشته .

ترجمه :

۶۸۱ - احمد بن محمد از برخی از کسانی که از آنان حدیث نقل می کند، روایت کند که : معصوم علیه السلام فرمود: کسی که به برادر مسلمان خود دشنام دهد خداوند برکت روزی اش را از او می گیرد و او را به خود وا می گذارد و زندگی اش را بر او تباه می سازد.

حدیث :

۶۸۲ - عن سماعه قال : دخلت علی ابی عبدالله علیه السلام فقال لی مبتدئا: یا سماعه ما هذا الذی کان بینک و بین جمالك ؟ ایاک ان تکون فحاشا او سخابا او لعانا. فقلت : و الله لقد کان ذلک انه ظلمنی فقال : ان کان ظلمک لقد اربیت علیه ان هذا لیس من فعالی و لا امر به شیعتی استغفر ربک و لا تعد قلت استغفر الله و لا اعود.

ترجمه :

۶۸۲ - سماعه گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم ، حضرت بدون اینکه من چیزی گفته باشم فرمود: ای سماعه ! بین تو و شترداریت چه گذشته است ؟ بر حذر باش از اینکه دشنام دهنده یا داد و فریاد کننده یا لعن کننده باشی . عرض کردم : سوگند به خدا که او به من ظلم کرد. حضرت فرمود: اگر او به تو ستم کرد تو که بیشتر به او ستم کردی (تو که در

ستم کردن از او پیشی گرفتی) راستی که اینگونه رفتار نه با کردار من سازگار است و نه پیروان خود را به چنین رفتاری امر می کنم ، از پروردگارت طلب مغفرت کن و دیگر تکرار نکن . من گفتم : از خداوند طلب مغفرت می کنم و دیگر چنین عملی را تکرار نمی کنم .

حدیث :

۶۸۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان من اشر عباد الله من تکره مجالسته لفحشه .

ترجمه :

۶۸۳ - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : راستی که از بدترین بندگان خدا کسی است که به خاطر بد زبانی اش همنشینی با او ناپسند شمرده می شود.

حدیث :

۶۸۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله يحب الحیى الحلیم الغنى المتعفف الا و ان الله یبغض الفاحش البذی ء السائل الملحف .

ترجمه :

۶۸۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خداوند شخص صاحب شرم و بردبار و ثروتمند پاکدامن را دوست دارد، آگاه باشید که خداوند شخص دشنام دهنده هرزه گو و سائلی را که سماجت می کند دشمن می دارد.

حدیث :

۶۸۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : ان الحیاء و العفاف و العی اعنی عن اللسان لاعی القلب من الایمان و الفحش و البذاء و السلاطه من النفاق .

ترجمه :

۶۸۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که حیا و پاکدامنی و درمانده بودن از ایمان است البته مراد من درمانده بودن زبان است نه درمانده بودن قلب (یعنی زبان دراز نباشد)، و دشنام و هرزه گویی و زبان درازی از نفاق است .

حدیث :

۶۸۶ - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام في وصيه النبي صلى الله عليه و آله لعل عليه السلام قال : يا علي افضل الجهاد من اصبح لايهم بظلم احد يا علي من خاف الناس لسانه فهو من اهل النار يا علي شر الناس من اكرمه الناس اتقاء فحشه و شره يا علي شر الناس من باع آخرته بدنياه و شر منه من باع آخرته بدنيا غيره .
ترجمه :

۶۸۶ - امام باقر عليه السلام از پدران بزرگوارش روايت فرمود كه : در وصيت پيامبر صلى الله عليه و آله به علي عليه السلام آمده است : اي علي ! بالاترين جهاد (عمل) كسي است كه مردم از زبانش در بيم و هراس باشند اهل دوزخ است . اي علي ! بدترين مردم كسي است كه مردم او را از ترس بدزباني و بدكاري اش اكرام و احترام كنند، اي علي ! بدترين مردمان كسي است كه آخرتش را به دنيايش بفروشد و بدتر از او كسي است كه آخرتش را به دنيا ديگران بفروشد.

۷۲ - باب تحريم البداء و عدم المبالاه بالقول

۷۲ - باب تحريم هرزه گويي و بدون مبالاات سخن گفتن

حديث :

۶۸۷ - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : اذا رايتم الرجل لايبالي ما قال و لا ما قيل له فهو شرك الشيطان .

ترجمه :

۶۸۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : هرگاهديد كه مردى باكى ندارد كه چه مى گويد و چه درباره اش گفته مى شود چنين كسى شريك شيطان است .

حديث :

۶۸۸ - عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان الله حرم الجنه على كل فحاش بذيء قليل الحياء لايبالي ما قال و لا ما قيل له فانك ان فتشته لم تجده الا لغيه او شكر شيطان قيل : يا رسول الله و فى الناس شرك شيطان فقال رسول الله صلى الله عليه و آله : اما تقرا قول الله عزوجل : (و شاركهم فى الاموال و الاولاد) (الحديث).

ترجمه :

۶۸۸ - اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : راستى كه خداوند بهشت را بر هر دشنام دهنده زشت گفتار كم حيا كه باكى ندارد كه چه مى گويد و چه درباره اش گفته مى شود حرام ساخته است به راستى

که اگر درباره چنین کسی جستجو و کاوش کنی او را گمراه یا شریک شیطان می یابی . عرض شد: ای رسول خدا! آیا در بین مردم شریک شیطان وجود دارد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا سخن خدای عزوجل را نخوانده ای که می فرماید: (و با آنان در دارایی ها و فرزندانشان شراکت کن) (۱۵۰)

حدیث :

۶۸۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : البذاء من الجفاء و الجفاء فی النار.

ترجمه :

۶۸۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: زشت گفتاری ناشی از ستمکاری است و ستمکاری در آتش است .

حدیث :

۶۹۰ - عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی حرم

الله الجنة علی کل فاحش بذی : لا بیالی ما قال و لا ما قیل یا علی طوبی لمن طال عمره و حسن عمله .

ترجمه :

۶۹۰ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیه السلام روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! خداوند بهشت را بر هر دشنام دهنده زشت گفتار که باکی ندارد که چه می گوید و

چه درباره اش گفته می شود حرام ساخته است ، ای علی ! خوشا به حال کسی که عمرش طولانی و کردارش نیکو باشد.

حدیث :

۶۹۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الحیاء من الایمان و الایمان فی الجنة و البذاء من الجفاء و الجفا و فی النار.

ترجمه :

۶۹۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: حیا از ایمان است و ایمان در بهشت است و زشت گفتاری از ستمکاری است و

ستمکاری جایگاهش آتش است .

۷۳ - باب تحریم القذف حتی للمشرک مع عدم الاطلاع

۷۳ - باب تحریم بدون اطلاع نسبت زنا دادن حتی به مشرک

حدیث :

۶۹۲ - عن عمرو بن نعمان الجعفی قال : کان لابی عبدالله علیه السلام صدیق لایکاد یفارقه - الی ان قال - فقال یوما لغلّامه : یا ابن الفاعله این کنت ؟ قال فرّفع ابو عبدالله علیه السلام یده فصک بها جبّهه نفسه ثم قال : سبحان الله تقدّف امه قد کنت اری ان لک ورعا فاذا لیس لک ورع فقال : جعلت فداک ان امه سنّیده مشرکه فقال : اما علمت ان لکل امه نکاحا؟ تنح عنی فما رایته یمشی معه حتی فرق بینهما الموت .

ترجمه :

۶۹۲ - عمر بن نعمان جعفی گوید: امام صادق علیه السلام دوستی داشت که همواره در کنار حضرت بود و از ایشان جدایی نمی کرد روزی به غلام خود گفت : ای زنا زاده کجا بودی ؟ امام صادق علیه السلام دستش را بالا برد و محکم به پیشانی خود کوبید سپس فرمود: سبحان الله ! آیا به مادر او نسبت زنا می دهی ؟ من معتقد بودم که تو دارای ورع و پرهیزکاری هستی ولی اکنون پرهیزکاری در تو نیست . عرض کرد: فدایت گردم ، مادر این غلام اهل سند و مشرک بوده . حضرت فرمود: آیا نمی دانی که هر امتی برای خود نکاحی دارد؟ از من دور شو. - راوی گوید: - من دیگر آن مرد را همراه حضرت ندیدم تا اینکه مرگ بین او و حضرت جدایی افکند.

حدیث :

۶۹۳ - قال و فی روایه اخری ان لکل امه نکاحا یحتجزون به عن الزنا.

ترجمه :

۶۹۳ - راوی گوید: در روایت دیگری آمده است که : همانا برای هر امتی نکاحی هست به وسیله آن از زنا محفوظ می شوند. حدیث :

۶۹۴ - عن ابی حمزه ، عن ابی جعفر علیه السلام قال : قلت له : ان بعض اصحابنا یفترون و یقدفون من خالفهم فاق : الکف عنهم اجمل ثم قال : یا ابا حمزه و الله ان الناس کلهم اولاد بغایا ما خلا شیعتنا ثم قال : نحن اصحاب الخمس و قد حرمانا علی جمیع الناس ما خلا شیعتنا. (الحدیث)

ترجمه :

۶۹۴ - ابی حمزه گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم که : برخی از اصحاب ما افترا می زنند و به مخالفین خود نسبت زنا می دهند (آیا این کار سزاوار است ؟) حضرت فرمود: نیکوتر این است که از دادن نسبت بد به آنان دست بکشند -

سپس فرمود: - ای ابا حمزه! به خدا سوگند که این مردم همگی (در واقع) فرزندان فحشا هستند به جز شیعیان ما (۱۵۱) -

سپس فرمود: - ما اصحاب خمس هستیم و آن را بر همه مردم بجز شیعیانمان حرام کرده ایم .

حدیث :

۶۹۵ - عن ابی بکر الحضرمی ، عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سألته عن الرجل یفتري علی الرجل من جاهلیه العرب

فقال : یضرب حدا قلت : یضرب حدا؟ قال : نعم ان ذلک یدخل علی رسول الله صلی الله علیه و آله .

ترجمه :

۶۹۵ - ابی بکر حضرمی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم : مردی بر مردی از جاهلیت عرب افترا می زند (حکمش

چیست ؟) حضرت فرمود: باید به آن افترا زنده حد زده شود. عرض کردم : آیا باید حد زده شود؟ فرمود: آری . به راستی که

این کار او باعث عیب نمودن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله می شود.

۷۴ - باب تحریم البغی

۷۴ - باب تحریم تعدی و تجاوز

حدیث :

۶۹۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمومنین علیه السلام : ایها الناس ان البغی یقود اصحابه الی النار و ان اول

من بغی علی الله عناق بنت آدم فاول قتیل قتله الله عناق و کان مجلسها جریبا فی جریب و کان لها عشرون اصبعاً فی کل

اصبع ظفران مثل المنجلین فسلط الله علیها اسدا کالفیل و ذئبا کالبعیر و نسرا مثل البغل و قد قتل الله الجبابره علی افضل

احوالهم و آمن ما کانوا.

ترجمه :

۶۹۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : ای مردم ! راستی که ستم ، یاران خود را به

سوی آتش رهنمون می کند و همانا اولین کسی که ستم و تعدی بر خدا نمود عناق دختر آدم علیه السلام بود پس اولین

کسی هم که خداوند او را به قتل رساند همین عناق بود، جایگاه نشستن او به اندازه جریب در یک جریب بود و دارای بیست

انگشت بود و در هر انگشت دو ناخن همانند دو داس داشت پس خداوند بر او شیری همانند فیل و گرگی همانند شتر و

کرکسی همانند قاطر مسلط ساخت و خداوند ستمکاران را با وجود بهترین حالاتی که داشتند و امن و امانی که در آن بودند

به قتل رساند.

حدیث :

۶۹۷ - عن مسمع ابی سیار ان ابا عبدالله علیه السلام كتب اليه في كتاب : انظر ان لاتكلمن بكلمه بغی ابداء و ان اعجتبتك نفسک و عشیرتک .

ترجمه :

۶۹۷ - مسمع ابی سیار گوید که : امام صادق علیه السلام برای وی در نامه ای چنین نوشت : توجه داشته باش که هرگز سخنی به ستم بر زبان نیاوری (دروغ نگویی) اگر چه مورد پسند خودت و خانواده ات باشد.

حدیث :

۶۹۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : يقول ابليس لجنوده : القوا بينهم الحسد و البغی فانهما بعدلان عند الله الشرك .

ترجمه :

۶۹۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: ابلیس به لشکر خود می گوید: در بین فرزندان آدم حسد و ستم را بیافکنید زیرا این دو در نزد خداوند با شرک برابرند.

حدیث :

۶۹۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام ان اعجل الشر عقوبه البغی .

ترجمه :

۶۹۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که عقوبت و کیفر ستم از عقوبت هر بدی دیگر زودتر و با شتاب تر فرا می رسد.

حدیث :

۷۰۰ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان اسرع الخیر ثوابا البر و ان اسرع الشر عقوبه البغی و کفی بالمرء عیبا ان یبصر من الناس ما یعمی عنه من نفسه او یعیر الناس بما لایستطیع ترکه او یوذی جلیسه بما لایعینیه .

ترجمه :

۷۰۰ - امام باقر علیه السلام فرمود: راستی که ثواب نیکی کردن از هر خوبی دیگری زودتر فرا می رسد و کیفر ستمکاری از کیفر هر بدی دیگری زودتر دامنگیر آدمی می شود، و برای مرد همین عیب بس است که از مردم نقصی را ببیند که از دیدن

آن نقص در وجود خود عاجز است یا اینکه مردم را بر چیزی سرزنش کند که خود توانایی ترک آن را ندارد یا اینکه همنشین خود را با سخنان بیهوده آزار دهد.

حدیث :

۷۰۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیته لاصحابه قال : و ایاکم ان یبغی بعضکم علی بعض فانها لیست من خصال الصالحین فانه من بغی صیر الله بغیه علی نفسه و صارت نصره الله لمن بغی علیه و من نصره الله غلب و اصاب الظفر من الله

ترجمه :

۷۰۱ - امام صادق علیه السلام در وصیتش به اصحاب خود فرمود: بر حذر باشید از اینکه برخی از شما بر برخی دیگر ستم روا دارد زیرا ستمکاری از خصلتهای شایستگان نیست ، همانا کسی که ستم کند خداوند ستمش را به خود او باز می گرداند و نصرت و یاری خداوند شامل شخص ستمدیده می گردد و کسی که خداوند یاری اش کند حتما غلبه پیدا می کند و پیروزی اش از جانب خداوند فرا می رسد.

حدیث :

۷۰۲ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی اربعه اسرع شیء عقوبه رجل احسنت الیه فکافاک بالاحسان اساءه و رجل لاتبغی علیه و هو یبغی علیک و رجل عاهدته علی امر فوفیت له و غدر بک و رجل و صل قرابته فقطعوه .

ترجمه :

۷۰۲ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! چهار کس است که کیفر کردارشان به سرعت فرا می رسد: کسی که به او نیکی کرده ای و نیکی تو را با بدی پاسخ گفته است ، و کسی که به او ستم نمی کنی و او بر تو ستم روا می دارد، و کسی که با او در کاری پیمان بسته ای و به عهد و پیمانت وفا کرده ای ولی او به تو خیانت کرده است ، و کسی که با خویشانش پیوند برقرار کرده است اما آنان با او رابطه شان را قطع نموده اند.

حدیث :

۷۰۳ - قال و من الفاظ رسول الله صلى الله عليه و آله : لو بغى جبل على جبل لجعله الله دكا اعجل الشر عقوبه البغى و اسرع الخير ثوابا البر.

ترجمه :

۷۰۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلى الله عليه و آله است که فرموده است : اگر کوهی بر کوهی ستم کند خداوند آن را ویران می سازد، کیفر ستم از کیفر هر بدی دیگری زودتر فرا می رسد و ثواب نیکی کردن از ثواب هر خوبی دیگری زودتر به دست می آید.

حدیث :

۷۰۴ - عن ابى حمزه الثمالى قال : سمعت ابا جعفر عليه السلام يقول : ان اسرع الشر عقوبه البغى .

ترجمه :

۷۰۴ - ابى حمزه ثمالى گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که فرمود: همانا عقوبت ستم از عقوبت هر بدی دیگری زودتر فرا می رسد.

حدیث :

۷۰۵ - عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال النبى صلى الله عليه و آله لو بغى جبل على جبل لجعل الله الباغى منهما دكا.

ترجمه :

۷۰۵ - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از پدرانش : روایت نمود که : پیامبر صلى الله عليه و آله فرمود: اگر گوهی بر کوهی ستم روا دارد خداوند آن کوه ستمکار را خرد و ویران می سازد.

حدیث :

۷۰۶ - عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان اعجل الشر عقوبه البغى .

ترجمه :

۷۰۶ - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : به راستی که کیفر ستم از کیفر هر بدی دیگری با شتاب تر فرا می رسد.

حدیث :

۷۰۷ - و بهذا الاسناد قال : دعا رجل بعض بنی هاشم الی البراز فابی ان یبارزه فقال له علی علیه السلام : ما منعک ان تبارزه ؟ فقال : کان فارس العرب و خشیت ان یغلبنی فقال : انه بغی علیک و لو بارزته لقتلته و لو بغی جیل علی جیل لهلک الباغی .

ترجمه :

۷۰۷ - و به سند روایت گذشته فرمود: مردی یکی از بنی هاشم را در جنگ به مبارزه طلبید مرد هاشمی از مبارزه کردن با وی خودداری کرد، پس علی علیه السلام به مرد هاشمی فرمود: چه چیز تو را از مبارزه با او بازداشت ؟ مرد عرض کرد: او یکی از سوارکاران عرب است و ترسیدم که بر من پیروز شود. حضرت فرمود: او بر تو تعدی نموده بود و اگر با او به مبارزه می پرداختی هر آینه او را به قتل می رساندی ، و اگر کوهی بر کوهی تعدی کند، تعدی کننده به هلاکت می رسد.

۷۵ - باب کراهه الافتخار

۷۵ - باب کراهت به خود بالیدن و مباهات کردن

حدیث :

۷۰۸ - قال علی بن الحسین علیه السلام : عجا للمتکبر الفخور الذی کان بالامس نطفه ثم هو غدا جیفه .

ترجمه :

۷۰۸ - امام سجاد علیه السلام فرمود: در شگفتم از کسی که تکبر می ورزد و به خود می نازد و مباهات می کند در حالی که این کس دیروز نطفه ای بود سپس فردا مرداری (گندیده) خواهد شد.

حدیث :

۷۰۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : آفه الحسب الافتخار و العجب .

ترجمه :

۷۰۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : آفت شرافت و بزرگی ، به خود نازیدن و خود بزرگ بینی است .

حدیث :

۷۱۰ - و قال رسول الله صلی الله علیه و آله : آفه الحسب الافتخار.

ترجمه :

۷۱۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آفت گوهر مرد، مباحات و به خود نازیدن است .

حدیث :

۷۱۱ - اتی رسول الله صلی الله علیه و آله رجل فقال : یا رسول الله انا فلان بن فلان حتی عد تسعه فقال رسول الله صلی الله علیه و آله : اما انک عاشرهم فی النار.

ترجمه :

۷۱۱ - مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من فلان بن فلان ... هستم و تا هفت پشت خود را شمرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آگاه باش که تو دهمین آنها هستی که در آتش خواهی بود.

حدیث :

۷۱۲ - قال ابو جعفر علیه السلام : عجباً للمختال الفخور و انما خلق من نطفه ثم يعود جیفه و هو فیما بین ذلک لا یدری ما یصنع به .

ترجمه :

۷۱۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: در شگفتم از کسی که متکبر و فخر فروش است و (آیا نمی داند که) از نطفه ای آفریده شده سپس مرداری می شود و او در بین دو حالت نمی داند که چه بر سرش می آید.

حدیث :

۷۱۳ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی آفه الحسب الافتخار ثم قال یا علی ان الله قد اذهب بالاسلام نخوه الجاهلیه و تفاخرها بأبائها الا ان الناس من آدم و آدم من تراب و اکرمهم عندالله اتقاهم .

ترجمه :

۷۱۳ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! آفت بزرگی مرد، فخر فروشی است . ای علی ! راستی که خداوند به وسیله اسلام تکبر و جاهلیت و مباحات نمودن به پدرانشان را از بین برد، به هوش باشید که مردم از حضرت آدم اند و آدم از خاک آفریده شده و گرامی ترین مردم در نزد خدا پرهیزکارترین آنان است .

حدیث :

۷۱۴ - عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام قال : ثلاثه من عمل الجاهلیه الفخر بالانساب و الطعن بالاحساب و الاستسقاء بالانواء.

ترجمه :

۷۱۴ - امام باقر علیه السلام فرمود: سه چیز است که از کارهای زمان جاهلیت است : نازیدن به نسب ها (ی پدران) و طعنه زدن به نژادها و طلب باران نمودن از ستارگان (نسبت دادن باران به ستارگان) (۱۵۲)

حدیث :

۷۱۵ - عن اسماعیل بن ذبیان یرفعه الی ابی عبدالله علیه السلام قال : افتخر رجلاں عند امیرالمؤمنین علیه السلام فقال : افتخران باجساد بالیه و ارواح فی النار ان یکن لک عقل فان لک خلقا و ان یکن لک تقوی فان لک کرما و الا فالحمار خیر منک و لست بخیر من احد.

ترجمه :

۷۱۵ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: دو مرد در نزد امیرالمؤمنین علیه السلام به یکدیگر فخر فروشی می کردند، حضرت فرمود: آیا به جسدهای پوسیده و روحهایی که در آتش دوزخ اند فخر می کنید، اگر عقلی داری مروتی داری و اگر دارای تقوا هستی کرم و بزرگواری داری و گرنه پس الاغ از تو بهتر است و تو از هیچ کس بهتر نیستی .

حدیث :

۷۱۶ - عن الحسین بن المختار رفعه الی امیرالمؤمنین علیه السلام قال : من وضع شیئا للمفاخره حشره الله یوم القیامه اسود.

ترجمه :

۷۱۶ - از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که فرمود: هر کس چیزی را برای مباهات و نازیدن قرار دهد خداوند او را در روز قیامت رو سیاه محشور خواهد کرد.

حدیث :

۷۱۷ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ما لابن آدم و الفخر؟ اوله نطفه و آخره جیفه و لایرزق نفسه و لایدفع حفته .

ترجمه :

۷۱۷ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فرزند آدم کجا و فخر کردن کجا؟ آغازش نطفه ای است و سرانجامش مرداری خواهد بود و روزی اش به دست خودش نیست و مرگش را از خود نمی تواند دفع کند.

۷۶ - باب تحریم قسوه القلب

۷۶ - باب تحریم قساوت قلب

حدیث :

۷۱۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لمتان لمة من الشیطان و لمة من الملك فلمه الملك الرقه و الفهم و لمة الشیطان السهو و القسوه .

ترجمه :

۷۱۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : دو گونه نزدیک شدن هست : یکی نزدیک شدن شیطان و دیگری نزدیک شدن فرشته ، اما نزدیک شدن فرشته مایه دل نازکی و درک کردن است و نزدیک شدن شیطان باعث فراموشی و سنگدلی است .

حدیث :

۷۱۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا خلق الله العبد فی اصل الخلق كافرا لم یمت حتی یحبب الیه الشر فیقرب منه فابتلاه بالكبر و الجبریه فقسا قلبه و ساء خلقه و غلظ وجهه و ظهر فحشه و قل حیاه و كشف الله ستره و ركب المحارم فلم یبزع عنها (الحدیث) .

ترجمه :

۷۱۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند بنده ای را در اصل آفرینشش کافر بیافریند نمی میرد مگر اینکه او را دوستدار شر می گرداند و به شر نزدیک می شود پس او را به تکبر و سرکشی دچار می کند پس سنگدل می شود و اخلاقش بد و چهره اش زنده می گردد و زشتی او آشکار می شود و حیالش کم می گردد و خداوند پرده او را می برد و او مرتکب امور ناروا می شود و از آن امور دست بر نمی دارد.

حدیث :

۷۲۰ - عن علی بن عیسی رفعه قال : فیما ناجی الله به موسی : یا موسی ! لاتطول فی الدنيا املک فیقسو قلبک و القاسی القلب منی بعید.

ترجمه :

۷۲۰ - علی بن عیسی از امام معصوم علیه السلام روایت کند که : در ضمن رازگویی خداوند با موسی علیه السلام آمده است : ای موسی ! در دنیا آرزویت را طولانی و دراز مگردان که اگر چنین کنی سنگدل می شوی و سنگدل از من دور است .
حدیث :

۷۲۱ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام یا علی : اربع خصال من الشقاء جمود العین و قساوه القلب و بعد الامل و حب البقاء.
ترجمه :

۷۲۱ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! چهار خصلت ناشی از شقاوت و تیره روزی است : خشکی چشم (یعنی که چشم نگرید) و سنگدلی و آرزوی دور و دراز و دوستی بقا و جاودانگی (در دنیا).
حدیث :

۷۲۲ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام ما جفت الدموع الا لقسوه القلوب و ما قست القلوب الا لكثرة الذنوب .
ترجمه :

۷۲۲ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اشک چشمها خشک نمی شود مگر به خاطر سختی دلها و دلها سخت نمی شود مگر به خاطر زیادی گناهان .
حدیث :

۷۲۳ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام عن النبی صلی الله علیه و آله قال : من الشقاء جمود العین و قسوه القلب و شده الحرص فی طلب الدنيا و الاصرار علی الذنب .
ترجمه :

۷۲۳ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : از (نشانه های) بدبختی و تیره روزی ، خشک شدن (اشک) چشم و سخت دلی و حرص زیاد در طلب دنیا و اصرار و پافشاری بر انجام گناه است .

۷۷ - باب تحریم الظلم

۷۷ - باب تحریم ظلم

حدیث :

۷۲۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من مظلّمه اشد من مظلّمه لایجد صاحبها علیها عونا الا الله .

ترجمه :

۷۲۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ ظلمی بدتر و سخت تر از آن ظلمی نیست که شخص نامظلوم یار و یاورى جز خدا برای دفع آن نیابد.

حدیث :

۷۲۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : اتقوا الظلم فانه ظلمات يوم القيامة .

ترجمه :

۷۲۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : از ظلم کردن بپرهیزید زیرا ظلم ، تاریکی ها و ظلمت های روز قیامت را در پی دارد.

حدیث :

۷۲۶ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من احد يظلم مظلّمه الا اخذع الله بها فى نفسه و ماله فاما الظلم الذى بينه و بين الله فاذا تاب غفر له .

ترجمه :

۷۲۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: هیچکس نیست که ستمی به دیگران روا دارد جز اینکه خداوند او را به خاطر ستمش از نظر جانی یا مالی گرفتار می سازد و اما ستمی که بین بنده و خداست اگر بنده توبه کند خداوند بر او می بخشاید.

حدیث :

۷۲۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من ظلم مظلّمه اخذ بها فى نفسه او فى ماله او فى ولده .

ترجمه :

۷۲۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که ستمی کند به سبب آن ستم ، در جانش یا مالش یا فرزندانش به گرفتاری می افتد.

حدیث :

۷۲۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل ان ربک لبالمرصاد قال : قنطره علی الصراط لایجوزها عبد بمظلمه

ترجمه :

۷۲۸ - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (همانا پروردگار تو در کمینگاه است) (۱۵۳)

فرمود: پلی بر صراط وجود دادر که هر بنده ای که ستمی نموده است از آن نمی تواند گذر کند.

حدیث :

۷۲۹ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : لما حضر علی بن الحسین علیه السلام الوفاه ضمنی الی صدره ثم قال یا بنی

اوصیک بما اوصانی به ابی حنین حضرته الوفاه و بما ذکر ان اباه اوصاه به قال یا بنی ایاک و ظلم من لایجد علیک ناصر الا

الله .

ترجمه :

۷۲۹ - امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسبانده، سپس

فرمود: ای پسر دلبندم! تو را وصیت می کنم به وصیتی که پدرم ابا عبدالله الحسین علیه السلام در هنگام حضور وفاتش به

من وصیت نمود و فرمود که پدرش علی علیه السلام این وصیت را به او فرموده است: ای پسر عزیزم! بر حذر باش از ظلم

کردن به کسی که در برابر تو هیچ یار و یاورى جز خدا نمی یابد.

حدیث :

۷۳۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : من خاف القصاص کف عن ظلم الناس .

ترجمه :

۷۳۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: کسی که از قصاص بترسد از ظلم کردن به

مردم خودداری می کند.

حدیث :

۷۳۱ - عن ابو عبدالله علیه السلام : من اصبح لاینوی ظلم احد غفرالله له ما اذنب ذلک الیوم ما لم یسفک دما او یاکل مال

یتیم حراما.

ترجمه :

۷۳۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که صبح کند و ظلم کردن به هیچ کس را در نیت نداشته باشد خداوند گناهان آن روز او را می بخشد مادامی که خونی نریزد یا مال یتیمی را به حرام نخورد.

حدیث :

۷۳۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : اما انه ما ظفر بخیر من ظفر بالظلم اما ان المظلوم یاخذ من دین الظالم اکثر مما یاخذ الظالم من مال المظلوم ثم قال : من یفعل الشر بالناس فلا ینکر الشر اذا فعل به . (الحدیث)

ترجمه :

۷۳۲ - امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: آگاه باشید: آنکس که با ستم به پیروزی ظاهری رسیده به خیر دست نیافته ، به هوش باشید که همانا آنچه که ستمدیده از دین ستمگر می گیرد بسی بیشتر است از آنچه که ستمگر از دارایی ستمدیده بر می گیرد - سپس فرمود: - کسی که به مردم بدی می کند هرگاه به او بدی شد نباید آن بدی را ناپسند بشمرد. (زیرا این بدی نتیجه عمل اوست).

حدیث :

۷۳۳ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الظلم فی الدنیا هو الظلمات فی الاخره .

ترجمه :

۷۳۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: ظلم در دنیا همان ظلمتها و تاریکی های آخرت است .

حدیث :

۷۳۴ - عن علی بن سالم قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان الله عزوجل یقول : و عزتی و جلالی لاجیب دعوه مظلوم دعانی فی مظلمه ظلمها و لاحد عنده مثل تلک المظلمه .

ترجمه :

۷۳۴ - علی بن سالم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا خدای عزوجل می فرماید: به عزت و بزرگی ام سوگند، دعای مظلومی را که مرا در ظلمی که به او شده است بخواند اجابت نمی کنم اگر او شبیه آن ظلم را در حق دیگری روا داشته باشد.

حدیث :

۷۳۵ - عن زید بن علی بن الحسین عن آبائه علیه السلام قال : یاخذ المظلوم من دین الظالم اکثر مما یاخذ الظالم من دنیا المظلوم .

ترجمه :

۷۳۵ - زید بن علی بن الحسین از پدران بزرگوارش : روایت کرد که : آنچه که مظلوم از دین ظالم می گیرد بسی بیشتر است از آنچه که ظالم از دنیای مظلوم می ستاند.

حدیث :

۷۳۶ - عن جعفر بن محمد علیه السلام قال : من ارتكب احدا بظلم بعث الله من ظلمه مثله او علی ولده او علی عقبه من بعده .

ترجمه :

۷۳۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بر احدی ستمی کند خداوند کسی را بر می انگیزد که همانند همان ستم را بر او یا فرزندان او یا نسل بعد از او روا دارد.

حدیث :

۷۳۷ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابیه علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : اعظم الخطایا اقتطاع مال امری مسلم بغير حق .

ترجمه :

۷۳۷ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بزرگترین گناهان گرفتن قسمتی از مال مسلمانی به ناحق است .

حدیث :

۷۳۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل یبغض الغنی الظلوم .

ترجمه :

۷۳۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خداوند عزوجل ثروتمند ستمگر را دشمن می دارد.

حدیث :

۷۳۹ - عن امیرالمؤمنین علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : يقول الله عزوجل اشتد غضبی علی من ظلم من لایجد ناصرا غیری .

ترجمه :

۷۳۹ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : خدای عزوجل می فرماید: خشم و غضب من بر کسی بسیار شدید است که بر بنده ای ظلم می کند که یآوری جز من برای خود نمی یابد.

حدیث :

۷۴۰ - عن ابی عبدالله قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : انی لعنت سبعا لعنهم الله و کل نبی مجاب قیل : و من هم یا رسول الله ؟ قال : الزائد فی کتاب الله و المكذب بقدر الله و المخالف لسننی و المستحل من عترتی ما حرم الله و المسلط بالجبروت لیعز من اذل الله و یذل من اعز الله و المستاثر علی المسلمین بفیئهم منتحلا له و المحرم ما احل الله عزوجل .

ترجمه :

۷۴۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که من هفت گروه را لعنت می فرستم که آنان را خداوند و هر پیامبری که دعایش را مورد اجابت است لعنت نموده اند. عرض شد: آنان چه کسانی هستند ای رسول خدا؟ فرمود: آنکه بر کتاب خدا چیزی بیفزاید و آنکه قضا و قدر الهی را تکذیب کند و آنکه با سنت من مخالفت ورزد و آنکه درباره عترت من آنچه را که خداوند حرام ساخته برای خود حلال بشمرد (حق عترت مرا نادیده گیرد و به آنان ستم کند) و کسی که با سرکشی قدرت یافته تا کسانی را که خداوند آنان را خوار نموده به عزت برساند و کسانی را که خداوند آنان را عزیز دانسته به ذلت بکشانند و کسی که غنائم مسلمین را برای خود برگزیند و مالک آنها شده و آنها را به خود نسبت دهد و کسی که حلال خدای عزوجل را حرام سازد.

۷۸ - باب وجوب رد المظالم الی اهلها و اشتراط ذلك فی التوبه منها فان عجز الاستغفر الله للمظلوم

۷۸ - باب وجوب اصلاح نمودن و بازگرداندن دادخواهی ها به سوی صاحبان آنها و اینکه در توبه ، بازگرداندن حق شرط است و در صورتی که ستم کننده از این کار عاجز بود باید برای ستمدیده طلب مغفرت کند

حدیث :

۷۴۱ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الظلم ثلاثه ظلم یغفره الله و ظلم لا یغفرالله و ظلم لایدعه الله فاما الظلم الذی لایغفره فالشرك و اما الظلم الذی یغفره فالظلم الرجل نفسه فیما بینه و بین الله و اما الظلم الذی لایدعه فالمداینه بین العباد.

ترجمه :

۷۴۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: ظلم سه گونه است : ظلمی که خداوند آن را می بخشد و ظلمی که خداوند آن را نمی بخشد و ظلمی که خداوند آن را رها نمی کند (و پیگیری می کند) اما ظلمی که خداوند آن را نمی بخشد شرک است و اما ظلمی که آن را می بخشد ظلمی است که شخص بین خود و خدایش به خویشتن می کند و اما ظلمی که خداوند آن را و نمی گذارد و پی گیری میکند ظلمی است که بندگان در وام دادن و وام خواستن (و معاملات) به یکدیگر روا می دارند.
حدیث :

۷۴۲ - و رواه الصدوق مثله و زاد و قال علیه السلام : ما یاخذ المظلوم من دین الظالم اکثر مما یاخذ الظالم من دنیا المظلوم .
ترجمه :

۷۴۲ - روایت گذشته را مرحوم شیخ صدوق (ره) روایت فرموده با این تفاوت که در آن جمله زیر را اضافه دارد که حضرت فرمود: آنچه را که ستمدیده از دین ستمگر می گیرد بسی بیشتر از چیزی است که ستمگر از دنیای ستمدیده می ستاند.
حدیث :

۷۴۳ - عن شیخ من النخع قال : قلت لابی جعفر علیه السلام : انی لم ازل والیا منذ زمن الحجاج الی یومی هذا فهل لی من توبه ؟ قال : فسکت ثم اعدت علیه فقال : لاحتی تودی الی کل ذی حق حقه .
ترجمه :

۷۴۳ - پیرمردی از نخع گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم : من پیوسته از زمان حجاج تاکنون والی و کارگزار بوده ام آیا برای من نیز توبه ای هست ؟ (آیا توبه ام پذیرفته می شود؟) حضرت سکوت نمود و من دوباره پرسشم را تکرار کردم . حضرت فرمود: خیر مگر اینکه حق هر صاحب حقی را به او باز گردانی .
حدیث :

۷۴۴ - عن ابی بصیر قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : من اکل من مال اخیه ظلما و لم یرده الیه اکل جذوه من النار یوم القیامه .
ترجمه :

۷۴۴ - ابی بصیر گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که با ظلم و ستم از مال برادر خود بخورد و آن را به او بازگرداند در روز قیامت پاره ای آتش را می خورد.

حدیث :

۷۴۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من ظلم احدا و فاته فلیستغفر الله له فانه کفارہ له .

ترجمه :

۷۴۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : هر کس به کسی ستمی کند و او را از دست بدهد (دیگر به او دسترسی نداشته باشد) پس باید برای آن مظلوم از خداوند طلب مغفرت و بخشایش کند و همین مطلب مغفرت کفارہ ستمی که بر او نموده می گردد.

حدیث :

۷۴۶ - قال ابوجعفر علیه السلام قال : رسول الله صلی الله علیه و آله : من اقتطع مال مومن غصبا بغير حقه لم یزل الله معرضا عنه ماقتا لاعماله التي یعملها من البر و الخیر لایثبتها فی حسناته حتی یتوب و یرد المال الذی اخذه الی صاحبه .

ترجمه :

۷۴۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا فرموده است : کسی که با قسمتی از مال مومنی را به ناحق غصب کند و برای خود بگیرد پیوسته خداوند از او روی گردان است و اعمالی را که او انجام میدهد (حتی) اعمال نیک و خیر او را بد می داند و آنها را در حسنات و نیکی های او ثبت نمی کند تا زمانی که توبه کند و مالی را که به ناحق گرفته به صاحبش برگرداند.

۷۹ - باب اشتراط توبه من اضل الناس برده لهم الی الحق

۷۹ - باب مشروط بوده توبه کسی که مردمان را گمراه نموده به اینکه آنان را به سوی حق بازگرداند

حدیث :

۷۴۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان رجل فی الزمن الاول طلب الدنيا من حلال فلم یقدر علیها و طلبها من حرام فلم یقدر علیها فاته الشیطان فقاله له : الا ادلک علی شیء ء تكثر به دنیاک و تكثر به تبعک ؟ فقال : بلی قال : تبتدع دینا و

تدعو الناس الیه ففعل فاستجاب له الناس و اطاعوه فاصاب من الدنيا ثم انه فکر فقال : ما صنعت ابتدعت دینا و دعوت الناس

الیه ما اری لی من توبه الا ان اتی من دعوته الیه فارده عنه فجعل یاتی اصحابه الذین اجابوه فیقول ان الذی دعوتکم الیه

باطل و انما ابتدعته فجعلوا یقولون کذبت هو الحق و لکنک شککت فی دینک فرجعت عنه فلما رای ذلک عمد الی سلسله

فوتدلهها و تدا ثم جعلها فی عنقه و قال : لا احلها حتی یتوب الله عزوجل علی فاحی الله عزوجل الی نبی من النبیا قیل
لفلان و عزتی لو دعوتنی حتی تنقطع اوصالک ما استجبت لک حتی ترد من مات علی ما دعوته الیه فیرجع عنه .
ترجمه :

۷۴۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: در زمانهای نخستین مردی بود که دنیا را از راه حلال طلب کرد و به آن نرسید و از
راه حرام آن را جست اما باز هم به آن نرسید، پس شیطان به نزد او آمد و گفت : آیا تو را به چیزی رهنمون سازم که به
سبب آن هم دنیایت زیاد شود و هم پیروانت ؟ مرد گفت : آری . شیطان گفت : دین تازه ای به وجود بیاور و مردم را به
سوی آن فرا خوان . آن مرد چنین کرد و مردم نیز به وی پاسخ مثبت دادند و از او فرمانبرداری نمودند و او به دنیا رسید پس
از چندی به فکر فرو رفت و با خود گفت : ای چه کاری بود که دین نو به وجود آوردم و مردم را به سوی آن خواندم؟! گمان
نمی کنم توبه ام پذیرفته شود مگر اینکه آنانی را که به این دین ساختگی دعوت کرده ام بیاورم و از این دین برگردانم ، پس
اصحاب خود را که دعوت او را اجابت نموده بودند فرا خواند و به آنان گفت : دینی که شما را به سوی آن خواندم دین باطلی
بود و آن را من خود به خود به وجود آوردم . آنان گفتند: تو دروغ می گویی ، این دین حق است ولی تو در دین خود به شک
افتاده ای ، و از پیش وی بیرون رفتند. پس چون چنین دید به زنجیری پناه برد و بر آن میخی کوفت سپس آن را به گردن
انداخت و گفت : این زنجیر را نمی گشایم مگر اینکه خدای عزوجل توبه ام را بپذیرد. خداوند عزوجل نیز به پیامبری از
پیامبران وحی فرستاد که : به وی بگو: به عزتم سوگند اگر به قدری مرا بخوانی که مفصله‌هایت از هم جدا شوند دعایت را
اجابت نمی کنم مگر اینکه آن کسانی را که به دعوت تو گمراه شدند و در گمراهی مردند برگردانی و از عقیده باطل خود باز
گردند.

حدیث :

۷۴۸ - عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله غافر کل ذنب الا من
احدث دینا و من اغتصب اجیرا اجره او رجل باع حرا.

ترجمه :

۷۴۸ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : راستی که
خداوند همه گناهان را می بخشد به جز گناه کسی که دین جدیدی به وجود آورده و کسی که مزد کارگری را به زور و ستم
برای خود گرفته است و کسی که آزاده ای را فروخته است (انسانی آزاد و غیر اسیر را به فروش رسانده است).

۸۰ - باب تحریم الرضا بالظلم و المعونه للظالم و اقامه عذره

۸۰ - باب تحریم راضی بودن به ظلم و یاری کردن ستمگر و عذرآوردن و توجیه کردن ظلم او

حدیث :

۷۴۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من عذر ظالما بظلمه سلط الله علیه من یظلمه فان دعالم یتستجب له و لم یاجرہ

الله علی ظلامته .

ترجمه :

۷۴۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که برای ظلم ظالمی بهانه آورد (او را در ظلم کردنش معذور دارد) خداوند کسی

را بر او مسلط می سازد که به وی ظلم کند پس چنین کسی اگر دعا کند خداوند دعایش را بر آورده نمی سازد و بر ستمی

که می بیند به او اجر و پاداشی نمی دهد.

حدیث :

۷۵۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیته لاصحابه قال : و ایاکم ان تعینوا علی مسلم مظلوم فیدعو علیکم فیستجاب له

فیکم فان ابانا رسول الله صلی الله علیه و آله کان یقول : ان دعوه المسلم المظلوم مستجابہ و لعین بعضکم بعضا فان ابانا

رسول الله صلی الله علیه و آله کان یقول : ان معونه المسلم خیر و اعظم اجرا من صیام شهر و اعتکافه فی المسجد الحرام .

ترجمه :

۷۵۰ - امام صادق علیه السلام در وصیتش به اصحاب خود فرمود: بر حذر باشید از اینکه ستمکاری را بر علیه مسلمان

مظلومی یاری کنید اگر چنین کنید آن مظلوم شما را نفرین می کند و دعایش درباره شما اجابت می شود، همانا پدر و ما

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: به راستی که دعای مسلمان مظلوم بر آورده می شود، و باید برخی از شما برخی

دیگر را یاری کند زیرا پدر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: یاری کردن مسلمانان ، پاداشش بهتر و بزرگتر از یک

ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام است .

حدیث :

۷۵۱ - عن جعفر به محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا

علی شر الناس من باع آخرته بدنیا و شر منه من باع آخرته بدنیا غیره .

ترجمه :

۷۵۱ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! بدترین مردمان کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیا دیگری بفروشد.

حدیث :

۷۵۲ - عن عبدالله بن سنان قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : من اعان ظالما علی مظلوم لم یزل الله علیه ساخطا حتی ینزع عن معوثته .

ترجمه :

۷۵۲ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که ظالمی را بر علیه مظلومی یاری کند پیوسته خداوند از او خشمگین است تا اینکه دست از یاری او بردارد.

حدیث :

۷۵۳ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : للظالم من الرجال ثلاث علامات یظلم من فوقه بالمعصیه و من دونه بالغلبه و یظاهر القوم الظلمه .

ترجمه :

۷۵۳ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: برای مردمان ستمگر سه نشانه وجود دارد: با نافرمانی کردن بر مافوق خود ستم می کند و با غلبه و چیره شدن بر زیر دست خود ستم روا می دارد و ستمکاران را یاری و پشتیبانی می کند.

۸۱ - باب تحریم اتباع الهوی الذی یخالف الشرع

۸۱ - باب تحریم پیروی کردن از آن خواهش نفسانی که مخالف شرع است

حدیث :

۷۵۴ - عن ابی محمد الوابشی قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : احذروا اهواءکم کما تحذرون اعداءکم فلیس بشیء اعدی للرجال من اتباع اهوائهم و حصائد السنتهم .

ترجمه :

۷۵۴ - ابی محمد وابشی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانگونه که از دشمنانتان حذر می کنید از خواهشهای نفسانی خود حذر کنید زیرا هیچ چیزی برای مردمان دشمن تر از پیروی خواهشهای نفسانی و درو شده های زیانها نیست .

حدیث :

۷۵۵ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام : انما اخاف علیکم اثنتین اتباع الهوی و طول الامل اما اتباع الهوی فانه یصد عن الحق و اما طول الامل فینسی الاخره .

ترجمه :

۷۵۵ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من از دو چیز بر شما ترسانم : یکی پیروی از خواهشهای نفس و دیگری درازی آرزو، اما پیروی خواهشهای نفس ؛ زیرا آدمی را از راه حق باز می دارد و اما درازی آرزو؛ زیرا آخرت را فراموش انسان می سازد.

حدیث :

۷۵۶ - عن عبدالرحمن بن الحجاج قال : قال لی ابوالحسن علیه السلام : اتق المرتقی السهل اذا کان منحدره و عرا قال : و کان علیه السلام یقول : لاتدع النفس و هواها فان هواها فی رداها و ترک النفس و ما تهوی اذها و کف النفس عما تهوی دواوها.

ترجمه :

۷۵۶ - عبدالرحمن بن حجاج گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: از اوج گرفتن و بالا رفتنی که آسان است بپرهیزید آنگاه که سرایشی آن دشوار باشد - و فرمود: - نفس و خواهش نفس را به حال خود وامگذار زیرا خواسته نفس در هلاکت آن است و به حال خود گذاردن نفس یا آنچه که دوست دارد مایه آزار نفس است و باز داشتن نفس از پرداختن به آنچه که دوست می دارد دوی نفس است .

۸۲ - باب وجوب اعتراف المذنب لله بالذنوب و استحقاق العقاب

باب وجوب اقرار نمودن و اعتراف کردن شخص گناهکار در پیشگاه خداوند به گناهان خویش و به اینکه مستحق کیفر است

حدیث :

۷۵۷ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : و الله ما ینجو من الذنب الا من اقر به و قال ابوجعفر علیه السلام : کفی بالندم توبه .

ترجمه :

۷۵۷ - امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که رهایی و خلاصی از (عقوبت) گناه برای کسی حاصل نمی شود مگر کسی که (در پیشگاه خداوند) به آن اقرار و اعتراف کند - و فرمود: - پشیمانی از گناه برای توبه کفایت می کند.

حدیث :

۷۵۸ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : لا والله ما اراد الله من الناس الا خصلتين ان یقروا له بالنعم فیزیدهم و بالذنوب فیغفرها لهم .

ترجمه :

۷۵۸ - امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که خداوند از مردمان جز دو خصلت را نخواسته است : یکی اینکه به نعمتهایی که به آنان بخشیده است اعتراف کنند تا او نیز بر نعمتهایشان بیفزاید و دیگر اینکه به گناهان خویش (در پیشگاه او) اقرار و اعتراف کنند تا او نیز از گناهانشان درگذرد.

حدیث :

۷۵۹ - عن معاویه بن عمار قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : انه والله ما خرج عبد من ذنب باصرار و ما خرج عبد من ذنب الا باقرار.

ترجمه :

۷۵۹ - معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا سوگند به خدا که هیچ بنده ای با اصرار و پافشاری بر گناه از گناه بیرون نرفته است و هیچ بنده ای جز با اقرار و اعتراف بر گناهش از گناه خارج نگشته است .

حدیث :

۷۶۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اذنب ذنبا فعلم ان الله مطلع علیه ان شاء عذبه و ان شاء غفرله غفرله و ان لم یستغفر.

ترجمه :

۷۶۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که مرتکب گناهی شده باشد پس از آن بداند که خداوند بر گناه او واقف است اگر بخواهد می تواند او را کیفر دهد و اگر بخواهد می تواند او را ببخشاید، چنین کسی اگر چه طلب مغفرت هم نکند خداوند از گناهش در می گذرد.

حدیث :

۷۶۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله يحب العبد ان يطلب اليه في الجرم العظيم و يبغض العبد ان يستخف بالجرم اليسير.

ترجمه :

۷۶۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند بنده ای را که پس از ارتکاب گناهی بزرگ دست خواهش بخشایش به سوی او دراز کند دوست می دارد و بنده ای را که انجام گناهی کوچک را سبک می شمارد دشمن می دارد.

حدیث :

۷۶۲ - عن الصادق جعفر به محمد علیه السلام عن ابيه عن آبائه علیه السلام عن رسول الله صلى الله عليه و آله عن جبرئيل عليه السلام قال : قال الله عزوجل : من اذنب ذنبا صغيرا كان او كبيرا و هو لا يعلم ان لي ان اعذبه او اعفو عنه لا غفرت له ذلك الذنب ابدا و من اذنب ذنبا صغيرا كان او كبيرا و هو يعلم ان لي ان اعذبه او اعفو عنه عفوت عنه .

ترجمه :

۷۶۲ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام و ایشان از پدران خود: و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ایشان از جبرئیل علیه السلام روایت فرمود که : خدای عزوجل فرموده است : کسی که مرتکب گناهی خواه کوچک یا بزرگ گردد در حالی که نداند که می توانم او را عذاب کنم یا ببخشایم هرگز آن گناه را بر او نمی بخشم و کسی که گناهی کوچک یا بزرگ مرتکب شود و بداند که عذاب نمودن یا چشم پوشی از او در دست من است از گناهش در می گذرم و او را می بخشایم .

حدیث :

۷۶۳ - عن ابی جعفر الباقر علیه السلام انه قال : لقد غفر الله لرجل من اهل البادية بكلمتين دعا بهما قال : اللهم ان تعذبنى فاهل ذلك انا و ان تغفرلى فاهل ذلك انت فغفر الله له .

ترجمه :

۷۶۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: همانا خداوند مردی صحرائشین را به خاطر دو جمله که در دعایش به خداوند عرض کرد، آمرزید آن دو جمله این بود: (خداوندا اگر مرا عذاب کنی من سزاوار عذابم و اگر بر من ببخشایی تو اهل بخششی) خداوند نیز بر او بخشید.

حدیث :

۷۶۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام یرفعه الی النبی صلی الله علیه و آله قال : قال الله عزوجل : من اذنب ذنبا فعلم ان لی ان اعذبه و ان لی ان اعفو عنه عفوت عنه .

ترجمه :

۷۶۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : خداوند عزوجل فرمود: کسی که مرتکب گناهی شود پس بداند که عذاب کردن و عفو کردنش تنها به دست من است ، او را مشمول عفو خود قرار می دهم .

۸۳ - باب وجوب الندم علی الذنوب

۸۳ - باب وجوب پشیمانی بر گناهان

حدیث :

۷۶۵ - قال ابو عبدالله علیه السلام من سرته حسنته و ساءته سیئته فهو مومن .

ترجمه :

۷۶۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که نیکوکاری اش او را شادمان کند و بدی اش وی را بدحال گرداند چنین کسی مومن است .

حدیث :

۷۶۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الرجل لیذنب الذنب فیدخله الله به الجنه قلت ، یدخله الله بالذنب الجنه ؟ قال : نعم ، انه یذنب فلا یزال خائفا ماقتا لنفسه فیرحمه الله فیدخله الجنه .

ترجمه :

۷۶۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که (گاه باشد که) مردی مرتکب گناهی می شود پس خداوند او را به سبب گناهش وارد بهشت می کند - راوی گوید: - عرض کردم : خداوند او را به سبب گناه وارد بهشت می کند؟! فرمود: آری ، او کسی است که گناه می کند ولی پیوسته از گناهش ترسان است و از خود (به خاطر گناهکاری اش) نفرت دارد، پس خداوند به او رحم می آورد و او را وارد بهشت می سازد.

حدیث :

۷۶۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان الندم علی الشر یدعو الی ترکه .

ترجمه :

۷۶۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین فرموده است : همانا پشیمانی از بدی ، آدمی را به سوی ترک بدی فرا می خواند.

حدیث :

۷۶۸ - عن ابان بن تغلب قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما من عبد اذنب ذنبا فندم عليه الا غفر الله له قبل ان يستغفر و ما من عبد انعم الله عليه نعمه فعرف انها من عند الله الا غفر الله له قبل ان يحمده .

ترجمه :

۷۶۸ - ابان بن تغلب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هیچ بنده ای نیست که مرتکب گناهی شود پس از آن پشیمان گردد جز اینکه خداوند او را می بخشد پیش از اینکه طلب آمرزش کند و هیچ بنده ای نیست که خداوند نعمتی به او ببخشد پس بشناسد که این نعمت از جانب خداست جز اینکه خداوند پیش از اینکه او شکر خدای را به جا آورد او را مشمول آمرزش خویش قرار می دهد.

حدیث :

۷۶۹ - محمد بن علی بن الحسین عليه السلام قال : من الفاظ رسول الله صلى الله عليه و آله : الندامة توبه .

ترجمه :

۷۶۹ - امام باقر علیه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: پشیمانی توبه است .

حدیث :

۷۷۰ - عن ابي جعفر عليه السلام قال : كفى بالندم توبه .

ترجمه :

۷۷۰ - امام باقر علیه السلام فرمود: پشیمانی از گناه برای توبه کفایت می کند.

حدیث :

۷۷۱ - عن ابي جعفر عليه السلام قال : قال علي بن الحسين عليه السلام : اربع من كن فيه كمل ايمانه و محصت عنه ذنوبه من وفى الله بما جعل على نفسه للناس و صدق لسانه مع الناس و استحيا من كل قبيح عند الله و عند الناس و يحسن خلقه مع اهله .

ترجمه :

۷۷۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام فرموده است : چهار چیز است که در هر کسی باشد ایمانش کامل و گناهانش پاک و آمرزیده می گردد: کسی که به خاطر خدا به آنچه که (به آن عهد و پیمانی که) برای مردم بر خود قرار داده است وفا کند، و زبانش با مردم راست بگوید، و از هر زشتی در نزد خدا و مردم شرم کند، و با اهل و خانواده خود خوش اخلاق باشد.

حدیث :

۷۷۲ - عن الحسين بن سليمان الزاهدي قال : سمعت ابا جعفر الطائي الواعظ يقول سمعت و هب بن منبه يقول : قرات في زبور داود اسطرا منها ما حفظت و منها ما نسيت فمما حفظت قوله : يا داود اسمع مني ما اقول و الحق اقول من اتاني و هو مستحي من المعاصي التي عصاني بها غفرتها له و انسيته حافظيه . (الحدیث)

ترجمه :

۷۷۲ - حسین بن سلیمان زاهدی گوید: از ابا جعفر طایبی واعظ شنیدم که می گفت : از وهب بن منبه شنیدم که می گفت : در زبور حضرت داود علیه السلام چند سطر خواندم که برخی از آنها را حفظ نموده و برخی را فراموش کرده ام ، از جمله از آنچه حفظ کرده ام گفتار خدای تعالی است که فرمود: ای داود! آنچه می گویم از من بشنو و حق را می گویم : هر کسی به نزد من آید در حالی که از گناهایی که به وسیله آنها نافرمانی ام نموده شرمگین باشد آن گناهان را بر او می بخشایم و آن گناهان را از خاطر دو فرشته نگهبان او فراموش می سازم .

۸۴ - باب وجوب ستر الذنوب و تحريم التظاهر بها

۸۴ - باب وجوب پنهان کردن گناهان و تحريم آشکارا گناه کردن

حدیث :

۷۷۳ - عن العباس مولى الرضا عليه السلام قال : سمعته يقول : المستتر بالحسنه يعدل سبعين حسنه و المذيع بالسيئه مخذول و المستتر بالسيئه مغفور له .

ترجمه :

۷۷۳ - عباس بنده امام رضا علیه السلام گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: آن کس که پوشاننده نیکی خود باشد آن نیکی با هفتاد نیکی برابری می کند و آن کس که آشکارا بدی می کند به خود واگذارده شده است و آن کس که پوشاننده بدی است مورد غفران و بخشش الهی است .

حدیث :

۷۷۴ - عن فضیل بن عثمان المزادی قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اربع من کن فیہ لم یهلك علی الله بعدهن الا هالك یهم العبد بالحسنه فیعملها فان هو لم یعملها کتب الله له حسنه بحسن نیته و ان هو عملها کتب الله له عسرا و یهم السيئه ان یعملها فان لم یعملها لم یکتب علیه شیء و ان هو عملها اجل سبع ساعات و قال صاحب الحسنات لصاحب السيئات و هو صاحب الشمال لا تعجل عسی ان یتبعها بحسنه تمحوها فان الله قال استغفر الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهاده العزیز الحکیم الغفور الرحیم ذا الجلال و الاکرام و اتوب الیه لم یکتب علیه شیء و ان مضت سبع ساعات و لم یتبعها بحسنه و استغفار قال صاحب الحسنات لصاحب السيئات اکتب علی الشقی المحروم .

ترجمه :

۷۷۴ - فضیل بن عثمان مرادی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: (در مواجهه با عمل) چهار حالت وجود دارد که پس از رفتار به آن چهار حالت تنها کسی که تیره روز و شقاوتمند است به فرمان خدای تعالی به هلاکت می رسد: بنده ای قصد می کند که کار خیری انجام دهد پس آن را انجام می دهد پس اگر آن را انجام نداد خداوند به خاطر نیت نیکویش برای او یک نیکی ثبت می کند و اگر آن را انجام داد برایش ده نیکی می نویسد و بنده ای قصد می کند که بدی کند پس اگر بدی را به جا نیاورد چیزی بر علیه او نوشته نمی شود و اگر آن بدی را انجام داد تا هفت ساعت مهلت داده می شود و فرشته ای که نیکی ها را می نگارد به فرشته دیگر که نگارنده بدیها و همان فرشته سمت چپ است می گوید: شتاب مکن امید است که این بنده در پی بدی اش نیکی ای انجام دهد و با نیکوکاری اش بدی را محو و نابود کند زیرا خدای عزوجل می فرماید: (همانا نیکی ها بدیها را از بین می برد) (۱۵۴) یا شاید استغفار کند زیرا اگر بگوید: (استغفر الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهاده العزیز الحکیم الغفور الرحیم ذا الجلال و الاکرام و اتوب الیه) بر علیه او چیزی نوشته نمی شود، و اگر هفت ساعت بگذرد و در پی بدی اش نه کار نیکی انجام دهد و

نه استغفار کند فرشته ای که نگارنده نیکی هاست به نویسنده بدیها می گوید: بر علیه این تیره روز محروم از رحمت بنویس

حدیث :

۷۷۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من عمل سیئه اجل فیها سبع ساعات من النهار فان قال : استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه ثلاث مرات لم تکتب علیه .

ترجمه :

۷۷۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که کار بدی انجام دهد هفت ساعت از روز به او مهلت داده می شود پس اگر سه مرتبه بگوید: (استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه) آن بدی بر او نوشته نمی شود.

حدیث :

۷۷۶ - عن احمد بن محمد بن خالد بن محمد بن خالد عن عده من اصحابنا رفعوه قالوا: قال علیه السلام : لكل شیء دواء و دواء الذنوب الاستغفار.

ترجمه :

۷۷۶ - احمد بن محمد بن خالد از عده ای از شیعیان روایت کند و آنان این حدیث را به معصوم علیه السلام رسانده اند، گفته اند: معصوم علیه السلام فرمود: برای هر چیزی (دردی) دوائی هست و دوائی گناهان استغفار نمودن است .

حدیث :

۷۷۷ - عن زراره قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان العبد اذا اذنب ذنبا اجل من عدوه الی اللیل فان استغفر الله لم تکتب علیه .

ترجمه :

۷۷۷ - زراره گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: به راستی که هرگاه بنده مرتکب گناهی شود از صبحگاهان تا شامگاه به او فرصت داده می شود پس از خداوند طلب مغفرت نمود چیزی بر علیه او نوشته نمی شود.

حدیث :

۷۷۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العبد المومن اذا اذنب اجله الله سبع ساعات فان استغفر الله لم تکتب علیه شیء و ان مضت الساعات و لم یستغفر کتب سیئه . (الحدیث)

ترجمه :

۷۷۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه بنده مومن مرتکب گناهی گردد خداوند به او هفت ساعت مهلت می دهد پس اگر از خداوند طلب بخشش نمود چیزی بر علیه او نوشته نمی شود و اگر هفت ساعت گذشت و او استغفار نکرد یک گناه بر او نوشته می شود.

حدیث :

۷۷۹ - عن حفص قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما من مومن يذنب ذنبا الا اجله الله سبع ساعات من النهار فان هو تاب لم يكتب عليه شيء و ان هو لم يفعل كتب عليه سيئه فاتاه عباد البصرى فقال له : بلغنا انك قلت : ما من عبد يذنب ذنبا الا اجله الله سبع ساعات من النهار فقال : ليس هكذا قلت و لكنى قلت : ما من مومن و كذلك كان قولى .

ترجمه :

۷۷۹ - حفص گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هیچ مومنی نیست که مرتکب گناهی شود جز اینکه خداوند هفت ساعت از روز را به او فرصت می دهد پس اگر توبه کرد چیزی بر علیه او نوشته نمی شود و اگر توبه نکرد یک گناه برایش نوشته می شود، پس از این عباد بصری به خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: به ما خبر رسیده است که شما فرموده اید: هیچ بنده ای نیست که ... حضرت فرمود: خیر من چنین نگفته ام بلکه گفته ام : هیچ مومنی نیست که .

حدیث :

۷۸۰ - عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال : لما نزلت هذه الاية (و الذين اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم) سعد ابليس جبلا بمكة يقال له ثور فصرخ باعلى صوته بعفاريته فاجتمعوا اليه فقال : نزلت هذه الاية فمن لها؟ فقام عفريت من الشياطين فقال : انا لها بكذا و كذا فقال : لست لها ثم قام آخر فقال مثل ذلك فقال : لست لها فقال الواسواس الخناش : انا لها قال : بماذا؟ قال : اعدهم و امنيهم حتى يواقعوا الخطيئه فاذا واقعوا الخطيئه انسيبتهم الاستغفار فقال : انت لها فو كله بها الى يوم القيامة .

ترجمه :

۷۸۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که این آیه نازل شد که می فرماید: آن کسانی که هرگاه کار زشتی انجام می دهند یا هرگاه به خود ستمی می کنند خدای را به یاد می آورند و از او طلب بخشش گناهانشان را می نمایند (۱۵۵) ابلیس به بالای کوه ثور واقع در مکه رفت و با بلندترین صدایش شیطانهایش را فریاد زد پس همگی گرد آمدند، پس گفت : چه

کسی برای این آیه چاره ای می اندیشد؟ پس هر یک از شیاطین برخاسته و سخنی گفتند و ابلیس راه حل آنها را نپذیرفت تا اینکه وسوسه گر خناس برخاسته و گفت : من چاره ساز این آیه ام . گفت : به وسیله چه چیزی ؟ گفت : به مردمان وعده می دهم و در دل آنان آرزو می افکنم (آرزومندشان می کنم) تا در گناه بیافتند پس هنگامی که در گناه افتادند استغفار را از یادشان می برم پس ابلیس رای او را پسندید و تا روز قیامت کار این آیه را به او سپرد.

حدیث :

۷۸۱ - عن ابی جعفر محمد بن عبی الباقر علیه السلام قال : سئل رسول الله صلی الله علیه و آله عن خیار العباد فقال :

الذین اذا احسنوا استبشروا و اذا اساءوا استغفروا و اذا اعطوا شکروا و اذا ابتلوا صبروا و اذا غضبوا غفروا.

ترجمه :

۷۸۱ - امام محمد باقر علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره بهترین بندگان پرسیده شد، حضرت

فرمود: بهترین بندگان کسانی هستند که هنگامی که نیکی می کنند شادمان می شوند و هنگامی که بدی می کنند استغفار

می کنند و هنگامی که به آنان عطا می شود شکر آن را به جای می آورند و هنگامی که گرفتار می شوند صبر پیشه می

کنند و هنگامی که خشمگین می شوند می بخشایند.

حدیث :

۷۸۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من مومن یقترف فی یوم و لیله اربعین کبیره فیقول و هو نادم : (استغفر الله

الذی لا اله الا هو الحی القيوم بدیع السماوات و الارض ذا الجلال و الاکرام و اساله ان یتوب علی) الا غفرها الله له . ثم

قال : و لاخیر فیمن یقارف کل یوم و لیله اربعین کبیره .

ترجمه :

۷۸۲ - امام صادق علیه السلام : هیچ مومنی نیست که شبانه روز مرتکب چهل گناه کبیره شود و پس از آن با حالت

پشیمانی بگوید: (استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القيوم بدیع السموات و الارض ذاالجلال و الاکرام و اساله ان یتوب علی

) جز اینکه خداوند بر او می بخشاید - سپس فرمود: - در کسی که هر شبانه روزی مرتکب چهل گناه کبیره شود خیری

نیست .

حدیث :

۷۸۳ - قال ابو عبدالله عليه السلام : اذا اراد الله عزوجل بعبد خيرا فاذنب ذنبا اتبعه بنقمه و يذكره الاستغفار و اذا اراد الله عزوجل بعبد شرا فاذنب ذنبا اتبعه بنعمه فينسيه الاستغفار و يتمادي به و هو قول الله عزوجل (سنستدرجهم من حيث لا يعلمون) بالنعم عند المعاصي .

ترجمه :

۷۸۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه خداوند عزوجل خیره بنده گنه کاری را بخواهد پس از گناهانش از او انتقام می کشد بد بخواهد پس از گناهش به او نعمتی می بخشد و استغفار را فراموش وی سازد و این حالت را طولانی می کند و معنای گفتار خدای عزوجل همین است که می فرماید: (اندک اندک آنان را از جایی که نمی دانند به شقاوت می رسانیم) (۱۵۶) یعنی به وسیله نعمتهایی که در هنگام گناهانشان به آنان می دهیم .

حدیث :

۷۸۴ - عن جعفر عليه السلام عن ابيه عن ابيه عن ابيه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله لكل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار.

ترجمه :

۷۸۴ - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرماید که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : هر دردی دوايي دارد و دواي گناهان استغفار کردن است .

حدیث :

۷۸۵ - عن عبدالله بن محمد الجعفی عن ابي جعفر عليه السلام قال سمعته يقول : كان رسول الله صلى الله عليه و آله و الاستغفار لكم حصنين حصينين من العذاب فمضى اكبر الحصنين و بقى الاستغفار فاكثروا منه فانه ممحاه للذنوب قال الله عزوجل : (و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون).

ترجمه :

۷۸۵ - عبدالله بن محمد جعفی گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و استغفار برای شما به منزله دو قلعه و حصار محکم در برابر عذاب الهی بودند، بزرگترین این دو حصار (رسول خدا صلی الله علیه و آله و درگذشت و استغفار باقی مانده است پس زیاد استغفار کنید زیرا استغفار پاک کننده گناهان است ، خدای عزوجل فرموده

است: (ای پیامبر تا زمانی که تو در میان آنان هستی خداوند ایشان را عذاب نخواهد کرد و تا زمانی که آنان از خداوند طلب مغفرت می کنند خداوند عذاب کننده آنان نخواهد بود) (۱۵۷)

حدیث:

۷۸۶ - عن اسماعیل بن سهل قال : کتبت الی ابی جعفر الثانی علیه السلام علمنی شیئاً اذا انا قلتہ کنت معکم فی الدنیا و الاخره فقال : فکتب بخطه اعرفه : اکثر من تلاوه انا انزلناه و رطب شفقتیک بالاستغفار.

ترجمه:

۷۸۶ - اسماعیل بن سهل گوید: به خدمت امام جواد علیه السلام نوشتم که: به من چیزی بیاموز که هرگاه آن را بگویم در دنیا و آخرت با شما باشم. حضرت با خط شریف خود که آن را می شناختم نوشت: سوره مبارکه (انا انزلناه) را زیاد تلاوت کن و دو لب خود را با گفتن استغفار تر کن (نیروی تازه بخش).

حدیث:

۷۸۷ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : طوبی لمن وجد فی صحیفه عمله یوم القیامه تحت کل ذنب استغفر الله .

ترجمه:

۷۸۷ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: خوشا به حال کسی که در روز قیامت در نامه عملش زیر هر گناهی (استغفر الله) بیاید.

حدیث:

۷۸۸ - عن الشعبي قال : سمعت علی بن ابی طالب علیه السلام یقول : العجب ممن یقنط و معه الممحاء قیل و ما الممحاء ؟ قال الاستغفار.

ترجمه:

۷۸۸ - شعبی گوید از امام علی علیه السلام شنیدم که فرمود: شگفت آور است کسی که در حالی که (پاک کننده) همراه او هست باز هم ناامید می شود. پرسیده شد: پاک کننده چیست؟ فرمود: استغفار.

حدیث:

۷۸۹ - عن جعفر بن محمد عن ابيه عن جده قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : صاحب اليمين امير على صاحب الشمال فاذا عمل العبد سيئه قال صاحب اليمين لصاحب الشمال : لاتعجل و انظره سبع ساعات فان مضت سبع ساعات و لم يستغفر قال : اكتب فما اقل حياء هذا العبد.

ترجمه :

۷۸۹ - امام صادق عليه السلام از پدر و جد بزرگوارش روایت فرموده که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : فرشته سمت راست بر فرشته سمت چپ امیر است پس هرگاه بنده ای گناهی کند فرشته سمت راست به سمت چپی گوید: شتاب مکن و او را هفت ساعت مهلت ده . پس اگر هفت ساعت بگذرد و او استغفار نکند به فرشته سمت چپ گوید: بنویس ، چقدر بنده کم حیایی است !

حدیث :

۷۹۰ - عن علی بن موسی الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : تعطروا بالاستغفار لاتفضحنکم روائح الذنوب .

ترجمه :

۷۹۰ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : به وسیله استغفار خود را خوش بو کنید، مبادا بوی بد گناهان شما را رسوا کند.

حدیث :

۷۹۱ - عن ابی عبدالله عن ابيه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : اربع من کن فيه کان فی نور الله الاعظم من کان عصمه امره شهاده ان لا اله الا الله و انی رسول الله صلى الله عليه و آله و من اذا اصابته مصیبه قال : انا لله و انا الیه راجعون و من اذا اصاب خیرا قال : الحمد لله رب العالمین و من اذا اصاب خطیئه قال : استغفر الله و اتوب الیه .

ترجمه :

۷۹۱ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : چهار چیز هست که هر کس آنها را دارا باشد او در نور پر عظمت الهی قرار دارد: کسی که حافظ و نگهدار کار او شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت من باشد، و کسی که هرگاه مصیبتی به او برسد بگوید: (انا لله و انا الیه راجعون) و کسی که هرگاه خیری به او برسد بگوید: (الحمد لله رب العالمین)، و کسی که هرگاه مرتکب خطا و گناهی شود بگوید: (استغفر الله و اتوب الیه).

۸۶ - باب وجوب التوبه من جميع الذنوب و العزم على ترك العود ابدًا

۸۶ - باب وجوب توبه نمودن از همه گناهان و تصمیم بر اینکه هرگز به گناه باز نگردد

حدیث :

۷۹۲ - عن معاوية بن وهب قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اذا تاب العبد توبه نصوحا احبه الله فستر عليه في الدنيا و الاخره قلت و كيف يستر عليه ؟ قال : ينسى ملكيه ما كتب عليه من الذنوب و يوحى الى جوارحه اکتمی عليه ذنوبه و يوحى الى بقاع الارض اکتمی ما كان يعمل عليك من الذنوب فيلقى الله حين يلقاه و ليس شیء یشهد علیه بشیء من الذنوب .

ترجمه :

۷۹۲ - معاوية بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هرگاه بنده توبه ای خالص و پاک کند خداوند او را دوست می دارد و در دنیا و آخرت (گناهان وی را) بر او می پوشاند، - راوی گوید: - عرض کردم: چگونه بر او می پوشاند؟ فرمود: گناهانی را که دو فرشته بر علیه او نوشته اند

فراموششان می سازد و به اعضای بدنش وحی می فرستد که گناهان او را پوشیده کنید و به مکانهایی از زمین که در آنجا مرتکب گناه شده است وحی می کند که گناهانی را که بر روی تو انجام داده است پنهان دارید، پس او زمانی که خدای را ملاقات می کند شهادی بر علیه او نیست که بر گناهانش گواهی دهد.

حدیث :

۷۹۳ - عن محمد بن مسلم عن احدهما عليه السلام في قول الله عزوجل (فمن جاءه موعظه من ربه فانتهى فله ما سلف) قال : الموعظه التوبه .

ترجمه :

۷۹۳ - محمد بن مسلم از امام صادق یا امام باقر علیه السلام روایت نمود که حضرت درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (پس کسی که او را موعظه ای از جانب پروردگارش آمد و او باز ایستاد پس آنچه که گذشته است برای اوست ، به نفع اوست) (۱۵۸) فرمود: مراد از موعظه ، توبه است .

حدیث :

۷۹۴ - عن ابی بصیر قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : (یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصوحا) قال : هو الذنب الذی لا یعود فیه ابدا قلت : و اینالم یعد فقال : یا ابا محمد ان الله یحب من عباده المفتن التواب .
ترجمه :

۷۹۴ - ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : مراد در آیه چیست که می فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده اید به سوی خداوند توبه کنید توبه ای پاک و خالص) (۱۵۹) فرمود: مراد آن گناهی است که شخص هرگز به آن بازگشت نمی کند و تا ابد مرتکب آن نمی شود، عرض کردم : کدامیک از ماست که به انجام گناه باز نگردهد؟ فرمود: ای ابا محمد! راستی که خداوند از بندگان آن بنده ای را که آزموده شده و بسیار توبه کننده است را دوست دارد.
حدیث :

۷۹۵ - عن ابی الصباح الكنانی قال : سالت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصوحا) قال : یتوب العبد من الذنب ثم لا یعود فیه . قال محمد بن الفضیل : سالت عنها ابا الحسن علیه السلام فقال : یتوب من الذنب ثم لا یعود فیه و احب العباد الی الله المفتنون التوابون .
ترجمه :

۷۹۵ - ابی الصباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند پرسیدم که می فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده اید به سوی خداوند توبه کنید توبه ای پاک و خالص) (۱۶۰) فرمود: توبه خالص این است که بنده از گناه خویش توبه کند سپس دیگر آن گناه را مرتکب نشود. محمد بن فضیل گوید: از امام رضا علیه السلام همین پرسش را نمودم حضرت فرمود: بنده از گناه توبه کند سپس دیگر به آن گناه باز نگردهد و دوست داشتنی ترین بندگان در نزد خداوند بندگان هستند که بسیار آزموده شده و توبه کننده اند.
حدیث :

۷۹۶ - عن ابن ابی عمیر عن بعض اصحابنا رفعه قال : ان الله اعطى التائبین ثلاث خصال لو اعطى خصله منها جميع اهل السماوات و الارض لنجوا بها قوله عزوجل : (ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین) فمن احبه الله لم یعذبه و قوله (فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم) و ذکر الایات و قوله (الا من تاب و آمن و عمل عملا صالحا فاولئک یدل الله سیئاتهم حسنات) الایه .
ترجمه :

۷۹۶ - ابن ابی عمیر از یکی از اصحاب ما روایت کند که امام معصوم علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند به توبه کنندگان سه خصلت عطا کرده است که اگر یکی از آنها را به همه اهل آسمانها و زمین عطا کند به وسیله آن نجات می یابند: یکی گفتار خدای عزوجل: (همانا خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می دارد) (۱۶۱) پس کسی که خداوند دوستش می دارد به عذاب الهی گرفتار نمی شود. و دیگری گفتار خداوند: (پس ببخشا بر کسانی که توبه می کردند و راه تو را پیروی نمودند و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار) (۱۶۲) و آیات بعد از این آیه، و دیگری گفتار خداوند: (مگر آن کسی که توبه کرد و ایمان آورد و کردار شایسته نمود پس آنان کسانی هستند که خداوند بدیهایشان را به نیکی بدل می کند.) (۱۶۳)

حدیث:

۷۹۷ - عن ابی عبیده قال: سمعت ابا جعفر علیه السلام یقول: ان الله تبارک و تعالی اشد فرحا بتوبه عبده من رجل اضل راحلته و زاده فی ليله ظلما فوجده ها فالله اشد فرحا بتوبه عبده من ذلك الرجل براحلته حين وجدها. ترجمه:

۷۹۷ - ابی عبیده گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا شادمانی خداوند تبارک و تعالی به سبب توبه بنده اش بسیار بیشتر از شادمانی کسی است که مرکب و توشه خود را در شبی تاریک گم کرده و سپس آن را یافته است پس خداوند به خاطر توبه بنده اش شادمانی اش از شادمانی چنین کسی در هنگام یافتن مرکب خود بیشتر است. حدیث:

۷۹۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ان الله عزوجل یفرح بتوبه عبده المومن اذا تاب کما یفرح احدکم بضالته اذا وجدها. ترجمه:

۷۹۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خداوند عزوجل به خاطر توبه بنده مومنش شادمان می شود همانند شادمانی یکی از شما زماین که گمشده خود را می یابد. حدیث:

۷۹۹ - عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال: سمعته یقول: التائب من الذنب کمن لا ذنب له و المقیم علی الذنب و هو مستغفر منه کالمستهزی. ترجمه:

۷۹۹ - جابر گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: آن کس که از گناه توبه کند مانند کسی است که گناهی ندارد و آن کس که استغفار می کند ولی بر گناه خویش را پا برجاست مانند کسی که مسخره کننده است (خویش را به مسخره و ریشخند گرفته است).

حدیث :

۸۰۰ - عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته یقول : اوحی الله الی داود النبی علیه السلام یا داود! ان عبدی المومن اذا اذنب ذنبا ثم رجع و تاب من ذلک الذنب و استحیا منی عند ذکره غفرت له و انسیته الحفظه و ابدلته الحسنه و لا ابالی و انا ارحم الراحمین .

ترجمه :

۸۰۰ - ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند به داود پیامبر علیه السلام وحی فرستاد که : ای داود! همانا بنده مومن من هرگاه مرتکب گناهی شود سپس باز گردد و از آن گناه توبه کند و هر وقت به یاد آن گناه می افتد از من شرم کند، او را می بخشایم و فرشتگان نگاهبان او را به فراموشی می اندازم و آن گناهی را به حسنه و نیکی بدل می کند و (از این کار) باکی ندارم و من مهربان ترین مهربانانم .

حدیث :

۸۰۱ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام : من تاب تاب الله علیه و امرت جوارحه ان تستر علیه و بقاع الارض ان تکتتم علیه و نسیت الحفظه ما کانت کتبت علیه .

ترجمه :

۸۰۱ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد و به اعضای بدنش دستور داده می شود که بر گناه او پرده ای بکشید و به جای جای زمین فرمان داده می شود که بر گناه او سرپوش بگذارید و فرشتگان نگاهبان او آنچه را که بر علیه او نوشته اند فراموش می کنند.

حدیث :

۸۰۲ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابیه عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان لله فضولا من رزقه ینحله من شاء من خلقه و الله باسط یده عند کل فجر لمذنب للیل هل یتوب فیغفرله ؟ و یبسط یده عند مغیب الشمس لمذنب النهار هل یتوب فیغفرله ؟

ترجمه :

۸۰۲ - امام صادق علیه السلام از پدران خویش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که برای خداوند از روزی اش (که به مردمان می بخشد) زیادتی و فزونی وجود دارد که آن زیادتی را به هر کس از مخلوقش که بخواهد عطا می کند و خداوند هر سپیده دم دست خود را برای کسی که در شبانگاه مرتکب گناهی شده می گشاید (که ببیند) آیا توبه کرده است تا او را ببخشاید؟ و هنگام غروب آفتاب نیز برای کسی که در روز گناهی انجام داده است دست خود را می گشاید (که ببیند) آیا توبه نموده است تا او را ببخشاید؟

حدیث :

۸۰۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (ثم تاب علیهم) قال : هی الاقاله .

ترجمه :

۸۰۳ - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند که می فرماید: (سپس توبه آنان را پذیرفت) (۱۶۴) فرمود: این توبه (از جانب خداوند به معنای) پذیرفتن توبه است .

حدیث :

۸۰۴ - عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : مثل المومن عند الله تعالی کمثل ملک مقرب و ان المومن عند الله لاعظم من ذلک و لیس شیء احب الی الله تعالی من مومن تائب و مومنه تائبه .

ترجمه :

۸۰۴ - امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : مثل مومن در نزد خداوند تعالی همانند فرشته مقرب است و مومن در پیشگاه خداوند از فرشته مقرب نیز بزرگتر و برتر است و هیچ چیز در نزد خداوند تعالی از مرد و زن با ایمانی که توبه کننده باشند محبوبتر نیست .

حدیث :

۸۰۵ - عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : التائب من الذنب کمن لا ذنب له .

ترجمه :

۸۰۵ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : آن کس که از گناه توبه کند همانند کسی است که گناهی نکرده است .

حدیث :

۸۰۶ - قال ابو عبدالله علیه السلام : لاخیر فی الذنبا الا لرجلین رجل یزداد فی کل یوم احسانا و رجل یتدارک ذنبه بالتوبه و انی له بالتوبه ؟ و الله لو سجد حتی ینقطع عنقه ما قبل الله منه الا یولایتنا اهل البیت .

ترجمه :

۸۰۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ خیری در دنیا نیست مگر برای دو مرد: یکی مردی که هر روز بر نیکوکاری اش بیفزاید و دیگری مردی که گناه خویش را با توبه نمودن جبران کند، و او کجا و توبه کجا؟ به خدا سوگند اگر به قدری سجده کند که گردنش قطع شود خداوند از او نمی پذیرد مگر به سبب ولایت ما اهل بیت .

حدیث :

۸۰۷ - عن الرضا علیه السلام عن آباءه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اعترفوا بنعم الله ربکم و توبوا الی الله من جمیع ذنوبکم فان الله یحب الشاکرین من عباده .

ترجمه :

۸۰۷ - امام رضا علیه السلام از پدرانش علیه السلام روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به نعمتهای خداوند که پروردگار شماست اعتراف و اقرار کنید و از همه گناهانتان به درگاه خداوند توبه آورید زیرا خداوند بندگان شکر گزار خود را دوست می دارد.

۸۷ - باب وجوب اخلاص التوبه و شروطها

۸۷ - باب وجوب خالص بودن توبه و شرایط آن

حدیث :

۸۰۸ - عن محمد بن احمد بن هلال قال : سالت ابا الحسن الاخیر علیه السلام عن التوبه النصوح ما هی ؟ فکتب علیه السلام : ان یکون الباطن کالظاهر و افضل من ذلك .

ترجمه :

۸۰۸ - محمد بن احمد بن هلال گوید: از امام هادی علیه السلام پرسیدم که : توبه نصح (خالص) چیست ؟ حضرت در پاسخ من نوشت : اینکه باطن و دورن (در مقام توبه) همانند ظاهر باشد و بلکه باطن از ظاهر برتر باشد.
حدیث :

۸۰۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : التوبه النصح ان یكون باطن الرجل کظاهره و افضل .
ترجمه :

۸۰۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: توبه پاک و خالص آن است که باطن مرد (در مقام توبه) همانند ظاهرش و برتر از ظاهرش باشد.
حدیث :

۸۱۰ - قال الصدوق : و قد روی ان التوبه النصح هو ان یتوب الرجل من ذنب و ینوی ان لا یعود الیه ابدًا.
ترجمه :

۸۱۰ - شیخ صدوق (ره) گوید: روایت شده است که : توبه خالص آن است که مرد از گناهی توبه کند و قصد کند که دیگر هرگز به سوی آن گناه باز نگردد.
حدیث :

۸۱۱ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام : ان قائلًا قال بحضرتہ : استغفرالله فقال : ثکلتک امک ائدری ما الاستغفار؟ الاستغفار درجه العلیین و هو اسم واقع علی سته معان اولها الندم علی ما مضی و الثانی العزم علی ترک العود الیه ابدًا و الثالث ان تودی الی المخلوقین حقوقهم حتی تلقی الله عزوجل املس لیس علیک تبعه و الرابع ات تعمد الی کل فریضه علیک ضیعها فتودی حقها و الخامس ان تعمد الی اللحم الذی نبت علی السحت فتذییبه بالاحزان حتی یلصق الجلد بالعظم و ینشا بینهما لحم جدید و السادس ان تذیق الجسم الم الطاعه کما اذقته حلاوه المعصیه فعند ذلک تقول : استغفر الله .
ترجمه :

۸۱۱ - از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که کسی در حضور ایشان گفت : استغفر الله . حضرت فرمود: مادرت به عزایت بنشیند آیا می دانی استغفار چیست ؟ استغفار مرتبه برتران است و آن اسمی است که بر شش معنا ثابت گردیده است :

اول : پشیمانی بر آنچه که گذشته است

دوم : عزم و قصد جزمی نمودن بر اینکه هرگز به سوی گناه باز نگردد

سوم : اینکه حقوق مردم را (که در اثر گناه تو ضایع گردیده است) به آنان باز گردانی تا اینکه خداوند عزوجل را (با رویی) تابناک دیدار کنی و بر گردن تو گناهی نباشد.

چهارم : اینکه به سوی هر امر واجبی که بر گردن تو بوده و آن را ضایع ساخته ای مصمم شوی و حق آن را به جا آوری
پنجم : اینکه تصمیم جدی بگیری که آن گوشتی را که بر اساس حرام بر بدن تو روییده است با حزن و اندوه بگدازی تا آنجا که پوست به استخوان بچسبد و بین آن دو، گوشتی جدید برآید.

ششم : اینکه بر بدن خود سختی طاعت و بندگی را بچشانی همانگونه که شیرینی معصیت را به او چشانده بودی ، پس در این هنگام است که می توانی بگویی : استغفر الله (مرتبه برتر استغفار پس از طی این مراحل است).
حدیث :

۸۱۲ - عن کمیل بن زیاد انه قال لامیرالمومنین علیه السلام : العبد یصیب الذنب فیستغفر الله فقال : یا ابن زیاد التوبه قلت : لیس قال : لا قلت : کیف ؟ قال : ان العبد اذا اصاب ذنبا قال : استغفر الله بالتحریک قلت : و ما التحریک ؟ قال : الشفتان و اللسان یرید ان یتبع ذلك بالحقیقه قلت : و ما الحقیقه ؟ قال : تصدیق القلب و اضرار ان لا یعود الی الذنب الذی استغفر منه قلت ، فاذا فعلت ذلك فانا من المستغفرین ؟ قال : لا لانک لم تبلغ الی الاصل بعد قلت : فاصل الاستغفار ما هو؟ قال : الرجوع الی التوبه عن الذنب الذی استغفرت منه و هی اول درجه العابدین و ترک الذنب و الاستغفار اسم واقع لسته معان ثم ذکر الحدیث نحوه .

ترجمه :

۸۱۲ - کمیل بن زیاد گوید به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردم : بنده مرتکب گناه می شود پس استغفار نموده و از خداوند طلب بخشایش می کند. حضرت فرمود: ای ابن زیاد! آیا مراد تو، توبه است؟ عرض کردم : آیا همین استغفار توبه نیست؟ حضرت فرمود: خیر، عرض کردم : چگونه؟ فرمود: همانا بنده هرگاه مرتکب گناهی بشود با تحریک بگوید: استغفر الله .

عرض کردم ، تحریک چیست ؟ فرمود: یعنی دو لب و زبان حقیقتا اراده پیروی از استغفار را داشته باشند. عرض کردم : حقیقتا یعنی چه ؟ فرمود: یعنی قلب استغفار را تصدیق کند و در نهان خود بازنگشتن به آن گناهی را که از آن استغفار نموده است را داشته باشد. عرض کردم : آیا اگر من چنین که فرمودید کنم از مستغفرین خواهم بود؟ فرمود: خیر، زیرا هنوز به اصل

و ریشه استغفار نرسیده ای . عرض کردم : اصل استغفار چیست ؟ فرمود: یکی مراجعه کردن به سوی توبه نمودن از گناهی که از آن استغفار نموده ای و این اولین درجه و رتبه (عبادت کنندگان) است ، و دیگری ترک نمودن گناه ، و استغفار اسمی است که برای شش معنا ثابت گردیده است سپس حضرت حدیث گذشته را فرمود.

۸۸ - باب استحباب صوم الاربعاء و الخميس و الجمعة للتوبه و استحباب الغسل و الصلاه لها

۸۸ - باب استحباب روزه گرفتن روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه و همچنین استحباب غسل و نماز برای توبه

حدیث :

۸۱۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام : فی قول الله عزوجل : (توبوا الی الله توبه نصوحا) قال : هو صوم یوم الاربعاء و الخمیس و الجمعة .

ترجمه :

۸۱۳ - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند عزوجل می فرماید: (به سوی خداوند توبه آورید (باز گردید) توبه ای

(بازگشتنی) خالص) (۱۶۵)

حدیث :

۸۱۴ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ما اهمنی ذنب امهلت بعده حتی اصلی رکعتین .

ترجمه :

۸۱۴ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: گناهی که پس از آن ، مهلت به جا آوردن دو رکعت نماز به من داده شود مرا

اندوهگین و بی آرام نمی سازد.

حدیث :

۸۱۵ - و قال علیه السلام : ما من عبد اذنب ذنبا فقام فتطهر و صلی رکعتین و استغفر الله الا غفر له و کان حقا علی الله ان

يقبله لانه سبحانه قال : (و من يعمل سوءا او یظلم نفسه ثم یتستغفر الله یجد الله غفورا رحیما).

ترجمه :

۸۱۵ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست که مرتکب گناهی شود پس برخیزد و طهارت گیرد و دو رکعت

نماز به جای آورد و از خداوند طلب مغفرت کند جز اینکه مغفرت الهی شامل حالش می شود و بر خداوند سزاوار است که

استغفار او را بپذیرد زیرا خدای سبحان فرموده است: (و هر کس کار بدی به جای آورد یا به خویشتن ستم کند سپس از خداوند طلب مغفرت کند خداوند را آمرزنده و مهربان می یابد) (۱۶۶)

۸۹ - باب جواز تجدید التوبه و صحتها مع الاتیان بشرائطها و ان تکرر نقضها

۸۹ - باب جواز دوباره توبه کردن و صحت این توبه در صورتی که شرایط آن را به جای آورد اگر چه شکستن آن توبه تکرار

گردد

حدیث:

۸۱۶ - عن ابی جعفر علیه السلام قال: یا محمد بن مسلم ذنوب المومن اذا تاب منها مغفوره له فلیعمل المومن لما یستأنف بعد التوبه و المغفره اما و الله انها لیست الا لاهل الایمان قلت: فان عاد بعد التوبه و الاستغفار من الذنوب و عاد فی التوبه قال یا محمد بن مسلم اتری العبد المومن یندم علی ذنبه و یتوب منه و یتوب ثم لایقبل الله توبته؟ قلت: فانه فعل ذلک مرارا یدنب ثم یتوب و یتوب فقال: كلما عاد المومن بالاستغفار و التوبه عاد الله علیه بالمغفره و ان الله غفور رحیم یقبل التوبه و یعفو عن السيئات فایاک ان تقنط المومنین من رحمه الله.

ترجمه:

۸۱۶ - امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: ای محمد بن مسلم! گناهان مومن هرگاه از آنها توبه کند آمرزیده می شود، پس مومن باید برای آنچه که بعد از توبه و مغفرت آغاز می کند عمل کند. هان، به خدا سوگند که توبه جز برای اهل ایمان نیست. محمد بن مسلم گوید: عرض کردم: پس اگر بعد از توبه و استغفار از گناهان، دوباره به گناه باز گردد و دوباره توبه کند چگونه است؟ فرمود: ای محمد بن مسلم! آیا تو می پنداری بنده مومنی که بر گناهایش پشیمان می گردد و از آن استغفار و توبه می کند خداوند توبه اش را نمی پذیرد؟ عرض کردم: آخر او این کار را بارها انجام داده است گناه می کند سپس توبه و استغفار می کند. حضرت فرمود: تا زمانی که مومن با استغفار و توبه به سوی خداوند باز می گردد خداوند نیز با مغفرتش به سوی او می آید و راستی که خداوند آمرزنده مهربان است، توبه را می پذیرد و از گناهان در می گذرد پس بر حذر باش از اینکه مومنین را از رحمت خداوند مایوس کنی.

حدیث:

۸۱۷ - قال ابو عبدالله علیه السلام: ان الله یحب العبد المفتن التواب و من لایکون ذلک منه کان افضل.

ترجمه:

۸۱۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند بنده ای که بوسیله گناه آزموده و آزمایش شده سپس توبه نموده است را دوست می دارد و بنده ای که اصلا به گرد گناه نگشته از بنده ای که گناه کرده و توبه نموده برتر است .
حدیث :

۸۱۸ - قال ابو عبدالله علیه السلام : ما من مومن الا وله ذنب يهجره زمانا ثم يلم به و ذلك قول الله عزوجل (الا اللهم) و سألته عن قول الله عزوجل : (الذين يجتنبون كبائر الاثم و الفواحش الا اللمم) قال : الفواحش الزنا و السرقة و اللمم الرجل يلم بالذنب فيستغفر الله منه .
ترجمه :

۸۱۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مومنی نیست جز اینکه برای وی گناهی است که مدتی از آن گناه بریده و از آن دوری نموده سپس آن را دوباره انجام می دهد و این همان است که در گفتار خدای عزوجل از آن به (لمم) (گناه کوچک نسبت به گناه بزرگ) تعبیر شده است . روای گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه پرسیدم که می فرماید: (آنان که از گناهان بزرگ و زشتی ها دوری می کنند مگر از لمم گناهان کوچکی که پیش می آید) (۱۶۷) حضرت فرمود: مراد از فواحش و زشتی ها، زنا نمودن و دزدی است و لمم آن است که کسی مرتکب گناهی (که در مسیر او قرار گرفته) شود پس از آن از خداوند طلب بخشایش کند.
حدیث :

۸۱۹ - عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام : فی قوله تعالی (توبوا الی الله توبه نصوحا) قال : هو الذنب الذی لا یعود فیه ابدًا قلت : و اینا لم یتب و یعد؟ فقال : یا ابا محمد ان الله یحب من عباده المقتن التواب .
ترجمه :

۸۱۹ - ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید: (به سوی خداوند توبه کنید توبه ای خالصانه) (۱۶۸) فرمود: توبه نصوح و خالصانه آن است که شخص هرگز دوباره به گناهی که مرتکب شده است باز نگردد.
عرض کردم : کدامیک از ما توبه نمی کند و (به گناه) باز نمی گردد؟ حضرت فرمود: ای ابا محمد! راستی که خداوند از بندگانش آن کسی که به گناه دچار شده و توبه نموده است را دوست می دارد.
حدیث :

۸۲۰ - الحسن بن محمد الدیلمی فی (الارشاد) قال کان رسول الله صلی الله علیه و آله یتستغفر الله فی کل یوم سبعین مره یقول استغفر الله ربی و اتوب الیه و كذلك اهل بیته علیه السلام و صالح اصحابه یقول الله تعالی (و استغفوا ربکم ثم توبوا الیه) قال : و قال رجل : یا رسول الله انی اذنب فما اقول اذا تبت ؟ قال : استغفر الله فقال : انی اتوب ثم اعود فقال : كلما اذنبت استغفر الله فقال : اذن تکثر ذنوبی فقال : عفو الله اکثر فلا تزال تتوب حتی یکون الشیطان هو المدحور.
ترجمه :

۸۲۰ - حسن بن محمد دیلمی در کتاب (الارشاد) گوید: رسول خدا - در هر روز هفتاد مرتبه به درگاه خداوند استغفار می نمود و می گفت : (استغفر الله ربی و اتوب الیه) همچنین اهل بیت او علیه السلام و اصحاب شایسته اش چنین سیره ای داشتند، خداوند تعالی می فرماید: (از پروردگارتان طلب مغفرت کنید سپس به سوی او توبه آورید) (۱۶۹) - راوی گوید: - مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! من مرتکب گناه می شوم هنگامی که توبه می کنم چه بگویم ؟ حضرت فرمود: به درگاه خداوند استغفار کن . عرض کرد: توبه می کنم و سپس دوباره به گناه باز می گردم (در این حال چه بگویم ؟) فرمود: هر زمان مرتکب گناه شدی از خداوند طلب مغفرت و بخشایش کن . عرض کرد: بنابراین گناهان من زیاد می شود. حضرت فرمود: عفو و بخشایش خداوند زیادتر و بیشتر است پس پیوسته توبه می کنی تا اینکه شیطان تار و مار و رانده می گردد.

۹۰ - باب استحباب تذکر الذنب و الاستغفار منه كلما ذکره

۹۰ - باب استحباب یادآوری گناه و استغفار نمودن از آن هر گاه آن را به یاد آورد

حدیث :

۸۲۱ - عن ابی عبدالله فی حدیث قال : ان المومن لیذکر ذنبه بعد عشرين سنه حتی یتستغفر ربه فیغفر له و ان الکافر لینساه من ساعته .

ترجمه :

۸۲۱ - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: به راستی که شخصی مومن گناه خود را پس از بیست سال به یاد می آورد تا به درگاه پروردگارش استغفار کند پس پروردگار او را مشمول غفران خود قرار می دهد ولی شخص کافر گناهش در همان دم که مرتکب آن می شود فراموشش می گردد.

حدیث :

۸۲۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان المومن لیذنب الذنب فیذکر بعد عشرين سنه فیستغفر منه فیغفرله و انما یذکره لیغفر له و ان الکافر لیذنب الذنب فینساه من ساعته .

ترجمه :

۸۲۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که مومن گناهی می کند پس بعد از بیست سال آن را به یاد می آورد و از آن استغفار می کند و مورد آمرزش و بخشایش قرار می گیرد و این یاد آوری اش برای این است که مشمول غفران واقع شود و کافر در همان ساعتی که گناه می کند آن را به فراموشی می سپارد.

حدیث :

۸۲۳ - قال ابو عبدالله علیه السلام : ان الله اذا اراد بعبد خيرا فاذنب ذنبا اتبعه بنقمه و یذکره الاستغفار. (الحدیث).

ترجمه :

۸۲۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی هرگاه که خداوند خیر بنده ای را اراده کند و آن بنده مرتکب گناهی گردد پیرو آن گناه خداوند او را عقوبتی می کند و انتقامی از او می کشد و استغفار را به یاد او می آورد.

حدیث :

۸۲۴ - قال ابو عبدالله علیه السلام عن الاستدراج فقال : هو العبد یذنب الذنب فیملی له و یجدد له عندها النعم فیلهیه عن الاستغفار فهو مستدرج من حیث لا یعلم .

ترجمه :

۸۲۴ - از امام صادق علیه السلام درباره (استدراج) (۱۷۰) پرسیده شد (که چیست؟) حضرت فرمود: استدراج آن است که بنده گناهی کند پس به او مهلت داده شود و همزمان با ارتکاب گناه به او نعمت های جدیدی عطا شود و از استغفار باز ماند و سرگرم شود چنین کسی از جایی که نمی داند اندک اندک به شقاوت نزدیک گشته است .

۹۱ - باب استحباب انتهاز فرص الخیر و المبادره به عند الامکان

۹۱ - باب استحباب غنیمت شمردن فرصتهای خیر و اینکه در صورت امکان از فرصتهای خیر استفاده شود

حدیث :

۸۲۵ - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی بادر بربع قبل اربع : شبابک قبل هرمک و صحتک قبل سقمک و غناک قبل فقرک و حیاتک قبل موتک .

ترجمه :

۸۲۵ - امام صادق علیه السلام از پدرانش : روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - به علی علیه السلام - آمده است : ای علی ! پیش از چهار چیز به چهار چیز مبادرت کن : جوانیت را پیش از پیر شدن دریاب و سلامت را پیش از بیماریت غنیمت شمر و از ثروتمندیت قبل از اینکه فقیر شوی استفاده خیر کن و پیش از مردنت زندگی ات را غنیمت دان .

حدیث :

۸۲۶ - عن موسى بن اسماعيل بن موسى بن جعفر عليه السلام عن آبائه عليه السلام عن علي عليه السلام في قول الله عزوجل و لاتنس نصيبك من الدنيا قال : لاتنس صحتك و قوتك و فراغك و شبابك و نشاطك ان تطلب بها الاخره .
ترجمه :

۸۲۶ - موسى بن اسماعيل بن موسى بن جعفر عليه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : علی علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (و نصیب و بهره ات را از دنیا فراموش مکن) (۱۷۱) فرمود: فراموش مکن که از سلامتی و توانایی و بیکاری و جوانی و نشاطی که داری برای طلب آخرت بهره ببری .
حدیث :

۸۲۷ - عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : قرن الهيبه لاختيه و الحياء بالحرمان و الفرصه تمر مر السحاب فانتهزوا فرص الخير.
ترجمه :

۸۲۷ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ترس با نامرادی و به مقصود نرسیدن مقرون است و حیا با محرومیت همراه است و فرصت مانند ابر گذرنده می گذرد پس فرصتهای نیکو را غنیمت شمیرید.
حدیث :

۸۲۸ - و قال عليه السلام : اضاعه الفرصه غصه .

ترجمه :

۸۲۸ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بر باد دادن و تلف کردن فرصت (موجب) غصه و اندوه است .
حدیث :

۸۲۹ - و قال عليه السلام : من الخرق المعاجله قبل الامكان و الاناه بعد الفرصه .

ترجمه :

۸۲۹ - اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: شتاب کردن (در کاری) پیش از (به دست آوردن) توانایی، و بردباری (سستی کردن) بعد از (به دست آوردن) فرصت (این هر دو) از نادانی است .

۹۲ - باب استحباب تکرار التوبه و الاستغفار کل یوم و ليله من غير ذنب و وجوبه مع الذنب

۹۲ - باب استحباب تکرار توبه و استغفار در هر روز و شب بدون اینکه گناهی صورت گرفته باشد و وجوب توبه و استغفار در صورتی که گناهی انجام شده باشد

حدیث :

۸۳۰ - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : کان رسول الله صلی الله علیه و آله : یتوب الی الله عزوجل فی کل یوم سبعین مره قلت : اکان یقول : استغفر الله و اتوب الیه ؟ قال لا و لکن کان یقول : اتوب الی الله قلت : ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان یتوب و لایعود و نحن نتوب و نعود. فقال : الله المستعان .

ترجمه :

۸۳۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا - چنین بود که در هر روز به درگاه خدای عزوجل هفتاد مرتبه توبه می نمود - راوی گوید: عرض کردم : آیا رسول خدا می گفت : (استغفر الله و اتوب الیه)؟ فرمود: خیر، بلکه می گفت : (اتوب الی الله) عرض کردم : همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله توبه می نمود و بازگشت نمی کرد (همواره در حال تکامل و تعالی بود) ولی ما توبه می کنیم و (دوباره به حالت گذشته) باز می گردیم . حضرت فرمود: خداوند یاری کننده است (و در این راه باید از او یاری جست).

حدیث :

۸۳۱ - و عن عده من اصحابنا رفعوه قالوا: قال : لكل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار.

ترجمه :

۸۳۱ - عده ای از اصحاب ما این سخن را به معصوم علیه السلام نسبت داده اند که فرمود: برای هر دردی دوايي است و دواي گناهان استغفار کردن است .

حدیث :

۸۳۲ - قال ابو عبدالله عليه السلام : من قال : استغفر الله مائه مره فى يوم غفر الله له سبعمائنه ذنب و لاخير فى عبد يذنب فى يوم سبعمائنه ذنب .

ترجمه :

۸۳۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس که در هر روز صد مرتبه (استغفر الله) بگوید خداوند هفتصد گناه او را می‌آمرزد و بنده ای که در روز مرتکب هفتصد گناه شود خیری در او نیست .

حدیث :

۸۳۳ - عن ابى عبدالله عليه السلام فى حدیث قال : ان رسول الله صلى الله عليه و آله كان يتوب الى الله كل يوم سبعین مره من غير ذنب .

ترجمه :

۸۳۳ - امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: به راستی که رسول خدا صلى الله عليه و آله در هر روز بدون اینکه گناهی داشته باشد هفتاد مرتبه به درگاه الهی توبه می‌آورد.

حدیث :

۸۳۴ - عن ابى عبدالله عليه السلام فى حدیث قال : ان رسول الله صلى الله عليه و آله كان يتوب الى الله و يستغفره فى كل يوم و ليله مائه مره من غير ذنب ان الله يحص اولياء بالمصائب ليوجرهم عليها من غير ذنب .

ترجمه :

۸۳۴ - امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: همانا روش رسول خدا صلى الله عليه و آله چنین بود که هر شبانه روز بدون اینکه گناهی داشته باشد به سوی خداوند توبه و استغفار می‌کرد؛ به راستی که خداوند مصائب و سختی‌ها را به اولیاء و دوستان خویش اختصاص دهد بدون اینکه گناهی نموده باشند تا به آنها به خاطر شکیبایی نمودشان بر دشواری‌ها پاداش دهد.

حدیث :

۸۳۵ - عن ابى عبدالله عليه السلام فى حدیث قال : رسول الله صلى الله عليه و آله كان يتوب الى الله فى كل يوم سبعین مره من غير ذنب .

ترجمه :

۸۳۵ - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله را سیره چنین بود که هر روز بدون

اینکه گناهی از آن حضرت صورت گرفته باشد هفتاد مرتبه به درگاه الهی توبه می نمود.

حدیث :

۸۳۶ - قال ابو جعفر علیه السلام : انه كان يقال : من احب عباد الله الى الله المحسن التواب .

ترجمه :

۸۳۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از محبوبترین بندگان خدا در نزد خداوند کسی است که نیکوکار و بسیار توبه کننده

باشد.

حدیث :

۸۳۷ - و عن ابراهیم بن ابی البلاد قال : قال لی ابوالحسن علیه السلام : انی استغفر الله فی کل یوم خمسہ الاف مره ثم

قال لی : خمسہ الاف کثیر.

ترجمه :

۸۳۷ - ابراهیم بن ابی البلاد گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: همانا من در هر روز پنج هزار مرتبه از خداوند طلب

مغفرت می کنم - سپس به من فرمودند: پنج هزار زیاد است .

۹۳ - باب صحه التوبه فی آخر العمر و لو عند بلوغ النفس الخلقوم قبل المعاینه و کذا الاسلام

۹۳ - باب صحیح بودن توبه در پایان عمر اگر چه هنگامی باشد که جان به گلو رسیده باشد پیش از اینکه مرگ را به چشم

ببیند و همچنین است اسلام آوردن

حدیث :

۸۳۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام او عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث : ان الله عزوجل قال لادم علیه السلام : جعلت

لك ان من عمل من ذریتك سیئه ثم استغفر غفرت له قال : یا رب زدنی قال : جعلت لهم التوبه او بسطت لهم التوبه حتی

تبلغ النفس هذه قال : یا رب حسبی .

ترجمه :

۸۳۸ - از امام صادق علیه السلام یا از امام باقر علیه السلام در حدیثی آمده است : همانا خداوند عزوجل به حضرت آدم علیه

السلام فرمود: این مزیت را برای تو قرار دادم که هر کس از فرزندان مرتکب گناهی شود سپس استغفار کند او را می

بخشایم . حضرت آدم علیه السلام عرض کرد: ای پروردگار من مرا بیش از این ده . خداوند فرمود: برای فرزندان توبه را قرار دادم یا برای آنان باب توبه را گشودم و گستراندم تا آن هنگام که جان به گلویشان رسد. حضرت عرض کرد: ای پروردگار من مرا بس است .

حدیث :

۸۳۹ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : اذا بلغت النفس هذه و اهوی بیده الی حلقه لم یکن للعالم توبه و کانت للجاهل توبه . ترجمه :

۸۳۹ - امام باقر علیه السلام فرمود: آنگاه که جان به اینجا برسد - و دست مبارکش را به سوی حلق خود کشید - توبه شخص عالم پذیرفته نیست ولی توبه جاهل پذیرفته می شود.

حدیث :

۸۴۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من تاب قبل موته بسنه قبل الله توبته ثم قال : ان السنه لکثیر من تاب قبل موته بشهر قبل الله توبته ثم قال : ان الشهر لکثیر ثم قال : من تاب قبل موته بجمعه قبل الله توبته ثم قال : و ان الجمعه لکثیر من تاب قبل موته بیوم قبل الله توبته ثم قال : ان یوما لکثیر من تاب قبل ان یعاین قبل الله توبته .

ترجمه :

۸۴۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که یک سال به مرگش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک سال زیاد است ؛ هر کس یک ماه به مردنش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک ماه زیاد است ؛ کسی که یک جمعه به مرگش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک جمعه زیاد است ؛ کسی که یک روز پیش از مردنش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: به راستی که یک روز هم زیاد است ؛ کسی که پیش از آنکه مرگ را به چشم خود ببیند توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد.

حدیث :

۸۴۱ - عن معاویه بن وهب فی حدیث ان رجلا شیخا کان من المخالفین عرض علیه ابن اخیه الولایه عند موته فاقربها و شهق و مات قال : فدخنا علی ابی عبدالله علیه السلام فعرض علی بن السری هذا الکلام علی ابی عبدالله علیه السلام فقال

: هو رجل من اهل الجنة قال له علي بن السرى : انه لم يعرف شيئاً من هذا غير ساعته تلك قال : فتريدون منه ماذا؟ قد و
الله دخل الجنة .

ترجمه :

۸۴۱ - معاویه بن وهب در حدیثی روایت کند که : بر پیرمردی از مخالفین در هنگام مرگش توسط پسر برادرش ولایت ائمه
علیه السلام عرض شد و آن پیرمرد به ولایت معصومین علیه السلام اقرار نموده و نعره ای بر کشید و جان داد - راوی گوید:
- پس از آن ما بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم و علی بن سری این قضیه را به حضرت عرضه داشت . حضرت فرمود:
آن پیرمرد مردی از اهل بهشت است . علی بن سری عرض کرد: او که چیزی از ولایت شما را جز همان ساعت مردنش در
نیافته بود (چگونه او از اهل بهشت است ؟) حضرت فرمود: شما از او چه می خواهید؟ به خدا سوگند که او وارد بهشت شد.
حدیث :

۸۴۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لما اعطی الله ابلیس ما اعطاه من القوه قال آدم : یا رب سلطت ابلیس علی ولدی و
اجریته منهم مجری الدم فی العروق و اعطیته ما اعطیته فما لی و لولدی ؟ قال : لک و لولدک السئیه بواحدہ و الحسنه بعشر
امثالها قال : یا رب زدنی قال : التوبه مبسوطه الی ان تبلغ النفس الحلقوم قال : یا رب زدنی قال : اغفر و لا ابالی قال : حسبی
ترجمه :

۸۴۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خداوند به ابلیس آن قدرت را (قدرت اغواگری و فریب مردم را) بخشید
حضرت آدم علیه السلام عرض کرد: ای پروردگار من ! ابلیس را بر فرزندان من مسلط نمودی و همانند خون که در رگها
جریان دارد او را با آنان همراه ساختی و به او آن نیروی آنچنانی را بخشیدی پس برای من و فرزندانم چه گذارده ای ؟
خداوند فرمود: برای تو و فرزندان مقرر ساخته ام که یک گناهانتان یک عقوبت داشته باشد ولی یک نیکی شما ده برابر
پاداش داده شود. عرض کرد: ای پروردگار من ! مرا بیش از این ده . فرمود: (باب) توبه را برای شما تا زمانی که جان به
گلویتان برسد گسترانده و گشوده ام . عرض کرد: ای پروردگار! مرا بیش از این ده . فرمود: می بخشم و مرا باکی نیست .
عرض کرد: مرا بس است .

حدیث :

۸۴۳ - محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من تاب قبل موته بسنه تاب الله عليه ثم قال : و ان شهرا لكثير من تاب قبل موته بساعه تاب الله عليه ثم قال : و ان ساعه لكثير من تاب و قد بلغت نفسه هاهنا و اشار بيده الى حلقه تاب الله عليه .

ترجمه :

۸۴۳ - امام محمد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : کسی که یک سال پیش از مردنش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: همانا یک سال زیاد است ؛ کسی که یک ماه به مرگش مانده توبه کند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک ماه هم زیاد است ؛ کسی که یک روز پیش از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک روز هم زیاد است ؛ کسی که ساعتی پیش از مرگش توبه کند توبه اش پذیرفته می گردد، سپس فرمود: یک ساعت هم زیاد است ؛ کسی که توبه کند در حالی که جانش به اینجا رسیده باشد و با دست مبارکش به گلویش اشاره فرمود: خداوند توبه اش را می پذیرد.

حدیث :

۸۴۴ - و سئل الصادق علیه السلام عن قول الله عزوجل (و لیست التوبه للذین یعلمون السيئات حتی اذا حضر احدهم الموت قال انی تبت الان) قال علیه السلام : ذاک اذا عاین امر الاخره .

ترجمه :

۸۴۴ - از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (برای آن کسانی که گناهان را مرتکب می شوند تا آنجا که هنگامی که مرگ یکی از آنان فرا می رسد می گوید: اکنون توبه نمودم ، توبه ای در کار نیست - توبه آنان پذیرفته نیست -) (۱۷۲) پرسیده شد. حضرت فرمود: این پذیرفته نشدن توبه مربوط به آن هنگامی است که شخص امر آخرت را به چشم خود می بیند.

حدیث :

۸۴۵ - عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث ان رسول الله صلى الله عليه و آله دعا رجلا من الیهود و هو فی السیاق الی الاقرار بالشهادتین فاقربهما و مات فامر الصحابه ان یغسلوه و یکفنوه ثم صلى علیه و قال : الحمد لله الذی انجی بی الیوم نسمة من النار.

ترجمه :

۸۴۵ - امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی از یهود را که در حال جان کندن و احتضار بود به سوی اقرار به شهادتین (وحدانیت خدا و رسالت پیامبر) فرا خواند او نیز اقرار نمود و از دنیا رفت پس رسول خدا صلی الله علیه و آله صحابه اش را دستور داد او را غسل داده و کفن کنند سپس خود بر او نماز خوانده و فرمود: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که امروز به وسیله من موجودی را از آتش دوزخ رهایی بخشید.

حدیث :

۸۴۶ - عن ابراهیم بن محمد الهمذانی قال قلت لابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام : لای عله اغرق الله عزوجل فرعون و قد آمن به و اقر بتوحیده ؟ قال : لانه آمن عند رویه الباس و الایمان عند رویه الباس غیر مقبول و ذلک حکم الله تعالی ذکره فی السلف و الخلف قال الله تعالی : (فلما راوا باسنا قالوا ائمانا بالله وحده و کفرنا بما کنا به مشرکین فلم یک یمنعهم ایمانهم لما راوا باسنا) و قال عزوجل : (یوم یاتی بعض آیات ربک لاینفع نفسا ایمانها لم تکن أمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا) (الحدیث)

ترجمه :

۸۴۶ - ابراهیم بن محمد همدانی گوید: به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم: به چه علتی خداوند عزوجل فرعون را در دریا غرق کرد در حالی که او به خداوند ایمان آورد و به یگانگی او اقرار نمود؟ حضرت فرمود: زیرا او در هنگام دیدن عذاب الهی ایمان آورد و ایمان آوردن در وقت دیدن عذاب، پذیرفته نمی شود و این حکم خداوندی است که ذکر او در میان گذشتگان و آیندگان بلند مرتبه است. خدای تعالی می فرماید: (پس آنگاه که عذاب ما را دیدند گفتند: ما به خداوند یگانه ایمان آوردیم و به آنچه پیش از این شرک می ورزیدیم کافر گشتیم، پس ایمان آنان به حالشان سودمند نبود چرا که آنان عذاب ما را به چشم دیدند) (۱۷۳) و خدای عزوجل می فرماید: (روزی که بعضی از نشانه های پروردگارت می آید در آن روز ایمان کسی که پیش از آن ایمان نداشته یا در ایمان خود خیری را کسب نکرده، به او سودی نمی بخشد.) (۱۷۴)

حدیث :

۸۴۷ - عن محمد بن ابی عمیر قال : قلت لابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام : اخبرنی عن قول الله عزوجل لموسی علیه السلام (اذهب الی فرعون انه طغی) فقال علیه السلام اما قوله (فقولا له قولاً لینا) الی ان قال : و قد علم الله ان فرعون لایتذکر و لایخشی الا عند رویه الباس الا تسمع الله یقول : (حتى اذا ادركه الغرق قال أمنت انه لا اله الا الذی أمنت به بنوا اسرائیل و انا من المسلمین) فلم یقبل الله ایمانه و قال : (الآن و قد عصیت قبل و کنت من المفسدین).

ترجمه :

۸۴۷ - محمد بن ابی عمیر گوید: به امام موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم : مرا درباره گفتار خدای عزوجل آگاه ساز که خطاب به موسی علیه السلام می فرماید: (ای موسی و ای هارون ! بریود به سوی فرعون که او طغیان و سرکشی نموده است) (۱۷۵)

(چرا با اینکه خداوند در آیه بعد توصیه می فرماید که با فرعون به نرمی سخن گوئید اما سرانجام وی را در دریا غرق می سازد؟) حضرت پس از بیان و تفسیر آیه بعد فرمود: زیرا خداوند دانست که فرعون پند نمی پذیرد و خدا ترس نمی گردد مگر زمانی که عذاب الهی را به چشم خود ببیند آیا نشنیده ای که خداوند فرموده است : (تا هنگامی که غرقه شدن او را فرا گرفت گفت : ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند نیست و من تسلیم اویم) (۱۷۶) پس خداوند ایمانش را نپذیرفت و فرمود: (آیا اکنون ایمان می آوری در حالی که پیش از این عصیانگر و از فساد کنندگان بودی) (۱۷۷)

حدیث :

۸۴۸ - عن رسول الله صلی الله علیه و آله فی حدیث قال : انی نزلت رب فی امتی فقال لی ان باب التوبه مفتوح حتی ینفخ فی الصور ثم اقبل علینا رسول الله صلی الله علیه و آله فقال : انه من تاب قبل موته بسنه تاب الله علیه ثم قال : و ان السنه لکثیر من تاب قبل موته بشهر تاب الله علیه ثم قال : و شهر کثیر من تاب قبل موته بجمعه تاب الله علیه ثم قال : و جمعه کثیر من تاب قبل ان یموت بیوم تاب الله علیه ثم قال : و یوم کثیر من تاب قبل ان یموت بساعه تاب الله علیه ثم قال : و ساعه کثیره من تاب و قد بلغت نفسه هذه و اوما بیده الی حلقه تاب الله علیه .

ترجمه :

۸۴۸ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من درباره امت خود با پروردگرم رویا رو شدم ، پروردگار به من فرمود: همانا باب توبه تا زمانی که در صور دمیده شود باز گذاشته می شود - سپس بعد از سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما رو آورد و فرمود: به راستی که کسی که یک سال پیش از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک سال زیاد است ، کسی که یک ماه قبل از مردنش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود، یک ماه هم زیاد است ، هر کسی که یک جمعه از مرگش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: جمعه هم زیاد است ، کسی که یک روز پیش از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک روز هم زیاد است ، کسی که

ساعتی به مردنش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: ساعت هم زیاد است ، کسی که توبه کند در حالی جان به گلویش رسیده باشد خداوند توبه اش را قبول می کند.

۹۴ - باب استحباب الاستغفار فی السحر

۹۴ - باب استحباب استغفار نمودن در وقت سحر

حدیث :

۸۴۹ - عن موسی بن جعفر علیه السلام عن ابیه علیه السلام عن علی علیه السلام قال : ان الله عزوجل اذا اراد ان یصیب

اهل الارض بعذاب قال : لو لا الذین یتحابون بجلالی و یعمرون مساجدی و یتستغفرون بالاسحار لانزلت عذابی .

ترجمه :

۸۴۹ - امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از علی علیه السلام روایت فرمود که : به راستی که

هرگاه خداوند عزوجل اراده می کند که به اهل زمین عذابی برساند می گوید: اگر آن کسانی که به خاطر جلالت و بزرگی من

یکدیگر را دوست دارند و مساجد مرا آباد می کنند و در سحرگاهان به استغفار می پردازند نبودند عذاب خود را بر زمینیان فرو

فرستادیم .

حدیث :

۸۵۰ - عن جعفر بن محمد علیه السلام قال : قال ابی علیه السلام قال امیرالمؤمنین علیه السلام قال رسول الله صلی الله

علیه و آله : ان الله جل جلاله اذا رای اهل قریه قد اسرفوا فی المعاصی و فیها ثلاثه نفر من المومنین ناداهم جل جلاله یا

اهل معصیتی لو لا من فیکم من المومنین المتحابین بجلالی العامرین بصلاتهم ارضی و مساجدی و المستغفرین بالاسحار

خوفا منی لانزلت بکم عذابی ثم لا ابالی .

ترجمه :

۸۵۰ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از علی علیه السلام روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و

آله فرمود: همانا خداوند جل جلاله هرگاه ببیند که اهل قریه ای در انجام گناهان زیاده روی می کنند در حالی که در آن

قریه سه نفر از مومنین وجود دارند به آن اهل زمین قریه خطاب می کند که : ای اهل نافرمانی من ! اگر در بین شما مومنین

نبودند همان مومنینی که به خاطر جلال و بزرگی من یکدیگر را دوست دارند و به وسیله نمازشان زمین من و مساجد مرا

آباد می کنند و از خوف من سحرگاهان به استغفار می پردازند، عذاب خود را بر شما نازل می ساختم سپس باکی ندارم (که چه می شود).

حدیث :

۸۵۱ - و عن عبدالله بن جعفر عن ابيه مثله و زاد قال : و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من ساءته سيئته و سرتة حسنته فهو مومن .

ترجمه :

۸۵۱ - روایتی دیگر شبیه به روایت گذشته از عبدالله بن جعفر روایت شده است با این اضافه که فرموده است : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که زشتکاری اش او را بد حال کند و نیکو کاری اش او را شادمان سازد چنین کسی مومن است .

۹۵ - باب انه يجب على الانسان ان يتلافى في يومه ما فرط في امسه و لا يوخز ذلك الى غده

۹۵ - باب اینکه بر انسان واجب است که در روز آنچه را که در روز گذشته درباره آن کوتاهی کرده است تلافی کند و این کار را به فردا موکول نکند

حدیث :

۸۵۲ - عن علي بن الحسين عليه السلام قال : كان امير المؤمنين عليه السلام يقول : انما الدهر ثلاثة ايام انت فيما بينهن مضي امس بما فيه فلا يرجع ابدان كنت عملت فيه خيرا لم تحزن لذهابه و فرحت بما استقبلته منه و ان كنت فرطت فيه فحسرتك شديده لذهابه و تفريطك فيه و انت من غد في غره لا تدرى لعلك لا تبلغه و ان بلغته لعل حظك فيه التفريط مثل حظك في المس الى ان قال : و انما هو يومك الذي اصبحت فيه و قد ينبغى لك ان عقلت و فكرت فيما فرطت في الامس الماضي مما فاتك فيه من حسنات ان لا تكون اكتسبتها و من سيئات ان لا تكون اقصرت عنها الى ان قال : فاعمل عمل رجل ليس يامل من الايام الا يومه الذي اصبح فيه و ليلته فاعمل او دع و الله المعين على ذلك .

ترجمه :

۸۵۲ - امام علی بن حسین زین العابدین علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمود: همانا روزگار سه روز است که تو (ای انسان خواه ناخواه) در میان این سه روز خواهی بود، دیروز با هر آنچه در آن بود گذشت پس هرگز باز نمی گردد، پس اگر تو کار خیری در آن انجام داده ای از رفتنش اندوهگین نیستی و از روی آوردن آن روز بر خودت شادمانی ، و

اگر در آن روز (در انجام وظایف خود) کوتاهی کرده ای به خاطر رفتن آن روز کوتاهی خودت حسرت زیادی خواهی داشت ، و تو از فردای خودت در امیدی بیهوده به سر میبری ، نمی دانی شاید به فردا نرسی و اگر هم برسی شاید همانند دیروز بهره ای در آن جز تفریط و کوتاهی کردن (در انجام وظایف) نداشته باشی - تا آنجا که فرمود: همانا امروزت را دریاب همین روزی که در آن صبح کرده ای و حقیقتا بر تو سزاوار است که اندیشه کنی و در کوتاهی های دیروز گذشته ات تفکر کنی که چه نیکی هایی از دست تو رفت و آنها را برای خود کسب نکردی و از چه بدیهایی باز نایستادی - تا آنجا که فرمود: - پس عمل کن یا (از بدیها) باز ایست و خداوند در این راه یاور توست .

حدیث :

۸۵۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان النهار اذا جاء قال : يا ابن آدم اعمل فی یومک هذا خیرا اشهد لک به عند ربک یوم القیامه فانی لم آتیک فیما مضی و لا آتیک فیما بقی فاذا جاء اللیل قال مثل ذلک .

ترجمه :

۸۵۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که روز فرا می رسد (خطاب به انسان) می گوید: ای فرزند آدم! تو در این روزت کار خیر کن تا من در روز قیامت نزد پروردگارت به نفع تو گواهی دهم زیرا من در گذشته بر تو نیامده ام و در باقی مانده عمرت نیز دیگر نخواهم آمد. و هنگامی که شب فرا می رسد شب نیز همین سخنان را می گوید.

حدیث :

۸۵۴ - عن حفص بن غیاث قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان قدرت ان لاتعرف فافعل و ما علیک ان تکون مذموما عند الناس اذا کنت محمودا عند الله ثم قال : قال ابی علی بن ابی طالب .

ترجمه :

۸۵۴ - حفص بن غیاث گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: اگر بتوانی (به گونه ای رفتار کنی) که شناخته نشوی این کار را انجام ده و اگر در نزد خداوند نیکنام باشی بر تو عیبی نیست که در نزد مردم از تو به خوبی یاد نشود - سپس فرمود: پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: خیری در زندگانی نیست مگر برای دو نفر: یکی کسی که در هر روز خیری را (بر خیرهای خود) بیفزاید و دیگری کسی که به وسیله توبه مرگ خود را اصلاح کند.

حدیث :

۸۵۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال : المغبون من غبن عمره ساعه بعد ساعه .

ترجمه :

۸۵۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: فریب خورده (حقیقی) کسی است که دربارہ ساعت به ساعت عمرش فریب خورده باشد.

حدیث :

۸۵۶ - عن ابی عبدالله علیہ السلام انه قال : من استوی یوماہ فهو مغبون و من کان آخر یومیہ خیرہما فهو مغبوط و من کان آخر یومیہ شرہما فهو ملعون و من لم یر الزیادہ فی نفسہ فهو الی نقصان و من کان الی النقصان فالموت خیر له من الحیاء .

ترجمه :

۸۵۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که دو روزش با هم مساوی باشد (و در روز دوم پیشرفتی معنوی ننموده باشد) چنین کسی فریب خورده است و کسی که پایان دو روزش (برای او) بهترین ساعات و حالات آن دو روز باشد سعادت‌مند است و کسی که پایان دو روزش بدترین حالات آن دو روز باشد ملعون است (و از رحمت الهی دور است) و کسی که در نفس خود (نسبت به گذشته) زیادتی مشاهده نکند چنین کسی به سوی کمبود و نقصان پیش می رود و کسی که همواره در حال نقصان است مرگ برایش از زندگانی بهتر است .

۹۶ - باب وجوب محاسبه النفس کل یوم و ملاحظتها و حمد الله علی الحسنات و تدارک السيئات

۹۶ - باب وجوب محاسبه و ملاحظه نفس در هر روز و حمد نمودن خداوند بر نیکی ها و جبران نمودن بدیها

حدیث :

۸۵۷ - عن ابی الحسن الماضي علیہ السلام قال : لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم فان عمل حسنا استزاد الله و ان عمل سیئا استغفر الله منه و تاب الیه .

ترجمه :

۸۵۷ - امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: کسی که در هر روز از نفس خود حساب نکشد از ما نیست (کسی که محاسبه نفس می کند) اگر عمل نیکی به جای آورده است از خداوند طلب زیادتی آن را کند و اگر کردار بدی از او سر زده است از خداوند طلب مغفرت کند و به سوی او توبه آورد.

حدیث :

۸۵۸ - قال ابو عبدالله عليه السلام : اذا اراد احدكم ان لا يسال الله شيئا الا اعطاه فليياس من الناس كلهم و لا يكون له رجاء الا من عند الله جل ذكره فاذا علم الله جل و عز ذلك من قلبه لم يسال الله شيئا الا اعطاه فحاسبوا انفسكم قبل ان تحاسبوا عليها فان للقيامة خمسين موقفا كل موقف مقداره الف سنه - ثم تلا قوله تعالى - (في يوم كان مقداره الف سنه مما تعدون).

ترجمه :

۸۵۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه کسی از شما اراده کرد که از خداوند چیزی را درخواست نکند مگر اینکه خداوند آن چیز را به او عطا کند پس باید از تمامی مردم نومید گردد و امید او جز به خداوند جل ذکره نباشد پس هرگاه خداوند بزرگ و عزتمند دانست که او از ته قلبش چنین اراده ای را نموده هیچ چیزی را آن بنده از خدا نمی خواهد مگر اینکه خداوند به وی عطا می کند پس شما بیش از اینکه مورد حسابرسی واقع شوید از نفسهایتان حساب بکشید زیرا قیامت پنجاه توقفگاه دارد که مقدار هر کی از آنها هزار سال است - سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: - (در روزی که مقدار آن برابر با هزار سال از سالهایی است که شما در این دنیا می شمارید) (۱۷۸)

حدیث :

۸۵۹ - عن ابی حمزه الثمالی قال : کان علی بن الحسین علیه السلام یقول : ابن آدم انک لاتزال بخیر ما کان لک واعظ من نفسک و ما کانت المحاسبه من همک و ما کان الخوف لک شعارا و الحزن لک دثارا ابن آدم انک میت و مبعوث و موقوف بین یدی الله فاعد جوابا.

ترجمه :

۸۵۹ - ابو حمزه ثمالی گوید: امام سجاد علیه السلام می فرمود: ای فرزند آدم! راستی که تو پیوسته در خیر و خوبی خواهی بود تا زمانی که :

۱ - واعظ و پند دهنده ای از درون خود داشته باشی

۲ - سعی و کوشش در محاسبه نفس خود کنی

۳ - خوف و ترسی از خداوند را زیر پوش خود قرار دهی

۴ - حزن و اندوه را روپوش خود کنی .

ای فرزند آدم! تو خواهی مرد و برانگیخته خواهی شد و در پیشگاه خداوند خواهی ایستاد پس جوابی را (برای خداوند) آماه ساز.

حدیث :

۸۶۰ - عن ابی ذر فی حدیث قال : قلت : یا رسول الله فما كانت صحف ابراهیم ؟ قال : كانت امثالا کلها. ایها الملک المبتلی المغرور انی لم ابعثک لتجمع الدنیا بعضها علی بعض و لكن بعثتک لترد عنی دعوه المظلوم فانی لاردها و ان كانت من کافر. و علی العاقل ما لم یکن مغلوبا ان تكون له ساعات ساعه یناجی فیها ربه و ساعه یحاسب فیها نفسه و ساعه یتفکر فیها صنع الله الیه و ساعه یخلو فیها بحظ نفسه من الخلال فان هذه الساعه عون لتلك الساعات و استجمام للقلوب و تفریح لها.
(الحدیث)

ترجمه :

۸۶۰ - ابوذر روایت کند که : به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم : ای رسول خدا! صحف ابراهیم چه بود؟ فرمود: همه آن مثلهایی بود (از جمله :) ای پادشاهی که گرفتار گشته و فریب خورده ای من تو را برای اینکه دنیا را بخش بخش گرد آوری کنی برنیا نگیختم بلکه تو را بر انگیختم تا دعای ستمدیده را از من بازگردانی (ستمدیده ای نباشد تا از درگاه من فریاد رسی خواهد) زیرا من دعای ستمدیده را اگر چه کافر باشد باز نمی گردانم (دعایش را اجابت می کنم). (مثلی دیگر اینکه :) بر شخص خردمندی که مغلوب و مقهور نگشته است (و سرگرم دنیا طلبی نشده) سزاوار است که ساعات خود را تقسیم کند: ساعتی را به مناجات با پروردگارش بگذراند و در ساعتی از نفس خود حساب کشد و در ساعتی به نیکویی هایی که خداوند با او نموده است اندیشه کند و ساعتی را به بهره بردن نفسش از حلال خلوت کند زیرا این ساعت یاری گر بقیه ساعات است و دلها را نیرویی تازه می بخشد و جدیت در کار را در پی دارد (دلها را فارغ و آسوده می سازد).
حدیث :

۸۶۱ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لذكر الله بالغدو و الاصل خیر من حطم السیوف فی سبیل الله عزوجل یعنی من ذکر الله بالغدو و تدکرما کان منه فی لیله من سوء عمله و استغفر الله و تاب الیه انتشر و قد حطت سیئاته و غفرت ذنوبه و من ذکر الله بالاصال و هی العشیات و راجع نفسه فیما کان منه یومه ذلک من سرفه علی نفسه و اضاعته لامر ربه فذكر الله و استغفر الله تعالی و اناب راح الی اهله و قد غفرت له ذنوبه .

ترجمه :

۸۶۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا یاد کردن خداوند در صبحگاهان و شامگاهان از شکستن شمشیرها در راه خدای عزوجل بهتر است یعنی کسی که خداوند را در هنگام بامداد یاد کند و کردار بد شبانگاهانش را به یاد آورد و از خداوند طلب مغفرت کند و به سوی او توبه آرد آن روز در حالتی بر روز زمین سیر می کند که بدی هایش پاک شده و گناهانش بخشیده گردیده است و کسی که شبانگاه خدای را یاد کند و درباره غفلتی که از نفس خویش در طول روز داشته و ضایع نمودن فرمان پروردگارش به نفس خود مراجعه کند پس خدای را به یاد آورد و از او طلب مغفرت کند و به سوی خدا باز گردد آن شب در حالتی به سوی خانواده اش می رود که گناهانش بخشیده شده است .

حدیث :

۸۶۲ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : من حاسب نفسه ربح و من غفل عنها خسر و من خاف امن و من اعتبر ابصر و من ابصر فهم و من فهم علم .

ترجمه :

۸۶۲ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که از نفس خود مواظبت کند و از او حساب کشد سود می برد و کسی که از او غافل شود زیان می بیند و کسی که (از نفس خود) بیمناک باشد در سلامت و امان قرار می گیرد و کسی که عبرت گیرد بینا شود و کسی که بینا باشد هوشیار و زیرک است و کسی که زیرکی دارد آگاهی می یابد.

حدیث :

۸۶۳ - عن ابی ذر فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله انه قال : یا ابا ذر حاسب نفسك قبل ان تحاسب فانه اهون لحسابك غذا و زن نفسك قبل ان توزن و تجهز للعرض الاكبر يوم تعرض لاتخفى علی الله خافیه - الی ان قال : - یا ابا ذر لایكون الرجل من المتقين حتی يحاسب نفسه اشد من محاسبه الشريك شريكه فيعلم من اين مطعمه و من اين مشربه و من اين ملبسه امن حلال او من حرام ؟ یا ابا ذر من لم یبال من این اكتسب المال لم یبال الله من این ادخله النار.

ترجمه :

۸۶۳ - پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیتش به ابوذر فرمود: ای ابوذر! از نفس خود حساب بکش پیش از اینکه از تو حساب کشیده شود زیرا حساب رسی امروزت بسی آسانتر از حسابی است که فردا از تو کشند و به نفس خود رسیدگی کن پیش از آنکه در ترازوی سنجش نهاده شوی و برای آن روز بزرگی که کردارها نمایان می شود خود را مهیا و آماده ساز همان روزی که اعمال هویدا می شود و هیچ چیز بر خداوند پوشیده نیست ، ای ابوذر! کسی از گروه پرهیزکاران شمرده نمی شود مگر

اینکه از نفس خود حساب کشد حسابرسی و دقتی شدید، شدیدتر از حسابی که شریکی از شریک خود می کشد، پس باید بداند که خوردنی و نوشیدنی و پوشاکش از کجاست؟ آیا از حلال است یا از حرام؟ ای ابوذر! کسی که باکی ندارد که از کجا و چه راهی مال به دست می آورد خداوند نیز درباره او باکی ندارد که وی را از چه راهی وارد آتش سازد.

حدیث :

۸۶۴ - الحسن بن علی العسکری علیه السلام فی تفسیره عن آبائه علیه السلام عن علی علیه السلام عن النبی صلی الله علیه و آله قال : اکیس الکیسین من حاسب نفسه و عمل لما بعد الموت فقال رجل : یا امیرالمؤمنین کیف یحاسب نفسه ؟ قال : اذا اصبح ثم امسی رجع الی نفسه و قال : یا نفسی ان هذا یوم مضی علیک لایعود الیک ابدا و الله یشالک عنه بما افینته فما الذی عملت فیه اذکرت الله ام حمدته اقصیت حوائج مومن فیه انفست عنه کربه احفظتیه بظهر الغیب فی اهله و ولده احفظتیه بعد الموت فی مخلفیه اکفت عن غیبه اخ مومن اعنت مسلما ما الذی صنعت فیه ؟ فیذکر ما کان منه فان ذکر انه جری منه خیر حمدالله و کبره علی توفیقه و ان ذکر معصیه او تقصیرا استغفر الله و عزم علی ترک معاودته .

ترجمه :

۸۶۴ - امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر خود از پدران بزرگوارش علیه السلام و آنان از علی علیه السلام و ایشان از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت فرمود که : زیرک ترین زیرکان کسی است که نفس خود را به پای حساب کشد و برای بعد از مرگ خویش کار کند، مردی عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! چگونه از نفس خود حساب کشد؟ فرمود: هرگاه صبح می کند سپس وارد شب می شود به نفس خود مراجعه کند و بگوید: ای نفس من! این روزی بود که بر تو گذشت و دیگر هرگز باز نمی گردد و خداوند از تو درباره این روز می پرسد که چگونه آن را گذراندی و چه کاری در آن انجام دادی؟ آیا خداوند را یاد کردی یا ستایش نمودی؟ آیا در این روز نیازهای مومنی را برآورده ساختی؟ آیا از مومنی اندوهش را برطرف نمودی؟ آیا در این روز نیازهای مومنی را برآورده ساختی؟ آیا از مومنی اندوهش را برطرف نمودی؟ آیا در نبود مومنی در میان خانواده و فرزندانش او را محافظت کردی؟ آیا بعد از مرگ مومنی در میان بازماندگانش (حق) او را محفوظ داشتی؟ آیا از غیبت نمودن برادر دینی ات دست برداشتی که مسلمانی را یاری کرده باشی؟ در این روز چه کردی؟ پس هر آنچه از خود می داند به یاد آورد پس اگر به یاد آورد که خیری از او صادر شده خداوند را سپاس گوید و او را بر توفیقی که به وی بخشیده تعظیم کند و اگر به یاد آورد که گناهی یا کوتاهی کردنی از او سر زده از خداوند طلب مغفرت کند و تصمیم بگیرد که دیگر به آن گناه باز نگردد.

حدیث :

۸۶۵ - علی بن موسی بن طاوس فی کتاب محاسبه النفس قال : روینا فی الحدیث النبوی المشهور: حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا و زنوها قبل ان توزنوا و تجهزوا للعرض الاکبر.

ترجمه :

۸۶۵ - علی به موسی بن طاوس در کتاب (محاسبه النفس) گوید: در حدیث نبوی مشهور برای ما نقل شده است که فرمود: از نفسهایتان حساب بکشید پیش از آنکه شما را به پای حساب بکشند و آنها را با دقت بسنجید پیش از اینکه با دقت بازرسی شوید و برای روز بزرگ قیامت خود را مهیا سازید.

حدیث :

۸۶۶ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لایکون العبد مومنا حتی یحاسب نفسه اشد من محاسبه الشریک شریکه و السید عبده . (الحدیث)

ترجمه :

۸۶۶ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنده ای مومن (حقیقی) شمرده نمی شود مگر اینکه از نفس خود حساب کشد آن هم حساب کشیدنی که به مراتب سخت تر و دقیقتر از حسابی باشد که شریک از شریک خود و آقا از بنده خود می کشد.

حدیث :

۸۶۷ - و عن جعفر بن محمد الصادق علیه السلام عن ابیه عن آبائه علیه السلام قال : ما من یوم یاتی علی ابن آدم الا قال له ذلک الیوم : یا ابن آدم انا یوم جدید و انا علیک شهید فافعل فی خیرا و اعمل فی خیرا اشهد لک یوم القیامه فانک لن ترانی بعدها ابدا.

ترجمه :

۸۶۷ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدران گرامی اش : روایت فرمود: هیچ روزی بر فرزند آدم نمی آید جز اینکه خطاب به آدمی می گوید: ای فرزند آدم! من روز جدیدی هستم و من بر تو گواه و شاهدم پس در من کردار نیکو انجام ده تا من در روز قیامت به نفع تو گواهی دهم زیرا تو پس از این هرگز مرا نخواهی دید.

حدیث :

۸۶۸ - عن الصادق عن ابیه علیه السلام قال : اللیل اذا اقبل نادى مناد بصوت یسمعه الخلاق الا الثقلین یا ابن آدم انی خلق جدید انی علی ما فی شهید فخذ منی فانی لو طلعت الشمس لم ارجع الی الدنیا و لم تزدد فی من حسنه و لم تستعتب فی من سیئه و كذلك یقول النهار اذا ادبر اللیل .

ترجمه :

۸۶۸ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام روایت فرمود ن هرگاه شب روی می آورد ندا دهنده ای با صدایی که همه مخلوقات به جز جن و انس آن را می شنوند ندا در می دهد که : ای فرزند آدم ! من مخلوق جدیدی هستم ، به راستی که من بر آنچه در من انجام می شود گواهم پس (فرصتهایم را) از من بستان زیرا اگر خورشید طلوع کند دیگر من به سوی دنیا باز نمی گردم و تو نمی دانی در من بر نیکی ات نیکی ای بیافزایی و نمی توانی از بدی ای باز گردی (پس مرا غنیمت شمار) و همچنین هرگاه شب پشت می کند و روز می آید روز نیز این سخنان را می گوید.

حدیث :

۸۶۹ - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : ان الملك الحافظ علی العبد یکتب فی صحیفه اعماله فاملوا فی اولها خیرا و فی آخرها خیرا یغفر لکم ما بین ذلک .

ترجمه :

۸۶۹ - امام سجاد علیه السلام فرمود: به راستی که فرشته ای که نگاهبان بنده است در نامه اعمال او (کارهایش را) می نویسد پس شما در اول و آخر آن نامه ، نیکی را بر او دیکته کنید (که بنویسد) تا آنچه که در بین اول و آخر است بر شما بخشیده شود.

۹۷ - باب وجوب زیاده التحفظ عند زیاده العمر خصوصا ابنا، الاربعین فصاعدا

۹۷ - باب وجوب هوشیاری و پرهیز بسیار هنگام زیاد شدن سن خصوصا کسانی که به چهل سال یا بیشتر رسیده اند

حدیث :

۸۷۰ - قال ابو عبدالله علیه السلام : ان العبد لفی فسحة من امره ما بینه و بین اربعین سنه فاذا بلغ اربعین سنه اوحی الله عزوجل الی ملکیه قد عمرت عبدی هذا عمرا فغلظا و شددا و تحفظا و اکتبا علیه قلیل عمله و کثیره و صغیره و کبیره .

ترجمه :

۸۷۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که بنده (از آغاز تکلیف) تا چهل سالگی در فراخی و وسعت است (و جبران لغزشها و خطاهایش آسانتر است) پس زمانی که به چهل سالگی رسید خداوند عزوجل به دو فرشته نگاهبان او وحی می فرستد که به این بنده ام چنین عمری دادم پس از این بر او سخت بگیرد و با دقت او را زیر نظر داشته باشید و عمل کم و زیاد و کوچک و بزرگ وی را بنویسد.

حدیث :

۸۷۱ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : اذا اتت علی الرجل اربعون سنه قیل له خذ حذرک فانک غیر معذور و لیس ابن الاربعین احق بالحذر من ابن العشرین فان الذی یطلبها واحد و لیس براقدا فاعمل لما امامک من الهول و دع عنک فضول القول .

ترجمه :

۸۷۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: هرگاه مرد به چهل سالگی برسد به او گفته می شود که احتیاط پیشه کن که دیگر عذری نخواهی داشت و شخص چهل ساله از شخص بیست ساله به احتیاط کردن سزاوارتر نیست زیرا آن خدایی که از هر دو طالب عمل است یکی است و خواب نیست پس برای آن هراسی که در قیامت در پیش روی توست کار کن و سخن زیادی را واگذار.

حدیث :

۸۷۲ - قال ابو عبدالله علیه السلام : خذ لنفسک خذ منها فی الصحه قبل السقم و فی القوه قبل الضعف و فی الحیاه قبل الممات .

ترجمه :

۸۷۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: برای نفس خودت (توشه) بگیر، در زمان سلامتی پیش از بیماری و در زمان توانایی پیش از ناتوانی و در زندگانی پیش از مردن .

حدیث :

۸۷۳ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : العمر الذی اعذر الله فیه الی ابن آدم ستون سنه .

ترجمه :

۸۷۳ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آن مدت عمری که خداوند برای فرزندان آدم جای عذر و بهانه را باقی گذارده است شصت سال است .

حدیث :

۸۷۴ - محمد بن علی بن الحسین قال : سئل الصادق عن قول الله عزوجل : (اولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر) فقال : توبيخ لابن ثمانیه عشر سنه .

ترجمه :

۸۷۴ - محمد بن علی بن حسین گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیده شد که می فرماید: (آیا به شما آن مقدار عمر ندادیم که در آن پند می گیرد کسی که پندپذیر است؟) (۱۷۹) حضرت فرمود: این آیه در بردارنده سرزنش و توبیخ کسی است که به هجده سالگی رسیده است .

حدیث :

۸۷۵ - عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : ثلاث من لم تكن فيه فلا يرجی خيره ابدًا من لم يخش الله في الغيب و لم يرع في الشيب و لم يستح من العيب .

ترجمه :

۸۷۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز هست که هر کس این سه در او نباشد درباره او هرگز امید خیر و خوبی برده نمی شود: کسی که در نهان از خدا نترسد و در پیری ورع و پارسایی نداشته باشد و از عیب و نقص شرمگین نباشد.

حدیث :

۸۷۶ - قال ابو عبدالله عليه السلام : اذا بلغ العبد ثلاثًا و ثلاثين سنه فقد بلغ اشدّه و اذا بلغ اربعين سنه فقد بلغ منتهاه فاذا طعن في واحد و اربعين فهو في النقصان و ينبغى لصاحب الخمسين ان يكون كمن كان في النزاع .

ترجمه :

۸۷۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که بنده به سی و پنج سالگی رسید به دوران قوت و توانایی خود رسیده است و آنگاه که به چهل سالگی برسد (گوئیا) به انتهای عمر خود رسیده است پس هنگامی که وارد چهل و یک سالگی شود

چنین کسی در (سراشویی) نقصان است و کسی که عمرش به پنجاه رسیده سزاوار است همانند کسی باشد که در حال نزاع و جان کندن است .

۹۸ - باب وجوب عمل الحسنه بعد السینه

۹۸ - باب وجوب انجام کار نیک پس از ارتکاب گناه

حدیث :

۸۷۷ - قال ابو عبدالله عليه السلام في حديث : من احب ان يعلم ما له عند الله فلينظر ما لله عنده و من خلا بعمل فلينظر فيه فان كان حسنا جميلا فليمض عليه و ان كان سيئا فيبها فليجتنبه فان الله اولى بالوفاء و الزيادة و من عمل سيئه في السر فليعمل حسنه في السر و من عمل سيئه في العلانيه فليعمل حسنه في العلانيه .

ترجمه :

۸۷۷ - امام صادق عليه السلام در ضمن حدیثی فرمود: هر کس دوست دارد که بداند چه (منزلی) در نزد خدا دارد پس باید بنگرد که خداوند چه منزلتی در نزد او دارد و کسی که با عمل خود خلوت کرد (در پنهانی عملی انجام داد) پس در آن نظر کند اگر آن عمل نیکو و زیبا بود به آن ادامه دهد و اگر بد و زشت بود از آن اجتناب و دوری کند زیرا خداوند از هر کس دیگری سزاوارتر است به اینکه (به وعده ای که درباره نیکوکاران داده) وفا کند و به آنان زیادتی بخشد، و کسی که در پنهانی عمل بدی انجام دهد باید عمل نیکی نیز در پنهانی انجام دهد و کسی که عمل زشتی آشکارا به جای آورد باید کار نیکی نیز آشکارا انجام دهد.

حدیث :

۸۷۸ - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : كان علی بن الحسین عليه السلام يقول : و یل لمن غلبت أحاده اعشاره فقلت له و کیف هذا؟ قال : اما سمعت الله عزوجل یقول (من جاء بالحسنه فله عشر امثالها و من جاء بالسیئه فلا یجری الا مثلها) فالحسنه الواحده اذا عملها کتبت له عشره و السيئه الواحده اذا عملها کتبت له واحد فنعوذ بالله ممن یرتکب فی یوم واحد عشر سیئات و لایکون له حسنه واحده فتغلب حسناته سیئاته .

ترجمه :

۸۷۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: امام سجاد عليه السلام می فرمود: وای بر کسی که یکی یکی های او بر ده تایی های او غالب شود - راوی گوید: - عرض کردم: این چگونه باشد؟ فرمود: آیا نشنیده ای که خداوند عزوجل می فرماید: (کسی که کار نیکی انجام دهد پاداش او ده برابر آن است و کسی که مرتکب کار بدی شود تنها به همان اندازه جزایش را خواهد دید) (۱۸۰) پس هرگاه یک نیکی انجام دهد برای او ده نیکی نوشته می شود و هرگاه یک بدی به جای آورد برایش

یک بدی ثبت می شود پس به خدا پناه می بریم از کسی که در یک روز مرتکب ده گناه می شود ولی یک کار نیک انجام نمی دهد تا در نتیجه بدیهایش بر نیکی هایش غالب می شود.

حدیث :

۸۷۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل اوحی الی عیسی علیه السلام ما اکرمت خلیقه بمثل دینی و لانعمت علیها بمثل رحمتی اغسل بالماء منک ما ظهر و داو بالحسنات ما بطن فانک الی راجع شمر فکل ما هو آت قریب و اسمعنی منک صوتا حزینا.

ترجمه :

۸۷۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزوجل به عیسی علیه السلام وحی فرستاد که : هیچ مردمی را به چیزی همانند دین خود گرامی نداشته ام و بر هیچ مردمی به چیزی همانند رحمت خود نبخشیده ام ، به وسیله آب ظاهر خود را بشوی (و پاکیزه کن) و به کمک نیکوکاری ها (بیماری های) درون خود ار درمان کن زیرا تو با شتاب به سوی من باز می گردی ، پس آینده نزدیک است ، و از خودت صدایی غمناک به من بشنوان (راز و نیازی با صوتی حزین با من داشته باش تا از تو چنین صدایی بشنوم).

حدیث :

۸۸۰ - عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر الباقر علیه السلام قال سمعته یقول : ما احسن الحسنات بعد السيئات و ما اقبح السيئات بعد الحسنات .

ترجمه :

۸۸۰ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: چه نیکوست نیکی ها بعد از بدیها و چه زشت است بدیها پس از نیکی ها.

حدیث :

۸۸۱ - عن ابی ذر قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اتق الله حیثما کنت و خالق الناس بخلق حسن و اذا عملت سیئه فاعمل حسنه تمحوها.

ترجمه :

۸۸۱ - ابوذر گوید: رسول خدا صل الله علیه و آله فرمود: در هر جا و هر حالی از خدا بترس و با مردمان با اخلاق نیکو

معاشرت کن و هرگاه مرتکب گناهی شدی پس از آن کار نیکی انجام ده تا آن گناه را از بین ببرد.

۹۹ - باب صحه التوبه من المرتد

۹۹ - باب صحیح بودن توبه شخص مرتد

حدیث :

۸۸۲ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : من کان مومنا فعلم خیرا فی ایمانه ثم اصابته فتنه فکفر ثم تاب بعد کفره کتب له و

حسب له کل شیء کان عمله فی ایمانه و لایبطله الکفر اذا تاب بعد کفره .

ترجمه :

۸۸۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که با ایمان باشد و در زمان ایمانش کار خیری انجام دهد سپس فتنه ای به او

برسد و کافر شود پس از آن از کفر خویش توبه کند و مومن گردد آن عمل خیر و هر کاری که در وقت ایمانش انجام داده

برای او نوشته شده و حساب می گردد و هرگاه پس از کفر توبه کند کفر او کار خیر او را (که در زمان مومن بودنش به جای

آورده) باطل نمی کند.

۱۰۰ - باب وجوب الاستغال بصالح الاعمال عنالاهل و المال

۱۰۰ - باب وجوب مشغول بودن به کارهای شایسته به جای اینکه همواره به زن و فرزند و مال پردازد

حدیث :

۸۸۳ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان ابن آدم اذا کان فی آخر یوم من ایام الدنیا و اول یوم من ایام الاخره مثل له ماله و

ولده و عمله فیلتفت الی ماله فیقول : و الله این کنت علیک حریصا شحیحا فما لی عندک ؟ فیقول : خذ منی کفنگ قال :

فیلتفت الی ولده فیقول : و الله انی کنت لکم محبا و انی کنت علیکم محامیا فما ذا عندکم ؟ فیقولون : نودیک الی حفرتک

نواریک فیها قال : فیلتفت الی عمله فیقول : و الله انی کنت فیک لزاهدا و ان کنت لثقیلا فیقول : انا قرینک فی قبرک و یوم

نشرک حتی اعرض انا و انت علی ربک .

ترجمه :

۸۸۳ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به راستی که فرزند آدم آنگاه که در آخرین روز از روزهای دنیا و اولین روز از روزهای آخرت قرار می گیرد مال و فرزندان و عملش در مقابل او به نمایش گذاشته می شود پس به سوی مال و دارایی خود رو می کند و می گوید: سوگند به خدا که من بر تو حریص و بخیل بودم پس چه چیزی برای من در نزد توست؟ مال خطاب به او می گوید: از من تنها کفن خود را بگیر، پس به فرزندان خود رو می کند و می گوید: به خدا سوگند که دوستدار شما بودم و همواره حمایت و پشتیبانی شما را می نمودم پس حال چه چیزی در نزد شما برای من هست؟ فرزندان گویند: (پس از مرگت) تو را به (کنار) قبرت می رسانیم و در آن پوشیده و پنهان می سازیم، پس رو به سوی عملش می کند و می گوید: به خدا سوگند که من به تو اعتنایی نداشتم اگر چه تو سنگین (و ارزشمند) بودی، عمل خطاب به او گوید: من در قبرت با تو همدم خواهم بود و تا روز برانگیخته شدن با تو همراهم تا اینکه من و تو بر پروردگارت عرض شویم.

حدیث :

۸۸۴ - عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال علی علیه السلام : ان للمراء المسلم ثلاثة اخلاء فخلیل یقول له : انا معک حیا و میتا و هو عمله و خلیل یقول له : انا معک حتی تموت و هو ماله فاذا مات صار للوارث و خلیل یقول له : انا معک الی باب قبرک ثم اخلیک و هو ولده .

ترجمه :

۸۸۴ - امام صادق علیه السلام از پدرانش که درود و سلام بر آنان باد روایت فرمود که : علی علیه السلام فرمود: همانا شخص مسلمان سه دوست دارد یکی دوستی که به وی می گوید: من در زندگی و مرگ با تو هستم ، و آن دوست عمل اوست . و دیگری دوستی که به وی می گوید: من تا زمان مرگ با تو هستم ، و آن مال و دارایی اوست که زمانی که مرد به وارث منتقل می شود. و سوم دوستی که به وی می گوید: من تا در قبرت با تو هستم سپس تو را تنها می گذارم ، و او فرزند وی است .

۱۰۱ - باب وجوب الحذر من عرض العمل علی الله و رسوله و الائمه علیه السلام

۱۰۱ - باب وجوب پرهیز نمودن و ترسیدن از عرضه شدن عمل بر خدا و رسول و ائمه علیه السلام

حدیث :

۸۸۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : تعرض الاعمال علی رسول الله صلی الله علیه و آله اعمال العباد کل صباح ابرارها و فجارها فاحذروها و هو قول الله عزوجل (و قل اعمالوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون) و سکت .

ترجمه :

۸۸۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: اعمال بندگان چه نیکوکاران و چه نابکاران در هر صبحگاه بر رسول خدا صل الله علیه و آله عرضه می شود پس ، از اعمال خود بیمناک باشید و گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسولش عمل شما را می بینند)(۱۸۱) همین است ، و حضرت با خواندن این آیه تا اینجا سکوت فرمود.

حدیث :

۸۸۶ - عن الوشاء قال سمعت الرضا عليه السلام يقول : ان الاعمال تعرض على رسول الله صلى الله عليه و آله ابرارها و فجارها.

ترجمه :

۸۸۶ - و شاء گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا اعمال بر رسول خدا صل الله علیه و آله عرضه می شود چه اعمال نیکوکاران و چه اعمال نابکاران .

حدیث :

۸۸۷ - عن يعقوب بن شعيب قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل (اعملوا فسيري الله عملكم و رسوله و المومنون) قال : هم الائمة عليه السلام .

ترجمه :

۸۸۷ - يعقوب بن شعيب گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه که می فرماید: (عمل کنید به زودی خداوند و رسولش و مومنان عمل شما را خواهند دید) (۱۸۲) پرسیدم که مراد از مومنان کیانند؟ فرمود: آنان ائمه علیه السلام هستند.

حدیث :

۸۸۸ - عن سماعه عن ابي عبدالله عليه السلام قال : سمعته يقول : ما لكم تسوءون رسول الله صلى الله عليه و آله ؟ فقال له رجل : كيف نسووه ؟ فقال : اما تعلمون ان اعمالكم تعرض عليه فاذا رای فيها معصيه ساء ذلك فلا تسوءوا رسول الله صلى الله عليه و آله و سروه .

ترجمه :

۸۸۸ - سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: شما را چه شده است که رسول خدا صل الله علیه و آله را اندوهگین می سازید؟ مردی به حضرت عرض کرد: چگونه رسول الله را اندوهگین می کنیم ؟ حضرت فرمود: آیا نمی

دانید که اعمال شما بر او عرضه می شود؟ پس هرگاه در اعمال شما گناهی مشاهده کند اندوهگینش می سازد، پس رسول خداصل الله علیه و آله را غمگین نسازید و او را (با اعمال خوب خود) خوشحال بگردانید.

حدیث :

۸۸۹ - عن عبدالله بن ابان الزیات و کان مکینا عند الرضا علیه السلام قال : قلت للرضا علیه السلام : ادع الله لی و لاهل بیتی فقال : او لست افعل ؟ ان اعمالکم لتعرض علی فی کل یوم و لیلہ قال : فاستعظمت ذلك فقال لی : اما تقرا کتاب الله عزوجل (و قل اعمالوا فیسیری الله عملکم و رسوله و المومنون) قال هو و الله علی بن ابی طالب علیه السلام .

ترجمه :

۸۸۹ - عبدالله بن ابان روغن فروش که در نزد امام رضا علیه السلام صاحب مقام و منزلتی بود گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم : خدای را برای من و خانواده ام بخوان (و ما را دعا کن) حضرت فرمود: آیا چنین کاری نمی کنم؟! همانا اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می شود. عبدالله گوید: این سخن امام را بزرگ شمردم (و در نزد من امری عظیم جلوه کرد) پس حضرت فرمود: آیا کتاب خدای عزوجل را نخوانده ای که می فرماید: (و بگو عمل کنید که زود باشد که خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را ببینند) (۱۸۳) به خدا سوگند که مراد از مومنان در این آیه علی بن ابی طالب علیه السلام و (ائمہ طاهرین) هستند.

حدیث :

۸۹۰ - عن ابی جعفر علیه السلام انه ذکر هذه الایه فیسیری الله عملکم و رسوله و المومنون قال : هو و الله علی بن ابن ابی طالب علیه السلام .

ترجمه :

۸۹۰ - امام باقر علیه السلام این آیه را ذکر نمود و فرمود: سوگند به خدا که مراد از (مومنون) علی بن ابی طالب علیه السلام (و امامان پس از ایشان) است .

حدیث :

۸۹۱ - محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : حیاتی خیر لکم و مماتی خیر لکم الی ان قال و اما مفارقتی ایاکم فان اعمالکم تعرض علی کل یوم فما کان من حسن استزدت الله لکم و ما کان من قبیح استغفرت الله لکم . (الحدیث)

ترجمه :

۸۹۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صل الله علیه و آله فرموده است : زندگانی و مرگ من هر دو برای شما مایه خیر است - تا آنجا که فرمود: - اما اینکه جدایی من از شما برایتان مایه خیر است زیرا اعمال شما هر روز بر من عرضه می شود پس آن اعمالتان که نیکوست از خداوند برای شما طلب زیادتی آنها را می نمایم و برای آن اعمالی از شما که زشت است از خداوند طلب آمرزش می کنم .

حدیث :

۸۹۲ - و روی ان اعمال العباد تعرض علی رسول الله صلی الله علیه و آله و علی الائمه علیه السلام کل یوم ابرارها و فجارها فاحذروا و ذلک قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون).

ترجمه :

۸۹۲ - و روایت شده است که : اعمال بندگان در هر روز بر رسول خدا صل الله علیه و آله و ائمه علیه السلام عرضه می شود اعمال نیکو کاران و نابکاران ، پس بترسید و این روایت معنای گفتار خدای عزوجل است که می فرماید: (و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را خواهند دید.) (۱۸۴)

حدیث :

۸۹۳ - عن ابی بصیر قال قلت لابی عبدالله علیه السلام : ان ابا الخطاب کان یقول : ان رسول الله صلی الله علیه و آله تعرض علیه اعمال امته کل خمیس فقال ابو عبدالله علیه السلام : لیس هکذا و لکن رسول الله صلی الله علیه و آله تعرض علیه اعمال امته کل صباح ابرارها و فجارها فاحذروا و هو قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون) و سکت قال ابوبصیر: انما عنی الائمه علیه السلام .

ترجمه :

۸۹۳ - ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : همانا ابا الخطاب می گوید که : بر رسول خدا صل الله علیه و آله اعمال امتش در هر روز پنج شنبه عرضه می شود، امام صادق علیه السلام فرمود: چنین نیست بلکه اعمال امت پیامبر اکرم صل الله علیه و آله چه نیکوکاران و چه بدکاران در هر صبحگاه بر ایشان عرضه می گردد و معنای گفتار خدای عزوجل نیز همین است که می فرماید: (و بگو عمل کنید که زود باشد عمل شما را خدا و رسول او و مومنان ببینند) (۱۸۵) و حضرت صادق علیه السلام سکوت فرمود. ابوبصیر گوید: همانا از (مومنون) ائمه علیه السلام را قصد کرده است .

حدیث :

۸۹۴ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : حياتی خیر لکم و مماتی خیر لکم اما حیاتی فتحدثونی و احدثکم و اما موتی فتعرض علی اعمالکم عشیه الاثنین و الخمیس فما کان من عمل صالح حمدت الله علیه و ما کان من عمل سیی استغفرت الله لکم .

ترجمه :

۸۹۴ - رسول خدا صل الله علیه و آله فرمود: زندگی و مرگ من هر دو برای شما مایه خیر است ، اما خیر زندگی ام برای شما این است که با من سخن می گوئید و من نیز با شما سخن می گویم (و دینتان را از من می آموزید) و اما خیری که در مرگ من برای شماست این است که اعمال شما غروب دوشنبه و پنج شنبه بر من عرضه می شود پس بر عمل شایسته شما خدای را سپاس می گویم و از عمل ناشایست شما برایتان از خداوند طلب مغفرت می نمایم .

حدیث :

۸۹۵ - و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من ضمن لی ما بین لحييه و ما بین رجليه ضمانت له الجنة .

ترجمه :

۸۹۵ - رسول خدا صل الله علیه و آله فرمود: هر کس برای من ضمانت ما بین دو فک خود (یعنی دهان) خود و ما بین دو پای خود (یعنی فرج خود) را کند من نیز ضامن بهشت او خواهم بود.

حدیث :

۸۹۶ - و عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليه السلام عن علي بن الحسين عليه السلام قال : ان اعمال هذه الامه ما من صباح الا و تعرض على الله تعالى .

ترجمه :

۸۹۶ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : امام سجاد علیه السلام فرمود: به راستی که هیچ صبحی نیست جز اینکه اعمال این امت بر خداوند تعالی عرضه می شود.

حدیث :

۸۹۷ - عن ابي جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله و هو في نفر من الصحابه : ان مقامي بين اظهركم خیر لکم و ان مفارقتی ایاکم خیر لکم الی ان قال : اما مقامي بين اظهرکم خیر لکم فان الله يقول (و ما کان الله

ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون) يعنى يعذبهم بالسيف و اما مفارقتى اياكم خير لكم فان اعمالكم تعرض على كل اثنين و خميس فما كان من حسن حمدت الله عليه و ما كان من سبى استغفرت لكم .
ترجمه :

۸۹۷ - امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صل الله عليه و آله در حالى كه در ميان چند تن از اصحابش بود فرمود: به راستى كه اقامت من در بين شما برايتان مايه خير است و جدا شدن من نيز از شما خير شما را در بر دارد. اما (اينكه گفتم) اقامت در بين شما مايه خير شماست ، زيرا خداوند مى فرمايد: (خداوند آنان را تا زمانى كه تو در بين آنان هستى عذاب نمى كند و خداوند تا زمانى كه آنان استغفار مى كنند آنان را به عذاب نمى رساند)(۱۸۶) يعنى آنها را با شمشير (جنگ و خونريزى) عذاب مى كند (نه اينكه مانند اقوام گذشته بر آنان عذاب بفرستد) و اما (اينكه گفتم) جدائى من از شما موجب خير براى شماست ، زيرا عملهاى شما هر دوشنبه و پنج شنبه بر من عرضه مى شود پس هر عملى از عملهاى شما نيكو باشد خداى را بر آن سپاس مى گويم و هر عملى بد باشد براى شما درباره آن از خداوند طلب مغفرت مى كنم .
حديث :

۸۹۸ - عن ابن اذينه قال : كنت عند ابي عبدالله عليه السلام فقلت له : قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسيري الله عملكم و رسوله و المومنون) قال : ايانا عنى .
ترجمه :

۸۹۸ - ابن اذينه گوید: در نزد امام صادق عليه السلام بودم كه به ايشان عرض كردم : (مراد از مومنون در) گفتار خداى عزوجل (چيست ؟) كه مى فرمايد: (و بگو عمل كنيد كه به زودى خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را مى بينند)(۱۸۷) حضرت فرمود: مراد از مومنون مايمم و خداوند ما را قصد كرده است .
حديث :

۸۹۹ - عن داود بن كثير الرقى قال : كنت جالسا عند ابي عبدالله عليه السلام اذ قال مبتدئا من قبل نفسه : يا داود لقد عرضت على اعمالكم يوم الخميس فرايت فيما عرض على من عملك صلتك لابن عمك فلان فسرنى ذلك انى علمت ان صلتك له اسرع لفناء عمره و قطع اجله قال داود: و كان لى ابن عم معاندا ناصيبا خبيثا بلغنى عنه و عن عياله سوء حال فصككت له نفقه قبل خروجى الى مكة فلما صرت فى المدينة اخبرنى ابو عبدالله عليه السلام بذلك .
ترجمه :

۸۹۹ - داود بن کثیر رقی گوید: در نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که ناگهان ایشان بدون مقدمه و از جانب خود آغاز سخن نمود و فرمود: ای داود! در روز پنجشنبه عملهای شما بر من عرضه می شود و من در بین اعمال تو که بر من عرضه شد دیدم که صله و رابطه با پسر عمویت را به جا آوردی و این کار تو مرا خوشحال کرد و من دانستم که این عمل تو عمر او را زودتر و سریعتر فانی می سازد و مرگش را فرا می رساند.

داود گوید: من پسر عمویی داشتم که با اهل بیت علیه السلام دشمنی داشت و فرد خبیثی بود و به من خبر رسیده بود که او و خانواده اش در وضعیت بدی به سر می برند و من پیش از بیرون آمدن به سوی مکه هزینه ای برای زندگی آنان قرار دادم و زمانی که به مدینه بازگشتم امام صادق علیه السلام مرا از عمل خودم خبردار ساخت .

حدیث :

۹۰۰ - علی بن موسی بن طاوس فی رساله محاسبه النفس قال : رایت و رویت فی عده روایات متفقات ان یوم الاثنین و یوم الخمیس تعرض فیهما الاعمال علی الله و علی رسوله و علی الائمه علیه السلام .

ترجمه :

۹۰۰ - ابن طاوس در رساله (محاسبه النفس) گوید: در عده ای از روایات موافق با هم دیده ام و برایم روایت شده است که در روز دوشنبه و پنجشنبه اعمال مردمان بر خداوند و رسولش و ائمه علیه السلام عرضه می شود.

حدیث :

۹۰۱ - عن احمد بن عمر عن ابی الحسن علیه السلام قال : سئل عن قول الله عزوجل (اعملوا فسیری الله عملکم و رسولہ و المومنون) قال : ان اعمال العباد تعرض علی رسول الله صلی الله علیه و آله کل صباح ابرارها و فجارها فاحذروا.

ترجمه :

۹۰۱ - احمد بن عمر روایت کدن که از حضرت رضا علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیده شد که می فرماید: (عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را می بینند)(۱۸۸) حضرت فرمود: به راستی که اعمال بندگان چه نیکوکاران و چه بدکاران هر صبحگاه بر رسول خدا صل الله علیه و آله عرضه می شود پس بترسید و بر حذر باشید.

حدیث :

۹۰۲ - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان اعمال العباد تعرض علی نبیکم کل عشیة خمیس فلیستحی احدکم ان یعرض علی نبیه العمل القبیح .

ترجمه :

۹۰۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که اعمال بندگان هر شامگاه پنج شنبه بر پیامبر شما عرض می شود پس هر کس از شما از اینکه بر پیامبرش عمل زشتی از او عرضه شود باید شرم داشته باشد.

حدیث :

۹۰۳ - عن حفص بن البختری و غیر واحد قال : تعرض الاعمال یوم الخمیس علی رسول الله صلی الله علیه و آله و علی الائمة علیه السلام .

ترجمه :

۹۰۳ - از حفص بن بختری و عده ای دیگر از راویان روایت است که : اعمال در روز پنج شنبه بر رسول خدا صل الله علیه و آله و ائمه علیه السلام عرضه می شود.

حدیث :

۹۰۴ - عن برید العجلی قال : کنت عند ابی عبدالله علیه السلام فسألته عن قول الله عزوجل (اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون) قال : ایانا عنی .

ترجمه :

۹۰۴ - برید عجلی گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که از ایشان درباره گفتار خدای عزوجل پرسیدم که می فرماید: (عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنین عمل شما را می بینند)(۱۸۹) حضرت فرمود: خداوند در این آیه از (مومنون) ما را اراده کرده است .

حدیث :

۹۰۵ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال فی قوله تعالی اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون قال : هم الائمة علیه السلام .

ترجمه :

۹۰۵ - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید: (عمل کنید که زود باشد خداوند و رسول او و

مومنین عمل شما را ببینند)(۱۹۰) فرمود: مراد از (مومنون) ائمه علیه السلام می باشند.

حدیث :

۹۰۶ - عن برید العجلی قال : قلت لابی جعفر علیه السلام (اعملوا فیسری الله عملکم و رسوله و المومنون) فقال : ما من مومن یموت و لا کافر فیوضع فی قبره حتی یعرض عمله علی رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علی و هلم جرا الی آخر من فرض الله طاعته علی العباد.

ترجمه :

۹۰۶ - برید عجلی گوید: برای امام باقر علیه السلام این آیه را خواندم که : (عمل کنید که به زودی خداوند و رسولش و مومنین عمل شما را می بینند)(۱۹۱) حضرت فرمود: هیچ مومن و کافری نیست که بمیرد و در قبرش نهاده شود مگر اینکه عملش بر رسول خدا صل الله علیه و آله و بر علی علیه السلام و همینطور تا آخر بر همه آنانی که خداوند طاعت آنان را بر بندگان واجب ساخته است عرضه می شود.

حدیث :

۹۰۷ - عن ابی بصیر قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : یقول الله عزوجل (و قل اعملوا فیسری الله عملکم و رسوله و

المومنون) ما المومنون ؟ قال : من عسی ان یکون الا صاحبک ؟

ترجمه :

۹۰۷ - ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : در گفتار خداوند عزوجل که می فرماید: (و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را می بینند)(۱۹۲) مراد از مومنان چه کسانی است ؟ حضرت فرمود: چه کسی جز همین همدم تو امید آن می رود که مقصود از (مومنون) باشد؟ (یعنی مراد از مومنون ما اهل بیت پیامبر هستیم).

حدیث :

۹۰۸ - عن عبدالله بن ابان قال : قلت للرضا علیه السلام : ادع الله لی و لموالیک فقال : و الله انی لاعرض اعمالهم علی الله

فی کل خمیس .

ترجمه :

۹۰۸ - عبدالله بن ابان گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: خداوند را برای من و دوستداران بخوان (و ما را دعا کن) حضرت فرمود: به خدا سوگند که من اعمال شما را در هر پنجشنبه به پیشگاه خداوند عرضه می‌کنم.

حدیث:

۹۰۹ - عن عبدالله بن ابان قال: قلت للرضا عليه السلام ان قوما من مواليك سالوني ان تدعوا الله لهم فقال و الله اني لا عرض اعمالهم على الله في كل يوم.

(ثم كتاب الجهاد بقلم مولفه محمد الحر)

ترجمه:

۹۰۹ - عبدالله بن ابان گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: همانا گروهی از دوستداران شما از من درخواست نموده‌اند که (به شما عرض کنم) برای آنان در درگاه خداوند دعا کنی، حضرت فرمود: به خدا سوگند که من در هر روز اعمال آنها را بر خداوند عرضه می‌کنم.